

روایت **محمد رضا باهنر** از سیاست ایران

روحانی باید رئیس جمهور نظام بماند

اصلاح طلبان می‌خواهند پرونده خودشان را از روحانی جدا کنند / اگر اصولگرایان طرفدار روحانی شوند، او تازه به جای خود بازگشته است / هم مذاکره، هم درگیری نظامی با آمریکا بعید است / عکسی که از جلسه مجمع بیرون آمد لحظه‌ای گیری درباره سپنتا نیکنام بود / چمنای باید اصلاح شود

محافظه کاران عملگرا

حزب نزدیک به علی لاریجانی در کجای سیاست ایران قرار می‌گیرد؟

فراگیری حزب مابیشتر از

اعتدال و توسعه است

گفت‌وگو با بهروز نعمتی

دیپلماسی پنهان

در شرایط بحران

آیا امکان مذاکره میان ایران و آمریکا وجود دارد؟

زنگنه چگونه ماندنی شد؟

روایت‌های پشت پرده از تغییرات کابینه

حسن نیت تهران

آیا امکان بازسازی روابط ایران-عربستان وجود دارد؟

قدرت مصلحت

رای مثبت به حضور سپنتا در شورای شهر چه معنایی داشت؟

معرفی لاریجانی به بخش پایین جامعه کار سختی است
گفت‌وگو با عباسعلی منصوری آرانی



امکان مذاکره وجود ندارد
صادق زیباکلام

اصلاح طلبان بتوانند لاریجانی را حذف می‌کنند
گفت‌وگو با بیژن مقدم



نباید مقابل آمریکا انعطاف نشان دهیم
محمد مرندی





همراه اول

www.mci.ir



۱۰۰٪ معتبر

فروش ویژه سیم کارت‌های دائمی همراه اول
تمديد شد

♦♦ اهـزار تومان

ایرانول



روغن موتورهای ایرانول با بالاترین سطح کیفی
و پیشرفته ترین فرمولاسیون جهانی

ایرانول کیفیت برتر

www.iranol.ir

واحد فروش: ۸۸۲۱۲۹۹۹



۲۳ سال

زنجیره ای از خرید و خاطره



هر شب قرعه کشی زنده • یک برلیانس کراس • بعد از خبر ساعت ۲۲ شبکه ۳



www.refah.ir



myrefah



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و کذلک جعلناکم اُمّةً وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس
و یکتون الرسول علیکم شهیداً

هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی با رویکرد خبری، تحلیلی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: **مصطفی آجورلو**

سردبیر: **سعید آجورلو**

ملت‌ها بیدار شدند و بیدارتر می شوند. خود ما متوجه باشیم که کارهایی انجام بدهیم و طریقه‌هایی را انتخاب کنیم که به طور سلامت با هم برخورد کنیم. اگر هم اشکال داریم، مثل اشکال طلبه‌های مدرسه با هم رفتار کنیم، دوستند با هم، خوب! آقایانی که بسیاریشان اهل مدرسه‌اند، دوست‌اند، رفیق‌اند، برادرند، سربیک می‌حشی داد و قال هم با هم می کنند، بعد از اینکه می‌باحثه تمام شد، با هم می نشینند جای می خوردند و دوستی می کنند. شما با هم دشمنی ندارید. شما همه یک مقصد دارید و آن این است که به آن چیزی که اسلام فرموده است برسید. امید است که برسید آن شاء الله. وقتی مقصد واحد باشد و مقصود همه یک

تفاهم با دوستان، مخاصمه با دشمنان

امروز اگر چنانچه خدای نخواستہ یک خللی وارد بشود در این جمهوری اسلامی، نمی دانید که با ما چه خواهند کرد، و می دانید آن شاء الله، باید هم بدانید. باید احساس خطر بکنید برای جمهوری اسلامی و همه احساس خطر بکنید. ما بین راه هستیم و نتوانستیم تا حالا آن که می خواهیم متحقق کنیم و تا همین مقداری هم که آمدیم، ملت‌ها متوجه شدند به ما،

خبرنامه

۶

سفر فوق محرمانه به تهران

«بن بست» نداریم

پذیرش قطعنامه عقلانی و مصلحت بود

۱۵

گفتارها

۱۶

قدرت مصلحت

نگرانی مشترک

هشدار انقلابی

۲۱

سیاست

۲۲

روحانی باید رئیس جمهور نظام بماند

محافظه کاران عملگرا

تکرار یک تردید؛ حزب علی لاریجانی

۳۵



نخبریه:

دبیر تحریریه: **مصطفی صادقی**

سیاست: **مصطفی صادقی (دبیر) - سیمجتبی جلال‌زاده**

بین‌الملل: **سعیده سادات فهری (دبیر)**

سیاست خارجی: **حنیف غفاری (دبیر)**

اقتصاد: **محمد مهدی صدرزاده (دبیر)**

دیدار: **افشین خماند (دبیر)**

ورزش: **مهدی ربوشه (دبیر)**

فرهنگ: **امیر خوش‌صحبان (دبیر)**

بازار: **محمد شکراللهی (دبیر)**

مشاور هنری: **نیما ملک‌نیازی**

مثلاً؛ هفته‌نامه‌ای خبری، تحلیلی است که سعی دارد در وایتی منصفانه و عادلانه از واقعیت‌ها ارائه دهد. نامش تمثیل و اشارات است به سه ضلع استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی. مرامش تقویت گفتمان انقلاب اسلامی، چارچوبش اسلام، انقلاب، امام و رهبری، آرمانش گسترش و سیادت اسلام‌خواهی در سراسر جهان و عزت مسلمانان، توسعه و پیشرفت ایران اسلامی و رفاه مردم شریف ایران و رونق گرفتن عدالت، مرزبانی و تألیف قلوب اهالی انقلاب و ایستادگی در برابر مقابله گفتمانی و عملی نظام و سیاق و مشرب‌مان نجات قلم و روزنامه‌نگاری مومنانه و تلاش در جهت رونق گرفتن سنت گفت‌وگو میان فرهیختگان و نخبگان کشور است. امیدواریم که در روایت‌مان صادق، بر مرام‌مان مستمّر و دائم، بر چارچوب‌مان مستقر، بر آرمان‌مان مومن، بر مرزهایمان مراقب و هوشیار و بر سیاق‌مان استوار بمانیم.



نه مقصد اسلامی می تواند داشته باشد، مقصد اسلامی نمی شود. یک وقت مباحثه است و مطلب را گفتن است و صحبت کردن، این البته باید باشد. باید معایب را گفت، باید دنبال مطلب رفت، باید نقایص را گفت، لکن روی هم رفته ما باید همه امور را بسنجیم، یعنی، وضع امری ما با دنیا و گرفتاری ما در دنیا و در کشور خودمان، با این وضع ما باید برخورد بکنیم، با این دید که مسائل را روی هم بریزیم و جنبه های مخالف و موافقش را با هم جمع بکنیم و درست تأمل بکنیم و تعمق بکنیم و آن وقت وارد کار بشویم.

مطلب باشد و آن اسلام، باید فکر بکنید که اگر یک صحبتی بر خلاف باشد که یک وقت خدای نخواست به حیثیت جمهوری اسلامی صدمه بزند، از آن جلوگیری کنید، خودتان را بازدارید از او. در عین حالی که در همه جا باید مناقشه باشد، لکن مناقشات طلبگی، مناقشات علمی، در محضر علمای بزرگ هم مثل میرزای شیرازی که دو تا درس از قراری که برای من نقل کردند دو تا درس ایشان می گفتند و پنج ساعت هم طول می کشید، همه داد و قالاها بوده است، اما مخاصمه نبوده، مباحثه بوده. یک وقت مخاصمه هست، این طرف می خواهد او را بگوید، آن طرف می خواهد او را بگوید، این، نه راه اسلام است،

سیاست خارجی

۴۰

اتمام حجت
حسن نیت تهران
پیش شرطی برای گفت و گو با ریاض

۴۶



بین الملل

۴۴

دیپلماسی پنهان در شرایط بحران
حرکت زیگزاگی واشنگتن
پاسخ متقابل

۴۹



ورزش

۵۰

وقتی وزیر دست به مهره شد
آغاز عصر عملگرایی در باشگاه استقلال
حمله کیهان به عادل

۵۵



طراح جلد: مصطفی مرادی



با تشکر از: دکتر دارابی - دکتر آیتاله ابراهیمی - دکتر عیسی رضایی
مهندس صدوقی حسین محمد پورزندی - محمدابراهیم محمد پورزندی
حسین مجاهدی - حاج آقا توکلی - علیرضا حسن زاده - هادی انباردار

سازمان آگهی ها: تلفن: ۸۵۰۵۸۴۸ - ۰۹۱۲

چاپ: هنر سرزمین سبز - پردازش تصویر رایان

توزیع: نشر گستر امروز

نشانی: تهران، خیابان شهید عباسپور (تواثیر)، خیابان نظامی گنجوی،

کوچه پناه، پلاک ۱۹

تلفن: ۸۸۱۹۸۲۰۷

شماره پیامک: ۳۰۰۴۱۱۷۱۱

گرافیک و صفحه آرایی: فاطمه فتائی - علی آجورلو
افشین جم و محمد محمودی
پردازش تصاویر: هومن سلیمیان
عکس: عدنان جعفری و محمد برنو
ویرایش: ژیل شاکری - امیر عزیزی، نرگس حاجیلو و فاطمه پورمهر
حروفچینی: وحیده قاسمی - علی حشمتی
مدیر مالی: محمدرضا پالیزدار
سازمان آگهی ها: محمد شکراللهی
بازرگانی و بازاریابی: محمد علی آجورلو
امور اداری: علیرضا اسدالهی - علی اکبر پیمانی
انفورماتیک: شهرام زحمتی
ناشر چاپ: پاپک اسکندرنیا



سفر فوق محرمانه به تهران

خبر هفته نامه مثلث در مورد جزئیات توافقات وین تایید شد



«بن بست» نداریم

پرونده سپنتا نیکنام با تصمیم مجمع تشخیص حل شد

سردار دهقان:

پذیرش قطعنامه عقلانی و مصلحت بود





سفر فوق محرمانه به تهران

خبر هفته‌نامه مثلث در مورد جزئیات توافقات وین تایید شد

در حالی که رایزنی‌های فشرده برای تعیین تکلیف توافق هسته‌ای ادامه دارد، خبرگزاری رویترز، خبر هفته‌نامه مثلث را در مورد بخشی از توافقات صورت گرفته در مذاکرات وین را تایید کرده است.

هفته‌نامه مثلث در خبری اختصاصی در مورد جزئیات توافق وین نوشته بود که موافقت شده است که یک میلیون بشکه نفت ایران از طریق روسیه در ماه به فروش برسد. در این میان البته حرف و حدیث‌ها در مورد اینکه در قبال دریافت این نفت به ایران ارز تعلق خواهد گرفت یا کالا تبدیل به یک موضوع پرحاشیه شده است. در واکنش به این اظهارنظرها محمدجواد ظریف در رابطه با برخی گزارش‌ها و اظهارنظرهای مبنی بر احتمال تبادل نفت با کالا میان ایران و روسیه گفته است: «اینها بخشی از بسته بزرگتری از همکاری ایران و روسیه است که شامل فعالیت‌های بسیار و سرمایه‌گذاری توسط روسیه در بخش انرژی ایران، مشارکت این کشور در فعالیت‌های زیرساختی ایران و تعامل بین دو طرف در حوزه تجارت و نفت می‌شود. این بسته همکاری بزرگی است که ما با روسیه داریم. اما من بر این باور نیستم که بخشی از آن بسته، فروش یا دادن نفت به روسیه و دریافت کالا در قبال آن است. این بسته بسیار بزرگتری است و شامل موارد دیگری می‌شود: از جمله امکان همکاری در حوزه انرژی بین ایران و روسیه و همچنین امکان اینکه ایران پول نقد دریافت کند.»

در همین حال نماینده روسیه در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفته است: «نشست بعدی اعضای برجام در سطح وزیران اواخر ماه سپتامبر (اوایل مهرماه) در نیویورک برگزار می‌شود.» احتمالاً این نشست در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک برگزار می‌شود. چهارم خردادماه نشست کمیسیون مشترک برجام به درخواست ایران و در سطح مدیران سیاسی و معاونان وزرای خارجه ایران و ۴۰۱ (آلمان، انگلیس، فرانسه، روسیه و چین) به ریاست سیدعباس عراقچی، معاون سیاسی وزیر امور خارجه و هلگا اشمید، معاون فدریکا موگرینی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و با حضور یوکیا امانو، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در هتل کوپورگ وین برگزار شد. اردیبهشت‌ماه امسال دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکایی اعتنا به خواست‌های مکرر متحدان اروپایی خود از توافق هسته‌ای که حاصل ۱۲ سال مذاکره بود خارج شد و تحریم‌های هسته‌ای ایران را بازگرداند. تحریم‌هایی که در دو بازه زمانی ۹۰ و ۱۸۰ روزه اجرایی خواهند شد. به گفته مدیر سیاست‌گذاری وزارت خارجه آمریکا تحریم‌هایی که

از ۱۳ مرداد به اجرا گذاشته می‌شوند بخش خودرو و تجارت طلا را هدف قرار می‌دهد. تحریم‌های آبان ماه نیز مربوط به تبادلات بانکی بوده و بخش انرژی ایران را هدف قرار می‌دهد.

سفر فوق محرمانه به تهران

اما چهار روز بعد از دیدار پوتین و ترامپ در هلسینکی، نماینده ویژه رئیس‌جمهوری روسیه به تهران آمد تا گزارش جامعی درباره آن دیدار به تهران ارائه کند. در تهران، برخلاف اغلب اوقات، این بار معاون دبیر شورای عالی امنیت ملی میزبان نماینده ویژه پوتین بود. سعید ابروانی، معاون شمشانی، در این دیدار که حدود دو ساعت طول کشید، از سرعت عمل رئیس‌جمهوری روسیه در اعزام نماینده ویژه به تهران تشکر کرد. نماینده رئیس‌جمهور روسیه در امور سوریه گفت: «پوتین بازگشت تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران را به عنوان نقض برجام تلقی می‌کند.» او همچنین تأکید کرد: «ولادیمیر پوتین در دیدار با دونالد ترامپ، همتای آمریکایی خود، اقدام یکجانبه آمریکادار اعمال تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران را بسیار غیرسازنده دانسته است.» رئیس‌جمهوری روسیه تنها چند روز بعد از ملاقات هلسینکی، نماینده خود را عازم تهران کرد تا مقامات تهران را در جریان آنچه در فلاتاند گذشته است، قرار دهد. نماینده ویژه پوتین در دیدار با معاون علی شمشانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، گفت: «روسیه خود را متعهد به پشتیبانی از توافقات بین‌المللی دانسته و بر اجتناب کشورها از یکجانبه‌گرایی و بهره‌گیری از ابزارهای اقتصادی و تجاری برای تحمیل اراده سیاسی به کشورهای دیگر تأکید دارد.» لاوتنتیف در ادامه به مواضع روشن و قاطع روسیه در قبال برجام اشاره بر ضرورت پایبندی و اجرای تعهدات پذیرفته‌شده از سوی همه کشورها تأکید کرد و افزود: «رئیس‌جمهور روسیه اعمال تحریم‌های یکجانبه علیه ایران را مغایر با توافق نامه بین‌المللی برجام می‌داند و در گفت‌وگوهای اخیر با رئیس‌جمهور آمریکا نیز بر غیرسازنده و زیان‌بار بودن این اقدام تأکید کرده است؛» موضعی حمایتی که روسیه و چین در کنار اتحادیه اروپا از زمان خروج آمریکا از برجام، همواره بر آن تأکید کرده‌اند.

تهران ناراضی است

در تازه‌ترین تحول محمدجواد ظریف در مصاحبه با یورو نیوز گفته است: «ما بسته‌ای دریافت کردیم که رضایت‌بخش نبود. اکنون در حال همکاری با اروپایی‌ها هستیم. در حالی که ما مشغول صحبت هستیم، همکاری‌ها

در جریان است. برای آزمودن امکان [حفظ توافق] به اروپا فرصتی داده‌ایم. از سوی اروپا، شاهد تعهد سیاسی بوده‌ایم. ما [همچنین] شاهد اقدامات فنی بوده‌ایم که ارائه شده است. اما اینها کافی نیست. دو چارچوب زمانی مشخص وجود دارد؛ اولی چارچوب زمانی اولین دسته از تحریم‌های آمریکا است که در ماه آگوست (مرداد) اجرایی شود و چارچوب زمانی دیگر، دومین دسته از تحریم‌های آمریکا است که در ماه نوامبر (آبان) اجرایی شود و ما خواهیم دید که اروپا چطور با آن دست و پنجه نرم می‌کند و کاملاً مطابق با آن، پاسخ خواهیم داد و برنامه مشخصی برای آن داریم.» ظریف در پاسخ به این سوال که شما به چه تضمین‌هایی احتیاج دارید؟ گفته است: «شاهد هستیم که برخی از شرکت‌های اروپایی تحت فشار آمریکا و تحت فشار جو روانی که آمریکا سعی کرده به وجود بیاورد، شروع به خروج از ایران کرده‌اند. اروپایی‌ها باید با این مساله مقابله کنند، البته اگر آنها واقعا علاقه‌مند به حفظ توافق اند. اگر واقعا شرکای اروپایی ما چنین اعتقادی دارند و دنبال چنین موضوعی هستند باید برای حفظ آن آماده هزینه کردن باشند. ایران نباید تنها طرف حاضر در توافق باشد که هزینه کرده است، ما باید شاهد فعالیت و تبادلات بانکی و افتتاح حساب باشیم. باید شاهد این باشیم که شرکت‌های متوسط و کوچک تجاری به ایران بیایند و با شرکایشان در بخش خصوصی تعامل کنند و موارد مشابه دیگر.»

تهران شکایت کرد

در تحولی دیگر دیوان بین‌المللی دادگستری سه شنبه با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که ایران در این دادگاه بین‌المللی که در هلند واقع شده است، شکایتی را علیه آمریکا به دلیل بازگرداندن تحریم‌های ایران ثبت کرده است. در این بیانیه آمده است: «جمهوری اسلامی ایران شکایتی را علیه آمریکا در رابطه با نقض پیمان مودت، حقوق کنسولی میان دو کشور و روابط اقتصادی که در ۱۵ آگوست سال ۱۹۵۵ میان دو طرف امضا و ۱۶ ژوئن ۱۹۵۷ وارد فاز اجرایی شد، در دیوان بین‌المللی دادگستری به ثبت رسانده است.» بنا بر این بیانیه، شکایت ایران در رابطه با بازگرداندن همه‌جانبه تحریم‌های آمریکا و نیز اقدامات محدودکننده که به طور مستقیم یا غیرمستقیم شرکت‌ها یا افراد ایرانی را هدف قرار می‌دهد و بیشتر با امضای توافق هسته‌ای برداشته شده بود، است. محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان در پیامی توییتی با اعلام این خبر نوشت: «ایران در مقابل توهمین آمریکا به تعهدات حقوقی و دیپلماتی، به حاکمیت قانون پایبند است. لازم است که با عادات آمریکا در نقض قوانین بین‌المللی مقابله شود.»

بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان هم به تشریح جزئیات بیشتری درباره توثیق ظریف پرداخت و تصریح کرد: «به منظور ترمیم و جبران اعمال غیرقانونی آمریکا در وضع تحریم‌ها علیه کشورمان و احقاق حقوق ملت ایران و پیگرد بین‌المللی اعمال متخلفانه ایالات متحده، وزارت امور خارجه با مشارکت مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری و هماهنگی سایر دستگاه‌های ذی‌ربط، مسأله شکایت از ایالات متحده به دلیل نقض تعهدات بین‌المللی و مشخصاً عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی سال ۱۳۳۴ نزد دیوان بین‌المللی دادگستری را در دستور کار قرار داد و پس از اخذ نظرات و کلا و مشاوران حقوقی بین‌المللی ایرانی و خارجی، دادخواست نهایی حاوی شکایت جمهوری اسلامی ایران از نقض معاهده مودت، در تاریخ ۲۵ تیر ۱۳۹۷ به ثبت رسید.» یکی از مقامات وزارت خارجه آمریکا در گفت‌وگو با یک خبرگزاری در رابطه با اقامه دعوی ایران علیه آمریکا گفت: «این دادخواست فاقد ارزش لازم است و آمریکا با آن در دیوان بین‌المللی دادگستری مقابله خواهد کرد.»

پذیرش قطعنامه عقلانی و مصلحت بود

۲۹ تیر ۶۷ ایران قطعنامه ۵۹۸ را به طور رسمی پذیرفت اما امام (ره) از آن تعبیر به «نوشیدن جام زهر» کرد. شاید برخی از توصیف امام برداشت کنند که ایران از سر ضعف قطعنامه را امضا کرد اما سردار حسین دهقان، وزیر دفاع دولت یازدهم و مشاور فرماندهی کل قوا در صنایع دفاعی ضمن رد این دیدگاه می گوید: «همواره بحث ما این بود که هر نوع ختم جنگی باید با همراه «خروج نیروهای اشغالگر از سرزمین ایران» و «تنبیه و اعلام متجاوز» باشد. قطعنامه ۵۹۸ تقریباً این خواسته ها را در درون خود داشت. فقط طرف پیروز را مشخص نکرد چون استراتژی آمریکا مهار دو جانبه بود... او می گوید گرچه از جنگ خیلی مسائل گفته شده اما همچنان ناگفته های شنیدنی دارد که البته هیچ گاه رسانه ای نخواهد شد و در قلب رزمندگان محفوظ می ماند و با فوت آنها زیر خاک می رود. سردار حسین دهقان گفت وگویی با سایت خبرآنلاین داشته است که ناگفته های مهمی را در این مورد اعلام کرده است. امام برای امضای قطعنامه ۵۹۸ تعبیر جام زهر را به کار برد، این سوال برای نسل جوان وجود دارد که تدوین و صدور این قطعنامه از سوی سازمان ملل، نتیجه قدرت نظامی یا تدبیر دیپلماتیک ایران بود؟

خب، باید به آن زمان برگشت. زمانی که در ایران انقلابی رخ داد و رژیم پهلوی ساقط شد و با این اتفاق عملاً آمریکا ژاندارمش را در منطقه از دست داد، بنابراین اولین پیام سقوط رژیم پهلوی خلاء قدرت در منطقه بود و حالا این خلاء قدرت باید به نوعی پر می شد. نظام جدید استقرار یافته در ایران با شعار «نه شرقی نه غربی» همه قدرت های سلطه گر را نفی کرد و پیام رهایی، استقلال و آزادی برای دنیا به ارمان آورد. امام خیلی سریع کار شد تمامی ارکان سیاسی لازم برای اقامه یک دولت قدرتمند را در کشور با اتکا به آرای مردم مستقر کند و بر اثر مقابله ای که صورت گرفت، تمامی جریان های داخلی عامل ناامنی یا تأثیرپذیر از خارج تسلیم یا از میان برداشته شدند. طبیعتاً آمریکایی ها، اسرائیلی ها و کسانی که در منطقه و فرمانطقه با رژیم پهلوی بودند، تحمل استقرار نظام جمهوری اسلامی و ریشه دوانی اش را نداشتند، لذا صدام را به عنوان یک عامل به کار گرفتند تا نظام جمهوری اسلامی ایران را براندازی کند و اگر قادر به براندازی نشد، ایران تجزیه و تضعیف شود تا دایره شعاع نفوذ این انقلاب و نظام به جغرافیای خود ایران محدود بماند اما جنگ درست نقطه مقابل همه اینها را به نمایش گذاشت. از یک طرف جنگ منجر به این شد که نظام را پایه هایش را تحکیم و ملت توانمندی ها و داشته های خود را باور کند. جنگ باعث شد که مدیریت کشور به اعتماد به نفسی برسد که می تواند به مدیریت بزرگترین بحران ها بپردازد. او در بخشی از این مصاحبه گفته است: «یک زمانی بنا بود صدام طرف پیروز جنگ باشد. این رویکرد تا عملیات والفجر ۸ و کربلای ۵ وجود داشت ولی از اینجا به بعد مطرح شد که جنگ طرف پیروز نباید داشته باشد؛ نه ایران و نه عراق. اما موقعیت ها و موقعیت هایی که مادر جنگ به دست آوردیم، منجر به این شد که قطعنامه ۵۹۸ را آمریکایی ها به نوعی بر مبنای خواسته های ما برای پایان دادن به جنگ تنظیم کنند. از همان اول هم بعضاً واسطه ها و حتی خود سازمان ملل و شورای امنیت سازمان ملل در هفته اول جنگ یاد ر مقاطع کوتاهی بعد از شروع جنگ آمدند و حرف از آتش بس زدند تا بنشینند و موضوع را بررسی کنند اما هیچ وقت جمهوری اسلامی این را نپذیرفت. ما همواره بحث مان این بود که هر نوع ختم جنگی باید با همراه «خروج نیروهای اشغالگر از سرزمین مان» و «تنبیه و اعلام متجاوز» باشد. قطعنامه ۵۹۸ تقریباً این خواسته ها را در درون

خود داشت. آن زمان هیچ قسمتی از خاک ما در اختیار عراق نبود و سازمان ملل حاضر به پذیرش صدام به عنوان متجاوز و تعیین غرامت برای جبران خسارت وارده بر ایران شد، لذا پذیرش قطعنامه از این نظر یک اقدام طبیعی بود. در مجموع باید بگویم پذیرش قطعنامه چند دلیل روشن دارد: یک) تثبیت تمام عیار نظام توانمند و مستقل جمهوری اسلامی ایران. دو) دفع تجاوز و معرفی متجاوز. سه) محکوم کردن متجاوز از سوی سازمان ملل و تعیین پرداخت غرامت برای جبران خسارت ناشی از تجاوز نظامی به کشور ایران. پس آنچه می توانست برایمان مطرح باشد، به دست آوردیم اما آن اصل کلی بر این فضا حاکم است که جنگ نباید طرف پیروز داشته باشد. یعنی بحث مهار دو جانبه مطرح شد نه عراق و نه ایران. مداخله مستقیم آمریکایی ها برای زدن هوپامای ایرباس و سکوها ی نفتی برای این بود که این جنگ بیشتر ادامه پیدا نکند. زمانی می گفتند صحنه جنگ شبیه رقابت دو کشتی گیر شده که یک طرف گوشش به ساعت و سوت داور است اما کشتی گیر دیگر تلاش می کند طرف مقابل را ضربه یفی کند یا به شکست کامل بکشاند. در اینجا دیگر برای برخی قابل قبول نبود که صدام شکست کامل را توسط ما متحمل شود، پس سعی می کردند که سوت پایان را بکشند و این کشتی در یک وضعیت نسبتاً با امتیاز برابر تمام شود. به اعتقاد من قطعنامه به نفع جمهوری اسلامی ایران بود.»

وی در ادامه به این سوال که اگر به نفع ایران بود، پس چرا پذیرش آن، تعبیر به نوشیدن جام زهر شد؟ گفته است: «این بالاترین سطح پذیرش مسئولیت حضرت امام است. یعنی امام با پذیرش قطعنامه مسئولیت هر آنچه را تا آن روز در جنگ انجام شد پذیرفت و اجازه نداد حتی احدی از فرماندهان و مسئولان متهم شود. در همین رابطه به تازگی مطالبی از زبان خانم حضرت امام نقل شد. ما در سایه این جنگ بیش از صد تا دویست هزار شهید دادیم. بالای ۷۵ درصد از شهیدان زیر ۲۵ سال سن داشتند. یعنی یک قشر عظیم انسانی توانمند مثل خرازی، باکری، زین الدین و همت پرانگیزه که می توانست پشتوانه ادامه حرکت عظیم مردم باشد. جنگ را با پیروزی ختم کردیم ولی هزینه های انسانی عظیمی دادیم. هزینه های مادی همیشه قابل جایگزینی است اما برای هر شهیدی که بر زمین افتاد، احساس تاسف داریم و غصه می خوریم و حتماً تحملش سخت است. حتماً همه بچه هایی که شهید شدند می خواستند یک روز پیروزی را با امام جشن بگیرند. حتماً در ذهن همه بود که یک روزی نماز جمعه را با حضرت امام در قدس برگزار کنند. این آرمان های بزرگ و جاذب در ذهن رزمندگان وجود داشت. نسبت امام و رزمندگان، پدر و فرزندی، مرید و مرادی در سطح بالا بود که با پذیرش قطعنامه، جدایی و فصل از آن آرمان ها برایشان خیلی سخت بود.» سردار دهقان در پاسخ به سوال مهمی مبنی بر اینکه «سردار دهقان در اخیر شاهد عوالمی سیاسی هستیم و گفته می شود دولت وقت پای کار جنگ نبود، به

همین دلیل قطعنامه را پذیرفتیم.» اینگونه پاسخ داده است: «دوستان نظامی این حرف را می زنند. ولی سوال این است که یک جامعه گرسنه هم پای جنگ می ایستد؟ یک جامعه ناامن می تواند جنگ کند؟ باید مردم را حفظ و تغذیه، سوخت و سازشان تأمین کنیم. مملکت باید سرپا باشد و بجنگد. نفت که به آن صورت صادر نمی کردیم، قیمت نفت هم که تقریباً با هزینه اکتشاف و استخراج و صادراتش برابر می کرد. چه منبع درآمدی داشتیم که می خواستیم مردم را اداره کنیم؟ طبیعی است که بیابیم بگویم صدام خودش هم رئیس دولت بود و هم فرمانده جنگ بود و هم با روحیاتی که داشت کشور را بسیج کرده بود. برای صدام چه محدودیتی ایجاد کردند؟ یک) در دسترسی منابع، دو) اختیارات گرفتن تجهیزات و سه) در فشار آوردن و نابود کردن ملتش و قتل عام. یکی گفت صدام ملت را به زور سرنیزه به جبهه می فرستد یا هرکس تمر کند از وزیر دفاعش بگیر تا بقیه را تا تیر می زند؟ حالا یک نفر در خیابان ما تصادف کند و سرش به جدول بخورد می گویند حقوق بشر در ایران نقض شده است. ما بعضی وقت ها فکر می کنیم همه چیز در اختیار ما بوده است.» سردار دهقان در ادامه در پاسخ به این سوال که شعار مورد تأیید حضرت امام «جنگ جنگ تا رفعت فتنه» بود اما آقای هاشمی آن شعار را به «جنگ جنگ تا یک پیروزی» تغییر داد. چرا؟ گفته است: آقای هاشمی در عملیات بدر گفت «اگر ما یک عملیات بزرگ موفق انجام دهیم به اتکال آن می توانیم مذاکره کنیم و جنگ را تمام کنیم و من حاضرم و آمادگی دارم مسئولیت این کار را بپذیرم». صریح باید بگویم که ما بچه های جنگ متوجه یک معنا نیستیم، برخی شعارها یا خطوط قرمز رهبری را تقلیل می دهند، فرومی آورند در سطحی که خودشان بفهمند و تحلیل کنند. این افراد در واقع رهبری را دارند از

بین می برند. وقتی امام سخن از جنگ تا رفعت فتنه را مطرح کرد، این آیه قرآن است. «لا تكون فتنه و تكون الدین لله». در واقع رسالت انسانی- الهی اسلام از ابتدا همین بوده است. شاید روزی باشد که پرچم لا اله الا الله را در دنیا به اهتزاز در بیاوریم. امام می فرمود «راه قدس از کربلا می گذرد» مگر کسی روی اینها تردید دارد؟ حالا می گویند شعار امام را به «جنگ جنگ تا یک پیروزی» تغییر دادند. اساساً سوال این است که اصلاً جنگ بدون استراتژی معنی دارد؟ استراتژی بدون توجه به امکانات و مقدرات و شرایط مفهوم دارد؟ اینکه گفته شود امکانات مان را بسنجیم و یک عملیات بزرگ تسبیح کننده انجام دهیم تا دنیا را به نقطه تسلیم برسانیم، حرف بدی نیست، مگر جنگ ذاتاً خوب است؟ اصلاً اگر جنگ بر ما تحمیل نشده بود ما فکر سقوط صدام را می کردیم؟ برخی می گویند ما دنبال این بودیم که به عراق برویم و چون اینجا انقلاب اسلامی شده اینجا هم انقلاب اسلامی بکنیم؟ چنین چیزی نبود. جنگی بر ما تحمیل شد، ما دفاع تجاوز و رفع تجاوز کردیم و دنبال تنبیه متجاوز بودیم که تکرار نشود. حالا سوال این است که بعد از جنگ کدام کشور همسایه یا خارج از مرز ما به خودش اجازه داد که جسارت کند و تصمیم به حمله علیه ما بگیرد؟ پس خود جنگ منجر به ایجاد یک فضای باز دزدگی شد.



زنگنه چگونه ماندنی شد؟

در حالی که همچنان بحث بر تغییر پیدا کردن کابینه داغ بود روز چهارشنبه با تغییر سیف اولین تصمیم دولت در این مورد اجرایی شد. بر اساس مصوبه هیات وزیران همتی جایگزین سیف در بانک مرکزی شد.

در این میان شنیده می شود که بیژن زنگنه از جمله گزینه های قطعی تغییر بوده است. گویا حسن روحانی با او جلسه ای داشته و گایه هایی را در مورد نوع مواجهه زنگنه با تحریم ها داشته است. او همچنین از عدم پذیرش برخی توصیه ها توسط زنگنه نیز گایه کرده است. گفته می شود چند روز بعد از این جلسه مجددا دیداری میان روحانی و زنگنه صورت می گیرد که زنگنه شرایط روحانی را برای ماندن در کابینه می پذیرد. از قرار معلوم زنگنه فعلا ماندگار شده است. دقیقاً در همین روز محمد باقر نوبخت هم به جمع خبرنگاران حاضر در حیاط هیات دولت آمد و گفت که از تمام سمت هایش در کابینه استعفا داده است. این استعفا البته زمان زیادی دوام نیافت.

ساعتی بعد ابتدا واعظی این خبر را تکذیب کرد و بعد از آن نوبخت به رسانه ها اعلام کرد که رئیس جمهور استعفا ی او را نپذیرفته است. به هر حال برخی منابع می گویند ممکن است نوبخت در پست دیگری در کابینه باقی بماند و بر همین اساس است که بحث بر گزینه های سازمان برنامه و بودجه بالا گرفته است. گزینه های متعددی برای این سمت مطرح شده اند از جمله علی طیب نیا. او دارای دکترای اقتصاد از دانشگاه تهران و از اساتید اقتصاد همین دانشگاه است. در کارنامه مدیریتی وی معاونت سازمان مدیریت و برنامه ریزی و وزارت اقتصاد در دولت یازدهم وجود دارد. بعد از او پورمحمدی است که نامش مطرح شده است. مهم ترین سمت های مدیریتی سیدحمید پورمحمدی گل سفیدی، معاون امور اقتصادی و هماهنگی برنامه و بودجه سازمان برنامه و بودجه، قائم مقام بانک مرکزی در دولت دهم و معاون بانک، بیمه و شرکت های دولتی وزیر اقتصاد در دولت نهم است. تحصیلات وی دکترای علوم اقتصادی از بلژیک است. به هر حال شنیده می شود برخلاف این گفته نوبخت مبنی بر اینکه همچنان به کار خود در سازمان برنامه و بودجه ادامه خواهد داد: رفتن او از این سازمان قطعی شده و پس از این او در دولت تنها عهده دار جایگاه «سخنگوی» خواهد بود. اما دیگر تغییر در کابینه که جابه جایی او به قطعیت رسیده است، در مورد «مسعود کرباسیان»، وزیر امور اقتصادی و دارایی خواهد بود. گفته می شود رفتن کرباسیان از این وزارتخانه قطعی شده است، اما او از کابینه جدا نخواهد شد، بلکه جایگزین یکی دیگر از وزیران (احتمالا وزیر صنعت، معدن و تجارت) خواهد شد که او نیز عملکرد مناسبی در وزارتخانه خود بر جای نگذاشته است.

البته خبرهایی هم در خصوص گزینه های جانشینی کرباسیان مطرح شده و گفته می شود «شاپور محمدی» به عنوان یک وزیر جوان که در ۴۴ سالگی کارنامه و رزومه سنگین اقتصادی دارد، به عنوان وزیر جدید امور اقتصادی و دارایی و جایگزین کرباسیان به مجلس معرفی خواهد شد. محمدی که اصالتا اهل شهرستان خدابنده استان زنجان است پیش از این مسئولیت هایی همچون ریاست سازمان بورس و اوراق بهادار، معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی دولت یازدهم را بر عهده داشته است. او دارای مدرک دکترای اقتصاد سنجی و توسعه است و با رتبه دانشیاری به عنوان عضو هیات علمی و مدیر گروه مدیریت مالی و بیمه دانشکده مدیریت دانشگاه تهران نیز مشغول به کار است.



نگاه هاشمی به بهشت

افشانی از شهرداری می رود؟

قانون منع به کارگیری بازنشستگان در مشاغل دولتی تصویب شد و حالا ۱۷۲ استاندار، ۸۰ معاون استاندار و ۱۲۰۰ مدیر دولتی باید به فکر شغل جدید باشند. بیش از همه اما رفتن افشانی به چشم می آید. هنوز سه ماه هم از بهشتی شدن محمدعلی افشانی نگذشته و حالا با تصویب این قانون کنار گذاشته خواهد شد.

البته در این مورد هنوز اختلاف نظرهایی وجود دارد. مثلاً محسن هاشمی رئیس شورای شهر تهران دیروز در جمع خبرنگاران گفته بود که این قانون شامل حال افشانی نمی شود. برخی دیگر از سیاسیون اما درست برخلاف هاشمی فکر می کنند. به عنوان مثال طیبیه سیاوشی، نماینده تهران در گفت و گویی تاکید کرده است که این قانون شامل حال شهردار تهران و رئیس سازمان صدا و سیما نیز خواهد شد. او توضیح داد: «خیلی ها در خود شهرداری و دستگاه های دیگر و نیز ۱۳، ۱۴ استاندار مشمول این قانون خواهند شد. در قانونی که تصویب شد، خود پست «شهردار» هم جزء استثناءها نیست.»

محسن هاشمی هیچ دلیلی برای این نظر که قانون مذکور شامل حال افشانی نمی شود ارائه نداده است و به نظر می رسد که گمانه رفتنی شدن او جدی تر است. حتی خود آقای شهردار نیز این را می داند و به همین خاطر هفته قبل در مواجهه با پرسش خبرنگاران در این باره گفت حالا باید رد تصویب شود. بعد. افشانی نگفت که این قانون شامل حال من نمی شود یا چیز دیگری

با این فرض که عمر شهرداری افشانی همین دو ماه و اندی باشد باید گمانه زنی ها را برای انتخاب شهردار بعدی آغاز کرد. لابی گری های اعتماد ملی و اختلاف نظر بین کارگزاران و اتحاد ملت هنوز فراموش نشده است و باید دید که احزاب اصلاح طلب این چالش احتمالی را چطور از سر می گذرانند. آیا سه عضو اعتماد ملی در شورا و حامیان بیرون از شورای آنها موفق می شوند بار دیگر گزینه مورد نظر خود را به دیگران بقبولانند؟ کارگزاران و اتحاد ملت از تجربه قبلی درس آموخته و بیشتر با هم کنار می آیند؟ رقبای افشانی در پروسه انتخاب شهر بار دیگر به صحنه خواهند آمد؟

سوالات دیگری نیز می توان پرسید اما ساده ترین سوال این است که جایگزین افشانی چه کسی است؟ محسن هاشمی یا دیگری؟ هرچه باشد رئیس شورای شهر تهران بعد از استعفا ی نجفی نیز نسبت به شهردار شدن بی میل نبود. اگرچه اصرار برخی از اعضای شورا و چهره های اصلاح طلبان بر برهم زدن ترکیب یکدست اصلاح طلب شورا نهایتاً موجب انصراف او شد اما تغییر اجباری شهردار یک بار دیگر گمانه تکیه زدن او بر این کرسی را جدی می کند.

رئیس شورای شهر دیروز در پاسخ به پرسش خبرنگاران در رابطه با اینکه امکان دارد دوباره شما به عنوان گزینه شهرداری تهران مطرح شوید، گفته بود: «چرا باید چنین موضوعی مطرح شود؟ شهردار تهران بر اساس نظرات شورا عملکرد خوبی دارد، اصلاً چنین موضوعی مطرح نیست.»

محسن هاشمی می گوید مطرح نیست اما باورش سخت است که مطرح نباشد. نام او حتماً در صدر فهرست کاندیداهای جایگزینی افشانی خواهد بود. مساله مبهمی که در گذر زمان روشن می شود این است که کارگزاران این بار از پس اعتماد ملی و اتحاد ملت بر خواهد آمد تا او را به بهشت بفرستد؟

بازداشت‌های پرماجرا

واکنش به سخنان آقای وزیر

در حالی که تلاش‌ها برای رسیدگی به عوامل فسادهای اقتصادی اخیر ادامه دارد، محسنی اژه‌ای خبرهای تازه‌ای از موج دستگیری متهمان داده است. او گفته: «براساس رسیدگی‌های انجام‌شده تعدادی از افراد در ارتباط با این حوزه‌ها دستگیر شدند و تا این لحظه ۱۳ نفر از دستگیرشدگان در بازداشت به سر می‌برند. پنج نفر از این افراد به صورت مستقیم در رابطه با پرونده ثبت سفارش بودند و علاوه بر این دلایل‌هایی هم شناسایی و دستگیر شدند.» محسنی اژه‌ای با اشاره به تخلفات انجام‌شده توسط برخی از افراد در حوزه توزیع ارز گفته است: «یکی از افراد بازداشت‌شده در این پرونده فردی است که به عنوان عامل بانک مرکزی ارز را دریافت می‌کرده ولی با مشارکت یکی از همکارانش مرتکب تخلفاتی شده است. البته باید دید که آیا بانک مرکزی از این تخلفات اطلاع داشته یا خیر. علاوه بر این دو صراف که ظاهراً دارای مجوز نیز بودند دستگیر شده‌اند و تخلفاتی را مرتکب شده‌اند از جمله اینکه با توجه به وظایف‌شان که می‌بایست ارز را از بانک گرفته و در جهت کنترل بازار به مشتریان خود بدهند، با اجاره روزانه کارت ملی به قیمت ۳۰ تا ۵۰ هزار تومان تخلفاتی را مرتکب شده و ارز را به دست مصرف‌کنندگان نمی‌رسانند.» محسنی اژه‌ای همچنین با اشاره به پرونده تخلفات در ثبت سفارش کالاها نیز گفت: «بعد از ۲۱ فروردین که ارز دولتی با قیمت ۴ هزار و ۲۰۰ تومان مصوب شد، بیش از ۵۰ میلیارد دلار ارز تخصیص یافته است و متأسفانه افرادی در مظان اتهام قرار دارند که این پرونده در حال رسیدگی است.» وی ادامه داد: «تخلفات رخ داده در این حوزه سه بخش است: یکی اینکه تعدادی از افراد به ازای ارز دولتی دریافتی، کالا وارد نکردند، کسانی که باید ارز را برای کالاهای خاص هزینه می‌کردند یا کالاهای دیگر یا برندهای دیگر را وارد کردند و دسته دیگر افرادی که ارز دریافتی را هزینه واردات نکردند. در بررسی‌های این پرونده ما از وزارت صنعت، معدن و تجارت پیگیری کردیم و آنها عنوان کردند که در اواخر سال ۹۶ و در تحقیقات اولیه خود در برج ۱۰ سال گذشته، به تخلفاتی در ثبت سفارش خودروها رسیده‌اند. علی‌رغم این اظهارات آنها یک سوال است که با توجه به اینکه شما به این تخلفات رسیده‌اید چه اقدامی کرده یا چه اقداماتی موثری داشته‌اید؟ البته آنها اعلام کردند بعد از تحقیقات اولیه خود، موضوع را هم به تعزیرات و هم به وزارت اطلاعات اعلام کرده و به صورت رسمی و طی نامه‌نگاری موضوع را مطرح کرده‌اند ولی در حال حاضر ما پیگیری این موضوع از تعزیرات و وزارت اطلاعات هستیم. ولی تحقیقات اخیر باز پرس ویژه نیروی انتظامی نشان می‌دهد یا این دو دستگاه به این مساله نرسیدند یا آن را به مقام قضایی اعلام نکردند. البته از وزارت صنعت معدن و تجارت یک سوال دیگر هم پرسیده می‌شود اینکه در برابر این تخلف چه برخوردی با کارمندان متخلف خود داشتند؟ آیا آنها را تعلیق کردند؟ آیا آنها را به دستگاه قضایی معرفی کرده‌اند؟ البته بعدتر یکی دو نفر از این کارمندان متخلف از این وزارتخانه منفک شده‌اند ولی منفک شدن کفایت نمی‌کند چرا که ممکن است این افراد احساس خطر کرده و خودشان استعفا داده باشند. افرادی می‌گفتند که در ثبت سفارش خودروها تخلفی صورت نگرفته است اما الان معلوم شده و خودشان هم قبول دارند که تخلف صورت گرفته است.» سخنگوی دستگاه قضا با اشاره به اینکه اکنون مدیرکل سازمان توسعه تجارت، معاون او و فرد مسئول ثبت سفارش و طراح سامانه در بازداشت هستند، افزود: «تاکنون ۵۷ شرکت متخلف در این خصوص در تحقیقات ابتدایی شناسایی شده‌اند که یکی پس از دیگری توسط باز پرس و با همکاری نیروی انتظامی احضار می‌شوند و از آنها تحقیق به عمل می‌آید تا مشخص شود که میزان واردات آنها چه مقدار بوده و چنانچه مفاسدی از قبیل رشوه و دیگر چیزها وجود دارد مشخص شود.»



پشت پرده یک نشست محرمانه

یک هیات آمریکایی به سرپرستی مارشال بیلینگسلی، معاون وزیر خزانه‌داری آمریکا و با هدف ادعایی جلوگیری از راه‌های کمک مالی به تروریسم وارد آنکارا شد. هدف این هیات، متقاعد کردن مقامات آنکارا برای همراهی در تحریم‌های احتمالی آمریکا علیه ایران اعلام شده است. اعلام خروج آمریکا از برجام از سوی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا موجب نگرانی و اعتراض مقامات آنکارا شده به طوری که دولت ترکیه اعلام کرده است که در تحریم‌های احتمالی اعلام‌شده آمریکا را همراهی نخواهد کرد. مولود چاووش اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه ماه گذشته در این زمینه با بیان اینکه آنکارا تصمیم آمریکا در تحریم علیه ایران را درست نمی‌داند، گفته بود: «اقدام یکجانبه ایالات متحده مبنی بر تحریم ایران و الزام کشورهای دیگر در تبعیت از تصمیم واشنگتن موضعی نادرست است. رویکرد آمریکا مبنی بر الزام کشورهای دیگر به پیروی از تصمیمات ایالات متحده و نیز منزوی کردن ایران و قرار دادن تهران در بن‌بست درست نیست و این اقدام بسیار خطرناک بوده و از حیث امنیت منطقه نیز حائز اهمیت است.» وزیر خارجه ترکیه همچنین گفته بود که تصمیمات گرفته‌شده با فشارهای اسرائیل در قبال ایران، بی‌اساس بوده و اشتباه است. دولت ترامپ تلاش دارد تا خرید نفت از ایران را به حداقل برساند و با توجه به مخالفت ضمنی مقامات آنکارا با این تصمیم و تامین بخش زیادی از نیاز نفتی ترکیه توسط ایران، مقامات آمریکایی تلاش دارند که ترکیه را برای همراهی با خود راضی کنند. ترکیه اعلام کرده است که خرید گاز طبیعی از ایران در فهرست تحریم‌های احتمالی آمریکا علیه ایران قرار ندارد. وزارت امور خارجه ترکیه جزئیاتی از مذاکرات طرفین در جریان مذاکره دیروز با هیات اعزامی آمریکا اعلام نکرده است. خبرگزاری آناتولی ترکیه به نقل از منابع دیپلماتیک درباره مذاکره هیات‌های ترک و آمریکایی در خصوص برقراری دوباره تحریم علیه ایران در پی خروج آمریکا از برجام اعلام کرد: «ترکیه فعالیت لازم را برای آسیب‌نزدیدن از اعمال تحریم علیه ایران را آغاز کرده است و در این راستا تماس با طرف‌های آمریکایی ادامه دارد.» به گزارش این رسانه روز گذشته رفعت حصاریچکی اوغلو، رئیس اتحادیه اتاق‌های بازرگانی و بورس‌های ترکیه در دیدار با این هیات آمریکایی گفت که تحریم آمریکا علیه ایران به ضرر کشورش خواهد بود. آنکارا نگران تأثیرات منفی احتمالی تحریم‌های واشنگتن علیه تهران بر اقتصاد ترکیه است. او با اشاره به آسان‌تر شدن تجارت با ایران بعد از اجرای برجام از سال ۲۰۱۵، بحث بر سر بازگشت دوباره تحریم آمریکا علیه ایران، مدت کوتاهی پس از اجرای برجام را موضوعی ناراحت‌کننده دانست و تأکید کرد: «ایران یکی از مهم‌ترین شرکای تجاری منطقه و همچنین یکی از تامین‌کنندگان اصلی انرژی ترکیه است. او با بیان اینکه ترکیه در گذشته نیز بیشترین آسیب را از تحریم علیه عراق و ایران متحمل شده، گفته است: «خواهان تکرار دوباره چنین اتفاقی نیستیم و به همین دلیل نیز معتقدیم که باید ضررهای احتمالی ترکیه در این زمینه برطرف شود. بر کسی پوشیده نیست که در دور قبلی تحریم‌ها علیه ایران، ترکیه از بازیگران منفی علیه تهران نبود. بنا به اعلام مقامات رسمی دو طرف، ترکیه در آن روزها نقش یک ناچی را برای ایران داشت. حالا اما شرایط متفاوت از گذشته است. آمریکای ترامپ سختگیرانه‌تر از هر دوره‌ای برای فشار به ایران مشغول تلاش است. دو موج تحریم‌هایی که در مردادماه و یکی در آبان‌ماه از تهدیدهای پیش‌روی ایران است. برخی منابع می‌گویند ترامپ لیستی از امتیازات برای ترکیه ارسال کرده است؛ از جمله اینکه به ترکیه برای رفع نگرانی در حوزه انرژی و عده‌هایی داده است. همچنین گویا تیم اعزامی آمریکا تلاش کرده است تا آنکارا را به عربستان نزدیک‌تر کند. در این مدت اما شکل روابط تهران و آنکارا هم تغییر کرده است. ایران زمانی که در ترکیه کودتا رخ داد، جانب اردوغان را گرفت و بعد از آن نشست‌های متعددی پیرامون مسائل منطقه در سطح سران دو کشور البته با حضور روسیه برگزار شده است. ترکیه این روزها دلایل متعددی دارد که تهران را به واشنگتن ترجیح دهد. اوضاع سوریه پس‌داغش، چالش‌های حوزه انرژی که توسط ایران تامین می‌شود، مباحث منطقه‌ای، مواجعه با عربستان که در جریان کودتا از عوامل پروژه سرنگون کردن اردوغان به‌شمار می‌آید و چند عامل ریز و درشت دیگر به نظر می‌رسد تهران چندان نگران آنکارا نیست.



اراده کنیم صدور نفت دنیا را می‌بندیم

فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با اشاره به تهدیدات آمریکا و اسرائیل گفته است: «آنان فقط حرف می‌زنند و جرات هیچ گونه مقابله با ایران را ندارند چرا که می‌دانند نظام جمهوری اسلامی قدرتمند به اراده مردم مسلمان خود است. رفتارها و حرف‌های این فرد مانند پهلوان پنبه‌ای است که در کاخ خود نشسته و فقط شعار می‌دهد.» سردار سرلشکر پاسدار محمدعلی جعفری افزوده است: «اینکه دولت آمریکا اعلام می‌کند تا چند ماه آینده اجازه نمی‌دهد قطره‌ای نفت از ایران خارج شود، رفتاری کاملاً خنده‌دار است و انگار نمی‌دانند تمام گلوگاه‌های جابه‌جایی نفتی در اختیار ایران است و هر لحظه اراده کند صدور نفت دنیا را می‌بندد.» سرلشکر جعفری به سخنان اخیر رئیس‌جمهور کشورمان اشاره کرده و گفته است: «مواضع اخیر نشان‌دهنده حرکت انقلابی دولت در مبارزه با دشمنان است و جای تقدیر فراوان دارد.» فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با بیان اینکه دشمن با ایجاد فتنه‌انگیزی در داخل کشور قصد دارد مردم را از مسئولان ناامید کند، گفت: «مردم در برابر فشارها ایستادگی می‌کنند و این مسائل اخیر نمی‌تواند ضربه‌ای به آرمان‌های نظام وارد کند چرا که ما مردمی با بصیرت داریم.»

داستان محمود



ماجرای چرایی رد صلاحیت محمود احمدی‌نژاد با گذشته بیش از یک سال از انتخابات همچنان محل بحث است. تازه‌ترین تحول در این مورد اظهارات سخنگوی شورای نگهبان و البته پاسخ متقابل احمدی‌نژاد است. عباسعلی کدخدایی در پاسخ به اینکه گفته می‌شد اگر احمدی‌نژاد بایاد انتخابات ۹۶ دوقطبی و بعد رد صلاحیت می‌شود، گفت: «این بحث دیگری است و دلایل عدم صلاحیت بحث دوقطبی بودن نیست، بلکه بحث‌های دیگری است که به موقع اعلام می‌کنیم.» او پیش‌تر هم گفته بود رد صلاحیت احمدی‌نژاد ربطی به توصیه مقام معظم رهبری به او نداشت و نظر شورای نگهبان تغییر نمی‌کند. کدخدایی با اشاره به اینکه ما اصلاً رد صلاحیت نداریم، بلکه شورای نگهبان کسانی را که واجد شرایط ریاست جمهوری هستند، معرفی می‌کند و نسبت به افراد دیگر اصلاً نظری نمی‌دهد، گفته بود: «اعضای شورا با توجه به جمع‌بندی‌ها نسبت به یک فرد رأی موافق یا مخالف خود را اعلام می‌کنند.» در بررسی صلاحیت‌های انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم برخی نسبت به عدم احراز صلاحیتشان اعتراض داشتند، مدارک و مستنداتی نیز توسط برخی افراد به شورا پس از اعلام صلاحیت‌ها ارائه شد، اما در قانون مرحله‌ای برای پس از آن پیش‌بینی نشده و نتایج اعلام شده قطعی است. یکی از شاخص‌های مهم مورد نظر اعضای شورای نگهبان مشارکت گسترده مردم در انتخابات است که این مهم همواره مورد تأکید مقام معظم رهبری نیز بوده است.

همزمان با بالا گرفتن مجادله کلامی میان مقامات ایران و آمریکا، گویا دو مشاور حسن روحانی نظر متفاوتی در مورد نوع مواجهه با ایالات متحده دارند. اکبر ترکان در باره صحبت حسام‌الدین آشنا که گفته «زمان مذاکره با آمریکای ضد ترامپ رسیده است»، گفته است: «اصطلاحاتی در ورزش کشتی وجود دارد که برای آسان‌سازی موضوع می‌گویم وقتی کسی روی پل است موقع گفت‌وگو و مذاکره نیست، مذاکره باید در سر پا باشد.» مشاور رئیس‌جمهور درباره میزان اثرگذاری لابی با آمریکایی‌های مخالف دولت ترامپ اظهار کرد: «الان مادر وضعیتی هستیم که باید مقاومت کنیم.» گفتنی است حسام‌الدین آشنا گفته بود زمان آن است که با آمریکای ضد ترامپ گفت‌وگو کنیم. حسام‌الدین آشنا و اکبر ترکان هر دو از مشاوران حسن روحانی هستند. حسن روحانی هفته گذشته در واکنش به سخنان و اقدامات ترامپ مواضع مقتدرانه‌ای اتخاذ کرده بود که این اظهارات با استقبال مقامات کشور نیز مواجه شد.

موقع گفت‌وگو نیست



انتقاد از مصاحبه‌های امیر انتظام

معصومه ابتکار گفت: «دانشجویان پیرو خط امام هیچ‌گاه درباره امیر انتظام در مقام قضاوت نبودند، بسیار متأسفم که عده‌ای خواستند این موضوع را القا و تاریخ را تحریف کنند.» عباس امیرانتظام که سال‌های طولانی را در زندان به سر برد دو هفته قبل فوت کرد. طی این مدت بحث‌های زیادی پیرامون اتهامات وی مطرح شد. برخی معتقد بودند که دانشجویان پیرو خط امام که به اسناد لانه جاسوسی دست پیدا کردند باعث زندانی شدن امیر انتظام به اتهام جاسوسی شدند و اکنون همین افراد برای وی مرثیه‌سرایی می‌کنند و علی‌رغم گذشت چند روز از فوت وی هنوز حرف‌و حدیث‌ها درباره این موضوع تمام نشده است. در همین زمینه معصومه ابتکار در پاسخ به این سوال که عباس امیر انتظام جاسوس بود یا مظلوم؟ به خبرنگار آلاین گفت: «تشخیص درباره این مساله بادرستگاه امنیتی و قضایی است.» وی با اشاره به برنامه خشت خام حسین دهباشی و گفت‌وگوی او با عباس امیر انتظام گفت: «افرادی برای القای موضوعاتی تلاش کردند که کاملاً دور از انصاف، جهت‌دار و دارای انحراف در تاریخ بود. معتقدم این بایک برنامه‌ریزی انجام شد، حالا از کجاشکل گرفت؟ بماند ولی بالاخره روزی واقعیت مشخص می‌شود. تاریخ نباید تحریف شود. واقعیت‌های تاریخ را باید بدانیم. دانشجویان پیرو خط امام هیچ‌گاه در مقام قاضی قرار نگرفتند، اگر هم اسنادی در سفارت آمریکا بود، همه در اختیار قوه قضائیه قرار گرفت.»



«بن بست» نداریم

پرونده سپنتا نیکنام با تصمیم مجمع تشخیص حل شد

اگر همه به قانون اساسی پایبند باشند، هیچ بن بستى در نظام به وجود نمى آید

محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام هم درباره بازگشت سپنتا نیکنام در توفیتر خود نوشت: «تصویب حقوق اقلیت‌ها در مجمع تشخیص مصلحت نظام نشان داد که بن بستى در نظام جمهوری اسلامی وجود ندارد. قبلا هم گفته بودم که اگر همه به قانون اساسی پایبند باشند، هیچ بن بستى در نظام به وجود نمى آید. قوای سه گانه بیش از دیگران باید به قانون اساسی پایبند باشند.» نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی

انتخابات شوراها و ریاست جمهوری سال ۹۶ برگزار شد. در یزد اما یک اتفاق ویژه افتاد. سپنتا نیکنام که در دوره قبل هم جزو نمایندگان شورای این شهر بود، مجدداً با ۲۲ هزار رأی از طرف مردم انتخاب شد؛ آن هم به عنوان نفر هفتم. اما شکایت علی اصغر باقری، یکی از نامزدهای شکست خورده در انتخابات، ورود نیکنام به شورا را با ابهاماتی مواجه کرد. باقری اعتقاد داشت که سپنتا نیکنام به دلیل زرتشتی بودن نمی تواند در شهری که غالب جمعیت آن را مسلمانان تشکیل می دهند، به نمایندگی انتخاب شود. دیوان عدالت اداری حکم به تعلیق نیکنام داد اما شورای شهر یزد با این حکم موافق نبود. پرونده راهی شورای نگهبان شد. شورای نگهبان هم با تأکید بر قانون شوراها و سخنرانی های حضرت امام (ره) و عدم امکان نمایندگی غیرمسلمانان در مناطقی که مسلمانان اکثریت را دارند، حکم به لغو عضویت نیکنام داد. عدم نظارت شورای نگهبان بر مصوبات شوراهای شهر جهت بررسی انطباق آن با موازین شرعی، تفاوت اصلی میان انتخاب نماینده غیرمسلمان در مجلس با شورا بود. اما این پرونده باز هم ادامه پیدا کرد. مجلس شورای اسلامی هم به عنوان نهاد بالادستی شوراها با نظر شورای نگهبان موافق نبود و موضوع به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع پیدا کرد. سرانجام، در جلسه سی ام تیرماه ۱۳۹۷ این مجمع، دوسوم اعضا به بازگشت به مصوبه ای رای دادند که زمینه حضور اقلیت های دینی در شوراهای شهر و روستا را فراهم می آورد.

پس از ابلاغیه دبیر شورای نگهبان، شکایت رقیب انتخاباتی نیکنام و صدور رای دیوان عدالت اداری سپنتا پشت درهای شورای شهر یزد ماند. با این حال، کمیته حقوقی هیات نظارت بر انتخابات شورای اسلامی شهر و روستا در استان یزد، هیات عالی نظارت بر انتخابات، رئیس شورای شهر یزد و مجلس تلاش کردند تا ماجرا برای سپنتا شکل دیگری رقم بخورد. در خلال این تلاش ها پیشنهاد شد که طرحی در مجلس به جریان بیفتد که در برخی شهرها تنها اقلیت های مذهبی بتوانند به کاندیدای خودشان رای دهند؛ طرحی که با انتقادات زیادی همراه بود. در نهایت اما قرار شد تا ماجرا در راستای احیای قانون مصوب سال ۷۵ با تبصره ای برای اجرایی شدن آن در صورت تصویب از دوره پنجم در دستور کار قرار گیرد؛ با این حال اگر چه تعداد امضای این طرح بالغ بر ۲۰۰ امضا بود در زمان رای گیری این عدد کاهش یافت و نشان داد که جریانی در مجلس هم تمایل دارد خطی خارج از پارلمان را دنبال کند که رغبتی به حضور سپنتا نداشت. با تمام این کش و قوس ها بالاخره طرح تصویب و به شورای نگهبان رفت؛ رفتنی که بازگشت در پی داشت و باعث شد این لایحه سر از مجمع درآورد. سرانجام پس از چند ماه انتظار که یک منبع آگاه جمعه شب به فارس گفته بود بازگشت نیکنام احتمالاً منتفی است و سپنتا نیکنام هم از روحانی خواسته بود در جلسه روز شنبه شرکت و از حقوق اقلیت ها دفاع کند بالاخره شنبه بعد از ظهر ماجرای حضور اقلیت ها در انتخابات شوراهای شهر تعیین تکلیف شد. «از تمامی هم وطنان عزیز، از همه مردم، رسانه ها، نمایندگان محترم مجلس، نمایندگان محترم شورا در شوراهای مختلف کشور، از دولتی های پیگیر از فعالان مجازی و حقیقی همگی تشکر می کنم. ماجرای من نشان داد اگر مردم در کنار هم باشند، نتیجه در راستای اتحاد ایرانیان است. اگر بخواهم یک جمله بگویم: من مفهوم باهم بودن مان پیروزی است را به خوبی درک کردم.»

شورای نگهبان اثری در آن ندارد. محمدجواد کولیوند، نماینده مجلس، هم گفته بود که نظر کمیسیون های سیاسی و قضائی مجمع تشخیص درباره سپنتا نیکنام تقریباً مثبت است و تصویب نهایی منوط به جلسه عمومی مجمع تشخیص مصلحت نظام است.

محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام همان زمان درباره علت این تعویق گفته بود: «برای حل پرونده سپنتا نیکنام مهلت رسیدگی به این پرونده را تمدید کردیم». به گزارش ایسنا، محسن رضایی با اشاره به اینکه در فروردین ماه مهلت سه ماهه رسیدگی به پرونده سپنتا نیکنام تمام شده بود، گفته بود: «اگر رسیدگی به آن را تمدید نمی کردیم، نظر شورای نگهبان قطعی و از دستور کار مجمع خارج می شد. با پیشنهاد این جانب و موافقت آیت الله شاهرودی تمدید رسیدگی که طبق آیین نامه حداکثر یک سال می تواند باشد، انجام شد». او یادآور



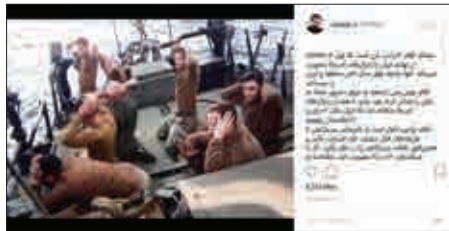
شده بود: «راه حل این نوع اختلافات به رأی دوسوم مجمع تشخیص مصلحت نظام نیاز دارد، به همین دلیل بین دو کمیسیون حقوقی و سیاسی مجمع جلسه ای مشترک گذاشتیم تا نظرات آنها به هم نزدیک تر شود.»

چه موادی اصلاح شد؟

در جلسه مجمع تشخیص مصلحت نظام طرح اصلاح مواد ۱ و ۴ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران، اختلافی میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان مورد بررسی قرار گرفت. اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام با بازگشت به قانون سال ۱۳۷۵ با اضافه شدن تبصره ۲ به ماده ۲۶ قانون مذکور و تصویب ماده ۴ مصوب مجلس شورای اسلامی موافقت کردند. بر اساس تبصره ۲ مصوب مجلس شورای اسلامی اقلیت های شناخته شده در قانون اساسی باید به جای اسلام به اصول دین خود اعتقاد و التزام عملی داشته باشند. همچنین ماده ۴ این طرح بر لازم الاجرا بودن این مصوبه از زمان برگزاری انتخابات دوره پنجم شوراهای اسلامی شهر و روستا تصریح دارد. بر اساس این مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام اقلیت های دینی می توانند در شوراهای اسلامی شهر و روستا نامزد و عضو شوند.

۲۴ دی ماه سال گذشته و در جریان بررسی بخشی از طرح دوفوریتی اصلاح قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران که از سوی شورای نگهبان رد شده بود، بر مصوبه قبلی خود مبنی بر حضور اقلیت های دینی در انتخابات شورای اسلامی شهر و روستا اصرار کردند. طبق آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، وقتی نمایندگان بر مصوبه قبلی خود اصرار کنند، موضوع برای تعیین تکلیف نهایی به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع داده می شود که بر همین اساس، طرح اصلاح تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران نیز به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع داده شد. در بخشی از اصلاحیه طرح قانون تشکیلات و انتخابات شوراهای اسلامی کشور آمده است: «اقلیت های دینی شناخته شده در قانون اساسی به جای اسلام باید به اصول دین خود اعتقاد و التزام عملی داشته باشند.»

مصوبه ای که دیروز مجمع تصویب کرد، قرار بود دو هفته پیش تعیین تکلیف شود اما به تعویق افتاد. اما اگرها درباره علت این تعویق زیاد بود، از جمله مخالفت شورای نگهبان؛ اگر چه کدخدایی سخنگوی شورا گفته بود که طبق قانون نظر مجمع هر چه باشد صائب است و مخالفت



حسام الدین آشنادر حساب توئیتر خود در واکنش به تهدید ایران توسط ترامپ نوشت: ترامپ اشتباه می کند!

توصیه محسن رضایی به ترامپ

محسن رضایی با انتشار مطلبی در صفحه اینستاگرام خود با توجه به تهدیدهای اخیر ترامپ به وی توصیه کرد تا مانند جرج بوش با فرماندهان نظامی این کشور مشورت کند. رضایی در اینستاگرام نوشت: مشکل آقای ترامپ این است که قبل از تهدید ایران با ژنرال های آمریکا مشورت نمی کند. آنها سابقه چهل سال اخیر منطقه و ایران را می دانند. آقای بوش پس از حمله به عراق دستور حمله به ایران را صادر کرده بود، ولی با هشدار ژنرال های آمریکا متقاعد شد که ایران مثل عراق و افغانستان نیست. آقای ترامپ ناچار است از نافرمانی سربازانش تا هزینه های هزار میلیارد دلار خسارت مالی و همبیطورت تلفات سربازانش را در نظر بگیرد. اگر با فرماندهان آمریکا مشورت کند، قطعاً به او خواهند گفت که باید به شدت مراقب سخنان خود باشد.



نظر قالیباف درباره ممنوعیت به کارگیری بازنشستگان

محمد باقر قالیباف شهردار سابق تهران در صفحه شخصی خود در توئیتر درباره اصلاح قانون ممنوعیت به کارگیری بازنشستگان نوشت.

تشکر بیرانوند از رهبر معظم انقلاب



ولی الله سیف رئیس سابق بانک مرکزی پس از برکناری از سمتش در توئیتر از اقدامات خود برای اصلاح نظام بانکی در زمان ریاستش نوشت.



عبدالله رمضان زاده، سخنگوی دولت اصلاحات در صفحه شخصی خود در توئیتر از وزیر صنعت حمایت کرد.



حجت الله عبدالملکی کارشناس مسائل اقتصادی در صفحه شخصی خود در توئیتر درباره تغییرات تیم اقتصادی دولت نوشت.



عبدالله گنجی، مدیرمسئول روزنامه جوان در توئیتر درباره تغییرات در تیم اقتصادی دولت، نوشت



افزایش فساد از زمانی شروع شد که برخی از مسئولین با استناد به اصل ۴۴ و خصوصی سازی اقدام به تأسیس شرکت های اقماری و هولدینگ به ظاهر خصوصی کردند و از این طریق توانستند یک شکاف قانونی موجه برای فساد مالی خود ایجاد کنند. به نظر من باید منابع کشور به صورت شفاف به ارگان ها اختصاص داده شود و همه ارگان ها باید گزارش دهی شفاف مالی نه تنها به دولت بلکه به خود مردم داشته باشند و تمامی این گزارشات در یک سایت ملی درج شود و برای همه قابل دسترسی باشد البته برای ریشه کن کردن فساد در درازمدت هم باید یک کارگروه فرهنگی تشکیل شود تا این مشکل به صورت فرهنگی حل شود.

وجود ایران سودی برای آمریکا داره و اونم دوشیدن اعرابه و به این بهانه کارخونه های سلاحش پابرجا هستن. یادتون باشه در نبود ایران، اعراب و ترکیه میتونن گریه سیاه تل آویو بشن و آمریکا این نکته رو خوب می فهمه.

بعضی از ما مردم، خودمون پا گذاشتیم رو گلولی اقتصاد کشور و برای نجات خودمون و سرمایه مون، داریم آتیش می زنیم به اقتصاد کشور و زندگی میلیون ها ایرانی. آخه دیگه چقدر میخواین سکه و طلا و دلار بخرین؟ به کم کوتاه بیاین. برای خرید دلار و طلا صف نبندین. قول میدم همه چی میفته روی روال.

هنوز مقامات سه کشور اروپایی سخنان روحانی رو محکوم نکرده اند؟ فکر کنم بزودی واکنش نشون بدن. روزنامه های اصلاح طلب که الان دارن مقاله مینویسن که چرا سخنان تحریک آمیز می زیند تا مبادا کدخدان راحت بشه.



ترامپ به دنبال آشوب و بحران در ایرانته تا در نبود قدرت منطقه ای ایران، حرفاشو به کرسی بنشونه که بعدا حمله نظامی بکنه. دقیقا همون بلایی که سر لیبی آوردن. چرا تاریخ نمبخونین؟ واسه مذاکره قدرت دو طرف و حداقل ایران باید بالانس باشه وگرنه هر توافقی بکنیم به مراتب بدتره. تازه اگه بعدا زیر همونم نزنن. کمی فکر کنید، هیجانی صحبت نکنید.



این طرز تفکر دوستان اصلاح طلب کشور را به قهقرا خواهد برد. خدا را شکر که آقای دکتر روحانی راه خود را از برخی اصلاح طلبان جدا کرد.

آمریکا در وضعیتی نیست که به ایران حمله کند. تونیت ترامپ در واقع پاسخی به سخنان دقیق و بجای دکتر روحانی بود. سخنان دکتر روحانی قبل از هر چیزی، هشدار به عربستان و اسرائیل است و به نظرم بهترین کار را کرد و بعدها آثار مثبت این نوع حرف زدن با قلد رهای جهان را قطعاً خواهیم دید. تیم فوتبال ایران در مقابل اسپانیا دفاع کرد و کنار آمد و گل خورد، اما در مقابل پرتغال هم دفاع کرد و هم حمله و موفق شد تا مساوی کند. سیاست نیز برخی مواقع نیاز به حمله و نشاندن طرف قلد سر جای خود دارد و الان موقع حمله بود.

باید تمام مدیران و مسئولینی که فرزندان شون خارج کشور هستن رو مجبور کرد برای حمایت از کشور، فرزندانشون برگردندن.

تنگه هرمز حتی برای یک ساعت اگر بسته شود قیمت نفت بالای ۲۰۰ دلار خواهد رفت و تا چندین ماه در همان حوالی خواهد ماند و حتی اگر ایران تنگه را باز کند باز سود بسیار سرشاری نصیب کشورمان خواهد شد و این برای آمریکا جز شکست مفهوم دیگری نخواهد داشت.



مسئولان کشوری نمی خواهند در مورد قیمت سکه و ارز کاری بکنند. اکنون که همه متخلفان دستگیر شدند و وزارتخانه ها هم که همگی تحت نظر قرار گرفتند، پس علت این گرانی های اخیر چیست؟

آقای زیبا کلام! واقعا سوال اینه که شما چرا این قدر در مورد غرب نگاه متفاوتی دارید؟ چه انتظاری دارید؟ واقعا وقتی آنها ما را تهدید می کنند ما از چه زبانی برای مواجهه با آنها باید استفاده کنیم؟



قدرت مصلحت

رای مثبت به حضور سپنتا در شورای شهر چه معنایی داشت؟

مصطفی پیگلری

روزنامه‌نگار

سرانجام بعد از مدت‌ها با مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام مبنی بر جواز حضور اقلیت‌های دینی در شوراهای شهر و روستا، سپنتا نیکنام، شهروند زرتشتی ایران که حائز اکثریت آرا در انتخابات شورای شهر یزد شده بود، توانست بر کرسی نمایندگی شهرش تکیه بزند.

یک اتفاق که به تعبیر برخی رسانه‌ها و محافل سیاسی حکایت از رفع یک بن‌بست پرسروصدا بود. مساله‌ای که ماه‌ها فضای سیاسی کشور را تحت تأثیر خود قرار داده بود. ماجرای سپنتا نیکنام از چند جهت

بر اساس تشخیص فقهای این شورا، یکی از بندهای جاری بر خلاف موازین اسلامی باشد و در جلسه نیز رای بیاورد، آن بند به عنوان خلاف شرع اعلام خواهد شد. براساس تبصره قانون مربوط به شوراهای اسلامی که تصریح دارد مکان‌هایی که اکثریت جمعیت را مسلمانان تشکیل می‌دهند، حضور افراد غیرمسلمان در شوراهای شهر خلاف شرع است، موضوع مربوط به منتخب شورای شهر یزد نیز در جلسه شورای بررسی و خلاف شرع تشخیص داده شد و ابلاغیه آن به مجلس و به دولت ارجاع و اطلاع داده شد که متأسفانه آن را اجرا نکردند.

توجه به یک نکته دیگر نیز با اهمیت است و آن اینکه این اختیار را قانون اساسی به فقهای شورای نگهبان اعطا کرده است که هرگاه در مواردی تشخیص‌شان برخلاف قانون بود می‌توانند از نظر و تشخیص اولیه خود بازگردند. فقهای شورای نگهبان در مصوبه سال ۷۵ این موضوع را خلاف شرع تشخیص ندادند اما در بحث و بررسی این مصوبه این فقها رای آوری اقلیت‌های دینی در حوزه‌های اکثریت مسلمان را خلاف شرع تشخیص دادند. البته اگر در حوزه‌ها و شهرهایی که اکثریت جمعیت همان اقلیت

قابل بررسی و تأمل است. حتماً اولین سوال این است که چرا شورای نگهبان با تصمیمی که در مورد این عضو شورای شهر اتخاذ کرد چنین ماجرای پربحنی را کلید زد. توجه به این مساله و واکاوی آن بسیار مهم است چرا که در مدتی که گذشت گروه‌های اپوزیسیون مطالب تخریبی فراوانی علیه شورای نگهبان مطرح کردند در داخل کشور نیز به جهت عدم شفاف‌سازی در این مورد اتهامات فراوانی نشر یافت.

از میان مباحث مطرح شده توسط اعضای شورای نگهبان می‌توان به مواردی که این شورا با مستطهر شدن به آن چنین تصمیمی را اتخاذ کرد دست یافت. واقعیت این است که اصل چهارم قانون به فقهای شورای نگهبان این اختیار را داده است که کلیه قوانین و مقررات را با موازین اسلامی تطبیق داده و اگر



به نظر یک مساله حقوقی معمولی است که در مجرای قانونی خود به نتیجه رسیده، اما برخورد رسانه‌های بیگانه با این موضوع، به همین سادگی نبود. آنها تا توانستند در این مساله شیطنت کردند.

نکته دیگر اینکه اقلیت‌های مذهبی در قانون اساسی ایران مورد توجه جدی قرار گرفته‌اند. مساله‌ای که مجلسی‌ها و بسیاری از فعالین دو طیف اصلاح طلب و اصولگرا آن را فهم و بر آن پافشاری کردند و اتحادی تاکتیکی بین‌شان برقرار شد. اکنون و بعد از کش و قوس‌های فراوان عضو زرتشتی شورای شهر یزد به جایگاه حقیقی‌اش دست یافت و با این تصمیم مثبت یکی از مسائل دولت در قبال اقلیت‌ها به اتمام رسید.

اگر اجماع ملی و مطالبات ملی تبدیل به عزم و اراده ملی شود و در مسیری شفاف و همراه با مسالمت و دوراندیشی و حزم در مجاری که قانون اساسی پیش‌بینی کرده است، جریان یابد می‌توان به نتیجه‌بخش بودن حرکت‌های اصلاح‌جویانه و مبارزه قانونی با بدعت‌ها و کجروی‌ها همواره امیدوار بود.

قانون در نظام جمهوری اسلامی و توجه به رأی اکثریت افراد و از طرفی رعایت مصالح و منافع کشور از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام است. همین‌جاست که می‌توان به کامل بودن ساختارهای قانون اساسی استناد کرد. هرچند موضوع حضور سپنتا نیکنام در شورای شهر،

”

اقلیت‌های مذهبی در قانون اساسی ایران مورد توجه جدی قرار گرفته‌اند. مساله‌ای که مجلسی‌ها و بسیاری از فعالین دو طیف اصلاح طلب و اصولگرا آن را فهم و بر آن پافشاری کردند و اتحادی تاکتیکی بین‌شان برقرار شد. اکنون و بعد از کش و قوس‌های فراوان عضو زرتشتی شورای شهر یزد به جایگاه حقیقی‌اش دست یافت و با این تصمیم مثبت یکی از مسائل دولت در قبال اقلیت‌ها به اتمام رسید

”

دینی باشد، از نظر فقها خلاف شرع نیست و تنها در جایی خلاف شرع بودن این مساله صدق می‌کند که مسلمان‌ها در اکثریت باشند.

این موارد نشان می‌دهد که شورای نگهبان دقیقاً بر اساس موارد مشخص شده در قانون اساسی عمل کرده است.

از نگاهی دیگر اما می‌توان به ماجرا این گونه توجه کرد که ماجرای سپنتا نیکنام داستان تقابل دو نگاه نسبت به اقلیت‌های مذهبی در ارکان تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در کشور است. نگاه اول قائل به رعایت حقوق اقلیت‌ها مطابق با نص صریح قانون اساسی است و نگاه دوم این طور به نظر می‌آید که تفسیری کمابیش بسته از قانون دارد و چنانچه فرصتی به دست آورد، در تقابل با این نوع پلورالیسم از تمام توانش استفاده می‌کند.

ظرفیت‌های قانون اساسی

حل مساله سپنتا نیکنام یک پیام به همراه داشت. اینکه می‌توان در چارچوب قانون اساسی مشکلات بزرگ را نیز حل کرد. این موضوع نشان‌دهنده اجرای مژ

نگرانی مشترک

چگونه ترامپ و پوتین ناتو را هدف قرار می دهند؟

حسین یاری

مترجم

طی روزهای اخیر، تحلیلگران غربی از ابعاد مختلفی تنش ها و چالش های موجود میان اعضای ناتو را مورد تحلیل و ارزیابی قرار می دهند. اکثر اعضای ناتو را کشورهای اروپایی تشکیل می دهند؛ کشورهایی که به سبب موضوعاتی مانند وضع تعرفه های گمرکی بر فولاد و آلومینیوم وارداتی خود و همچنین خروج ترامپ از توافق هسته ای، نسبت به رفتار کاخ سفید خشمگین هستند. با این حال برخی رسانه های غربی معتقدند که مناسبات امنیتی ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا همچنان به قوت خود باقی است؛ مناسباتی که در بطن پیمان آتلانتیک شمالی معنا و مفهوم عینی تری پیدا می کند. نگرانی سران اروپایی از دیدار اخیر پوتین و ترامپ با یکدیگر و احتمال بروز معاملات امنیتی میان دو رئیس جمهور آمریکا و روسیه موضوع دیگری است که در این خصوص مورد توجه قرار گرفته است. «پولیتیکو» در مطلبی به قلم «توماس والاسک» به بررسی مناسبات موجود میان آمریکا، روسیه و اعضای اروپایی ناتو پرداخته است.

مقامات ناتو طی شش ماه گذشته، فرصت زیادی را صرف برگزاری اجلاس اخیر کرده بودند. با این حال اعضای ناتو نسبت به رفتار رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا کماکان واکنش دارند. آنها نسبت به اینکه دستوردها و پیشرفت های صورت گرفته در تأمین امنیت اروپا (در ذیل پیمان ناتو)، در جریان دیدارهای دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا و ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه از بین برود (یا مورد معامله قرار گیرد) نگران هستند.

واقعیت امر این است که تاکنون هسته دفاع متمرکز کشورهای غربی عضو ناتو تا حد زیادی مستحکم شده است. اگرچه مناسبات ایالات متحده آمریکا و اروپا متعاقب موضوعاتی مانند تغییرات اقلیمی

POLITICO

خود را به هزینه های نظامی در این مجموعه اختصاص دهند. با این حال دولت های عضو ناتو به این وعده خود عمل نکرده اند. باید این حقیقت را مدنظر قرار داد که چنین تعهداتی (تعهدات امنیتی و نظامی)، از تعهداتی که در حوزه های اقلیمی و توسعه ای داده می شود، از اهمیت و جایگاه بالاتری برخوردار هستند.

شواهد نشان داده است که معامله (مذاکره) پوتین و ترامپ بیشتر روی کنترل تسلیحات هسته ای، عدم دخالت در انتخابات آمریکا و موضوعات جاری در منطقه خاورمیانه متمرکز بوده است. با این حال، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا بارها عنوان کرده است که وی همه اعضای اتحادیه اروپا (خصوصاً اعضای اروپایی ناتو) را سرباری برای کشورش یعنی آمریکا می داند. این موضعی است که ترامپ به صورتی ثابت داشته است و احتمال معامله و بحث (با روس ها) در خصوص هزینه های دفاعی ناتو را افزایش می دهد. در این صورت، اروپا در وضعیتی باخت-باخت قرار خواهد گرفت.

دولت لهستان که در این میان مضطرب به نظر می رسد، یک پیشنهاد جالب ارائه داده است: اینکه علاوه بر اختصاص دو درصد هزینه های تولید ناخالص داخلی خود، مبلغ ۲ میلیارد دلار برای پرداخت هزینه های ایستادن نیروهای آمریکایی در خاک لهستان هزینه کند. در واقع، آنها میز مذاکرات را در دیدار با رئیس جمهور ایالات متحده تغییر داده اند و پول هنگفتی صرف کرده اند تا تعهد ترامپ را در قبال ثبات اروپا مورد آزمون قرار دهند.

از این رو نگرانی های موجود میان بازیگران اروپایی در قبال دیدار ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه و ترامپ کاملاً منطقی به نظر می رسد. پایتخت های اروپایی به طور قابل توجهی در مورد امکان کاهش فعالیت های نظامی ایالات متحده و احتمالاً تعداد نیروهای نظامی در اروپا نگران هستند، اقدامی که می تواند در قالب یک معامله میان روسای جمهور آمریکا و روسیه صورت گیرد. نباید فراموش کرد که ترامپ در قبال شبه جزیره کره نیز چنین اقدامی را صورت داده است. وی پس از نشست خود با رهبر کره شمالی اعلام کرد که نیروهای خود را از شبه جزیره کره خارج خواهد کرد. بنابراین، مشابه همین رویکرد می تواند در جریان مذاکرات پوتین و ترامپ در آینده رخ دهد؛ مساله ای که دغدغه های جمعی و امنیتی سران ناتو را به طور طبیعی افزایش داده است.

و موضوعات تجاری و خروج ترامپ از توافق هسته ای با ایران تا حدودی متشنج شده است اما نباید فراموش کرد که دولت ترامپ به صورت تقریبی دو برابر میزان بودجه ای که اوپاما برای هزینه حضور نظامی ایالات متحده آمریکا صرف کرده بود را به این مساله اختصاص داده موضوعی که بسیاری از مخاطبان را شگفت زده کرده است. در حال حاضر تقریباً هزار نیروی نظامی آمریکایی با لباس های یکدست در کشور لهستان حضور دارند.

برای تأمین هزینه حضور نظامی ایالات متحده در اروپا، غالباً بسیاری را در سراسر اقیانوس اطلس شگفت زده کرد. در حال حاضر تقریباً هزار آمریکایی در لباس یکسان در لهستان مستقر هستند. همچنین رویکرد تقابلی اعضای پیمان آتلانتیک شمالی با روسیه به قوت خود باقی است. با این حال همه چیز به خوبی پیش نمی رود. مقامات آمریکایی در یک دهه گذشته هشدار داده اند که کشورهای اروپایی عضو ناتو باید هزینه های دفاع از خود را ذیل پیمان آتلانتیک شمالی افزایش دهند. هم اکنون در ازای هر یک دلاری که اعضای اروپایی پیمان آتلانتیک شمالی و کانادا (به عنوان دیگر عضو ناتو) صرف می کنند، ایالات متحده آمریکا ۳ دلار در این مجموعه صرف می کند. به عبارت بهتر، آمریکا سه برابر دیگر اعضای ناتو، بودجه خود را صرف تقویت پیمان های دفاعی و نظامی در این مجموعه می کند. بی دلیل نبود که در سال ۲۰۱۱ رابرت گیتس، وزیر دفاع سابق ایالات متحده آمریکا نسبت به آینده و سرنوشت پیمان آتلانتیک شمالی هشدار داد.

به گفته موسسه بین المللی مطالعات استراتژیک در لندن، اروپا در حال حاضر منطقه ای است که سریع ترین رشد هزینه های دفاعی (رشد واقعی) را تجربه می کند. کشورهای اروپایی مرکزی و شمالی به طور خاص روسیه را تهدیدی برای امنیت خود قلمداد می کنند. از این رو آنها بودجه نظامی و دفاعی را نسبت به سال گذشته، حدود ۴۰ درصد افزایش داده اند. از سوی دیگر، همان گونه که در سال ۲۰۱۴ میلادی توافق شده است، اعضای ناتو باید ۲ درصد تولید ناخالص داخلی



نفت ایران به بازارهای جهانی، دیگر کشورهای منطقه (مخصوصاً هم‌پیمانان آمریکا مانند عربستان سعودی) نیز نمی‌توانند نفت خود را به بازارهای جهانی صادر کنند. این یک واکنش قاطعانه در مقابل کنش‌های غیر حقوقی و عهدشکنی‌های ایالات متحده آمریکا و متحدان آن در قبال توافق هسته‌ای با ایران محسوب می‌شود.

نکته دوم، به موقعیت خاص تنگه هرمز و ویژگی‌های خاص آن بازمی‌گردد. ویژگی‌های خاصی که دشمنان جمهوری اسلامی ایران نیز نسبت به آن آگاه هستند. تنگه هرمز، پرتددترین تنگه دنیا به طول ۱۵۸ کیلومتر و عرض ۵۶ تا ۱۸۰ کیلومتر است. حدود ۲۰ میلیون بشکه نفت در روز از این تنگه ترانزیت می‌شود و به عبارتی ۴۰ درصد صادرات نفت از شرق آسیا تا غرب آمریکا وابسته به این تنگه است و ۶۸ درصد ذخایر شناخته‌شده نفت و گاز دنیا در حوزه مرتبط با این تنگه یعنی خلیج فارس قرار دارد. تا کنون بارها اعلام شده است که اگر در تنگه هرمز شرایط غیرطبیعی (جنگی یا هر شرایط غیرطبیعی دیگر) به وجود آید، شاهد افزایش تصاعدی قیمت نفت خواهیم بود. این موضوع می‌تواند بزرگ‌ترین نوسانات ممکن را در بازار نفت و انرژی به وجود آورد و اقتصاد دنیا را تحت تأثیر خود قرار دهد. اخیراً شبکه راشا تودی به بررسی آثار و تبعات بسته شدن تنگه هرمز بر اقتصاد جهانی پرداخته است.

ولادیمیر رویانکوفسکی، تحلیلگر سرمایه‌گذاری موسسه «گلوبال اف ایکس» در این خصوص به راشا تودی گفته است: «حداقل ظرفیت حمل و نقل اعلام شده تنگه هرمز روزانه حدود ۱۴ تا ۱۶ میلیون بشکه نفت یا حدود نیمی از صادرات نفت خام جهان است که اگر متوقف شود، قانون عرضه و تقاضا قیمت‌ها را به دو برابر و تا بشکه‌ای ۱۶۰ دلار می‌رساند. اگر این گذرگاه آبی یک یا دو ماه بسته شود، امکان دارد تاجران نفتی نگران شوند و تمامی قراردادهای آتی موجود را خریداری کنند که قیمت‌ها را به بیش از بشکه‌ای ۲۵۰ دلار افزایش می‌دهد.»

نکته سوم، به واهمه خاص مقامات آمریکایی از عملی شدن موضوع بسته شدن تنگه هرمز باز می‌گردد. واقعیت امر این است که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا ضمن خروج از توافق هسته‌ای با ایران و برهم زدن برجام، تهدید کرده است که سخت‌ترین تحریم‌ها را علیه ملت ایران اعمال خواهد کرد. بدیهی است که چنین اقدامی از سوی رئیس‌جمهور آمریکا از طرف ایران بی‌پاسخ نخواهد ماند. تنگه هرمز یکی از مکان‌ها و موقعیت‌هایی است که می‌توان پاسخ کارشکنی و تهدید ایالات متحده را در آن داد. بسیاری از تحلیلگران و کارشناسان مسائل بین‌الملل متفق‌القول هستند که دونالد ترامپ هرگز تصور طرح چنین مساله‌ای را از سوی ایران نداشته است. نوع مواجهه اخیر ترامپ با سخنان حسن روحانی، رئیس‌جمهور کشورمان نیز مورد خشم و عصبانیت (توام با شوک) رئیس‌جمهور آمریکا می‌باشد. از این رو به نظر می‌رسد در مقابل اقدامات و کنش‌هایی که ایالات متحده علیه کشورمان و برخلاف قوانین بین‌المللی صورت داده است، هشدار می‌دهد به نام «بسته شدن تنگه هرمز»، باید همچنان بر سر آمریکا پایدار باقی بماند؛ هشدار می‌دهد که در حال حاضر حالت و وضعیتی بالقوه دارد اما می‌تواند تحت تأثیر هر گونه حماقت اقتصادی و سیاسی ایالات متحده علیه کشورمان از این وضعیت خارج شده و حالتی بالفعل پیدا کند. در این صورت، دونالد ترامپ با بزرگ‌ترین و البته غیرقابل حل‌ترین بحران ممکن از زمان حضور خود در کاخ سفید مواجه خواهد شد.



هشدار انقلابی

ایران چگونه می‌تواند مقابل تهدیدها ایستادگی کند؟

مصطفی محمدزاده

روزنامه‌نگار

هرمز را دارد. به عبارت بهتر، یکی از ترس‌هایی که ایالات متحده آمریکا و متحدان آن دارند، قدرت استیلای جمهوری اسلامی ایران بر تنگه هرمز (به لحاظ حقوقی) است. صورت‌بندی حقوقی این موضوع چندان دشوار به نظر نمی‌رسد. منطقه تنگه هرمز جزو آب‌های سرزمینی ایران و عمان است و هیچ منطقه دریای آزاد در آن وجود ندارد. در این خصوص لازم است نیم‌نگاهی به حقوق بین‌الملل دریاها و اصل عبور بی‌ضرر (به عنوان اصلی که مورد پذیرش ایران است) داشته باشیم. حقوق بین‌الملل دریاها برای عبور از تنگه‌های بین‌المللی دو حالت عبور «بی‌ضرر» (کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو) و عبور «ترانزیت» (کنوانسیون ۱۹۸۲ مونته‌گوبه) را به رسمیت شناخته است. طبق کنوانسیون «عبور بی‌ضرر»، سایر کشورها حق دارند از آن عبور کنند، به شرطی که عبور آنها ضرری برای کشورها نداشته باشد. اما طبق کنوانسیون «عبور ترانزیت»، عبور و مرور همه کشورها آزاد است. ایران عضو این کنوانسیون نیست و بر اساس عرف موجود، نظام حقوقی حاکم بر تنگه هرمز، نظام «عبور بی‌ضرر» است، پس از لحاظ حقوقی، ایران قادر و مجاز است مانع عبور کشتی‌های دیگر کشورها از تنگه هرمز شود. به عبارت بهتر، در این معادله، اصل عبور ترانزیت به رسمیت شناخته نمی‌شود، بلکه اصل عبور بی‌ضرر است که می‌تواند مبنای معیار قرار گیرد. جمهوری اسلامی ایران بارها عنوان کرده است که در صورت عدم صدور

حسن روحانی، رئیس‌جمهور کشورمان بار دیگر خطاب به مقامات آمریکایی و خصوصاً رئیس‌جمهور این کشور در خصوص ماجراجویی در قبال ایران هشدار داده است. آنچه در این میان مورد توجه بسیاری از رسانه‌های دنیا قرار گرفته، یکی اشاره دوباره روحانی به «تنگه هرمز» و دیگری پیام قاطعانه و صریح رئیس‌جمهور کشورمان خطاب به دونالد ترامپ بوده است. رئیس‌جمهور با طرح این سوال از مقامات آمریکایی که «به ملت ایران اعلام جنگ می‌کنید و دم از حمایت می‌زنید؟» تأکید کرد: «بدانید ملت ایران آقااست و هرگز نوکر کسی نخواهد شد.» رئیس‌قوه مجریه در بخشی دیگر از سخنان خود بار دیگر به تهدیدهای آمریکا برای به صفر رساندن صادرات نفت ایران واکنش نشان داد و با تأکید بر اینکه «تنگه‌های زیادی داریم؛ تنگه هرمز فقط یکی از آنهاست» خطاب به رئیس‌جمهوری آمریکا گفت: «آقای ترامپ! ما مرد شرف و ضامن امنیت ابراه منطقه در طول تاریخ هستیم؛ بادم شیر بازی نکن، پشیمان کننده است.»

در خصوص این اظهارات نکاتی وجود دارد که نمی‌توان به سادگی از کنار آنها گذشت: نخست اینکه به لحاظ حقوقی، جمهوری اسلامی ایران حق جلوگیری از عبور و مرور کشتی‌ها از تنگه

جهنم جلادها

منافقین چگونه در عملیات مرصاد شکست خوردند؟

مسعود رستگاریا

روزنامه نگار

تاریخ معاصر ایران روایت پرفراز و نشیب از رخداد‌های قابل عبرت برای افکار عمومی است. تکاپو برای تصویرسازی واقعیت از رخداد‌های پیشین اصلی ترین کارویژه پژوهش‌های تاریخی است. کنشگران عرصه سیاست متناسب با راهبردهای اعمالی درصددند که منازعات، مناسبات و تحولات پیشین را متناسب با رویکرد اعمالی مورد نظر خود بازنمایی کنند. در چند سال گذشته تلاش‌های جدی برای ترمیم تصویر سازمان جنایتکار منافقین صورت گرفته است. روایت اقدامات جنایت‌آمیز سازمان منافقین، لیست آکنده از ترور افراد بی گناه و خیانت به وطن است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سازمان منافقین فضای کشور را برای موج‌سواری بر مطالبات آزادی‌خواهانه جامعه ایرانی مناسب دید؛ آنان در میان افکار عمومی گروهک کوچک و ناشناخته‌ای بودند که بخش اندکی از اقدامات مسلحانه علیه رژیم پهلوی را صورت می‌دادند. جامعه ایرانی با این سبک از مبارزه همدلی و همراهی نداشت. اعضای سازمان دارای کادری حدود ۱۵۰ تا ۲۵۰ نفر بودند؛ آنان با این استعداد نفری خود را گروه «پیش‌تاز» نسبت به دیگر گروه‌ها برای تلاش معطوف به پیروزی مردم بر رژیم پهلوی می‌دانستند و راهبرد «دستیابی به قدرت سیاسی» را در دستور کار قرار دادند. احیای کادر مرکزی جدید، گسترش تشکیلات، جذب و سازماندهی نیرو و راه‌اندازی تشکیلات مخفی از اقدامات اولیه و هدفدار آنان بود.^(۱)

پس از ناکامی‌های متوالی سازمان منافقین نسبت به کسب و ارتقای جایگاه قدرت در ساختار سیاسی جدید تهدید به «لبنانیزه» کردن ایران آغاز شد و در همین راستا آموزش‌های اقدامات خشونت‌آمیز با سلاح‌های سرد و گرم به میلیشیا و شاخه نظامی سازمان داده شد و از سوی دیگر سازمان منافقین با نزدیکی به بنی‌صدر خواهان ربایش نیروی اجتماعی حامی وی برای کنش‌های براندازانه آتی بود. مسعود رجوی در راستای بسترسازی برای «لبنانیزه» کردن ایران در تجمع هواداران سازمان منافقین اظهار کرد: «یک عده می‌خواهند ایران را ترکیه بکنند. ولی ایران که ترکیه بشو نیست. لبنان خواهد شد... ما خواستار تروریسم نیستیم؛ اما نمیشود که انکار کرد. تروریسم، واکنشی‌های اجتناب‌ناپذیری دارد که در آن صورت، عین لبنان، نه قدرتی برای دولت خواهد گذاشت و نه برای مجلس...»^(۲)

او استراتژی تروریسم را به مثابه اقدام راهبردی برای سازمان منافقین دانست و با اطلاعیه هموطن‌کشی شماره ۲۵، اقدامات تروریستی آغاز شد.

پس از شکست شورش خیابانی ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، استراتژی براندازی به روش «تنه زدن» یا «ضربه به حاکمیت» مدنظر سازمان تروریستی منافقین قرار گرفت. فاجعه انفجار در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی اولین گام آنان بود. مسعود رجوی در جمع‌بندی یکساله سازمان منافقین درنبرد با مردم، اولین مرحله شورش مسلحانه را حذف «سران سیاسی» نظام با تعبیر «شاه‌مهرها» دانست تا از این طریق «بی‌آینده‌سازی» و

در بدنه رزمندگان ایرانی در ۳۱ تیر ۱۳۶۷ حملات گسترده را در مرزهای استان خوزستان آغاز کرد و به سمت خرمشهر و اهواز پیشروی نمود، هرچند با مقاومت نیروهای مردمی در سوم مرداد ۱۳۶۷ مجبور به عقب‌نشینی از جبهه‌های جنوبی و میانی کرد.^(۳)

پس از آن نوبت به نقش آفرینی سازمان مجاهدین خلق بود؛ در برنامه‌ریزی عملیات فروغ جاویدان حرکت از قرارگاه اشرف ساعت ۱۵، سوم مرداد درج شده بود، به‌طوری که در ساعت ۱۴ چهار مرداد به تهران خواهند برسند.^(۴) چنین تصمیم غیرعقلانی از منظر نظامی چگونه در روند تحلیلی سازمان منافقین قرار گرفته بود؟ پاسخ به این پرسش به دو سطح تحلیلی وضعیت جمهوری اسلامی و شرایط درونی تشکیلاتی بازمی‌گردد. پیش از تکاپوی سازمان منافقین برای تجمع نیروهای هوادار در تحلیل درون‌گروهی خود امکان موافقت جمهوری اسلامی ایران با قطعنامه را غیرممکن دانسته و به صراحت اعلام می‌کردند که تنها در صورتی جمهوری اسلامی قطعنامه را خواهد پذیرفت که به لحاظ سیاسی-نظامی و اقتصادی به بن‌بست کامل برسد. به عقیده آنان، این اقدام به منزله فروپاشی نظام خواهد بود.^(۵) این وضعیت بن‌بست از منظر سازمان منافقین اتکا به وجود نارضايتی فراگیر مردم از حاکمیت به خاطر فرسایشی شدن جنگ، هراس از دخالت آمریکا با حمله به پایانه‌های نفتی و هواپیمای مسافربری ایرباس و شرایط نامناسب اقتصادی بود. از سوی دیگر چگونگی ادامه حیات سیاسی آن پس از قطع‌نامه ۵۹۸ در هاله‌ای از ابهام بود؛ آنان برای حفظ جایگاه نظامی-سیاسی خود در میان حزب بعث و آمریکا نیازمند اقدام جدی بودند.

مرصاد: جهنم جلادها

نیروهای سازمان منافقین که شامل نیروهای آموزش دیده حاضر در پادگان اشرف، هواداران فراخوانده شده از اروپا و آمریکا و تعداد معدودی از اسیران ایرانی بودند؛ پس از شروع عملیات در ساعت ۴ بعد از ظهر از مرزهای بین‌المللی عبور کردند و در اقدامی خیانت‌آمیز وطن‌نیاکان خود را به صورت موقت اشغال کردند. از آنجا که رژیم بعث تجاوز خود را تا شهرهای قصر شیرین و سرپل ذهاب گسترش داده بود، نیروهای سازمان بدون درگیری و عبور از خط وارد شهرهای قصر شیرین و سرپل ذهاب شده و پس از عبور از کرند به سمت اسلام‌آباد پیشروی کردند و حدود ساعت ۹/۳۰ شب به اسلام‌آباد رسیدند و شهر را تصرف کردند. پس از آغاز عملیات، تشکیلات منافقین در زندان شورش‌های متعددی را آغاز کردند. سازمان منافقین

«سلب ثابت» نظام را ایجاد کند. پس از ناکامی «شورش خیابانی» و «استراتژی ضربی» ابتدا تحلیل سازمان این بود که «نوک هرم حاکمیت» ضربه خورده است و حال باید با ضربیه‌های پیاپی به بدنه این هرم، جلوی ترمیم ضربیه‌های ۷ تیر و ۸ شهریور را گرفت و پس از آن خط ترور مردم آغاز شد. برای آنان آتش زدن سیده فاطمه طالقانی کودک سه‌ساله ماهشهری و به شهادت رساندن عباس عفتروش کفاش، طالب طاهری پاسدار و خفه کردن میترا کمایی دانش آموز تفاوتی نداشت. ایرانیان دشمن آنان بودند. ضربه ۱۹ بهمن ۱۳۶۰ و کشف خانه تیمی موسی خیابانی و اشرف رجوی و هلاکت آنان به همراه تعداد زیادی از کادرهای سازمان، ضربه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۱ و ضربه به بخش اجتماعی و هلاکت ضابطی-هدایت‌کننده جریان ۳۰ خرداد ۱۳۶۰- با تعدادی از کادرهای مؤثر سازمان، ضربه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۲ و هلاکت باقیمانده بخش اجتماعی و پس از آن ضربه مردادماه همان سال شاکله اصلی منافقین در کشور را متلاشی کرد. پس از آن سازمان منافقین به عنوان ستون پنجم و نظامیان مزدور رژیم بعث با رزمندگان ایرانی برای اشغال خاک و وطن می‌جنگیدند. در ۳۰ مرداد ۱۳۶۷، ۱۳۸ نفر از نمایندگان کنگره آمریکا و چهارده سناتور طی نامه‌ای خطاب به «جورج شولتز» وزیر خارجه وقت آمریکا، از وی درخواست کردند تا به رشد آنچه جنبش‌های مقاومت ملی در ایران می‌خوانند، توجه کند. در این نامه به صراحت به پتانسیل تهاجمی سازمان مجاهدین خلق اشاره شده بود. یک هفته پس از انتشار نامه، تجمعی در حمایت از سازمان منافقین در مقابل ساختمان کنگره آمریکا برگزار شد. مروین دایملی^(۶) نماینده ایالت اوهایو در این تجمع اظهار داشت: «نباید دست از تلاش کشید. مطمئن باشید که با کمی صبر و تلاش بیشتر، به‌زودی از مهران به تهران رژه خواهید رفت.» و این چراغ سبز آمریکا، مقدمه اقدام خیانت‌آمیز دیگر سازمان منافقین بود.

تحلیل درون تشکیلاتی منافقین

پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی ایران، رژیم بعث با تحلیل گسترش دامنه ناامیدی





به تشکیلات درون زندان‌ها اطلاع داده بود که به زودی نظام جمهوری اسلامی سرنگون خواهد شد.^(۷) پس از سرعت بالای اولیه نیروهای نظامی سازمان منافقین، رزمندگان اسلام مانع پیشروی آنان به سمت کرمانشاه شدند و سرانجام در تنگه چهارزبر شکست سختی خوردند. براساس اسناد اعلامی سازمان منافقین ۱۳۰۴ نفر به هلاکت رسیدند و در میان کشته‌شدگان ۱۶ نفر از مرکزیت سازمان بودند. حجم ضربه به بدنه سازمان ۵۰ تا ۶۰ درصد بود و به کادر مرکزی سازمان حدود ۳۰ درصد ضربه وارد شد.^(۸)

فاشیسم فرقه‌ای رجوی

اصلی‌ترین پیامد شکست منافقین بر حیات این تشکیلات تروریستی تسریع روند فرقه‌ای شدن سازمان بود. رویدادهایی مانند انقلاب ایدئولوژیک مریم و طلاق اجباری سازمان تروریستی منافقین را به فرقه غیرانسانی بدل ساخت. حرکت تنزلی سازمان منافقین از گروه سیاسی مبارز با رژیم پهلوی به فرقه‌ای با مناسک غیرانسانی تنها با رهبری مسعود رجوی امکان‌پذیر بود. مسعود رجوی پس از هلاکت موسی خیابانی، جدایی پرویز یعقوبی^(۹) و تصفیه درونی علی زرکش^(۱۰) در عملیات فروغ جاویدان، به استیلای تمام عیار در سازمان منافقین رسید و پس از آن شاهد فاشیسم فرقه‌ای رجوی هستیم.

تکرار مرصاد

«آلترناتیو مناسب برای نظام ولایت فقیه»؛ این گزاره اعلامی از سوی سازمان منافقین و حامیان خارج آنان پس از قدرت‌گیری طیف حامی منافقین در دولت آمریکا نظیر افرادی مانند جان بولتون و جولیان بارها تکرار شده است. این گزاره دارای عقبه تاریخی است؛ آنان در دو مقطع زمانی ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ و ۳ مرداد ۱۳۶۷ با چنین گزاره‌ای به همگرایی نیروهای حامی پرداختند ولی به دلیل درک نادرست از وضعیت کشور و مناسبات حاکم میان مردم و حاکمیت شکست تمام‌عیاری خوردند. در شرایط حاضر آنان فاقد قدرت میدانی اثرگذار همانند دهه ۶۰ هستند، هرچند خوی جلادی آنان در قبال جامعه ایرانی بیشتر شده است و از کالبد انسانی خارج شده‌اند اما قدرت کانون شورشی منحصر به چند عکس دو، سه نفره به صورت پنهانی با چهره پوشیده است. آنان به خوبی آگاه هستند که هرگونه اقدام نظامی دشمنان جمهوری اسلامی به مثابه تکرار مرصاد دیگر است.

منابع/در دفتر نشریه موجود است



تحركات ایدایی

اسرائیل جرأت حمله به مواضع ایران و حزب‌الله در سوریه را ندارد

جعفر قنابدانی

کارشناس مسائل خاورمیانه



ایران و حزب‌الله لبنان نسبت می‌دهند و بدین جهت می‌کوشند تا به صورت بسیار شتابزده، زمینه‌های خروج این دو هم‌پیمان سوریه را از خاک این کشور فراهم کنند. لذا از این رو است که همزمان با اقدامات مدخله جویانه با هدف ناامن کردن سوریه برای ایران و سوریه، تلاش‌های دیپلماتیکی را نیز برای وادار کردن و ترغیب روسیه به خروج ایران صورت داده‌اند تا شاید از ادامه موفقیت‌های ارتش سوریه در مناطق هم‌مرز با فلسطین اشغالی جلوگیری کنند، کما اینکه تلاش‌های مذبح‌خانه مقامات رژیم صهیونیستی با هدف گرفتن تضمین‌های امنیتی برای منطقه جولان نیز، از جمله این کوشش‌های انفعالی به‌شمار می‌آید.

درخصوص مسأله سوریه روشن است که توسل و دست‌بازی به این نوع تحركات سیاسی و حتی اقدام به شلیک موشک یا ترور به جنگنده سوخوی سوریه، به معنی آن است که طرح‌های توطئه‌آمیزی که در قالب ایجاد و تقویت گروهک‌های تروریستی در سوریه، طی ۷ سال گذشته به اجرا در آمد، اینک نه تنها به شکست کامل انجامیده، بلکه به صورت ناخواسته موجب تقویت بسیار چشمگیر ارتش سوریه را نیز فراهم کرده است. این در حالی است که حضور ایران و حزب‌الله در سوریه، نتایج بسیار بزرگ‌تری را هم در پی داشته و آن تغییر معادلات منطقه‌ای به سود کشورهای محور مقاومت و به زیان اسرائیل است؛ این همان شرایطی است که اهداف منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را در ایجاد یک بازدارندگی بسیار مؤثر و منطقه‌ای محقق می‌کند و توانایی‌های رژیم صهیونیستی و حامیان غربی‌اش را در تهدیدات نظامی علیه منطقه و به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران به شدت کاهش می‌دهد.

از این جهت در شرایط جدید، محافل صهیونیسم بین‌الملل، سیاست اعمال فشارهای بیشتر علیه ایران را به موازات اعمال تحریم‌های اقتصادی به اجرا گذاشته و در شرایطی که رژیم صهیونیستی توانایی و جرات حمله نظامی به مواضع ایران و حزب‌الله را در سوریه ندارد، به تحركات ایدایی، دیپلماتیک و بسیار انفعالی روی آورده است؛ تحركاتی که مسلمانان نیز نمی‌توانند رژیم صهیونیستی را از کابوس‌های وحشتناک که در آن گرفتار شده، رهایی بخشند.

در پی سلسله حملات پراکنده هوایی و موشکی چند ماه گذشته اسرائیل به نقاطی در سوریه، نیروهای نظامی این رژیم، در چند روز اخیر نیز تحركات و مدخلات تازه‌ای را در خاک سوریه صورت داده و علاوه بر آن، مقامات سیاسی این رژیم در عرصه‌های سیاسی و تبلیغاتی، به اقدامات جدیدی با هدف تغییر شرایط نظامی در سوریه مبادرت کرده‌اند؛ چنان که شلیک موشک یا ترور به جنگنده سوخوی سوریه در منطقه مرزی جولان، گلوله باران ارتش سوریه در منطقه قنبره، انتقال واحدهایی از کلاهسفیدهای مستقر در سوریه به خاک اردن و سرانجام مذاکره با طرف‌های خارجی از جمله روسیه به منظور اعمال فشار بر ایران و حزب‌الله، از جمله اقدامات شتاب‌زده رژیم صهیونیستی طی چند روز اخیر بوده است؛ اقداماتی که البته، تمامی آنها یک علت مشخص دارند و به‌رغم ظواهر موجود، از انفعال، نگرانی و دغدغه‌خاطرهای جدی مقامات تل‌آویو حکایت می‌کنند.

همه کسانی که از موقعیت بسیار راهبردی منطقه اشغالی جولان اطلاع دارند و از موفقیت بسیار ارزشمند ارتش سوریه در سیطره بر بلندی‌های مشرف به این منطقه اشغالی که در اصل متعلق به سوریه است (این منطقه در جنگ ۱۹۶۷ توسط اسرائیل اشغال شده) آگاهی یافته‌اند، به‌خوبی می‌دانند که به چه علت مقامات رژیم صهیونیستی در روزهای اخیر از خود ناشکیبایی نشان می‌دهند و در واکنش به موفقیت سوریه در قلع و قمع گروهک‌های تروریستی مستقر در نزدیکی مرزهای جولان، به هر اقدام عجولانه‌ای متوسل می‌شوند. آنچه مسلم است، شکست مفتضحانه گروهک‌های تروریستی تکفیری مستقر در این منطقه و سپس استقرار ارتش سوریه در مرزهای شمالی فلسطین اشغالی، به معنی تحقق یکی از کابوس‌های وحشتناک سرکردگان رژیم صهیونیستی است که علت اصلی آن را به حضور



روحانی باید رئیس جمهور نظام بماند

روایت محمدرضا باهنر از سیاست ایران در گفت‌وگو با مثلث

۵۰ درصد بیشتر توان برخورد با مشکلات را ندارند. سوال این است که آیا اصولگراها یعنی رقبای آقای روحانی باید این توان را ۴۰ درصد کنند یا ۶۰ درصد. کسی که تلاش می کند توان رئیس جمهور مستقر را از ۵۰ درصد به ۴۰ برساند، خواه اصولگرا باشد، خواه حزب اللهی به نظر من ضد انقلاب است. عدم موفقیت دولت، عدم موفقیت نظام است. عدم موفقیت قوه قضائیه نیز عدم موفقیت نظام است. فکر نکنیم که امروز دق دلی مان را نسبت به روحانی خالی می کنیم. اگر خدای ناکرده دولت بخواهد مسائل حاشیه ای را به متن بیاورد یا برعکس حتما نقد مشفقانه خواهیم کرد اما اگر واقعا دنبال حل مشکلات مردم بود با توجه به اینکه ما مشکل کمبود آب، محیط زیست، تورم و... را داریم باید دست به دست هم داد تا حل شود.

زمانی می گفتند آقای روحانی، رئیس جمهور مذاکره است و اگر روزی برجام شکست بخورد، آن دوره، پایان عصر روحانی خواهد بود. با صحبت های اخیر حضرت آقا در دیدار با دولت و تأیید مواضع دولت در اروپا و فرمایش ایشان که سیاست آقای روحانی سیاست نظام است، شما فکر می کنید این گزاره که می گفتند روحانی، رئیس جمهور مذاکره است، نه رئیس جمهور مقاومت آیا همچنان درست است؟ آیا می توان گفت با جریانات اخیر ایشان رئیس جمهور مقاومت هم هستند؟

ما دوست داریم رئیس جمهور ما رئیس جمهور نظام باشد، یعنی مثلاً زمانی سیاست کلی ما این بود که در مورد جریان هسته ای تخته گاز تا ۲۰ درصد برویم تا ثابت کنیم و بگوییم ما می توانیم اما در مقطعی رهبری در جایی گفتند موضع نرمش قهرمانانه را پیش بگیریم، آیا می توان گفت که رهبری، رهبری قاطعانه بوده اما اکنون شده رهبری نرمش؛ خبر رهبری بنا به مصلحت نظام توصیه می کنند. ما معتقدیم روحانی با هر کس دیگر باید رئیس جمهور نظام باشد نه رئیس جمهوری یک حزب یا گفتمان ویژه یا خاص. اینکه در زمان رقابت انتخاباتی، مواضع یکدیگر را نقد کنیم یا علیه یکدیگر حرف بزنیم سبب شادابی فضا خواهد شد چون ما به تک صدایی اعتقاد نداریم اما صداها نباید به نظام صدمه بزنند.

پس ما از این روحانی که رئیس جمهور نظام است به عنوان یک اصولگرا حمایت می کنیم، درست است؟

حمایت می کنیم اما روحانی باید رئیس جمهور نظام بماند.

یعنی ممکن است آقای روحانی مجدداً تغییر کند؟



اگر اصولگرایان طرفدار روحانی شوند او تازه به جای خود بازگشته است

محمد رضا باهنر سیاستمدار با تجربه ای است. او سال ها در مجلس حضور داشته و حالا از اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام است. باهنر که دبیرکلی جبهه پیروان را نیز بر عهده دارد همیشه از افراد موثر در تصمیمات انتخاباتی جناح اصولگرا بوده است. هفته گذشته با محمد رضا باهنر گفت و گویی تفصیلی در دفتر او در جامعه اسلامی مهندسین داشتیم. او با صبر و حوصله پاسخ سوالات ما را داد.

رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه هم حمایت می کند. فعلاً که روزنه امید بزرگی ایجاد شده است. ادامه این وضعیت موجب می شود اصلاً موقعیت برای مسئولی پیدا نباشد که بخواهد در مورد نظام زاویه دار صحبت کند. این نتیجه همدلی ها و همراهی هاست و می تواند نقطه امیدی باشد. آقای روحانی زحمت کشید با تیم دیپلماتیک خود رفت مذاکره کرد و برجام را به نتیجه رساند. به اصطلاح امتیاز داد و گرفت و قرار بود نتیجه ما برد باشد ولی آقای روحانی که اکنون در مقابل رئیس جمهور کم خرد آمریکا موضع می گیرد خیلی معنا در آن نهفته است. فرمانده سپاه ما اعتقادی به مذاکره نداشته یا رئیس قوه قضائیه ما هم همین طور اما آقای روحانی که دو سال رفته کار کرده و زحمت کشیده تا این مذاکره را به سرانجام برساند و با این عهدشکنی، نامرئی و ناجوانمردی آمریکایی ها مواجه شده می گوید ما یک تنگه نداریم و ما بازی تنگه ها را داریم و تنگه ها در خطر هستند. اگر قرار باشد نفت صادر نکنیم چه کنیم؟ بیان این سخنان از سوی آقای روحانی با توجه به سخنان و گرایشی که قبلاً داشته بسیار با اهمیت است. این صحبت ها مواضع نظام است و ما استقبال می کنیم. از رسانه ها خواهش می کنیم که نگویند چرا روحانی مواضعش عوض شده و جور دیگری صحبت می کند. به او ایراد نگیریم و از او حمایت کنیم. منظور من مخالفت با بیان نقدها نیست. من می گویم نقدهای مشفقانه موثر است نه تخریبی.

به نظر شما نسبت اصولگراها با «روحانی جدید» چگونه باید باشد؟

باز هم بنده حرف و موضع خودم را تکرار می کنم. بنده به آقای روحانی رای ندم اما همواره ما این بحث تیم ملی و باشگاهی را داریم. فرض کنیم رقبای داخل نظام آقای روحانی معتقد و مدعی هستند که ما توانی صد درصدی می خواهیم اما ایشان همراه با تیم شان

مصطفی صادقی

دبیر تحریریه



آقای مهندس باهنر! به نظر می رسد آقای روحانی تغییرات محسوسی کرده اند. این را می شود از سخنرانی های اخیر ایشان به خوبی حس کرد. اگر موافقت و گور از همین جا آغاز کنیم. آیا شما هم مانند من در مورد آقای دکتر روحانی فکر می کنید؟

بله، من هم حس می مانند شما داشته ام، اما دیدگاه من به بعضی از ریشه ها برمی گردد. در کشور ما بعضاً ساخت ها و رفتارهای سیاسی به صورت غیر ضروری پررنگ می شوند که نهایتاً بعضی از نکات مثبت و قله های نظام جمهوری اسلامی خراب می شود که این به زیان همه است. من بارها و بارها گفتم ما زمانی که رقابت سیاسی می کنیم مثلاً در انتخابات، مانند تیم های باشگاهی هستیم. این رقابت اشکالی ندارد اما وقتی وارد بازی ملی می شویم نه باید با این تیم ملی رقابت کرد و نه می توان با آن رقابت کرد و نه اصلاً به مصلحت ملی است. همه باید به تیم ملی کمک کنند. البته اگر اشکالاتی وجود دارد باید همه مشفقانه و دوستانه کمک کنند تا ان شاء الله برطرف شود. نباید احساس کرد که می توان روی تیم ملی پا گذاشت تا باشگاه خودش پیروز شود. این خط بزرگی است که بسیاری از سیاستورین انجام می دهند. فرقی هم ندارد اگر چپ ها یا راستی ها، اصلاح طلبان یا هر کسی آن را انجام دهد. متأسفانه وضعیت ما در بسیاری از این مسائل سیاسی ملموس و غیرملموس به جایی رسیده که احساس می کنیم قوای ما و اگر هستند. رئیس جمهور ما، مجلس ما، تریبون های رسمی یا غیررسمی ما در واگرایی می دمیدند. در سال ۹۶ در دی ماه که اعتراضاتی پیش آمد ما یک کار میدانی انجام دادیم. به این نتیجه رسیدیم که متأسفانه در دو سال گذشته بسیاری از تریبون های داخلی نظام که مستقیم یا غیرمستقیم از خزانه نظام تغذیه می شوند به نیت یک نوع مبارزه سیاسی یا حزبی، مرتب ارکان نظام را تخریب می کردند. شاید نیت ها هم پاک بوده، یکی دولت را ناکارآمد قلمداد می کرد و شخص دیگر دولت را کارآمد می دانست. یکی ناکارآمدی قوه قضائیه را فریاد می زد و فرد دیگری می گفت هر دو خوب هستند و مجلس مشکل دارد. در مجموع برخی تریبون های وابسته به نظام القاکننده ناکارآمدی، فساد و افزایش مطالبات شده بودند. حتی مصاحبه های سران قوا را داشتیم که با هم برخورد می کردند. مقام معظم رهبری البته چاره اندیشی کرده، و جلسه روسای قوا را در این وضعیت بحرانی تشکیل دادند. ابتدا غیرعلنی بود ولی بعد با مصلحت ایشان جلسات علنی بود و حتی سران قوا را مکلف به شرکت کردند که بنشینند و تصمیم بگیرند. اکنون تعداد جلسات به طور متوسط یک بار در هفته است ولی آن زمان هر وقت لازم بود این جلسات برگزار می شد. آن زمان سران قوا با هم مشکل داشتند و جو عمومی خراب می شد. جلوی تریبون همه چیز را خوب نشان می دادند ولی بعد از آنجا تیر و ترکش هایشان به هم می خورد. البته به نظر من باید جلسه به صورت گروهی برای حل مشکلات باشد و مدیریت کنند که الحمدلله پس از پیگیری حضرت آقا احساس آرامشی در قوا ایجاد شد. این البته در بدنه ها نیست و فعلاً در رأس است. مثلاً می گویند که معاون وزیر فرار کرده و یکی می گوید سکه گرفتیم و بعد دروغ از آب درمی آید و... هر چه هست در نهایت به این نتیجه رسیدند که باید هم آوایی و همگرایی باشد. ما معتقدیم اگر همدلی نیست، حداقل همزبانی باشد. اگر این طور باشد مانند همین سخنرانی

البته ایشان باید همین گونه که الان هستند بمانند. مثلاً آقای احمدی نژاد می گفتند که برای عبور از بحران ها رئیس جمهور باید استعفا بدهد یا رئیس قوه قضائیه باید عزل شود چون مصلحت فعلی نظام در این است یا حتی برخی از تندروهای اصلاح طلب یا اصولگرا چنین می گفتند که روحانی باید برود اما این حرف ها حرف های بی ربطی است و من این رفتن را یک بحران عظیم می دانم.

اخیرا آقای موسویان، عبدالعلی زاده و برخی رسانه ها گفته اند که آقای روحانی اگر نمی تواند، برود.

▶ اکنون ضمن حمایت از مواضع فعلی آقای روحانی که وظیفه خود می دانیم باید بگویم که برخی از دولت مسئولان دوره نرمال هستند نه دوران بحران و قراگاه که آقای روحانی باید آنها را راه کند.

شنیده شده که برخی از اعضای کابینه خودشان قصد دارند برونند اما آقای روحانی نمی گذارد، آیا شما هم اینها را شنیده اید؟

▶ من هم شنیده ام اما از صحت و سقم آن خبر ندارم. شاید برخی ها رفتنی هستند و می گویند ما خودمان می رویم، نمی دانم اما این قطعی است که برخی از آنها مجهز برای زمان غیرعادی نیستند.

ما با پدیده عجیبی روبه رو هستیم و آن اینکه آقای احمدی نژاد هر روز مدیر عوض می کرد اما آقای روحانی حاضر به تغییر مدیران خود نیست. آقای روحانی می خواست کارهایی بکند اما مجلس هم کم لطفی کرد.

ماجرای تفکیک را می فرمایید؟

▶ بله، ایشان می خواست این وسط راه گریزی داشته باشد.

آقای مهندس! مگر آقای روحانی رودر بایستی دارند؟

▶ مثالی عامیانه بزنم. در اسلام نقل است از قول رسول اکرم که مکروه ترین حلال نزد من طلاق است. من عزل و استیضاح را طلاق می دانم. نباید اتفاق بیفتد اما یک جایی حلال می شود.

پس شما روبه آقای روحانی را می پسندید که خیلی دنبال طلاق نیست.

▶ نه، اتفاقاً پیام و خواسته و خواهش من از آقای روحانی این است که در کابینه خود خانه تکانی کند. اینکه شما فکر کنید آقای احمدی نژاد هر روز مدیر عوض می کرد، کار خوبی می کرد؟ خیر، او متزلزل ترین دولت ها را داشت. سه رئیس کل بانک مرکزی عوض کرد که نفعی برای کشور نداشت. در دنیا اینجایی که سیستم و سازمان و تجربه دارند ۲۵ سال رئیس کل بانک مرکزی شان را عوض نمی کنند.

آقای حجاران نوشته اند که اصولگرایان چهار سناریو مقابل آقای روحانی دارند و یکی از آنها این است که زمینه کناره گیری آقای روحانی را فراهم کنند. به نظر می رسد که شما در جلسات مختلفی از اصولگرایان شرکت می کنید. آیا واقعا چنین

سناریویی در محافل و گعده های اصولگرایان مطرح بوده است؟

▶ به نظر من اصولگراها و اصلاح طلب ها نفس واحدی نیستند، من رسماً گفته ام و باز هم می گویم. همین جا جوابی هم به جناب آقای جنتی بدهم و آن اینکه یک اصلی در قانون اساسی داریم که مجلس می تواند به عدم کفایت رئیس جمهوری رای بدهد، رهبری او را عزل خواهد کرد که یک بار از این اصل استفاده شده است. من متضرعانه درخواست می کنم که دیگر از این اصل استفاده نشود.

پس شما چنین چیزی را در جلسات نشنیده اید؟

▶ ممکن است من بعضی مواضع را داشته باشم اما افراد تند و رادیکال اصولگرا آن را قبول نداشته باشند. من با این کاری ندارم.

نه جایی که شما هستید و افرادی با طبع سیاسی شما حضور دارند را می پرسم.

▶ نه، اینجایی که من هستم هیچ کس چنین حرفی را نمی زند. این کار خیلی هزینه زیادی دارد. اصلاً شوخی نیست. اینها که می گویند اکنون زمان تغییر رئیس جمهور است یعنی قبول کردن اینکه ما بحران داریم.

از اصولگراها که بگذریم، اصلاح طلبانی که بحث رفتن آقای روحانی را مطرح می کنند چه هدفی دارند؟

▶ آنها می خواهند پرونده خودشان را از روحانی جدا کنند و هزینه ای نپردازند. خیلی روشن است وگرنه در جلسات خصوصی که به آنها نگاه می کنیم می بینیم آنها جایگزینی برای روحانی ندارند ولی می خواهند اگر گرفتاری ای وجود دارد از زیر آن شانه خالی کنند. این بی معرفتی است که در مشکل فردی را راه کند.

به نظر شما ممکن است به سمتی برویم که اصولگراها طرفدار آقای روحانی شوند و اصلاح طلبان منتقد ایشان. آقای زیبا کلام در سرمقاله ای که در روزنامه ایران چاپ کرده به آقای روحانی گفته که چرا این حرف ها را زده ای؟ تو برای خوشامد اصولگرایان این حرف ها را زده ای که به غرب برمی خورد. آیا ما با چنین پدیده ای مواجه می شویم که آقای روحانی رئیس جمهور اصولگرا شود؟

▶ من جمله ای بگویم و عبور کنم و آن اینکه وقتی آقای روحانی رئیس جمهور شد نشریات اصلاح طلب می گفتند که روحانی اصلاح طلب است اما من بارها و بارها به این نشریات می گفتم که ایشان ساختار و سابقه سیاسی و خاستگاهش اصولگراست. ما مشکلی در کشور داریم و آن اینکه چون حزب فراگیر و قدرتمندی نداریم که می خواهد مسئولیتی را بپذیرد باید به نحوی رای جمع کند. در سال ۹۲ از آقای روحانی حمایت نکردیم و او به سمت اصلاح طلبان رفت. من ذاتاً ایشان را اصلاح طلب نمی دانم. سال ۷۸ اتفاقی کوچک تر از فتنه ۸۸ افتاد که سخنران محوری اش (۹ دی آن موقع) روحانی بود. من به دوستان اصلاح طلب گفتم اگر یک سخنرانی از آقای روحانی قبل از سال ۹۲ پیدا کنید که به نفع اصلاح طلبان

صحبت کرده باشد به ازای آن من صد سخنرانی از ایشان می آورم که به نفع اصولگراها سخن گفته است. می خواهم بگویم در واقع اگر اصولگرایان طرفدار روحانی شوند، او تازه به سر جای خودش بازگشته است.

می گویند که بیشترین مذاکره ها در نقطه جوش دعوای صورت می گیرد. اکنون که جدالی سخت بین آقای روحانی و ترامپ بالا گرفته به نظر شما ممکن است مذاکره ای بین ایران و آمریکا در دوره ترامپ صورت گیرد؟

▶ خیلی بعید یا تقریباً غیرممکن است. علت آن این است که بالاخره باید یک روزنه امیدی به مذاکره وجود داشته باشد.

در مورد کره شمالی هم این اتفاق افتاد. سطح جدال بسیار بالا رفت اما به یکباره تصمیم به صلح گرفتند.

▶ اینها رجز خوانی بود. ما همین الان هم علی رغم کری خوانی های ترامپ، هرگز اولین شلیک کننده موشک نخواهیم بود.

پس تحلیل شما این است که مدل ما مثل کره شمالی نیست و در دوران ترامپ به مذاکره نمی رسیم.

▶ برای آنها توهم ایجاد شده که مثلاً می توانند در یک فرصت تغییر نظام یا تغییر رفتار دهند. به تعبیر آقا تغییر رفتار همان تغییر نظام است. نظام و اعتقاد ما اصلاً قابل تغییر نیست. زمانی با یکی از وزرای کشورهای عربی ملاقاتی دوستانه داشتم. او شروع کرد به تعریف و نقل از صحبت های رئیس سسی ای که ایران کشور پنهانور و مقتدری است. من صحبت او را قطع کردم و به او گفتم می خواهی بگویم که جمله بعدی رئیس سسی ای چه بوده؟ می خواهند که ایران کاری به اسرائیل نداشته باشد و در این صورت شریک منطقه و بزرگ ترین پایگاه منطقه خواهد بود. گفت: او همین را گفت. گفتم به ایشان بگو حکام آمریکا ملت آمریکا را روگوان اسرائیل قرار داده اند که اگر ملت آنها حکام شان را وادار کنند که اسرائیل را کنار بگذارند تازه می شوند مثل ما. ما دعوایمان با آمریکا همین است. آنها می خواهند که ما نباشیم. به تعبیر حضرت آقا اینها که می گویند در مقابل آمریکا کوتاه بیایید بگویند که چقدر کوتاه بیاییم تا آمریکا راضی شود؟ آمریکا راضی نخواهد شد و به دنبال این است که ما نباشیم. ما از اعتقاد خود دفاع می کنیم. مذاکره با آمریکا و درگیری نظامی با آمریکا هر دو بعید است. حتی آمریکا به دنبال جنگ نیابتی در منطقه است. حتی آنها می که نایب آمریکا هستند بعید است با ایران درگیری شوند؛ یعنی ممکن است با دوستان ایران درگیری شوند اما با خود ایران بعید است.

آقای مهندس! از جلسه اخیر مجمع تشخیص تصویری جنجالی منتشر شده که مربوط به زمان رای گیری در مورد ماجرای سپینا نیکنام است. شما که در این جلسه حضور داشتید، بفرمایید این تصویر همان جلسه است یا آن گونه که دکتر کدخدایی می گویند، ربطی به این رای گیری ندارد و مربوط به منصوبه دیگری است. همه بحث در مورد عکس هم این است که به گواه همین تصویر همه موافق عضویت آقای سپینا بوده اند و فقط آقای جنتی مخالف بوده اند.

▶ بله، تصویر همین منصوبه است. اما نکته این است که همه موافق نبودند. باید دو توضیح مهم در این رابطه داد. اتفاقاً در این جلسه خیلی ها به نفع نظریه شورای نگهبان صحبت کردند. آیت الله مدرسی یزدی مفضل در این مورد صحبت کردند اما آقای جنتی حتی یک کلام نه موافق و نه مخالف صحبت نکردند. اینکه آقای جنتی تمام توانش را به کار بست تا رای آورده نشود درست نیست.

تصویر منتشر شده از جلسه مجمع تشخیص مربوط به سپینا نیکنام است. اما نکته این است که همه موافق نبودند. باید دو توضیح مهم در این رابطه داد. اتفاقاً در این جلسه خیلی ها به نفع نظریه شورای نگهبان صحبت کردند. آیت الله مدرسی یزدی مفضل در این مورد صحبت کردند اما آقای جنتی حتی یک کلام نه موافق و نه مخالف صحبت نکردند. اینکه آقای جنتی تمام توانش را به کار بست تا رای آورده نشود درست نیست. سخنگوی شورای نگهبان، آقای دکتر کدخدایی دفاع کردند. برخی دوستان دیگر هم در مقام موافق و مخالف صحبت کردند. این جوی که رسانه ها راه انداختند آیت الله جنتی خیلی عصبانی بودند درست نیست



تندتری دارند؟ بنای این حرفم هم آن اتفاقی است که در هیأت رئیسه افتاد، یعنی یک دفعه سمت آقای عارف رفتند. آیا این پیغامی به سران ائتلاف یا آقای لاریجانی بود که اگر بخواهند انتخاب کنند، آدم خود را بخواهند آورد؟ تحلیل شما چیست؟ آیا اصلاح طلبان آن قدر محافظه کار هستند که هنوز هم ترجیح بدهند از نامزد ائتلافی این طرف استفاده کنند یا اینکه ممکن است آن ریسک را بپذیرند و به سمت خودشان بروند. آیا هنوز این حرف آقای عطاریانفر ساری و جاری است که ما نقد آقای لاریجانی را به نسیه آقای عارف ترجیح می دهیم؟

چون ما دو، سه تا حزب مضبوط و فراگیر و جان دار نداریم، تعداد متاسفانه زیاد اما شناورند. در مجلس دهم ۱۴۰ نفر تقریباً از نردبان لیست امید به مجلس راه یافتند. در سال اول که آقای عارف کاندیدای ریاست شد ۳۶ نفر بیشتر به او رای ندادند؛ سوال این است که آن ۳۶ نفر کجا هستند؟ پیداست که آنها فقط نذر کرده بودند که به مجلس راه یابند. در اصولگراها هم گاهی این طور آدم ها پیدای می شوند. این افراد از نردبان هرکس که بشود بالا می روند تا فقط به مجلس بروند، حال نردبان آقای حداد یا آقای لاریجانی یا آقای عارف، بعد هم که وارد شدند به آن نردبان متعهد نیستند که این از اشکالات سیاست ورزان است. نکته دوم هم که می گوید به سمت آقای عارف رفتند ایشان سال اول و سوم نامزد شد و در سال دوم کاندید نشد و در این سال هم تعدادی رای سفید جمع شد که به آقای لاریجانی رای داده بودند. در مجلس دهم در یک موضوع متفاوت از مجالس دیگر شده و آن این است که در مجلس دهم سه تا فراکسیون داریم که اکثریت نیستند، ما متاسفانه فراکسیون اکثریت نداریم. در ساحت سیاست، دولت های ائتلافی دولت های ضعیفی هستند، مجلس های ائتلافی هم ضعیف هستند چون حتما باید دو فراکسیون با هم ائتلاف کنند تا حرفی به کرسی نشاندن شود. سه تا استیضاح به صحنه می آید و یکی هم رای نمی آورد ولی در گذشته استیضاحی می آمد و رای گیری هم می شد. البته آقای لاریجانی مورد نقد بخشی از جریان

اصلاح طلبان می خواهند پرونده خودشان را از روحانی جدا کنند و هزینه ای نپردازند. خیلی روشن است وگرنه در جلسات خصوصی که به آنها نگاه می کنیم می بینیم آنها جایگزینی برای روحانی ندارند ولی می خواهند اگر گرفتاری ای وجود دارد از زیر آن شانه خالی کنند. این بی معرفتی است که در مشکل، فردی را رها کنند

این را از آقای لاریجانی بپرسید. این داستان نمایندگان ادوار یک وضعیت سهل و ممتنع دارد. اکثریت قاطع سه مجلس هفتم، هشتم، نهم هر سه اصولگرا بودند، یعنی مجلس خط عوض نکرد، ولی دوسوم نمایندگان آن عوض شد. مثلاً این مجلس دو تا نماینده برای شهر کرمان داشت. از ابتدای انقلاب تا به حال مجلس ۱۵ نماینده به جز افراد تکراری برای کرمان داشته است. مثلاً تا ۸ اصولگرا یا ۷ تا اصلاح طلب داشتیم که همان ۸ اصولگرا هم با هم رقیب بودند. من دارم تحلیل آماری ارائه می کنم. الان ۱۵۰۰ نماینده بعد از انقلاب حداقل یک دوره نماینده شده اند هر حوزه انتخابیه یک نماینده ممکن است داشته باشد اما ۵ نماینده ادوار دارد که با هم رقیب هستند و نمی توانند با هم کار کنند که مثلاً می توانند هر ۵ تا اصولگرا باشند. اگر یک نفر یک حزب تشکیل دهد و بگوید از نماینده ادوار حمایت می کنم، نمی شود چون آنها ۵ نفر هستند و ما یک نفر می خواهیم حزب منسجمی تشکیل دهد چون ممکن است هر دو تا اصولگرا و متدین و رقیب از یک شهر باشند پس نمی توانند در یک حزب باشند. خبری آمده که آقای خاتمی با آقای ناطق دیداری داشتند و گفته بودند که آقای لاریجانی را بر آقای عارف ترجیح می دهند. سوال این است که آیا آقای لاریجانی می تواند مانند آقای روحانی گزینه ائتلافی باشد که او را رئیس جمهور کرد و در این جایگاه قرار گیرد یا اصلاح طلبان با او زاویه

سختگوی شورای نگهبان، آقای دکتر کدخدایی دفاع کردند. برخی دوستان دیگر هم در مقام موافق و مخالف صحبت کردند. این جوی که رسانه هارا انداختند آیت الله جنتی خیلی عصبانی بودند درست نیست.

یعنی شما می فرمایید غیر از آقای جنتی مخالفان دیگری هم وجود داشتند؟

بله.

پس چرا در این تصویر فقط دست ایشان پایین است؟

عکس از زاویه ای دیگر گرفته شده است. حدود یک چهارم حضار مخالف بودند. حداقل ۸۷ نفر مخالف بودند. دقیقاً جایی که دوربین قرار گرفته پشت این دوربین حداقل هفت یا هشت نفر مخالف حضور دارند.

ممکن است مساله مینو خالقی، هم این گونه حل شود؟

من ورود نمی کنم. آن مساله دیگری است. شما جزو آن چند نفری که در اتاق فکر آقای لاریجانی رفته اند - نمایندگان ادوار - هستید؟ زمانی گفتند که ۲۵ نفر از نمایندگان ادوار آمده اند و برای آقای لاریجانی اتاق فکر تشکیل داده اند. شما جزو آنها هستید؟

خیر من نیستم البته ایشان به من لطف دارند و بنده نیز با ایشان ارتباط دارم و بعضی از مسائل را با ایشان با مشورت حل می کنیم یا خبر می دهند و نظر می خواهند اما ساختاری مثل اتاق فکرانه، من حضور ندارم.

شما جزو حزب ایشان هستید؟ آقای بهروز نعمتی مصاحبه کردند و گفتند که خبر خوشی دارند و حزب شان در راه است.

من عضو آن نیستم.

گفته اند که آقای لاریجانی دارند حزبی متشکل از نمایندگان ادوار تشکیل می دهند. این یک مساله دوسویه است. این نمایندگان ادوار اولاً می توانند در انتخابات از پرند آقای لاریجانی استفاده کرده و رای بیاورند. ثانیاً برای آقای لاریجانی هم خوب است که در سراسر کشور نمایندگانی پیدا می کند. نظر شما در این مورد چیست؟



جمهوری یا حول یک محور اصولگرایی نیست. یک جلسه‌ای است برای انسجام بخشی اصولگرایان.

می‌گویند آقای قالیباف و آقای جلیلی به آنجا رفته‌اند.

■ من نمی‌دانم؛ ممکن است مهمان باشند یا عضو شده باشند.

همین‌را می‌خواستم بدانم که ساختار جلسات چگونه است آیا یک سری اعضای ثابت دارد و بقیه مهمان هستند؟

■ این‌را هم خبر ندارم.

برای چمنای فعل «بودند» که به کار بردید، یعنی الان نیستند؟

■ الان هم هستند اما من گفتم اگر چمنای بخواهد استقرار پیدا کند باید اصلاحاتی در آن انجام شود.

حتی شما گفته‌اید که اگر چمنای خود را اصلاح نکنند به سراغ تشکیلات دیگری خواهید رفت و این خیلی سر و صدا کرده است.

■ من نگفتم‌ام باید اصلاح شود. ما ممکن است با رادیکال‌های اصولگرا یا حتی میانه‌روهای آن اختلاف نظرهایی داشته باشیم اما در هر صورت باید با هم جمع شویم. چمنای اگر می‌خواهد محور باشد باید یک سری اصلاحات ساختاری به وجود بیاورد تا بتواند همه اصولگرایان را پوشش دهد. اگر این اتفاق رخ ندهد دو حالت دارد. یا چمنای می‌رود و نمی‌ماند آن وقت باید تشکیلات جدید آورد اما اگر چمنای بماند یک تشکیلات دیگر هم بیاید، این اول تفرقه است. این از همان اول شکستش مبرهن است. پس اگر چمنای اصلاح نکند و نماند طبیعی است که تشکیلات دیگری راه می‌افتد ولی ماندن بدون اصلاحات طبیعی است که شکاف و اختلاف پیش می‌آورد.

آیا بعد از انتخابات ریاست جمهوری جلسه‌ای میان اصولگرایان برای تصمیم‌گیری انتخاباتی تشکیل شده است؟

■ فقط یکدیگر را می‌بینیم و جلسه کاملی هم نداشته‌ایم.

شما مدل‌های موفق برای مجلس هشتم و هفتم داشته‌اید اما در مجلس دهم اتفاقات دیگری افتاد؛ مثلاً فراکسیون به معنای اکثریت تشکیل نشد. مدل پیشنهادی شما به عنوان محمدرضا باهنر با این همه سابقه کار در انتخابات مجلس چیست؟ چه کار کنند؟ حول چمنای جمع شوند؟ حول آقای رئیسی جمع شوند؟ تشکیلات جدید درست کنند؟ جبهه متحد درست کنند؟ داوری درست کنند؟

■ زمانی که چمنای تشکیل و تاسیس شد من در جلسات سیاسی‌شان بودم. آن موقع دلایلی داشتم که گفتم در این وضعیتی که شما دارید باید گفتمان داشته باشید. گفتم با این وضع گفتمانی، ما ۲۵ درصد بیشتر رای برای ریاست جمهوری نخواهیم داشت. پس از پایان انتخابات آقای رئیسی ۴۰ درصد رای آوردند که به زعم من موفقیت بسیار بزرگی بود و شکست نبود. چون پیش‌بینی ما ۲۵ درصد بود و ۴۰ درصد شد. آقای روحانی در مجلس دوره قبل گفت درست است که من ۵۰ درصد رای آوردم اما نفر بعد از من ۱۴ درصد رای آورد یعنی آقای قالیباف. او می‌خواست بگوید که تفاوت من با رقیبم ۳۶ درصد است. آن موقع آقای انصاری معاون پارلمانی ایشان بود که من گفتم رقبای ایشان ۴ نفر شده‌اند؛ آقای قالیباف، محسن رضایی و ولایتی و... حداقل اثر چمنای بود که ۱۱ درصد را ۴۰ درصد کرد. در مجلس هم این بود. بنده کاندیدای مجلس دهم نبودم ولی وقتی که انتخابات مجلس روز جمعه در تهران برگزار شد، من در کنفرانس مطبوعاتی قبل

اصولگرایی هست اما چسبندگی او به جریان اصولگرایی خوب است.

بیشتر از روحانی؟

■ در سال ۹۲، ۴ کاندیدا از دل اصولگراها بیرون آمد اما هیچ کدام از مجموعه آنها حاضر نشدند از روحانی حمایت کنند. خاستگاه روحانی اصولگرایی بود اما به دلایلی از او حمایت نکردند.

اما در انتخابات هیأت رئیسه دیدیم که نهایتاً نامزد اصولگرایان به نفع آقای لاریجانی کناره‌گیری کرد.

■ معلوم است. حتی الان دوستان رادیکال ما آقای لاریجانی را بر عارف ترجیح می‌دهند، همین الان لاریجانی را بر روحانی هم ترجیح می‌دهند حتی با وجود نقدهایی که به او دارند. اگر امر بر آقای لاریجانی و اصولگرایی دیگری دایر شود، در این صورت بحث دیگری است اما اگر همین الان امر بر آقای لاریجانی و آقای روحانی یا آقای لاریجانی و آقای عارف دایر شود، معلوم است که آقای لاریجانی انتخاب خواهد شد اما معنای آن این نیست که من توصیه می‌کنم که ایشان نامزد شوند یا توصیه می‌کنم که ایشان کاندیدا نشوند. الان توصیه می‌کنم که اصلاً طرح کاندیدای ریاست جمهوری مضر و زود است.

آقای لاریجانی در مجلس دهم کمی سخت‌تر توانستند از قم وارد پارلمان شوند. آیا این وضعیت برای مجلس یازدهم سخت‌تر خواهد بود؟

■ زود است که قضاوت کنیم.

برای رئیس مجلس شدن ایشان هم قضاوت زود است؟

■ آقای لاریجانی سیاستمدار قدرتمندی است. قطعاً او محاسبه خواهد کرد که کاندیدا بشود یا نشود ولی الان زود است برای این محاسبات و نمی‌شود از حالا گفت. ممکن است ما شش ماه به پایان مجلس دهم بتوانیم تحلیل و محاسبه کنیم اما اکنون نمی‌توان محاسبه کرد که او رای می‌آورد یا رئیس می‌شود یا خیر. **آیا شما در جلسات آقای رئیسی در تهران شرکت کرده‌اید؟**

■ من علاقه مند بودم شرکت کنم اما از نظر زمانی امکان آن مهیا نشد.

از شما دعوت کردند؟

■ بله.

می‌دانید چه کسانی شرکت می‌کنند؟

■ خیر، اطلاع دقیق ندارم اما علاقه داشتم شرکت کنم.

این جلسات به پایان رسیده است؟

■ این جلسات تمام نشده و ادامه دارد. من سوال کردم که حول ریاست جمهوری است، دوستانی که شرکتی می‌کردند گفتند نه، حول ریاست جمهوری نیست.

پس موضوع چیست؟

■ گفتند که موضوع این جلسات حول منسجم کردن اصولگراهاست.

با محوریت آقای رئیسی؟

■ خیر. در گذشته اصولگراها یک مجموعه بودند به نام چمنای.

جلسات آقای رئیسی هفتگی تشکیل می‌شوند؟

■ شنیدم هفتگی تشکیل می‌شود. جلسات حول محور کاندیدای ریاست جمهوری نیست، همان انسجام اصولگراهاست و من نمی‌دانم که آنها اعضای ثابت یا مهمان بوده‌اند چون خبر ندارم. من اگر در این جلسات شرکت کنم دیگر حرف‌هایم بر مبنای شنیده‌ها نیست و خودم می‌بینم که چه ماجرابی هست. الان شنیده‌ها می‌گویند اصلاً جلسات حول یک کاندیدای ریاست

ما ممکن است با رادیکال‌های اصولگرا با حتی میانه‌روهای آن اختلاف نظرهایی داشته باشیم اما در هر صورت باید با هم جمع شویم. چنان‌اگر می‌خواهد محور باشد باید یک سری اصلاحات ساختاری به وجود بیاورد تا بتواند همه اصولگرایان را پوشش دهد. اگر این اتفاق رخ ندهد دو حالت دارد. یا جمعی می‌رود و نمی‌ماند آن وقت باید تشکیلات جدید آورد اما اگر جمعا بماند یک تشکیلات دیگر هم بیاید، این اول تفرقه است. این از همان اول شکستش مبرهن است. پس اگر جمعا اصلاح نکند و نماند طبیعی است که تشکیلات دیگری راه می‌افتد ولی ماندن بدون اصلاحات طبیعی است که شکاف و اختلاف پیش می‌آورد

در کانکس باشد. یک مدرسه‌ای که ۳۰ دانش‌آموز دارد با یک معلم، آیا می‌شود از بیت‌المال یک میلیارد تومان یک مدرسه برایشان ساخت؟ اصلا باید ساخت یا نباید ساخت؟ در مهرماه سال گذشته رادیو گوش می‌کردم، آقای گزارشگر می‌گفت ما یک مدرسه داریم که در دنیا نمونه است. من تعجب کردم که چه مدرسه‌ای؟ گفت یک مدرسه‌ای داریم با یک معلم و یک شاگرد. عذر می‌خواهم؛ گفتن احقانه‌ترین کاری است که ما داریم انجام می‌دهیم. اگر این دانش‌آموز را ما با هلی‌کوپتر هم ببریم در شهر، معلم استاد دانشگاه هم برایش بگیریم، خرجش کمتر است که برای او یک مدرسه بسازیم. مثلا این را آن خبرنگار می‌رود بالای کانکس و زمانی می‌رود که برق آن کانکس به یک‌باره قطع شده و می‌گوید این هم مدارس ما است. یعنی بعضی‌ها فکر می‌کنند که اگر به دولت بد بگویند، به قوه قضاییه بد بگویند، به مجلس بد بگویند، به مجمع تشخیص مصلحت نظام بد بگویند، این‌ها خیلی انقلابی هستند. من جمع‌بندی صحبت‌م این است که در مملکت ما مشکل وجود دارد، نابرابری وجود دارد، فساد هم وجود دارد، اما حس مردم چندین برابر واقعیت‌ها است. واقعیت را ما به وجود آوردیم؛ ندانم کاری و ناشی‌گری و بلد نبودن کار. حتی در تربیون‌های نماز جمعه، بعضی اوقات یک نغدهای خشنی می‌شود به آن‌ها هم می‌گوییم که چرا اینگونه حرف می‌زنید، می‌گویند ما باید فریادکننده مطالبات مردم باشیم. آخرینش هم چند روز پیش از تلویزیون دیدم. آن طرف مرز آتش گرفته بود، دود آمده سمت کشور ما. چیز بدی بود. بعد خبرنگار رسانه ملی رفته بود و می‌گفت این دود چیست؟ مردم می‌گفتند ما خودمان هم نمی‌دانیم چیست. مسئولان رسیده‌اند به آن یا نه؟ مسئولان چکار کنند؟ تا پریروز خبرها آمد که چند هلی‌کوپتر آتش نشان آورده‌اند که آن‌ها را خاموش کنند. اینطوری می‌خواهیم بگوییم مسئولان نا کارآمد هستند؛ زحمت می‌کشند، کار می‌کنند. من بچشم این است که این‌ها یک ریشه‌های تخریب‌کردن افکار عمومی دارد. خارجی‌ها که مرتب مشغول هستند؛ از آقای ترامپ گرفته تا صهیونیست‌ها. خودمان لااقل این بالا را به سرمان نیاوریم. واقعا امسال سال چهل‌پیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران است. من واقعا از رسانه‌ها توقع دارم و خواهش می‌کنم کارنامه عادلانه و عالمانه از عملکرد نظام جمهوری اسلامی تهیه کنند. در این کارنامه عالمانه و عادلانه یک جاهایی هم ممکن است ما اشتباه کرده باشیم. این دولت به آن دولت می‌گوید. آن دولت به آن دولت می‌گویند، چپی‌ها می‌گویند راستی‌ها بودند، راستی‌ها می‌گویند... نه، مشترکا مملکت را اداره کردید. بعضی‌ها می‌گفتند دست این‌ها بوده، بعضی‌ها می‌گویند دست آن‌ها بوده است. به انقلاب، نظام و به این همت مردم ظلم است که ما مثلا بخواهیم این طوری بعد از ۴۰ سال نگاه کنیم. این را هم بگوییم که الان ۷۰ درصد جمعیت کشورمان انقلاب را درک نکردند. حدود ۶۰ درصد از جمعیت کشورمان، جنگ و امام را ندیدند. این‌ها باید باورشان باشد که این انقلاب بزرگ، خدایی بوده است.

ما در باره وقایع دی‌ماه نشستیم و بحث کردیم و تحلیل کردیم. نتیجه بحث‌هایمان این بود که متأسفانه یکسری اختلافات و رقابت‌های غیرضرور، حداقل این که زمانش زمان مناسبی نبود، باعث شد که ما ظرف یکی، دو سال گذشته بسیاری از تربیون‌های نظام؛ حالا به آن تربیون‌های مخالف نظام، خارج و صداهای بیگانه و صهیونیست و آمریکا و انگلیس یا بعضی از فضاها می‌مجازی داخل کشور، کاری نداریم، تربیون‌هایی که وابسته به نظام بودند شروع کردند کلیت اصول نظام را تخریب کردند. یکی گفت دولت نا کارآمد است، یکی گفت قوه قضاییه نا کارآمد است، یکی گفت مجلس نا کارآمد است، یکی گفت هر سه این‌ها نا کارآمد هستند، یکی گفت سپاه اینطوری است، یکی گفت ارتش اینطوری است. مجموعا دو، سه تا پیام را متأسفانه بدون این که با همدیگر هماهنگ کنند، القا کردند به جامعه. یکی نا کارآمدی، یکی فساد و یکی هم این که مردم باید مطالباتشان را فریاد بکشند. حضرت آقا یک زمانی تعبیری داشتند. گفتند آقا این جناح برای آن جناح می‌گوید، آن جناح برای جناح دیگری می‌گوید، شنونده می‌گوید جمعی این است که همه‌شان مشکل دارند. اواخر سال قبل در کرمانشاه یک زلزله اتفاق افتاد، اتفاق بدی هم بود، حادثه غم‌انگیزی هم بود. یک عده از مردم کشته شدند، بی‌خانمان شدند... من با هنر، شخص محمدرضا باهنر، بعد از انقلاب در چند زلزله بسیار سنگین مدیر میدانی بودم. یعنی از امداد و نجات رفتم، جسد آوردم بیرون، دفن کردم، مسکن موقت ساختم، مسکن دائم ساختم. در کرمانشاه متأسفانه من مسئولیتی نداشتم، من با این وضعیت قضاوت‌م این است که کرمانشاه را خیلی خوب جمع کردند به نسبت زلزله‌های قبل. هلال احمر آمد، دولت آمد، ارتش آمد، سپاه آمد، مردم آمدند، مثلا ۲۰ هزار چادر زدند. ناگهان باران آمد، از این ۳۰ هزار چادر، ۲۰۰ تا آن زیر آب رفت. صدا و سیما می‌می‌رود بالای سر این چادرها می‌گوید این هم هنر مسئولان، این هم کار مسئولان. آقای صدا و سیما محترم! در آمریکا موقعی که کمک‌رسانی می‌خواهند کنند، این اتفاقات نمی‌افتد؟ در انگلیس نمی‌افتد؟ در جاهای دیگر نمی‌افتد؟ می‌رود بالای سر چادری که آب رفته در آن، می‌خواهد القاء کند که این‌ها نا کارآمد هستند. طرف در چادرش اذیت می‌شود، من اذیت‌شدن را انکار نمی‌کنم، یک نفر هم نباید اذیت شود، اما اگر از ۳۰ هزار تا چادر که در یک ماه نصب شده، ۳۰۰ چادر رفت زیر آب، این می‌شود نا کارآمدی؟ از این موارد الا ماشاءالله. صدا و سیما می‌می‌رود بالای سر چادری که حرف را بزند چه می‌شود؟ دولت وظیفه‌اش است؟ من تا چند روز پیش نشنیده بودم. فرمانده هوانیروز می‌گفت زمانی که ما آمدیم کرمانشاه، ۱۰۰ سورتی پرواز داشتیم. ۱۰۰ سورتی پرواز، جنازه ببر، مصدوم بیاور و... این خدمات عظیم انجام می‌شد. یا مثلا ما ۶۰ هزار مدرسه در کشور داریم، از این ۶۰ هزار تا، ممکن است ۳۰۰ تا در چادر باشند، در کانکس باشند یا در کپر باشند. اگر ما وضع مالی مان هم خیلی خوب باشد، بعضی از این مدارس باید

از انتخابات اعلام کرده بودم که ما مجلس دهم را بردیم. بعضی از دوستان گفتند حالا که ما سی - هیچ باختیم این کنفرانس را لغو کنید ولی من گفتم نه. ۳۰ نفر در تهران رای نیاوردند ولی ما بردیم. به رسانه‌های اصلاح طلب گفتم ما در ۸ خرداد در خدمت‌تان هستیم. خواهید دید که رئیس مجلس اصولگرا خواهد شد. بنابراین من این تحلیل را قبول ندارم که در ریاست جمهوری و مجلس شکست خوردیم. یک اشکال دیگر هم در طرف مقابل وجود داشت و آن اینکه ۱۴۰ نفر از لیست امید به مجلس رفتند ولی در اولین انتخابات آقای عارف رای نیاورد؛ ما فلز کانیدها را می‌شناسیم. شاید خود ایشان نمی‌دانست ولی من می‌دانستم که عده‌ای با نردبان آقای عارف به مجلس رفته‌اند ولی به او رای نمی‌دهند. این‌ها چیزهایی هست که پشت کتاب نوشته‌اند و کسانی که بخواهند روی کتاب را بخوانند، نمی‌توانند متوجه اتفاقات باشند. من دو روز بعد از انتخابات مجلس (۱۷ اسفند) به خبرنگاران گفتم ما برنده‌ایم در حالی که باختیم بودیم، گفتند روی چه حسابی می‌گویید، گفتم نمی‌توانم به شما بفهمانم ولی معتقدم ما ۸ خرداد در خدمت شما هستیم که ببینید چه کسی برده است؛ یعنی قصد من این بود که بگویم باید بتوانید تحلیل آماری داشته باشید. ما در مجلس از دوره قبل بدتر بودیم ولی باختیم چون توانستیم ریاست فراکسیون قاطعی داشته باشیم اما این بار نداشتیم اما در ریاست جمهوری بهتر بودیم. در نهایت برنده‌ایم. الان آقای لاریجانی حتما سال چهارم هم رئیس است چون رقیبی ندارد.

آقای مهندس، دقیقا مشکل اصلاح طلبان با آقای عارف چیست؟ چرا این قدر با این فرد جدل دارند؟ به خاطر محافظه کاری ایشان است؟

ریشه ماجرا این است که سیاست‌ورزان کشور با یکدیگر حتی با خودشان مشکل دارند. ما در کشور چهار حزب چارچوب‌دار قوی نداریم. ما انرژی زیادی را برای انسجام می‌گذاریم و در نتیجه انرژی کمتری برای رقابت می‌ماند. اتحاد و انسجام لازم است اما کافی نیست. در حالی که اگر ما چهار حزب داشتیم، تمام انرژی مان صرف انتخابات می‌شد، چون حزب برای کار انتخاباتی ضابطه و ساختار دارد. ما چون قانون نداریم، یک بار می‌گوییم جبهه متحد یک بار می‌گوییم جبهه پیروان خط امام و رهبری، یک بار می‌گوییم جمنا، هر دفعه یک چیزی می‌گوییم. آن طرفی‌ها هم همین طور؛ یک بار می‌گویند شورای عالی اصلاح طلبان، یک روز می‌گویند پارلمان اصلاح طلبان و... ما باز به باید تلاش کنیم که همه‌مان دست به دست هم بدهیم. البته اینجا من یک نکته را هم باید بگویم. موقعی که می‌گوییم حزب، منظورمان در چارچوب نظام است. ما حزب رقیب نظام نداریم، اصلا اجازه فعالیت ندارند. این اصلا ویژه ما نیست. تمامی حکومت‌های دنیا؛ از آمریکا، فرانسه، روسیه و... اصلا نمی‌تواند یک حزبی وجود داشته باشد که مخالف حکومت آمریکا باشد. اصلاح طلبان یک مدتی در مجلس ششم، اشتباهی فکر می‌کردند حالا چون رای‌شان خوب شده، می‌توانند رقیب نظام باشند. اصلاح طلبان که یک زمانی جزو هنجارشکن‌های اصلی بودند، الان شعارشان این است که اگر می‌خواهید مطالبات بگیرید، باید بروید پای صندوق‌های رای. بنابراین من موقعی که می‌گویم سه تا حزب، چهار تا حزب، این‌ها حتما در چارچوب نظام باشند، ولی باید منسجم باشند، شناسنامه‌دار باشند، لیبر داشته باشند، موضع داشته باشند تا بتوانند با همدیگر کار کنند.

ما در دی‌ماه گذشته با ناآرامی‌هایی در سطح کشور مواجه شدیم. امسال نیز نمونه‌های کوچکی در این مورد دیده شد. آقای حجابیان در مطلبی نوشته است که این موج دوباره باز خواهد گشت. نظر شما در این مورد چیست؟

محافظه کاران عملگرا

حزب نزدیک به علی لاریجانی در کجای سیاست ایران قرار می گیرد؟

و این حتما پشتوانه خوبی برای شروع کار حزبی است. این همکاری را همین طور می توان یک معامله برد-برد برای لاریجانی و نمایندگان ادوار دانست. هرچه باشد آنها برای بازگشت به بهارستان به حمایت عنصر اثرگذاری مثل علی لاریجانی نیاز دارند و لاریجانی نیز برای حفظ و ارتقای موقعیت خود نیازمند حمایت های یک حزب قوی است. «همزمان با این اظهارنظرها یک نماینده نزدیک به علی لاریجانی درباره پیگیری های خود و کاظم جلالی برای تشکیل حزب گفته است: «همچنان این پیگیری ها ادامه دارد و ان شاء الله خبرهای خوشی درباره این موضوع اعلام می شود.»

بهر روز نعمتی با بیان اینکه از ظرفیت نمایندگان ادوار نیز برای تشکیل حزب استفاده خواهیم کرد، گفته است: «نمایندگان ادوار ظرفیت بسیار بزرگی هستند و نمی توان این ظرفیت را نادیده گرفت. البته دایره حزب محدود به نمایندگان ادوار و نمایندگان فعلی مجلس نمی شود و افراد و شخصیت های مختلف در مجموعه حضور خواهند داشت.» وی درباره اظهارات حسن بیادی که گفته «در جلسات قبل از انتخابات ریاست جمهوری که برای تشکیل حزب برگزار می شد آقای ناطق نیز حضور داشت»، اظهار کرد: «من خبر ندارم. ما را با بزرگان درگیر نکنید.» نعمتی درباره میزان جامعیت حزب علی لاریجانی خاطرنشان کرد: «البته شاید خود آقای لاریجانی بخواهد در حزب باشد اما این موضوع اصلا به آقای لاریجانی ارتباطی ندارد. کشوری خواهد بود. دوستان دنبال این هستند که حزبی

۲۲

موضوع تشکیل حزب توسط علی لاریجانی، رئیس مجلس مساله قدیمی اما بالاتکلیف است. اطرفیان لاریجانی نیز در این باره چندان هم نظر نیستند، مثلا سخنان کاظم جلالی کمتر تشکیل این حزب را نوید می دهد و بهروز نعمتی برخلاف او سخت پیگیر تحقق این امر است.

۲۲

تشکیل دهند که معتدلین گروه های مختلف در آن حضور داشته باشند. در مجموع جدی هستیم و مثل احزاب گذشته نخواهد بود که دوره ای به طور مقطعی اعلام موجودیت کند و بعد کارها شود.»

لاریجانی؛ پاسطور یا بهارستان؟

وقتی در مورد علی لاریجانی باب بحث باز می شود بعضی ها می گویند کار او برای ورود به مجلس سخت تر از قبل شده است. اصولگرایان بعد از انتخابات ۹۶ با آرایش سیاسی متفاوتی مواجه شده اند و اصلاح طلبان هم در انتخابات هیات رئیسه نشان داده اند که احتمالا استقلال را به ائتلاف ترجیح می دهند. اینها خبرهای خوبی برای لاریجانی نیست. او هم سیاستمداری نیست که ساکن بماند و تحت تاثیر تحولات باشد. حالا اما سوال این است که او چه در ذهن دارد به پاسطور فکر می کند یا اینکه ترجیح می دهد برای همین ریاست قوه مقننه تلاش را ساماندهی کند؟

برای شناخت طبع سیاسی او باید به سال های نه چندان دور بازگردیم؛ جایی که پای او به قدرت رسمی باز شد. واقعیت این است که ورود او به سیاست با رویای رسیدن به پاسطور همراه شد. نامزد شورای هماهنگی نیروهای انقلاب بود و نامداران اصولگرا پشت سر او

کسانی که می گفتند با خروج ایالات متحده از برجام و شکست احتمالی توافق هسته ای، ستاره اقبال سیاست ورزی علی لاریجانی هم به عنوان یکی از حامیان برجام افول خواهد کرد، حالا نشانه هایی پیدا شده برای اینکه دیگر نتوانند بر درستی گمانه شان اصرار کنند. حالا او آن چنان که از اخبار رسمی و غیررسمی محافل سیاسی به گوش می رسد گویا برنامه های تازه ای برای تداوم سیاست ورزی اش مهیا کرده است. از یک سو می گویند حزبی که چند سال است قرار است تأسیس شود، بالاخره به سرانجام رسیده و برخی حامیان نزدیک به او در حال آماده سازی و شروع فعالیت این حزب هستند.

در این میان اما خبرهای دیگری نیز حاکی است که او یک تشکل سراسری دیگر را هم به راه خواهد انداخت. می گویند او جمعی از نمایندگان ادوار در سراسر کشور را ساماندهی خواهد کرد تا در آستانه انتخابات دست او برای ارائه فهرست باز باشد و بتواند به این صورت در این رقابت مهم حضور داشته باشد. همزمان گفته می شود او در مجلس نیز ریزینی هایی را برای بهبود شرایط سیاسی اش با نمایندگان عضو فراکسیون ولایی آغاز کرده است. همه این نشانه ها، گویای اتفاقاتی است که می تواند آرایش سیاسی کشور را تحت تاثیر خود قرار دهد.

از حزب تا اتاق فکر

موضوع تشکیل حزب توسط علی لاریجانی، رئیس مجلس مساله قدیمی اما بالاتکلیف است. اطرفیان لاریجانی نیز در این باره چندان هم نظر نیستند، مثلا سخنان کاظم جلالی کمتر تشکیل این حزب را نوید می دهد و بهروز نعمتی برخلاف او سخت پیگیر تحقق این امر است.

این طور که به نظر می رسد انتخابات مجلس آتی و پیداشدن رقبا جدی برای کرسی ریاست مجلس، لاریجانی را به فکر انداخته است. همین بیست روز قبل حسن بیادی، دبیرکل حزب آبادگران در مصاحبه ای گفته بود: «بعد از انتخابات مجلس دهم و قبل از انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۶ خیزی از سمت آقای لاریجانی برداشته شد، دعوت کرد و حتی آقای ناطق نوری هم بود اما مدتی که گذشت، دوستان سکوت اختیار کردند و دیگر جلسات را ادامه ندادند. این دوستان می گفتند ظاهرا برخی با نهاده شدن تحزب موافق نیستند.» وی با بیان اینکه در یک جلسه راجع به ایجاد حزب فراگیر که با حضور آقای لاریجانی تشکیل شد، حضور داشتم، اظهار کرد: «من با خود آقای لاریجانی ارتباط داشتم و از طرف او به این جلسات دعوت شدم.» اظهارات جدید حسن زمانی، رئیس مرکز نمایندگان ادوار اما حاوی خبر مهم تری است. به نظر می رسد که حلقه اولیه حزب لاریجانی شکل گرفته است. به گفته او ۲۵ نفر از نمایندگان ادوار اتاق فکری تشکیل داده اند تا در مورد مسائل و موضوعاتی که برای رئیس مجلس مهم است، گفت و گو کنند. زمانی گفته است: «این اتاق فکر به مرکز نمایندگان ادوار مشورت می دهند و مسائلی که رئیس مجلس صلاح ببیند به این اتاق فکر ارسال خواهد شد و از نظرات این افراد استفاده خواهد شد.» وی تأکید کرده است: «بعضی از اعضای مجمع برای شرکت در جلسات از شهرستان به تهران سفر می کنند. تعدادی از مجمع نمایندگان ادوار بازنشسته و تعدادی از آنها در دستگاه های مختلف مشغول کار هستند.» به گفته وی، کارگروه های تخصصی مرکز با کمیسیون های مجلس ارتباط خوبی دارند و کارگروه ها با کمیسیون ها جلسات مشترک می گذارند و نظرات خود را به اعضا و کمیسیون ها اعلام می کنند. مرکز امور نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی ۱۸۰۰ نماینده که از یک دوره تا ۶ دوره نماینده مجلس بوده اند را تحت پوشش دارد

قرار گرفته بودند. تحولات رخ داده در روزهای منتهی به انتخابات اما سبب شد دیگر هم طیفان سیاسی اش هم وارد گود انتخابات شوند تا در نهایت او از ورود به مرحله دوم بازماند. احمدی نژاد که به پاستور رفت او در شورای عالی امنیت ملی جایگزین حسن روحانی شد. حسن روحانی ماجرای این اتفاق را این گونه شرح می دهد: «در تاریخ ۱۳۸۴/۵/۱۸ قرار بود در آژانس، جلسه اضطراری شورای حکام تشکیل شود. آقای احمدی نژاد دو روز قبل از آن (۱۶/۵/۱۳۸۴) به من زنگ زدند و خواستند که به ریاست جمهوری بروم. ایشان گفتند چرا آژانس می خواهد جلسه فوق العاده بگذارد؟ گفتم می خواهند مساله راه اندازی اصفهان را بررسی کنند. گفتند آژانس حق ندارد چنین کاری بکند چون ما کار خلافی نکرده ایم، خوب است با البرادعی تلفنی صحبت کنید. گفتم این طور نیست که مدیرکل همه کاره باشد، اعضای شورای حکام آژانس، سفرا ۳۵ کشور هستند که براساس گزارش مدیرکل تصمیم می گیرند. بعد بحث شد که آژانس تحت نفوذ غرب است، پرسیدند چرا آژانس تحت نفوذ آنهاست؟ گفتم برای اینکه هم بیشتر بودجه آژانس را آنها می دهند و هم بر اکثر کشورهای عضو، نفوذ دارند. ایشان گفتند هزینه های آژانس در سال چقدر است؟ گفتم نمی دانم، مثلا چند صد میلیون دلار. گفتند شما همین حالا به البرادعی زنگ بزنید و بگویید ما کل مخارج آژانس را می دهیم. گفتم اول آژانس نمی تواند بپذیرد، چون برای مخارج آژانس و بودجه آن، مقرراتی وجود دارد و ثانيا ما هم چنین حق و اختیاری نداریم چون اگر به جایی بخواهیم کمک بلاعوض کنیم، مجلس باید تصویب کند. گفتند من به شما می گویم، شما چه کار دارید! گفتم روش کاری من این طور نیست و من چنین کاری نمی کنم. اگر اصرار دارید، خودتان با البرادعی صحبت کنید. در ادامه گفتم شما من را خواستید تا به من چنین توصیه ای کنید یا مسائل مربوط به بحث هسته ای را از من بپرسید؟ گفتم من نظرم را به شما می گویم. گفتم من فکر کردم من را خواسته اید تا به شما مشورت بدهم. اگر می خواهید چنین دستوراتی را بدون مشورت و تصویب در جلسه سران بدهید، خوب است زودتر، دبیر جدیدی را منصوب کنید و این دستورات را به او بدهید. بعد از آن جلسه هم با آقای علی لاریجانی تماس گرفتم و گفتم ظاهرا باید زودتر خود را آماده کنید و دبیرخانه را تحویل بگیرید.» سال ها بعد از آن روز، هنوز این ماجرا رسانه ای نشده است که چگونه علی لاریجانی برای شورای عالی امنیت ملی انتخاب شد؛ این پیشنهاد روحانی بوده یا اینکه او خبری از ماجرا داشته و تنها اطلاع رسانی کرده است. هر چه بود علی لاریجانی که به ساختمان خیابان آذربایجان رفت یک پرونده مهم را روی میز خود دید: «مذاکره با کشورهای غربی برای حل پرونده هسته ای.» او یکبار به

یک شخصیت مهم در حوزه سیاست خارجی ایران تبدیل شد. خیلی ها گمان می بردند او و خاویز سولانا در نهایت این پرونده پرماجرا را به سرانجام خواهند رساند. ناگهان اما خبر آمد که علی لاریجانی از دبیری شورای عالی امنیت ملی استعفا کرده است. لاریجانی برای ادامه کار یک مانع بزرگ داشت؛ مانعی نه از آن سوی مرزها، بلکه جایی در همان نزدیکی خیابان آذربایجان. بزرگترین مانع پیشبرد مذاکرات در پاستور بود. خودش ماجرای استعفا را این گونه تعریف می کند: «مسائلی که در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی وجود دارد، جزو مسائل حساس کشور است که یکی از آنها مساله هسته ای ایران است. مسائل گوناگونی که به منفعت و امنیت ملی مربوط می شود، آنجا مورد بررسی قرار می گیرد. من حس می کردم یک نوع اختلاف جدی مدیریتی با آقای احمدی نژاد دارم، مسائل استراتژیک کشور با تانی و حساب شده پیش برود و احتیاج دارد همه بخش های مختلف همگرایی داشته باشد. کارهای لحظه ای نمی تواند صدق کند و برای کشور مشکلاتی ایجاد می کند. تایک مدتی تحمل بود و بحث می کردیم اما از یک زمانی به بعد من دیدم به هر حال ایشان رئیس جمهور است و حق دارد و لزومی ندارد که بنده مزاحم ایشان باشم و نمی خواستم حضوری تحمیلی داشته باشم. در واقع سطح من این نبود.»

روزهای دیپلماتیک گذشت و زمانه سیاست ورزی پارلمانی رسید. او که به ریاست جمهوری نرسیده بود حالا بنا داشت پارلمان تارپست شود. آن هم در شرایطی که از دوره هفتم، اصولگرایان اکثریت را در مجلس داشتند. او به قم رفت و با موجی از حمایت ها پا به ساختمان هرمی بهارستان نهاد. حالا همه منتظر این بودند که او چه جایگاهی در این مجلس خواهد داشت. موج حمایت ها در داخل مجلس هم آن چنان شد که اصولگرایان ترجیح دادند او را به ریاست مجلس برسانند و حداد را به حاشیه برانند. او در شرایطی رئیس یک قوه شد که در قوه مجریه همچنان محمود احمدی نژاد در صدر قرار داشت. اصولگرایان هم دیگر آن نسبت سیاسی پیشین را با محمود احمدی نژاد نداشتند، عاصی بودند و گلايه مند. از اینجا به بعد بود که نقش علی لاریجانی در سیاست داخلی ایران بسیار پررنگ می شود. لاریجانی در آن آشفته گی سامان سیاست ایران بهترین فرد برای کمک به مدیریت بحران و البته مواجهه با محمود احمدی نژاد و عبور از قانون های او بود. او بر مشی رئیس پیشین مجلس بر مدار مدارا با رئیس پاستور پیش نرفت. دوران احمدی نژاد با همه سختی هایش تمام شد. حالا فردی رئیس جمهور شده بود که برای به ثمر رسیدن ایده مرکزی از یعنی توافق هسته ای نیاز به همراهی در پارلمان و سطوح حاکمیتی داشت. علی لاریجانی که نیازهای شرایط زمانه را به خوبی درک کرده بود با همه هزینه هایی

که می دانست مقابل تندروها متوجه او خواهد شد پا به میدان گذاشت و سهمی بزرگ در به تصویب رساندن توافق هسته ای در پارلمان ایفا کرد. حمایتی که تندروهای اصولگرا را علیه رئیس مجلس تندتر هم کرد. یک انتخابات دیگر فرا رسید. حالا باید فهرست ها بسته می شد. در میان اصولگرایان حالا بحث بر سر این بود که علی لاریجانی چه رفتار سیاسی ای خواهد داشت. آیا او و همراهان سیاسی اش حاضرند به لیستی حضور یابند که محوریتش مواجهه و اعتراض به دولت مستقر است؟ آیا اصولگرایان بعد از دفاعیات او از برجام و روحانی حاضرند دور یک میز با او بنشینند؟ علی لاریجانی اما رفتاری متفاوت پیش گرفت تا این بار او باشد که محوریت تصمیم را مشخص کند نه اصولگرایان. او ماجرای آن دوران و جلسات محرمانه را این گونه برای هفته نامه مثک تعریف می کند: «تحلیلی از شرایط داشتم که فکر می کردم این آرایش موفق نیست. به آنها هم حدود ۸ ماه پیش وقتی نمایندگان جامعه روحانیت مبارز اینجا تشریف آوردند صریح گفتم. من گفتم فکر می کنم «صحنه سیاسی داخل کشور با مختصات فعلی باید مورد ارزیابی قرار گیرد، این آرایشی که در حال شکل گیری است متناسب با شرایط نیست.» منتها این یک رای بود. شاید سایر دوستان آرای دیگری داشتند چون آن راه را انتخاب کردند، من خیلی موافق این نبودم. به همین دلیل نمی خواستم صدمه ای هم از این قضیه بخورند، بنابراین به آقای موحی کرمانی گفتم «چون جایگاه روحانیت را در انقلاب اصیل می دانم، از شخص شما حمایت می کنم ولی کاری به آرایش ندارم. شاید برخی سیاست های تبلیغی و برخی مسائل دیگری که بیرون از اراده آنها بود موثر شد ولی تحلیل من هم دال بر این بود که اینها توفیق زیادی نخواهند داشت.» لاریجانی با وجود مستقل کاندید شدن باز هم با رای بالا در صندلی نمایندگی قم در بهارستان ابقا شد. مجلس تشکیل شد، او برای رسیدن به صندلی ریاست مجلس رقیب اصولگرا نداشت، این بار یک اصلاح طلب با سیدرای بالا رودرویش قرار گرفته بود؛ محمدرضا عارف. اما یک پدیده جالب و منحصر به فرد فضای سیاسی پارلمان را متفاوت کرد. هم اصلاح طلبان که به لحاظ خط کشی های سیاسی رقیب سنتی لاریجانی محسوب می شوند و هم بخش تندتر اصولگرایان که همواره نقدهای تندوتیزی به لاریجانی داشتند یک صدا به این نتیجه رسیدند که علی لاریجانی باید رئیس مجلس شود؛ انتخابی مهم و معنادار.

روزهای عجیب و سخت

این اما پایان ماجرا نبود. از وقتی برجام به مشکل خورد سیاست ورزی او هم با موانعی مواجه شد. آرایش سیاسی دستخوش تغییر شد و کار به آنجا رسید که در انتخابات هیات رئیسه مجلس او بسیار سخت توانست رئیس بماند. قضیه هم از این قرار بود که اصلاح طلبان دیگر ترجیح داده بودند با نامزد خودشان در انتخابات شرکت کنند. تا چند هفته بعد از این انتخابات هنوز هم می شد تاثیر این فضای تازه سیاست ورزی را در علی لاریجانی مشاهده کرد. حالا اما همه چیز تغییر کرده است. او تلاش می کند با شیفت سیاسی حسن روحانی که در دو هفته اخیر رخ داده است خود را تطبیق دهد و مانند او از فضای سخت عبور کند. علی لاریجانی فعلا دو پروژه مهم دارد؛ حزب و اتاق فکر مجمع نمایندگان. نکته اما این است که اشخاص دیگری هم به او کمک می کنند از علی اکبر ناطق نوری گرفته تا حسن روحانی. باید منتظر ماند و دید او با چه سرنوشتی مواجه خواهد شد. به نظر می رسد که اگر روحانی اعتدال و توسعه را تبدیل به بخش چپ میانه روی کرد، لاریجانی قصد دارد با حزب جدیدش بخش راست میانه روی را پوشش دهد.



لاریجانی تلاش می کند با شیفت سیاسی حسن روحانی که در دو هفته اخیر رخ داده است خود را تطبیق دهد و مانند او از فضای سخت عبور کند. علی لاریجانی فعلا دو پروژه مهم دارد؛ حزب و اتاق فکر مجمع نمایندگان



تکرار یک تردید؛ حزب علی لاریجانی

حضور ناطق نوری در جلسات مقدماتی حزب لاریجانی به چه معناست؟

مسعود پورسیدی

روزنامه نگار

الگوی سیاست‌ورزی علی لاریجانی از منظر جامعه ایرانی دارای چه مولفه‌هایی است؟ پاسخ به این سوال چشم‌انداز سیاست‌ورزی رئیس پارلمان فعلی و نامزد احتمالی ریاست‌جمهوری سیزدهم را نشان خواهد داد. در روایت بین‌الذاتی علی لاریجانی دارای سه سطح شناختی است؛ او خاستگاه سیاسی خانوادگی جدی دارد؛ این جایگاه با روایت‌های انتقادی طیف احمدی‌نژاد و شایعات ضدانقلاب ضربات جدی خورده است. مورد بعدی الگوی سیاست‌ورزی و عمل سیاسی علی لاریجانی است؛ جامعه او را مرد پنهانکار سیاست ایران و بازیگری عمل‌گرا تلقی می‌کند. چنین نگرشی به رفتار سیاسی او مزیت برتری مناسبی در جامعه ایرانی را داراست. در آخرین سطح نگرش، علی لاریجانی دارای نیروهای سیاسی وفادار است. او تیم‌سازی خود را از وزارت ارشاد و سپس صداوسیما آغاز کرد؛ تیمی که یکی از اصلی‌ترین اعضای آن اکنون در خیابان فاطمی برای دولت دوازدهم در کسوت وزیر فعالیت می‌کند. در این میان تغییرات در الگوی سیاست‌ورزی علی لاریجانی هدفمند توصیف می‌شود.

تردید؛ حزب یا جمعیت سیاسی

از «حزب» تا «جمعیت»؛ از اعضای «رسمی» تا «غیررسمی»، از تأییدها تا «تکذیب‌ها» همه نمایانگر این است که یاران لاریجانی در هاله‌ای تردید سیاسی قرار گرفته بودند. یاران علی لاریجانی ابتدا سودای حزب سیاسی برای حضور در کارزار رقابت‌های سیاسی داشتند و حتی شنیده‌های اختلاف میان کاظم جلالی و محمدرضا باهنر خبر می‌داد؛ مهندس باهنر خواهان «کارگردانی» در بازی انتخابات بود زیرا او هویتی مجزا در میان اصولگرایان با ریاست بر جبهه پیروان خط امام (ره) و رهبری داشت اما کاظم جلالی تمایل دارد در غیاب «مهندس»، مرد اول

یاران علی لاریجانی شود. پس از شکست حزب فراگیر رهروان ولایت، کاظم جلالی در قالب جمعیت سیاسی یاران علی لاریجانی را کنار هم قرار داد اما اظهارات متفاوت پیرامون اعضای شورای مرکزی جمعیت رهروان ولایت و روایت «تردیدها» در بدنه یاران لاریجانی خبر از یک «اختلاف» می‌داد. از سوی دیگر یکی از مهم‌ترین سوالات برای رویش جدید یاران لاریجانی در فضای سیاسی خاستگاه سیاسی آنان است، به‌طوری که برخی از تحلیلگران آن را «نواعتدالی» یا سنگینی کفه اصولگرایی می‌دانند و برخی دیگر در صورت همراهی ناطق نوری خبر از تولد جمعیتی به عنوان برادر جدید حزب کارگزاران، در جایی بین راست و چپ سستی می‌دهند. این تعلق گفتمانی نیز محصول آشفته‌گی در تصمیم‌گیری علی لاریجانی تلقی شد. ماحصل تردیدهایی عملی بود؛ لاریجانی نیمه پنهان سیاست‌ورزی خود را آشکار نکرد و با همان یاران محدود به پیشبرد اهدافش بسنده کرد و در این میان سرمایه اجتماعی پایدار را فراموش کرد. او به خوبی آگاه است که سرمایه اجتماعی برآیند کنش‌های کوتاه‌مدت سیاسی نیست، بلکه ماحصل بسترسازی اجتماعی قدرتمند است.

سودای پاستور؛ بدون هیاهو

پس از سکوت چندماهه در قبال تشکیل حزب یا جمعیت سیاسی حامی علی لاریجانی در سپهر سیاست کشور، بار دیگر ندای تکاپوهای جدی برای سامان بخشیدن به عمل جمعی یاران علی لاریجانی آغاز شده است. حسن بیادی، دبیرکل حزب آبادگران، اولین خبر از آغاز مجدد تلاش‌ها برای تشکیل حزب سیاسی حامی رئیس پارلمان دهم را داد، او در همین راستا اظهار کرد: «بعد از انتخابات مجلس دهم و قبل از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۶ خیزی از سمت آقای لاریجانی برداشته شد، دعوت کرد و حتی آقای ناطق نوری هم بود اما مدتی که گذشت، دوستان سکوت اختیار کردند و دیگر جلسات را ادامه ندادند. این دوستان می‌گفتند ظاهراً برخی با نهادینه شدن تحزب موافق نیستند.» او در ادامه

گفت: «این اتاق فکر به مرکز نمایندگان ادوار مشورت می‌دهند و مسائلی که رئیس مجلس صلاح ببیند به این اتاق فکر ارسال خواهد شد و از نظرات این افراد استفاده خواهد شد.» بهروز نعمتی از یاران اصلی علی لاریجانی در بهارستان دهم پیرامون سنخ حزب سیاسی و گسترده فعالیت آن اظهار کرد: «کشوری خواهد بود. دوستان دنبال این هستند که حزبی تشکیل دهند که معتدلیان گروه‌های مختلف در آن حضور داشته باشند. در مجموع جدی هستیم و مثل احزاب گذشته نخواهد بود که دوره‌ای به طور مقطعی اعلام موجودیت کند و بعد کارها شود.» سخنان محدود یاران سیاسی علی لاریجانی و سکوت او، برآیند تحلیلی قطعی پیرامون چگونگی رفتار سیاسی آینده آنان ارائه نمی‌دهد ولی می‌توان با داده‌های محدود، زمین بازی علی لاریجانی برای پیروزی بر رقبا سیاسی را متصور شد.

۱- هدف اولیه علی لاریجانی حفظ و ارتقای قدرت سیاسی‌اش در بهارستان یازدهم است؛ او به خوبی می‌داند که عملکرد نمایندگان در مجلس شورای اسلامی دهم نامناسب بوده است و شاهد تغییرات گسترده در انتخابات سال آینده هستیم، بنابراین از هم‌اکنون علاوه بر نمایندگان حامی فعلی، بدنه اصلی حزب سیاسی خود را بر نمایندگان ادوار بنا نهاده است تا از این طریق پتانسیل حفظ قدرت و یا گسترش آن را دارا باشد. نتیجه انتخابات مجلس شورای اسلامی یازدهم در تصمیم‌گیری علی لاریجانی برای حضور در کارزار رقابت ریاست‌جمهوری موثر است.

۲- از داده‌های محدود حزب سیاسی آینده حامی علی لاریجانی برمی‌آید که او خواهان تکرار مدل حزب اعتدال و توسعه است و احتمالاً می‌خواهد همانند حسن روحانی در جایگاه پدر معنوی حزب ایفای نقش کند و عضویت در آن نداشته باشد و در همین راستا کاظم جلالی دبیرکل حزب شود.

۳- حضور حجت‌الاسلام ناطق نوری در جلسات اولیه شکل دهی به حزب سیاسی حامی علی لاریجانی دارای اهمیت راهبردی است. ناطق نوری که از اصولگرایان فاصله معناداری پیدا کرده است و همگرایی‌های تاکتیکی با اصلاح‌طلبان داشت، برخلاف پیش‌بینی‌ها همچنان بستر سیاست‌ورزی خود را در فضای راست سنتی ترسیم کرده است و هدایتگری او سطح اثرگذاری حزب سیاسی حامی علی لاریجانی را ارتقا خواهد داد و نوید حضور جدی علی لاریجانی در انتخابات ریاست‌جمهوری آینده است.



حالا که حسن روحانی تغییر جایگاه سیاسی داده است تحلیل گران سیاسی نگاهشان به علی لاریجانی دوخته شده تا ببینند که او چه خواهد کرد و البته مهم تر از آن این که گروه های سیاسی چه نسبتی با او برقرار خواهند کرد. در این باره با بیژن مقدم گفت و گو کردیم.

اگر اصلاح طلبان رای داشته باشند لاریجانی را حذف می کنند

گفت و گو با بیژن مقدم

به نظر تان برای انتخابات ۱۴۰۰ ایشان وارد می شوند؟

▲ نمی دانم، اطلاعاتی ندارم. از خودشان و نزدیکانشان باید پرسید.

به نظر تان کاری که لیست امید انجام داد و آقای عارف در مجلس برای انتخابات هیات رئیسه شرکت کرد، روندی بود که می خواهند در آینده خودشان را از آقای لاریجانی دور کنند؟

▲ بله؛ دقیقا. در حقیقت یک جور هشدار بود، ولی فکر می کردند که می توانند و می دانستند هم نمی شود، چون آرای مجلس معلوم است، اما اینکه یک رئیس مجلس برای مثال ۲۵۰ رأی یا ۱۵۰ رأی داشته باشد، از لحاظ معنایی می تواند خیلی متفاوت باشد. حداقل می شود تحلیلی روی آن انجام داد. آنها دنبال همین مسئله بودند، بیشتر از این هم نمی خواستند. می خواستند آقای لاریجانی یک رئیس ضعیف تر از گذشته از نظر آرا باشد. چون خودشان هم می دانستند نمی توانستند تغییرش دهند، ولی تردید ندارم و این را با قاطعیت می گویم؛ جریان امید یا جریان اصلاح طلبی در مجلس، به ویژه جریان اصلاح طلبی، هر زمانی به این نتیجه برسد که رأی دارد، برای یک ثانیه هم آقای لاریجانی را تحمل نمی کند.

به نظر تان در حزبی که آقای لاریجانی قرار است تشکیل دهد، چه طیف هایی کنارشان می ایستند؟

▲ الان نمی شود در موردش صحبت کرد، چون بالاخره خود جریان اصولگرایی هم نه فرماندهی واحدی دارد، نه تشکیلاتی و سامانی دارد که مثلا این تشکیلات و سامان الزام در خدمت ایشان قرار گیرد. هیچ کدام از اینها در جریان اصولگرایی نیست مثل جریان اصلاح طلبی پراکندگی هایی اینجا وجود دارد که چنین قضاوتی را نمی توانیم بکنیم. به طور طبیعی حتی ممکن است یک موقع ایشان تصمیم بگیرد کاندیدا شود، ولی جریان اصولگرایی همراه ایشان نباشد، یا برعکس،

خوبی برای ریاست مجلس است. نه. شما نگاه کنید آقای عارف را برای رئیس مجلس کاندیدا کردند. آرزویشان بود که آقای عارف رئیس مجلس بشود، ولی رأی نداشت، نتوانستند. رأی آقای لاریجانی را کم کردند، چون آقای عارف آمد و تلاششان را هم کردند، آقای عارف هم فکر می کردند حتما اتفاقی می افتد، وگرنه ایشان را هم با این رأی خراب نمی کردند. به هیچ وجه اعتقاد ندارم که آنها بر اساس تفاهم فکری به هم نزدیک شدند. نه، این مجلس با مجالس دیگر متفاوت است و یک جریان به شکل کامل اکثریت ندارد، باید با هم جاهایی هم گرایی کنند، رأی های همدیگر را کامل کنند و این هم در حقیقت یک جور تقسیم کار و تقسیم مسئولیت است. کاری سیاسی آنجا شکل می گیرد و نتیجه اش را هم شما در هیات رئیسه و در رئیس مجلس و هیئت رئیسه مجلس می توانید ببینید؛ به نظر من آن اصلا جنبه فکری ندارد.

آقای لاریجانی را ما از نظر حزبی باید چگونه و در کجا ببینیم؟ چه تقسیم بندی ای در حال حاضر وجود دارد؟

▲ آقای لاریجانی آدمی اصولگراست، به اقتضای جایگاهش رفتارهایی می کند که شاید بخشی هم برای بیرون و درون مجلس او را نپسندد، ولی ایشان به اقتضای اداره مجلس و جایگاهی که دارند، کارشان را انجام می دهند. آقای لاریجانی از چارچوب جریان اصولگرایی خارج نیست، هیچ موضع گیری ای ندارد که نشان دهد ایشان دیگر آدم اصولگرایی نیست؛ چنین چیزی را پیدا نمی کنید.

از زمان روی کار آمدن روحانی به عنوان رئیس جمهور، برخی نیروهای معتدل اصلاح طلب و اصولگرا بیشتر به هم نزدیک شدند و توانستند در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری های بعد از آن هم همکاری کنند. به نظر تان در حال حاضر چه روایی وجود دارد؟ این روند می تواند ادامه داشته باشد و این اعتدالی ها همچنان از علی لاریجانی در آینده حمایت کنند؟

▲ دلایل دیگری البته وجود دارد که برخی اصلاح طلب ها در مجلس، ریاست آقای لاریجانی را پذیرفتند و آنجا تقسیم کاری انجام شد که بالاخره ایشان رئیس و نواب رئیس از آن جریان باشد و قدرت در هیات رئیسه تقسیم شود و یک سهم بندی شکل گیرد. این مکانیزمی است که آنجا شکل گرفت، یعنی بر اساس آن اعتقاد مربوط به اصولگرایی معتدل یا اصلاح طلبی معتدل نبود؛ اصلاح طلبان اگر در مجلس توان این را داشتند که آقای لاریجانی را عوض کنند، به اندازه یک ثانیه هم تردید نمی کردند، چون توان و رأی لازم را نداشتند به همین خاطر به این مسیر آمدند. این مسئله اساسا پایه فکری به این مفهوم ندارد؛ آنجا هم یک تقسیم می شود که به تقسیم اشاره کرد. چون نمی توانستند آقای لاریجانی را حذف کنند. در دور آخر هم خیلی تلاش کردند، ولی باز هم نتوانستند، اما نشانه هایی را دادند، ولی باز هم نتوانستند، بنابراین این طور نبود که بر اساس اعتدال به این نتیجه رسیده باشند که آقای لاریجانی فرد خیلی

همراه ایشان باشد. در مورد اینها در حال حاضر حداقل چنین قضاوت‌هایی را نمی‌شود کرد. انتخابات‌های ما ویژگی‌هایی دارد که خیلی از وقت‌ها از قبل قابل پیش‌بینی نیست و یک فرایندی به یک نقطه می‌رساند که اگر شما فیلم را عقب برگردانید از شما می‌پرسیدند، می‌گفتید امکان ندارد. یکی آقای رئیسی است. از روز انتخابات برگردید عقب مثلاً و بگویید آقای رئیسی می‌خواهد کاندیدا شود، مثلاً فکر می‌کنید رأی هم می‌آورد. به شما چه پاسخی می‌داده است؟ هرگز فکر نمی‌کردیم که آقای رئیسی بیاید، برسد به نقطه مشترک جریان اصولگرایی و بعد ۱۵ میلیون، نزدیک ۱۶ میلیون هم رأی بیاورد. اصلاً فکر نمی‌کردیم، نه شما، خیلی‌ها فکر نمی‌کردند. انتخابات این طوری نیست که مثلاً از دو سال قبل شود چنین تحلیلی را در مورد آن شرایط رقم زد، اصلاً این طور نیست. شرایط انتخابات، ویژگی‌های خودش را دارد و هرچه به زمان انتخابات نزدیک‌تر می‌شویم، تحولات آن قدر در افکار عمومی، در نامزدها، در جریان‌ات اصولگرا و در انصراف‌ها سریع است که نمی‌توان پیش‌بینی دقیقی کرد. شما انصراف‌ها را ببینید؛ یکی می‌گوید من آمده‌ام، امکان ندارد بروم کنار؛ اصلاً آمده‌ام که تا لحظه آخر بمانم. آقای جهانگیری می‌گوید اگر من می‌خواستم انصراف دهم که نمی‌آدم. ما می‌گفتیم ایشان کاندیدای رزرو هستند، بعد ایشان هم سریع تکذیب می‌کرد، ولی آخرش دیدیم همانی شد که از اول ما گفتیم، چون ما می‌دانستیم، ولی ایشان این را به مردم نمی‌گفت. یاد مورد رفتن آقای قالیباف که بعضی‌ها می‌گفتند شناس او از آقای رئیسی بیشتر می‌شود و از این طور حرف‌ها. بنابراین انتخابات به هیچ وجه از حالا قابل تحلیل نیست، مخصوصاً در مورد افراد قابل تحلیل نیست. همه حدس و گمانی است که هر کسی می‌تواند از ظن خودش یک سری موارد را مطرح کند.

آقای لاریجانی در گذشته در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرده بودند، ولی آن زمان به هر دلیلی اقبالی به او نبود. از آن موقع تغییرات زیادی در رفتار و در مسائل جامعه اتفاق افتاده است. به نظر تان الان از نظر سرمایه اجتماعی، آقای لاریجانی چطور است، نگاه جامعه به او چگونه است؟

نمی‌توانیم الان در مورد جامعه نظر دهیم. یا باید متکی به نظرسنجی‌های دقیق امروزی باشد، یا به فضایی که به انتخابات منتهی می‌شود. من مثال زدم برای شما و گفتم شما در مورد آقای رئیسی اگر قرار بود ۱۰ ماه قبل از شما بپرسند، مثل الان که شما دارید از من می‌پرسید، یک قضاوتی را می‌کردید. اگر هر کسی می‌گفت آقای رئیسی می‌آید می‌شود کاندیدای اول اصولگراها، همه‌شان هم می‌روند کنار و آقای رئیسی ۱۶ میلیون هم رأی می‌آورد؛ امکان ندارد شما چنین تحلیلی را قبول داشته باشید. همان ایامی که اولین بار اسم ایشان مطرح شد بیان کردم. گفتم ایشان سرمایه اجتماعی ندارد، کار اجرایی به مفهوم دولتی و از این دست نداشته، تمام سوابق ایشان در قوه قضائیه است که مردم هم نسبت به آنجا انتقاداتی دارند و بعد شبهه‌ای را ضد انقلاب و اینها هم مطرح کردند که ایشان در داستان منافقان و اعدام منافقان و اینها هم بوده و از این طور حرف‌ها. شبهه کردند و گفتند ایشان رفته است آستان قدس تبلیغات کند و از این بحث‌ها بود. کسی اصلاً تصورش را نمی‌کرد. من می‌خواهم بگویم این طور چیزها ارزیابی‌های دقیقی می‌خواهد که بشود در موردش قضاوت کرد. افکار عمومی ما هم مقداری پیچیده است. خیلی راحت نمی‌شود با آن صحبت کرد، یعنی آن کسانی که کل انتخابات بعد از انقلاب را می‌خواهند تحلیل کنند، چطور می‌توانند به شکل دقیق سخن بگویند؛ به قابل تحلیل است و حرف‌هایی می‌شود زد، اما من می‌خواهم

بگویم افکار عمومی ما مقداری پیچیده است. مثلاً از دوره آقای خاتمی بعد از هشت سال شعار و جامعه مدنی، توسعه سیاسی، آزادی، شعارهای روشنفکری، لیبرالستی و همه اینها، برای مثال شما می‌رسید به سال ۸۴، آقای خاتمی دولت را به آقای احمدی نژاد می‌دهد باید. تحلیل شود، قابل تحلیل است، ولی پیچیده است. الان که برمی‌گردم، دلایل زیادی برایش وجود دارد، ولی خیلی راحت نیست که همین طور بتوانیم بگویم. آینده هم همین طور می‌تواند باشد، بنابراین یک تحلیل ساده به نظر من در مورد یک پدیده پیچیده شاید درست نباشد.

به نظر تان می‌توانیم قم را مینا قرار دهیم؟ آقای لاریجانی دوره اول‌شان نماینده اول بودند، ولی دوره دوم نماینده دوم شدند. آنجا را می‌شود مینا قرار دهیم؟

حتماً نمی‌شود. قم ویژگی‌های خاصی برای خودش دارد. نوع رأی دهندگان، ترکیب آن‌جا، جریان روحانیت در آن‌جا، حتماً مثلاً بخشی از آن جریان‌ات گلایه‌مندی‌هایی را برای مثال از آقای لاریجانی داشتند و این را با همین رأی‌شان به ایشان منتقل کردند، حتماً ایشان هم این پیام را دریافت کردند، اما آنجا قابل تعمیم به کل کشور نیست که ما بگوییم آقای لاریجانی قبلاً محبوبیتش اینطوری بوده، حالا چون در قم ایشان دوم شده، پس در کل کشور هم سوم، چهارم یا هر رتبه‌ای است. این تحلیل به نظر من قابل تعمیم نیست. آن پیامی برای آقای لاریجانی بود، متناسب با شرایطی که قم از ایشان انتظار دارد، چه بسا انتظاراتی که داشته‌اند، برآورده نشده باشد.

به نظر تان حزبی که ایشان بتوانند تشکیل دهند، چقدر می‌تواند در کل کشور فراگیر باشد؟

عملاً جریان احزاب در کشور موضوعی است که ما چیزی به‌نام جریان فراگیر سراغ نداریم، یعنی تجربه احزاب چنین چیزی را به ما نشان می‌دهد. ما احزاب خیلی قدیمی، خیلی پراسابقه و با نام و نشانی داریم که اصلاً چنین چیزی را نمی‌توانند ادعا کنند که ما یک حزب فراگیری داریم. کدام‌شان را الان داریم؟ به مفهوم حزب دارم می‌گویم، یعنی مثلاً حزب مشارکت چه چیزی می‌تواند بگوید؟ بله، یک موقعی می‌گوید ما جریان اصلاح طلبی هستیم، خب جریان اصلاح طلبی یک پایگاه و سببی دارند اما حزب اعتماد ملی، حزب همبستگی و... اینها چه پایگاه‌هایی دارند؟ این طرف هم همین طور است، فرقی نمی‌کند. کلاً جریان حزبی ما اساساً نمی‌تواند چنین ادعایی را بکند، فقط می‌تواند بگوید چون احساس می‌کنیم باید کار تشکیلاتی کنیم و سامانی را داشته باشیم که بحث امروز و فردا هم نباشد، کارسازی هم اگر همت کنیم و داشته باشیم و نیز نیروهای ثابتی را که وفادار به این آرمان‌ها هستند، می‌خواهیم برویم حزب تشکیل دهیم، باقی‌اش را هم ببینیم چقدر می‌توانیم نفوذ کنیم، وگرنه جریان حزبی در ایران مورد اعتماد مردم قرار نمی‌گیرد. یک بخش محدودی هستند که با اینها ارتباط دارند و کار می‌کنند، بنابراین ما نمی‌توانیم نسبتی بین اینها و توده‌های مردم برقرار کنیم.

به عنوان مثال این ظرفیت وجود دارد که جبهه پیروان یاسنتی‌ها بیایند سمت آقای لاریجانی؟

یعنی مثلاً فرض شود ایشان کاندیدا شود؟

در حزبی که تشکیل می‌دهد...

آنها همه‌شان خودشان حزب دارند. همه بخش‌هایی که اشاره می‌کنید، خودشان دارای حزب هستند.

نمی‌شود بیایند زیر چتر ایشان؟

آن وقت معنای حزب نمی‌دهد. یک موقع است که می‌گویم جبهه، خب این جبهه که وجود دارد. جبهه داریم ولی حزبی که ایشان تشکیل دهد، مثلاً ایثارگران

بیاید و بگویند من منحل می‌شوم و می‌آیم با شما، مثلاً موقوفه بگویند من می‌آیم با شما؛ چنین چیزی که اصلاً اتفاق نمی‌افتد. اینکه روشن است اما یک موقع است که می‌گویم یک جبهه‌ای شکل می‌گیرد، یک جبهه اصولگرایی داریم، یک جبهه اصلاح طلبی داریم و... جبهه است دیگر؛ اینها گاهی وقت‌ها با هم همگرایی پیدا می‌کنند، گاهی وقت‌ها هم همگرا نمی‌شوند و می‌شوند دو گروه، سه گروه و کارهای خودشان را می‌کنند که در انتخابات این مدل‌ها را هم دیدیم و گرنه اینکه فکر کنیم آقای لاریجانی یا هر شخص دیگری یک حزبی تشکیل می‌دهد، همه هم می‌آیند و می‌روند زیر چتر ایشان، تشکیلات می‌کنند و می‌گویند ما از امروز به بعد آمدیم اینجا شروع کنیم. چنین اتفاقی اساساً در عالم سیاست مارخ نمی‌دهد.

به نظر تان نمی‌شود از الان این تحلیل را داشت که در صورت کاندیداشدن آقای لاریجانی احزاب و گروه‌های دیگر به سمت ایشان بروند؟

بله. تصمیم در مورد نامزد نهایی فقط در همان فرآیند با همه آن پیچیدگی‌ها و شرایط و هزار تا عوامل دیگر در آن برهه تعیین می‌شود. به هیچ وجه از قبل کسی نمی‌داند، هیچ کس این را نمی‌داند، بنابراین از حالا نه می‌توان گفت آقای لاریجانی نامزد است و نه می‌توان گفت نیست.

از سمت اصلاح طلبان چه روندی نسبت به ایشان وجود دارد؟ گفته می‌شود آقای خاتمی نسبت به عارف، آقای لاریجانی را احتمالاً بیشتر ترجیح دهد. به نظر تان این می‌تواند اتفاق بیفتد؟

من چنین خبری ندارم. مثلاً فرض کنید در سال ۱۴۰۰ آقای خاتمی مثلاً از نفوذ کلام قبلی برخوردار باشد، این یک بحث دیگری است. اینکه مثلاً چنین حرفی زده باشند، من اصلاً چنین خبری را قاعدتاً ندارم اما این مقدار را می‌دانم که آنها هم بازی خودشان را دارند. جریان اصلاح طلبی به تناسب شرایط تصمیم بگیرد، خودشان هم این را می‌گویند. گاهی وقت‌ها می‌گویند ما ترجیح می‌دهیم بین بد و بدتر، بد را انتخاب کنیم و صریح هم می‌گویند. الان در مورد آقای روحانی هم همین را می‌گویند؛ می‌گویند آقای روحانی کاندیدای مطلوب ما نبوده، ولی ما راه دیگری نداشته‌ایم، از بین بد و بدتر انتخاب کردیم. آن موقع هم ممکن بود این جمع‌بندی را در مورد یک نفر دیگر هم داشته باشند.

طیف آقای روحانی چطور؛ از ایشان می‌توانیم این انتظار را داشته باشیم که همکاری بین آقای روحانی و آقای لاریجانی همچنان ادامه داشته باشند؟ حالا یاد انتخابات مجلس آینده یا در انتخابات ریاست جمهوری آینده؟

به نظر من آن چیزی که در مجلس همکاری را تعیین می‌کند، ترکیب مجلس است، نه آدم‌ها، نه شخص آقای لاریجانی، نه شخص آقای روحانی. ترکیب مجلس است که آنجا تعیین می‌کند به کدام سمت برویم، با چه کسانی همگرایی ایجاد کنیم و کجاها مثلاً از رأی خودمان بگذریم و بریزیم به سبد کسی دیگر که حالا یا انتخاب خوب است یا انتخاب بین بد و بدتر است. در آن مجموعه حتماً چنین تصمیمی را می‌گیرند. اگر رأی داشته باشند، هر جریانی، من این را با قاطعیت عرض می‌کنم. چه اصولگرا، چه لیست امید، چه اصلاح طلب، چه مستقل، در مجالس شورای اسلامی ما، هر کدام‌شان رأی داشته باشند، اکثریت را داشته باشند، کاندیدای ریاست‌شان از خودشان خواهد بود، و لا غیر. هیچ ملاحظه دیگری هم ندارند اما اگر نه، احساس کردند کاندیدای خودشان رأی نمی‌آورد، روال تصمیم‌گیری می‌افتد در همین مکانیزم‌هایی که الان ما در این دو دوره اخیر می‌بینیم.

معرفی لاریجانی به سطوح پایین جامعه کار بسیار سختی است

گفت و گوی مثلث با عباسعلی منصوری آرانی



علی لاریجانی نامی که در چهار دهه سیاست ایران پس از انقلاب آشنا و پررنگ بوده است. کمتر کسی است که او نشناسد؛ سیاستمداری که در مقاطع مختلف در پست‌ها و مناصب کلیدی ایفای نقش کرده است و در چهارمین دهه زندگی سیاسی اش نیم‌نگاهی به ردای ریاست جمهوری دارد؛ ردایی که یک بار برای به دست آوردن آن تلاش کرد اما نتیجه‌ای نداشت و بین هفت کاندیدا، ششم شد. اما زمانه و فضای سیاسی از پی سال‌هایی که از آن دوران گذشته، تغییر کرده است؛ این تغییر شامل حال مثنی سیاسی خود لاریجانی هم می‌شود. زمزمه‌هایی شنیده می‌شود که برای ریاست جمهوری سیزدهم، لاریجانی عزم خود را جزم کرده و حتی می‌خواهد حزب تشکیل دهد. در این خصوص منصوری آرانی معتقد است: «لاریجانی دارای شخصیت فرا جناحی است و نمی‌توان ایشان را محدود در یک حزب دید.»

تشریح و شخصیت ایشان را به روشنی تبیین کرد. متأسفانه امکان پیروزی پوپولیسم همیشه هست. دکتر لاریجانی می‌بایست شخصا وارد عرصه شوند و بیشتر از قبل خود را به مردم بشناسانند. آقای لاریجانی را بایستی به رأی دهندگان جامعه معرفی کرد؛ فرهیختگان و خواص که ایشان را می‌شناسند، معرفی ایشان به سطوح پایین جامعه کار بسیار سختی است.

به نظر تان اصلاح طلبان هم به ایشان اعتماد خواهند کرد؟

به نظرم اصلاح طلبان هم شخصیت ایشان را دوست دارند. اگرچه ممکن است دارای دیدگاه‌های متفاوتی باشند، اما در مجموع شخصیت آقای لاریجانی را عاقل می‌دانند که می‌تواند از پس مدیریت کشور به خوبی برآید و این دیدگاه در پی ارتباط نمایندگان اصلاح طلب در مجلس با ایشان به وجود آمده است.

چه میزان می‌تواند نقشه راهی برای پیروزی در انتخابات باشد؟

یک تیمی قصد ورود به انتخابات دارد و طبیعی است که به واسطه نظرات و دیدگاه‌شان نمی‌توانند بروند در درون احزاب دیگر و کار کنند. هر حزب مجموعه افراد و دبیر کل خاص خود را دارد. اگر این افراد بخواهند وارد حزبی شوند بایستی زیر مجموعه افراد فعلی حزب فعالیت کنند پس منطقی است که خودشان مستقلاً یک حزب تشکیل دهند. البته این حزب و امثالهم حزبی نیست که مثل سایر کشورهای دنیا، به تربیت و آموزش نیرو بپردازند؛ افراد را از نوجوانی جذب و مرحله به مرحله آماده ورود به سیاست کنند. به همین دلیل است که می‌گوییم برای تأثیرگذاری در مقاطع مختلف انتخاباتی، کار معقولی است اما برای دراز مدت و رسیدن به یک حزب واقعی که دارای مانیفست مشخص که منتهی بشود به تربیت نیرو برای تصدی امور سیاسی این راه شود، مناسب نیست. بایستی زیربنایی کار کرد و برای دراز مدت برنامه داشت؛ نه اینکه مقطعی و فرمالیته وارد عرصه سیاست شوند.

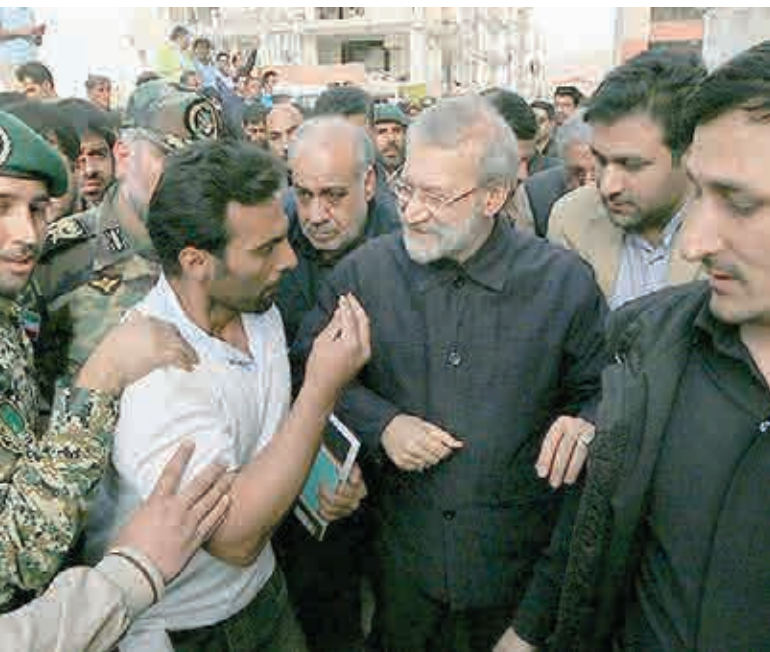
در پاسخ به پرسش اول، مطرح کردید که شخصیت آقای لاریجانی در چارچوب یک حزب خلاصه نمی‌شود و در کاندیداتوری احتمالی ایشان، شاهد حمایت احزاب مختلف از ایشان خواهیم بود. به نظر شما چقدر احتمال دارد در سال ۱۴۰۰ همچون سال ۹۲ تا ۹۶ ائتلافی صورت بگیرد و کاندیدای جریان سوم یعنی اعتدال، آقای لاریجانی باشد؟

به عنوان فردی که نگاه معطوف به منافع ملی است و نه حزب و جریان سیاسی، به جد باید بگویم آقای لاریجانی به عنوان فردی عاقل، دلسوز و فردی که واقعا توانایی سکان داری کشور را دارد، توانمندی و شایستگی ایشان برای من، محرز است. ایشان طی یک دهه گذشته هم تأثیرات خود را بر سیاست ایران گذاشته‌اند و تجربه مشترک کاری با ایشان نشان می‌دهد که فردی بسیار عاقل و مدبر هستند، اما ایراد کار آنجاست که کار بسیار سخت است تا این مفاهیم را برای توده مردم جامعه

ورود آقای لاریجانی برای انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ آیا از حزبی که در پی تأسیس آن هستند، می‌گذرد؟ به نظر تان برنامه و نقشه راه‌شان چه خواهد بود؟

ممکن است اطرافیان دکتر لاریجانی حزبی را تشکیل دهند؛ کما اینکه این بحث از مجلس نهم هم مطرح بود اما اینکه آقای لاریجانی به عنوان لیدر این حزب باشد، چنین نخواهد شد. به نظر من ایشان شخصیت‌شان فرا جناحی است و نمی‌توان ایشان را محدود در یک حزب دید. طبیعتاً اطرافیان ایشان نمی‌توانند تمام زوایای ایشان را پوشش دهند؛ لذا در بحث کاندیداتوری آقای لاریجانی برای انتخابات ریاست جمهوری آینده ممکن است احزاب مختلفی از ایشان حمایت کنند ولی اینکه بگویم تنها یک حزب ایشان را معرفی خواهد کرد یا آقای لاریجانی به دنبال این است که در چارچوب یک حزب وارد عرصه شود، با توجه به شرایط فعلی سیاسی در کشور که احزاب سیاسی فعال و کارآمد نداریم و تنها در بازه زمانی نزدیک به انتخابات احزاب فعال می‌شوند و پس از آن به سرعت افول کرده و به حاشیه می‌روند، این چنین نخواهد بود. در گذشته هم مطرح می‌شد که حزب به عنوان حزب آقای لاریجانی باشد یا به عنوان فراکسیون رهروان ولایت. دکتر لاریجانی علی‌رغم آنکه از تشکیل حزب و تشکلات سیاسی حزبی حمایت می‌کردند اما همواره گزینه ریاست یا دبیرکلی ایشان در حزب، منتفی می‌شد؛ در نهایت این نتیجه حاصل می‌شد. اینکه بگویم حزبی متعلق به آقای لاریجانی است، درست نیست، بلکه بایستی از ظرفیت‌های ایشان استفاده کنیم. اکنون هم افرادی که دنبال تشکیل این حزب هستند از نزدیکان به ایشان و اعضای فراکسیون رهروان ولایت مجلس نهم می‌باشند؛ افرادی مثل آقای کاظم جلالی یا بهروز نعمتی که در مجلس دهم به عنوان فراکسیون مستقلین شناخته می‌شوند اما الزاماً آقای لاریجانی به عنوان عضوی از این حزب نخواهند بود.

به این نکته اشاره داشتید که احزاب تکتک زیاد می‌دارند اما کارکرد حزبی ندارند. به نظر شما تشکیل یک حزب جدید در فضای کنونی سیاست داخلی،





فراگیری حزب ما بیشتر از اعتدال و توسعه است

گفت‌وگوی مثلث با بهروز نعمتی

موضوع تشکیل حزب توسط علی لاریجانی رئیس مجلس مساله قدیمی اما بلا تکلیف است. اطرفیان لاریجانی نیز در این باره چندان هم نظر نیستند، مثلاً سخنان کاظم جلالی کمتر تشکیل این حزب را نوید می‌دهد و بهروز نعمتی بر خلاف او سخت پیگیر تحقق این امر است. بهروز نعمتی درباره نسبت این حزب با علی لاریجانی می‌گوید: «شاید خود آقای لاریجانی بخواهد در حزب باشد اما این موضوع اصلاً به آقای لاریجانی ارتباطی ندارد. حزب ما فراگیر و کشوری خواهد بود. دوستان دنبال این هستند که حزبی تشکیل دهند که معتدلین گروه‌های مختلف در آن حضور داشته باشند. در مجموع جدی هستیم و مثل احزاب گذشته نخواهد بود که دوره‌ای به طور مقطعی اعلام موجودیت کند و بعد کار رها شود.»

یک نسبت راهبردی است مثل کارگزاران و احزاب اصلاح طلب یا جبهه پیروان خط امام و رهبری و جامعه روحانیت مبارز، در واقع آنها با هم روابط راهبردی دارند. حزب شما با چه احزابی روابطه دوستانه و با چه احزابی روابط راهبردی دارد؟

حتماً دوستانه است و در برخی موارد راهبردی خواهد بود. البته این مساله با یک قشر، حزب و مجموعه خاصی نیست. تلاش داریم با احزاب و مجموعه‌های مختلفی در کشور گفت‌وگو کنیم چون خیلی از مسائل کشور با گفت‌وگو و تبادل نظر قابل حل است. امروز کشور در وضعیتی قرار دارد که هر چقدر گرایش‌های مختلف سیاسی با هم گفت‌وگو کنند، نیاز به گفت‌وگو بیشتر احساس می‌شود. اصطلاحی به نام احزاب دولت‌ساز به کارگزاران و مشارکت‌اتفاق می‌شود اما گویا حزب شما مجلس‌ساز است و می‌خواهند روی ظرفیت نمایندگان ادوار و فعلی مجلس بنا شود؟

خیر، این طور نیست. افراد مختلف هستند. زمان انتخابات مجموعه اصولگرایان معتدل که کار کردند از اقشار مختلف اعم از مدیران و متخصصین بودند. این دامنه گسترده همچنان خواهد بود.

شخصیت‌های سیاسی هم داخل حزب شما می‌آیند؟

بله، خیلی‌ها هستند.

شخصیت‌های برجسته‌ای همچون آقای ناطق و لاریجانی چطور؟

تمام حرف شما شاید این باشد که آقایان لاریجانی و ناطق در حزب ما هستند یا نیستند؟ من می‌گویم آقای لاریجانی و آقای ناطق خیلی‌های دیگر ممکن است نباشند. اگر قرار باشد یک حزبی عملکرد مثبتی داشته باشد، امکان دارد خیلی‌های دیگر به این مجموعه اضافه شوند اما اگر منفی باشد، حتی کسانی که امروز درون حزب هستند شاید دیگر ادامه همکاری ندهند بنابراین ما بیشتر روی عملکرد تمرکز داریم. باید گذاشت این دوبرگوار بزرگی و شیخوخت کنند.

همه این مسائل در جلسات مختلف مورد بررسی قرار گرفته و من فکر می‌کنم همه ما باید تلاش کنیم تا احزاب قدرتمندی داشته باشیم و اگر هم جاهایی اشتباه کردیم، اشتباه خود را بپذیریم.

یعنی شما آسیب‌شناسی احزاب دیگر را داشتید؟
بالاتر دوستان ما زحمت کشیدند کارهای خوبی انجام دادند، باید منتظر بود ببینیم چه می‌شود.

بحث دیگر فصلی بودن احزاب است، یعنی در آستانه انتخابات اعلام موجودیت می‌کنند و خیلی خودشان را فعال نشان می‌دهند اما بعد از روز انتخابات فعالیت خود را به حالت تعلیق درمی‌آورند و حتی اعلام انحلال می‌کنند، حزب شما چقدر از این ویژگی‌ها می‌پرهیزد؟

نه، اینکه حالا حزب ما می‌خواهد تشکیل شود و الان من چنین صحبتی کنم، باورم این است که حزب نهایتاً در کشور شکل خواهد گرفت. در هیچ کشوری حتی مدعیان مهاددموکراسی در دنیا به اندازه ایران انتخابات برگزار نمی‌شود، پس بنابراین احزاب ناچارند که خود را با مردم وفق دهند و برای توفیق در صحنه انتخابات برنامه داشته باشند. بر همین اساس فعالیت احزاب فعلی کشور اعم از اصولگرا، اصلاح طلب و میانه‌رو بیش از پیش در حال بروز و ظهور است. حزب شما کجای عرصه سیاسی کشور است؟
بیشتر رویکرد اعتدالی دارد. تلاش آن است که از همه تفکرها در کشور استفاده شود.

هم‌اکنون حزبی به نام اعتدال و توسعه در کشور وجود دارد، حزب شما چه خط تمایزی با آن حزب دارد؟

فکر می‌کنم دوستان ما در حزب اعتدال و توسعه زحمات خیلی خوبی کشیدند، اثرات خوبی داشتند اما این اثرات آن گستردگی خود را نداشت، شاید در یک حدی از جامعه پیش رفت، اما بعد قطع شد. فکر می‌کنم فراگیری این مجموعه دوستان ما بیشتر از اقدامات برادران ما در حزب اعتدال و توسعه باشد.

گفته می‌شد آقای هاشمی پدر معنوی حزب کارگزاران سازندگی و آقای روحانی پدر معنوی حزب اعتدال و توسعه است. می‌توان گفت آقای لاریجانی نیز پدر معنوی حزب شماست؟
خیر، نمی‌توان چنین توصیفی کرد.

چرا؟
چون درباره این موضوع باید از خود آقای لاریجانی سوال شود. ما چنین بحثی نداریم.

یعنی آقای لاریجانی هیچ حمایت معنوی از حزب شما نخواهد داشت؟

من نمی‌دانم. این مسائل باید از خود آقای لاریجانی سوال شود.

برای اینکه حزب شما فراگیر شود چقدر سنتی‌های اصولگرا اعم از جبهه پیروان خط امام و رهبری و جامعه روحانیت حاضرند کمک کنند؟
اصلاً تحزب بحث مذاکرات و مراودات فکری است و حتی مراودات فکری با جریانات مختلف صورت می‌گیرد.

گفته می‌شود احزاب در ایران نهادینه نمی‌شود چون سابقه بدی از فعالیت آنها در ذهن مردم است، شما از کسانی هستید که می‌خواهید تأسیس حزب داشته باشید، این تحلیل را قبول دارید یا خیر؟

بخشی از این بحث درست است یعنی ممکن است عملکرد احزاب به گونه‌ای بوده که موجب نگرانی در جامعه شده باشد و مردم خیلی راغب نهادینه شدن تحزب در کشور نباشد اما بالاتر یکی از رکن‌های دموکراسی داشتن احزاب قوی است. احزاب نیز تمرین‌هایی در این زمینه داشتند و کج‌دار و مریز جلورفتند، جاهایی خوب عمل کردند و جاهایی ضعیف بودند. در مجموع معتقدم وجود احزاب قوی و استخواندار می‌تواند آثار مثبتی بر دموکراسی و روشنگری مردم زمان انتخابات باشد. حتی امکان دارد حزبی در یک انتخابات پیروز نشود اما رویکرد ملی پیش گیرد و با رفتار و مواضعی که اتخاذ می‌کند، جریان حاکم را بهره‌مند نماید. هیچ گاه یادام نمی‌رود حاج آقای عسکراولادی در این حوزه خیلی زحمت کشیدند. او زمان دولت اصلاحات مکاتبات مفصلی درباره مشکلات کشور داشت و به گونه‌ای هم طرح‌دهنده انجام می‌داد که آقای خاتمی نیز از نظرات آقای عسکراولادی استفاده می‌کرد. داشتن چنین احزابی به روند دموکراسی کمک می‌کند. بعد از ۴۰ سال آزمون و خطا، احزاب مختلفی باید به صحنه سیاسی کشور بیایند و ضمن ارائه برنامه‌های خود، در مقابل این برنامه‌ها متعهد و پاسخگو باشند. شاید یکی از دلایلی که مردم خیلی از بحث حزب در کشور استقبال نکردند عدم پاسخگویی احزاب باشد. احزاب باید بپذیرند اگر نیروهای آنها به مجلس شورای اسلامی، شورای شهر، مجلس خبرگان یا دولت رفتند، پاسخگویی عملکرد آنها باشند. الان انتخابات مجالس و ریاست‌جمهوری به گونه‌ای است که رئیس‌جمهور یا نمایندگان مجلس می‌گویند ما مدیون به حزب و گروهی نیستیم چرا که خود را مدیون به رأی مردم می‌دانیم. این حرف درستی است که همه ما مدیون مردم هستیم اما صرف ملاک بودن این مساله موجب می‌شود که راهکاری برای اخذ رأی‌بازی از مردم به صورت کلاسه شده نباشد. ایفای نقش احزاب می‌تواند چنین خلأیی را پر کند.

چه تضمینی وجود دارد که حزبی شکل بگیرد و شخصیت‌هایی از درون این حزب به قدرت راه پیدا کنند اما وقتی بر کرسی قدرت تکیه زدند، اعلام برائت نکنند؟

اگر حزبی بخواهد در آینده با مردم باشد و از رأی مردم برای اهداف و پیشبرد برنامه‌های حزبی‌اش بهره گیرد باید به فکر حفظ پایگاه اجتماعی‌اش باشد. اگر حزبی در یک انتخابات برنده شود اما بعد پاسخگو نباشد، دیگر مردم اقبال به آن مجموعه نخواهند داشت. در واقع تضمین جلوگیری از آن اتفاق، رأی مردم است.

شما می‌خواهید در آینده نزدیک حزبی را تأسیس کنید. آیا پیش‌بینی کرده‌اید که دچار چنین آسیب‌هایی نشود، یعنی افراد وقتی از نردبان حزب شما بالا رفتند، اقدام به انداختن این نردبان نکنند؟
قطعاً با توجه به تجربه‌ای که در این ایام داشتیم، حالا ممکن است برخی احزاب موفق عمل نکرده باشند اما

اتمام حجت

عربستان توان اتخاذ خط‌مشی مستقل ندارد

ایجاد تحریم‌های گسترده علیه ایران اعلام کرد. بنابراین در وضعیت موجود و شرایط سختی که به نوعی منطقه با آن روبه‌رو است انتظار اینکه مقامات سعودی به درخواست ایران پاسخ مثبت و روشنی بدهند شاید انتظاری دور از واقعیت باشد.

سیاست خارجی عربستان تابعی از سیاست خارجی آمریکا و اسرائیل در منطقه است و این دولت‌ها، منافع مشترکی در ضدیت با ایران در منطقه را دنبال می‌کنند. لذا تا زمانی که عربستان به عنوان یک کشور مستقل و با هویت اسلامی و عربی نگرش واقع‌بینانه‌ای به بحران‌های منطقه از جمله بحث سوریه، عراق و بحران یمن نداشته باشد، انتظار شروع روابط سازنده با ایران و کاستن از تنش‌های موجود در روابط فیمابین بسیار دشوار به نظر می‌رسد. از این رو در پیش‌بینی آینده روابط ایران و عربستان همچنان به متغیرهای تأثیرگذار همچون مسائل قومی، مذهبی و هویتی و نیز تأثیرگذاری منفی آمریکا و اسرائیل در این روابط باید توجه داشت. در نتیجه این طور به نظر می‌رسد که عربستان در وضعیت موجود، توان اتخاذ خط‌مشی مستقل و روشن در مورد مسائل منطقه به ویژه در رابطه با ایران را ندارد و تأثیر برخی از سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا در تداوم بحران و ضدیت با آن کاملاً روشن است. بنابراین می‌توان پیش‌بینی کرد که وضعیت روابط ناپایدار و تنش‌های لفظی بین مقامات ایران و عربستان سعودی و برخی از کشورهای هم‌پیمان آن همچنان ادامه پیدا خواهد کرد. در این بین کلید حل معما، حل و فصل مسائل اصلی و اساسی بین ایران و آمریکا است. تا زمانی که روابط تهران با واشنگتن بر سر موضوعات منطقه‌ای تنش‌زایی باقی بماند، انتظار روابط مستقل و کاهش بحران در منطقه دور از دسترس است.

در دوره باراک اوباما روابط ایران با آمریکا در بحث مسائل منطقه‌ای و برجام تاحدی به سمت بهبود رفته بود اما در همان برهه تنش‌های ایران با عربستان بر سر مسائل منطقه‌ای ادامه داشت. آنها خود را بازنده برجام تلقی می‌کردند و به آمریکا فشار وارد می‌آوردند که زیر بار تعهدات برجام نرود. لذا ریاض در کنار تل آویو خود را از بازیگران بازنده برجام می‌دانست زیرا از نظر آنها بحث برجام و رفع تحریم‌های گسترده بین‌المللی علیه ایران باعث بهبود شرایط اقتصادی ایران و تثبیت قدرت پایدار منطقه‌ای این کشور خواهد شد. در نتیجه در دوره ریاست جمهوری ترامپ شاهد هستیم که روابط ریاض با کاخ سفید و حتی تل آویو به نوعی به یک اشتراک نظر و همگرایی کامل انجامیده است و طرفین برای ایجاد محدودیت بیشتر بر سر نفوذ منطقه‌ای ایران و تضعیف قدرت آن به توافق کامل رسیده‌اند.

برداشت و ادراکات مقامات آل سعود به این صورت است که ایران را به عنوان یک تهدید قلمداد می‌کنند، بنابراین برای اینکه این سوءتفاهمات ذهنی و برداشت‌های منفی میان دو کشور تأثیرگذار در خاورمیانه و جهان اسلام به نوعی برطرف شود، اولاً هر دو طرف باید آمادگی مذاکره و گفت‌وگو را داشته باشند و ثانیاً مذاکرات باید گام به گام بر سر موضوعات و اختلافات منطقه‌ای پیش برود. از دیگر سو با توجه به گسترش سطح اختلافات و موانع موجود انتظار اینکه در یک بازه زمانی مشخص و کوتاه، گشایشی در روابط تهران-ریاض صورت بگیرد، خیلی قابل تصور نیست. این مساله نیازمند اجماع داخلی در میان نخبان هر دو کشور ایران و عربستان سعودی و عدم تأثیرپذیری از سیاست‌های قدرت‌های خارجی است. لذا گرچه ایران از آمادگی مذاکره و گفت‌وگو را در شرایط دشوار موجود با هدف عدم ورود به یک جنگ تمام‌عیار منطقه‌ای با توجه به تنش آفرینی دارد ولی طرف مقابل فعلاً از این آمادگی لازم برخوردار نیست.

داود احمدزاده

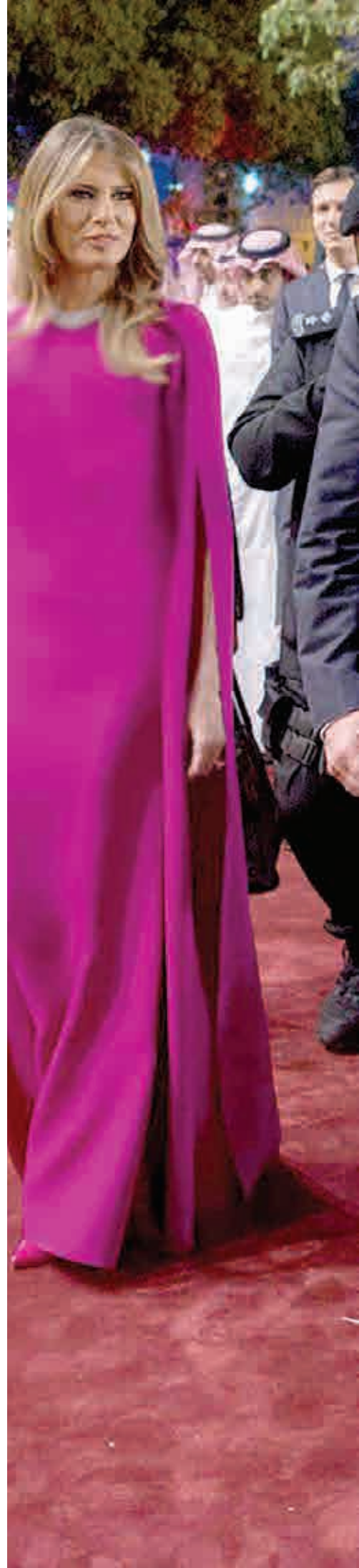
کارشناس مسائل خاورمیانه



حسن روحانی، رئیس‌جمهوری ایران در سخنرانی خود در جمع سفرای ایرانی، پالس جدیدی را از تهران به سه پایتخت عربی ریاض، ابوظبی و منامه فرستاد که از نگاه رسانه‌ها تحول مهمی در بچوبه بحران‌ها و تنش‌های موجود میان دو سوی ساحل خلیج فارس به شمار می‌رود؛ رئیس‌جمهوری ایران در سخنان خود گفت: «در شرایط جدید به دنبال اصلاح روابط عربستان، امارات و بحرین با ایران هستیم.»

اکنون این پرسش مطرح است که سخنان آقای روحانی چه پیامی برای کشورهای عربی یا برای دیگر کشورها دارد؟ باید توجه داشت که بعد از لفاظی‌های شخص دونالد ترامپ در مورد ایران و تهدیدات مکرری که نظام جمهوری اسلامی و مردم را مورد خطاب قرار داده و حتی برخی این را به منزله ورود به یک جنگ سخت بین تهران و واشنگتن قلمداد می‌کنند، شرایط منطقه‌ای بسیار پیچیده و دشوار شده است. بنابراین ایران بار دیگر با هدف کاستن از تنش‌های منطقه‌ای و بازگرداندن آرامش، همسایگان خود را به گفت‌وگو، مذاکره و کاهش تنش دعوت کرده است. آنچه مسلم است در چند سال اخیر ما بیشترین مشکلات امنیتی و سیاسی را با عربستان داشته و داریم که بازتاب آن را می‌توان در بحران‌های متعدد منطقه و موضع‌گیری‌های متفاوت دو کشور تأثیرگذار یعنی ایران و عربستان در جنگ‌های نیابتی در یمن، عراق و سوریه مشاهده کرد.

اخیراً آمریکایی‌ها تلاش کردند که با ائتلاف‌سازی منطقه‌ای و تلاش برای نزدیکی بیشتر عربستان و رژیم صهیونیستی، شرایط و اوضاع امنیتی را به ضرر ایران تغییر دهند. متأسفانه ما شاهد دیدارهای پنهان و آشکار برخی مقامات کشورهای عربی با سران تل آویو بودیم. مخرج مشترک این دیدارها و گفت‌وگوهای پنهان و آشکار نیز اغلب رفع تهدیدها و ایجاد محدودیت برای نفوذ منطقه‌ای ایران بوده است. بنابراین بعد از علنی شدن درگیری‌های لفظی بین مقامات ایران و آمریکا طبیعی است که ایران برای اتمام حجت با برخی از کشورهای اسلامی و همسایه و کاهش تنش‌های موجود نظامی و سیاسی و به نوعی ممانعت از تحقق اهداف آمریکا در منطقه که در راستای بحران آفرینی‌های مکرر صورت می‌گیرد بار دیگر طبق روال سیاست‌های گذشته خود از عربستان بخواهد که بدون هیچ پیش‌شرطی با هدف کاهش تنش‌ها و ایجاد نظم و امنیت منطقه‌ای گفت‌وگو و مذاکره را در دستور کار خود قرار دهد. این مساله حداقل می‌تواند در اذهان عمومی مردم منطقه بازتاب مثبتی داشته باشد. گرچه انتظار نمی‌رفت که این درخواست مذاکره و گفت‌وگوهای رودررو با استقبال فوری و علنی مقامات سعودی مواجه شود. چرا که ادراکات و برداشت‌های منفی سران سعودی به ویژه محمد بن سلمان، ولیعهد جوان سعودی و عادل الجبیر، وزیر خارجه تحت تأثیر القائنات آمریکا و اسرائیل در مورد نقش منفی منطقه‌ای ایران مانع از هرگونه همگرایی و آغاز مذاکره خواهد بود. حتی در موضع بدبینانه نیز می‌توان گفت که شاید مقامات سعودی این درخواست مذاکره را ناشی از ضعف دستگاه سیاست خارجی ایران و شرایط سخت اعمالی آمریکا بر ایران فرض کنند. از این رو می‌بینیم که بعد از این دعوت به مذاکره از سوی روحانی، وزیر خارجه جنگ طلب سعودی بار دیگر از موضع هتاکانه و جنگ طلبانه ترامپ در مورد ایران دفاع و حمایت و آمادگی خویش را برای همراهی و همکاری بیشتر در



حسن نیت تهران

عربستان، امارات و بحرین سیاست‌های تهاجمی‌تری علیه ایران پیش خواهند گرفت

حسن هانی زاده

کارشناس مسائل خاورمیانه



«امروز فرصتی به وجود آمده تا روابط خود را با همسایگان مان بیش از پیش گسترش دهیم و حتی اگر همسایه‌ای مانند عربستان هم از لجاجت‌ها و اقدامات خود دست برداشت و نسبت به روابط اظهار تمایل کرد، باید اختلافات را حل کرده و دوستی را برقرار کنیم. در مورد امارات و بحرین نیز این گونه است و مادر شرایط جدید به دنبال اصلاح روابط این کشورها با ایران هستیم.» این صحبت‌ها بخشی از اظهار نظر اخیر حسن روحانی، رئیس جمهوری ایران در جمع زیادی از سفرا، نمایندگان و مقامات ارشد دستگاه دیپلماسی بود. بیان این اظهارات در بحبوحه تنش‌ها میان ایران و آمریکا از یک سو و ایران و عربستان از سوی دیگر، تحول مهمی به شمار می‌آید که می‌تواند نقطه عطفی در شرایط موجود باشد. اگرچه کمتر از ۲۴ ساعت پس از این سخنرانی، وزیر خارجه عربستان و سفیر ریاض در واشنگتن همزمان و در اظهاراتی مشترک از فشار بر تهران و حمایت از رویکرد سخت دولت ترامپ بر تهران سخن به میان آوردند. در چنین شرایطی این سوال مطرح است که هدف از این سخنان روحانی و دادن پالس مثبت به عربستان چیست؟

می‌توان گفت سخنرانی اخیر رئیس جمهوری ایران خطاب به کشورهای جنوب خلیج فارس، یک پیام روشن و کاملاً شفاف در برداشت مبنی بر اینکه ایران همواره در صدد همکاری و ارتقای سطح روابط با کشورهای منطقه است. طی ۴ دهه گذشته جمهوری اسلامی ایران در تعریف سیاست خارجی خود همواره این اصل ثابت را مورد توجه قرار داده که ایران به عنوان یک کشور بزرگ منطقه می‌تواند «محور تعامل و همکاری» بین دو سوی ساحل خلیج فارس تلقی شود. دست دوستی ایران در طول این مدت همواره به سوی کشورهای منطقه به‌ویژه شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس دراز بوده و این امر از حسن نیت ایران با هدف حفظ امنیت منطقه سرچشمه می‌گیرد اما متأسفانه سه کشور عربستان، امارات و بحرین که حرکت سیاسی‌شان را بر اساس قطب‌نمای سیاست خارجی آمریکا تنظیم می‌کنند، شیوه تهاجمی در برابر ایران را در دستور کار خود قرار داده‌اند. رفتار پرخاشگرانه عربستان سعودی، امارات و بحرین نسبت به جمهوری اسلامی ایران برگرفته از سیاست‌های

می‌شود لذا عربستان، بحرین و امارات به نیابت از آمریکا برخوردی غیرمنطقی با جمهوری اسلامی ایران داشته‌اند. با این همه تهران در چارچوب راهبرد ملی‌اش، در صدد بوده که روابط خود را با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در بالاترین سطح حفظ کند.

البته عربستان سعودی به عنوان بزرگ‌ترین کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس به دستور آمریکا روابط خود را برای خوشایند آمریکا و لابی صهیونیستی با تهران قطع کرده که این امر به شکل گیری دو بلوک قریب در مجموعه کشورهای اسلامی منجر شده است.

از سوی دیگر باید توجه داشت که ایران از ظرفیت بسیار بالایی برای ایفای یک نقش محوری در منطقه به دور از دخالت‌های غرب برخوردار است. پیشنهاد‌های جمهوری اسلامی ایران در طول ۴ دهه گذشته برای تشکیل یک نیروی مشترک با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با هدف حفظ امنیت این آبراه مهم بخشی از راهبردهای کشور با هدف کاهش نفوذ آمریکا و غرب تلقی می‌شود اما عربستان که سیاست وابسته به آمریکا را دنبال می‌کند هیچ‌گاه اجازه نداده که جمهوری اسلامی ایران روابط حسنه‌ای با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس برقرار کند و این امر به بروز شکاف میان ایران و بعضی همسایگان آن منجر شده است.

یکی از ویژگی‌های سیاست خارجی عربستان این است که به نیابت از آمریکا و اسرائیل تلاش کرده تا ایران را در محدوده جغرافیایی کوچکی منزوی کند. در عین حال عربستان اکنون از رهگذر جریان سازی علیه ایران تلاش دارد تا پای رژیم صهیونیستی را به منطقه باز کند که این امر ناامنی‌ها را در منطقه تشدید خواهد کرد. با توجه به تهدیدات تند ترامپ علیه تهران سیاست جمهوری اسلامی ایران بر این است تا کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را از دایره مناقشات ایران و آمریکا دور کند. پیشنهاد عربستان برای افزایش حجم صادرات دو میلیون بشکه‌ای خود در روز نشانه مناسبی از رفتار ریاض نسبت به ایران نیست و به همین دلیل ایران تلاش دارد تا آمریکا یک جبهه بزرگ عربی علیه ایران ایجاد نکند.

برخی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس تحت تأثیر سیاست‌های آمریکا و اسرائیل قرار دارند اما ادامه این شیوه به ضرر این کشورها خواهد بود زیرا هرگونه اختلاف در میان کشورهای اسلامی و عربی به نفع رژیم صهیونیستی خواهد بود. عربستان، امارات و بحرین باید از اظهارات اخیر رئیس جمهور ایران مبنی بر تقویت رابطه با کشورهای عرب حوزه خلیج فارس نهایت بهره‌برداری را داشته باشند زیرا شیوه‌های تهاجمی به بروز شکاف و صفت‌بندی بین کشورهای اسلامی منجر خواهد شد.

البته به نظر می‌رسد که سه کشور عرب حوزه خلیج فارس یعنی عربستان، امارات و بحرین تحت تأثیر آمریکا، سیاست‌های تهاجمی‌تری در برابر ایران اتخاذ و حتی آمریکا را به حمله نظامی علیه ایران تشویق خواهند کرد. غافل از اینکه هرگونه درگیری نظامی در خلیج فارس به زیان کشورهای این حوزه خواهد انجامید.



آمریکا نسبت به ایران بوده و هست زیرا آمریکا تلاش دارد تا به جای رژیم صهیونیستی در حقیقت جمهوری اسلامی را به عنوان دشمن اول اعراب قلمداد کند. در این راستا عربستان سعودی جریان سازی‌های گسترده‌ای علیه ایران در پیش گرفته و با استفاده از صد شبکه ماهواره‌ای فعال و گردش مالی سالانه ۱۰ میلیارد دلار در تشدید پروسه ایران هراسی نقش فعالی ایفا کرده است. هدف ریاض، ابوظبی و منامه این است که ضمن ایجاد حاشیه امن برای رژیم صهیونیستی، مساله فلسطین را بار دیگر به حاشیه برانند. کمک ۱۲۰ میلیارد دلاری عربستان، امارات، بحرین، کویت و قطر به رژیم سابق بعث عراق نمونه روشنی از سیاست‌های تهاجمی و غیردوستانه این کشورها نسبت به ایران بود. با این حال جمهوری اسلامی ایران، از یک منظر کاملاً اسلامی و انسانی از همه ابزارهای دیپلماتیک برای حفظ روابط خود با کشورهای عرب حوزه خلیج فارس استفاده کرده و هیچ‌گاه باب دوستی را با این

”

طی ۴ دهه گذشته ایران در تعریف سیاست خارجی خود همواره این اصل ثابت را مورد توجه قرار داده که به عنوان یک کشور بزرگ منطقه می‌تواند «محور تعامل و همکاری» بین دو سوی ساحل خلیج فارس تلقی شود. دست دوستی ایران در طول این مدت همواره به سوی کشورهای منطقه به‌ویژه شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس دراز بوده و این امر از حسن نیت ایران با هدف حفظ امنیت منطقه سرچشمه می‌گیرد

”

کشورها نیست است. ایران از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون سیاست خارجی خود را بر مبنای تعامل مثبت با همه کشورهای جهان به جز رژیم صهیونیستی تعریف کرده است. رفت‌وآمد مقامات سیاسی و اقتصادی ایران به کشورهای حوزه خلیج فارس نشان می‌دهد که ایران علیرغم برخورداری از قدرت نظامی برتر، هیچ‌گاه نگاه تحقیرآمیزی نسبت به کشورهای کوچک حوزه خلیج فارس نداشته است. اگرچه شکل گیری شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۱ صرفاً در راستای تقابل با جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته، اما ایران هیچ‌گاه در صدد تقابل با کشورهای عضو این شورا برنیامده است. البته از آنجایی که سیاست خارجی برخی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از سوی کاخ سفید دیکته





نظر خبرنگار

حسن روحانی ضمن سخنرانی در همایش روسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، در رویکردی جدید، خطاب به همسایگان جنوبی ایران در خلیج فارس گفته است که بهترین روابط را با همسایگان خواهیم و در شرایط جدید، به دنبال اصلاح روابط عربستان، امارات و بحرین با ایران هستیم. برخی این صحبت‌ها را پالس مثبتی از سوی ایران به سوی کشورهای عربی تلقی کرده‌اند و برخی نیز آن را نشانه‌ای به رویکردهای رئیس‌جمهور آمریکا می‌دانند. جعفر قنادباشی، کارشناس مسائل خاورمیانه در گفت‌وگویی با هفته‌نامه مثلث به بررسی ابعاد پیام رئیس‌جمهور ایران خطاب به کشورهای عربی و روابط ایران و اعراب در برهه فعلی پرداخته است.

ایران در حال یارگیری منطقه‌ای در مقابل ترامپ است گفت‌وگوی مثلث با جعفر قنادباشی

به نظر شما این پیام به چه معناست و آقای روحانی به چه دلیل چنین موضوعی را مطرح کرده است؟

از سخن رئیس‌جمهور، چند نوع برداشت می‌توان ارائه کرد. برداشت نخست مربوط به نوع نشست یعنی ترکیب شرکت کنندگان و اهداف این نشست است؛ چیزی که سبب شده رئیس‌جمهور، شرایط را برای طرح موضوع اصلاح روابط با همسایگان جنوبی مناسب بداند و سفرا و مسئولان دفاتر نمایندگی ایران در خارج از کشور را در این خصوص، مخاطب دیدگاه‌ها و نظریات خود قرار دهد. این بدان معناست که رئیس‌جمهور خواسته است تا با این سخنان، بر اهمیت گسترش روابط ایران با همه کشورهای جهان تأکید کند و سنگینی مسئولیتی را که بر دوش سفرا و نمایندگان ایران در خارج از کشور است، به آنها گوشزد کند. برداشت بعدی به نوع جملاتی که رئیس‌جمهور در خصوص اصلاح روابط با همسایگان جنوبی به کار برده و برقراری و گسترش روابط با عربستان را به تحقق شروطی موکول کرده است، متکی است. آقای روحانی در این نشست گفته است: «حتی اگر همسایه‌ای مانند عربستان هم از لجباعت‌ها و اقدامات خود دست برداشت و نسبت به روابط اظهار تمایل کرد، باید اختلافات را حل کرده و دوستی را برقرار کنیم.» روشن است که تأکید بر تحقق شروطی همانند دست برداشتن از لجباعت و اظهار تمایل به برقراری روابط، به خودی خود نمی‌تواند حاکی از تغییر مواضع رئیس‌جمهور در خصوص روابط با عربستان باشد. بنابراین، براساس برداشت دوم نیز، مواضع رئیس‌جمهور در مقایسه با مواضع قبلی‌اش، تغییری نکرده و وی در سخنان‌ش، صرفاً بر اهمیت که جمهوری اسلامی ایران برای روابط با همسایگان‌ش قائل است و سفرای مربوطه باید به آن توجه داشته باشند، تأکید نموده است. با این همه، در برداشت سوم، سخن از راهبرد جدیدی است که رئیس‌جمهوری در مقابله با سیاست‌های منطقه‌ای ترامپ پیش گرفته و از این طریق کوشیده است تا با فراهم کردن مقدمه‌یاری‌های جدید منطقه‌ای، بستر لازم را برای فائق آمدن بر اجماع و ائتلافی که آمریکا و متحدین منطقه‌ای‌اش بدان می‌انديشند، به وجود آورد.

آیا در این برهه، این سیاست کارساز خواهد بود، در شرایطی که اعراب علیه ایران به نوعی شمشیر را از رو بسته‌اند؟

نگاهی به تغییر معادلات منطقه‌ای به سود ایران و همچنین درک این واقعیت که متحدین منطقه‌ای آمریکا در حال حاضر، در موقعیت انفعالی و شکننده‌ای قرار گرفته‌اند، کافی است تا ضرورت‌های کنونی در عرصه سیاست خارجی، به طور روشن‌تری تبیین شود، لذا درست است که کشورهای عربی منطقه، در مقطع زمانی جاری، بیشترین دشمنی‌ها را علیه ایران روا می‌دارند اما نشانه‌های فراوانی در دست است که از نگرانی‌های این کشورها از شرایط پیش رو خبر می‌دهد و آنها وادار می‌کند تا به حمایت‌های احتمالی واشنگتن امید چندانی نداشته باشند. در واقع بیش از آنکه جمهوری اسلامی ایران در صدد گسترش روابط با همسایگان جنوبی‌اش باشد، این همسایگان جنوبی هستند که مترصد دریافت نشانه‌های مثبتی از جانب ایران هستند تا در صورت ادامه تغییر معادلات منطقه‌ای به نفع کشورهای محور مقاومت و ناتوانی آمریکا در ایفای نقش‌های منطقه‌ای گذشته‌اش، با زبان‌ها و شرایط پیش‌بینی نشده‌ای مواجه نشوند. بنابراین تأکید روحانی بر ضرورت گسترش روابط با این کشورها، ضمن آنکه پیوندهای ائتلاف ضدایرانی را مستحتر می‌کند، روزهایی را نیز برای بازگشت این کشورها از مواضع خصمانه‌شان علیه ایران باز می‌گذارد.

بیشتر نیز شاهد چنین نرمش‌ها یا پیشنهادهایی از سوی ایران بودیم؟ واکنش اعراب چه بود؟

واقعیت آن است که در طول چهار دهه گذشته، اکثر کشورهای عربی، مواضع مناسب و مؤثری را در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران اتخاذ نکرده‌اند و بر این اساس، در واکنش به مواضع اصولی و نرمش‌های کشورمان، رفتاری را که شایسته کشورهای مستقل است، از خود بروز نداده‌اند. متأسفانه شاهدیم که بسیاری از کشورهای عربی، از جمله برخی از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در اتخاذ سیاست‌های خارجی‌شان بر اساس منافع ملی و به طور مستقل عمل نمی‌کنند، بلکه به طور شگفت‌آوری، زمام امور را در سیاست خارجی، به دست بیگانگان، به ویژه سفارتخانه‌های آمریکا و انگلیس داده‌اند. طبیعی است که در این شرایط، انتظار واکنش مثبت از جانب آنها به حداقل محدود می‌شود. به طور مشخص ریاض در برهه فعلی چه نگاهی به ایران دارد؟

همان‌طور که شاهد هستید حکومت ریاض در حال

حاضر وارد عرصه بیشترین خصومت‌ورزی علیه ایران شده و به انواع تحرکات ضد ایرانی گذشته‌اش بسنده نکرده است، بلکه در زمینه اعمال شدیدترین تحریم‌های اقتصادی علیه کشورمان نقش‌های مخرب و تأسّف‌باری را به عهده گرفته است. این گونه رفتار و این گونه مواضع، مبین آن است که مقامات ریاض در برهه فعلی، بدترین نگاه‌ها را نسبت به ایران دارند و جمهوری اسلامی ایران را عامل شکست‌های منطقه‌ای‌شان، در حال و آینده می‌دانند.

آینده روابط ایران با اعراب با محوریت عربستان را در کوتاه‌مدت (دوره ترامپ) چطور می‌بینید؟

در کوتاه‌مدت و در دوران ریاست جمهوری ترامپ احتمال عادی‌سازی روابط ایران و عربستان بسیار کم است، به خصوص که عربستان با تحمل شکست‌های پی‌درپی در صحنه عراق، سوریه، لبنان و همچنین پذیرش شکست‌های فضااحت‌بار در جنگ علیه یمن، شرایط و انفسایی را تجربه می‌کند و از این لحاظ نمی‌تواند منافع ملی خود را که در گرو همکاری‌های خوب منطقه‌ای است، تشخیص دهد.

در بلندمدت چطور؟ روابط به چه سمتی می‌رود با توجه به شرایط فعلی؟

اغلب کارشناسان با توجه به دورنمای مثبتی که از تحولات منطقه‌ای ترسیم شده و دلالت بر کاهش حضور و نفوذ آمریکا در منطقه دارد، از روی آوردن قریب الوقوع حکومت‌های عربی منطقه به سوی ایران خبر می‌دهند و بر این اعتقادند که ترتیبات کاملاً متفاوتی در انتظار کشورهای غرب آسیا است.

فاکتورهای لازم برای بهبود روابط ایران و اعراب چیست؟

شاید قبل از هر چیز، عدم مداخله رژیم‌های غربی و رژیم صهیونیستی، مهم‌ترین فاکتور برای بهبود روابط ایران و اعراب باشد. بعد از آن باید به مواضع مستقل و مبتنی بر منافع ملی دولت‌های عربی در اتخاذ سیاست خارجی اندیشید؛ موضوعی که مدت‌های مدیدی است به فراموشی سپرده شده و جای خود را به سرسپردگی و سیاست‌های دیکته‌شده و زیانبار داده است. عامل یافاکتور سوم، کوشش جمعی کشورهای منطقه برای ورود به عرصه یک همکاری همه‌جانبه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است که براساس اعتماد متقابل، تحقق پیدا کند.

جنگ رسانه‌های تازه سعودی‌ها علیه ایران راه‌اندازی رسانه‌های فارسی‌زبان از سوی ریاض

محمد حیدری

مترجم

طی سال‌های اخیر، دربار آل سعود هزینه‌های هنگفتی را در راستای تحقق استیلای رسانه‌ای و تبلیغاتی خود در منطقه صرف کرده است. اکثر این فعالیت‌ها در راستای مشروعیت‌زایی کاذب برای رژیم سعودی و مخالفت با سیاست‌های مخالفان دیکتاتوری ریاض در منطقه است.

از سال ۲۰۱۱ میلادی و همزمان با آغاز جنگ در سوریه، عربستان سعودی شتاب بیشتری به فعالیت‌های رسانه‌ای خود علیه محور مقاومت، یعنی ایران، سوریه و حزب الله بخشید. حمایت غیرمستقیم از گروه‌های تروریستی و تکفیری مانند داعش و

محتوای وبسایت‌های جدید باید توسط روزنامه‌نگاران SRMG در لندن، اسلام‌آباد، استانبول و نیویورک تهیه شود و به صورت مستقل از مقالات ترجمه‌شده از وبسایت زبان انگلیسی خود تهیه شود.

گروه رسانه و تحقیق در عربستان سعودی، روزنامه الشرق الاوسط را هدایت و مدیریت می‌کند. اکثر روزنامه‌های سعودی تحت کنترل و مدیریت شدید خاندان سعودی قرار داشته و به شدت سانسور می‌شوند. همچنین یکی دیگر از راهکارهایی که مقامات سعودی در راستای تحقق استیلای تبلیغاتی و رسانه‌ای خود به کار می‌گیرند، خرید رسانه‌های کشورهای اروپایی، آفریقایی و خصوصاً رسانه‌هایی هستند که در کشورهای منطقه و خاورمیانه منتشر می‌شوند. هدف از این اقدام، تأمین محتوای چنین رسانه‌ها بر اساس ذائقه و اهداف دربار سعودی است.

کمک مالی عربستان سعودی به رسانه‌هایی و

حامیان تحریم‌های ایران توسط ایالات متحده آمریکا محسوب می‌شود.

تقابل رسانه‌ای عربستان سعودی و ترکیه، موضوع دیگری است که باید در این خصوص مدنظر قرار داد. عربستان سعودی سعی دارد با راه‌اندازی وبسایت ترکی، منازعه تبلیغاتی و رسانه‌ای خود را با رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه علنی سازد. پشت پرده این منازعه را باید در مناسبات خاص ترکیه و قطر جست‌وجو کرد. ترکیه کشوری است که در منازعه میان ریاض و دوحه، از قطر حمایت می‌کند. همچنین ترکیه ارتباطات نزدیکی با ایران دارد و جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای عربستان در فلسطین و شاخ آفریقا را به چالش کشیده است. در چنین شرایطی عربستان سعی دارد از مجرای رسانه‌ای و تبلیغاتی، حمله‌های خود علیه ترکیه را سازماندهی کند.

در خصوص پاکستان و راه‌اندازی زبان اردو در وبسایت‌های عربستانی نیز نکته‌ای وجود دارد که باید مدنظر قرار داد. اینکه کشور پاکستان در همسایگی با ایران، با اکثریت شیعه قرار دارد و از این رو عربستان سعودی سعی در استیلای رسانه‌ای بر شهروندان پاکستانی دارد. ضمن آنکه بعضاً در پاکستان (خصوصاً در برخی مدارس افراطی این کشور) زمینه مساعدی



جدال عربستان سعودی با برخی رسانه‌های عربی مانند الجزیره ادامه دارد



گروه رسانه و تحقیق در عربستان، روزنامه الشرق الاوسط را هدایت و مدیریت می‌کند



مقامات سعودی قصد راه‌اندازی وبسایت‌هایی به زبان‌های اردو، ترکی و فارسی را دارند

برای مانور رسانه‌های عربستانی و القای خواسته‌ها و دیدگاه‌های آنها وجود دارد. در هر حال، مجموع شواهد و مستندات موجود نشان می‌دهد که عربستان سعودی درصدد راه‌اندازی یک شبکه تبلیغاتی تمام‌عیار در منطقه است. برخی کارشناسان و تحلیلگران مسائل رسانه‌ای معتقدند که قدرت رسانه، از قدرت اسلحه سخت‌تر است...^۱

پی‌نوشت:

۱- واقعیت امر این است که عربستان سعودی سال‌هاست هجمه‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای خود را علیه جریان‌ها و کشورهای حامی مقاومت و خصوصاً جمهوری اسلامی ایران آغاز کرده است. با این حال در عمل شاهد شکست سعودی‌ها در نیل به اهداف کلان، میان‌مدت و حتی کوتاه‌مدت خود در این خصوص بوده‌ایم. آنچه امروز در نوع پوشش اخبار و تحلیل‌های رسانه‌ای در قبال حوادث جاری در یمن، سوریه، عراق، بحرین و فلسطین مشاهده می‌کنیم، نمونه‌ای بارز از این شکست رسانه‌ای محسوب می‌شود. با این حال، تلاش دوباره محمد بن سلمان و مقامات دربار سعودی برای راه‌اندازی شبکه‌ها و رسانه‌های فارسی‌زبان، اردو‌زبان و ترکی‌زبان، نشان‌دهنده موج جدیدی از این اقدامات محسوب می‌شود؛ اقداماتی که مواجعه با آنها هشیاری کامل در مقابله با سعودی‌ها را می‌طلبد.

خرید هزاران رسانه (در قالب اشتراک) و صرف هزینه‌های متعدد در این خصوص، در قالب دیپلماسی رسانه‌ای مخفیانه عربستان سعودی صورت می‌گیرد. هم‌اکنون عربستان سعودی در نبرد رسانه‌ای با قطر قرار دارد؛ موضوعی که آن را در جریان سیاست‌های تقابلی ریاض در قبال شبکه الجزیره مشاهده می‌کنیم.

نبرد عربستان-قطر برای کنترل امواج هوا را حتی در رقابت‌های مقدماتی جام جهانی امسال در روسیه نیز شاهد بودیم. این خود نشان‌دهنده عمیق بودن دامنه منازعه موجود میان عربستان و قطر می‌باشد.

تلاش گروه رسانه و تحقیق در عربستان سعودی برای راه‌اندازی وبسایت‌هایی به زبان‌های اردو، فارسی و ترکی نشان می‌دهد که آنها از یک سو به دنبال تقویت تجاری خود و از سوی دیگر، درصدد حمایت از پادشاهی سعودی در جنگ رسانه‌ای با قطر و ایران هستند. به عبارت بهتر، عربستان سعودی سعی دارد در قالب راه‌اندازی وبسایت‌هایی با زبان‌های مختلف، هژمونی رسانه‌ای خود را تقویت کند. نباید فراموش کرد که به علت نبود روابط دیپلماتیک میان عربستان و ایران و حمایت عربستان از تحریم‌های ایران، رویکرد رسانه‌های وابسته به آل سعود کاملاً ضد ایرانی خواهد بود. عربستان از

جبهه النصره، در دستور کار شبکه رسانه‌ای وابسته به ریاض و خاندان سعودی قرار گرفت. در جریان جنگ یمن نیز شاهد ادامه این پروسه بودیم؛ پروسه‌ای که تا امروز نیز ادامه دارد. در حال حاضر، فعالیت‌های رسانه‌ای مشترک ایالات متحده آمریکا و عربستان علیه ایران نیز تشدید شده است. در این خصوص سایت «مدرن دیپلماسی» گزارشی را منتشر کرده است که از نظراتان می‌گذرد.

جدال عربستان سعودی با برخی رسانه‌های عربی مانند الجزیره ادامه دارد. عربستان سعودی نه تنها سعی دارد در میان بازیگران و رسانه‌های عربی به برتری رسانه‌ای دست پیدا کند، بلکه سعی دارد دامنه فعالیت‌های رسانه‌های خود را به کشورهای غیرعرب منطقه نیز گسترش دهد. گروه رسانه و تحقیق عربستان سعودی (SRMG) هفته گذشته اعلام کرد که محمد بن سلمان ولیعهد عربستان سعودی، قدرت کنترل بر رسانه‌های عربستان و عربستان را افزایش داده است. در این خصوص مقامات سعودی قصد راه‌اندازی وبسایت‌هایی به زبان‌های اردو، ترکی و فارسی را دارند.

آنچه در این وبسایت‌ها تهیه و تنظیم می‌شود، بسیار هدفمند است. بر این اساس بخش عمده‌ای از

پیش شرطی برای گفت و گو با ریاض

آیا سران سعودی مسیر خود را اصلاح می کنند؟

حنیف غفاری

روزنامه نگار



حسن روحانی، رئیس جمهور کشورمان اخیراً در همایش روسای نمایندگی های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور با اشاره به اینکه ما خواستار برقراری رابطه خوب با دنیا هستیم، گفت: «ایران سرزمین علم، تجارت و دانش جهانی بوده است و امروز فرصتی به وجود آمده تا روابط خود را با همسایگانمان بیش از پیش گسترش دهیم و حتی اگر همسایه ای مانند عربستان هم از لجباعت ها و اقدامات خود دست برداشت و نسبت به روابط اظهار تمایل کرد، باید اختلافات را حل کرده و دوستی را برقرار کنیم. در مورد امارات و بحرین نیز این گونه است و ما در شرایط جدید به دنبال اصلاح روابط با این کشورها هستیم.»

روحانی با بیان اینکه ما باید روابط خوب خود را با همسایگانمان مستحکم کنیم، به برخی اظهارنظرها درباره چگونگی روابط ایران و روسیه اشاره کرد و گفت: «ما نه تسلیم غریبیم و نه تسلیم شرق و شعار نه شرقی نه غربی منافاتی با گسترش همکاری ها با کشورهای جهان ندارد. ما روسیه را نه به عنوان شرق یا قدرتی بزرگ، بلکه به عنوان یک همسایه می بینیم و حسن همجواری و گسترش روابط با مسکو را به نفع دو کشور می دانیم.»

با این حال درست ساعاتی پس از اظهارات رئیس جمهور کشورمان علیه دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا و سیاست های خصمانه کاخ سفید در قبال ایران، مقامات سعودی بار دیگر از تحریم ایران حمایت کرده و مواضع کاخ سفید در قبال تهران را استوند! به عبارت بهتر، مواضع سعودی ها همچنان در قبال ایران به صورتی خصمانه باقی مانده است. واقعیت امر این است که عربستان سعودی خود را به مثابه تکمیل کننده پازل ایالات متحده آمریکا در منطقه و نظام بین الملل می داند و همچنان به این نقش آفرینی ادامه می دهد.

واقعیت امر این است که عربستان سعودی پیوندهای عمیقی را به لحاظ منطقه ای و امنیتی با واشنگتن و تل آویو ایجاد کرده است. همین مسئله، احتمال حرکت مقامات سعودی در مسیر و مجرای عقلانیت سیاسی را به شدت کاهش می دهد. در جریان حمایت و تقویت گروه های تکفیری-تروریستی مانند داعش و النصره نیز تل آویو و ریاض خطوط امنیتی و راهبردی مشترکی را با همکاری یکدیگر ترسیم کرده اند. ریاض هنوز مختصات نقطه ای که به لحاظ استراتژیک و تاکتیکی در آن قرار گرفته است را به خوبی نمی داند. ریاض در حالی دست به این خطای فاحش راهبردی زده است که دیگر بازیگری «مولد» و «تعیین کننده» در منطقه محسوب نمی شود. اگر این تعیین کنندگی از سوی ریاض ظهور و بروز داشت، امروز قاعدتان باید از «بشار اسد» در سوریه اثری بود و نه از «مقاومت اسلامی» در فلسطین و لبنان. همچنین اگر آل سعود چنین قدرت مانوری داشت، امروز باید داعش و النصره سرتاسر سوریه و عراق و بین النهرین را تصرف می کردند و حکومت آل خلیفه در منامه کمترین دغدغه ای در خصوص ادامه حیات سیاسی خود نداشت.

تاکنون جمهوری اسلامی ایران بارها به ریاض

در عمل سکان کشتی توفان زده بازماندگان عبدالعزیز را در آب های پرتلاطم خلیج فارس در دست گرفته است. اقدام نظامی اخیر آل سعود در یمن و افزایش تصاعدی هزینه های شکست آل سعود در صنعا و عدن، نشان از بحرانی است که در آینده ای نزدیک گریبانگیر دربار خواهد شد؛ آن هم درست در حالی که به واسطه بیماری سخت ملک سلمان و ولیعهد او آینده ای برای هزاران شاهزاده سعودی متصور نیست.

آنچه در قبال عربستان سعودی گفته شد، در قبال دو کشور بحرین و امارات متحده عربی نیز صادق است؛ دو کشوری که خود را متغیری وابسته به عربستان سعودی و متعاقباً ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه قلمداد کرده و از هیچ گونه اقدامی در تقابل با جمهوری اسلامی ایران فروگذار نمی کنند. بدیهی است که استمرار این روند از سوی ریاض و دو متحد آن در شورای همکاری خلیج فارس، بدترین نتایج ممکن را برای دربار سعودی، خاندان آل خلیفه و آل نهیان خواهد داشت. عربستان سعودی تاکنون بارها در محاسبات خود در منطقه دچار بحران و آشفتگی و خطا شده است. آنچه امروز در یمن رخ می دهد، نشان دهنده همین مسئله است. شکست تمام عیار سعودی ها در یمن و حتی بروز اختلافات عمده میان امارات و عربستان در این کشور، نشان می دهد ریاض و ابوظبی قدرت درک حداقلی ترین واقعیات ممکن در منطقه، از جمله بی فایده بودن جنگ با ملت یمن و انصارالله را درک نکرده اند. با این حال، هزینه خطای اخیر سعودی ها و متحدان آن در قبال ایران به شدت بالاتر از موارد دیگر خواهد بود....

»

جمهوری اسلامی ایران بارها به ریاض در خصوص «بازی منطقه ای عربستان» و عواقب و تبعات همکاری های آشکار و پنهان دستگاه های امنیتی این کشور با رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا هشدار داده است. با این حال به نظر می رسد ریاض همچنان در صدد است مسیر نادرست و البته خطرناک خود را در منطقه دنبال کند. سران دربار سعودی بدون اینکه متوجه عاقبت قمار دوسر بخت خود در منطقه باشند، مشغول حرکت به سوی «نقطه صفر امنیتی» هستند؛ یعنی نقطه ای که در آن دیگر قدرت مانور دربار برای بقای حداقلی خود را نیز از بین خواهد برد

»



همسویی ترامپ و بن سلمان در مأموریت‌های منطقه‌ای

سیدرضا صدرالحسینی در گفت‌وگو با مثلث



اخیراً رئیس‌جمهور کشورمان اعلام کرده است که در صورت اصلاح و تغییر مثنی سعودی‌ها در منطقه، ایران آماده است تا با ریاض وارد مذاکره شود. این در حالی است که تجربه سال‌های اخیر نشان می‌دهد عربستان سعودی کماکان به عنوان یکی از کاتالیزورها و عوامل تسریع‌کننده سیاست‌های ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه ابقای نقش می‌کند. حمایت از گروه‌های تروریستی در سوریه و عراق و حمله به کشور یمن و حمایت از رژیم دیکتاتوری آل خلیفه جملگی بیانگر مثنی سیاسی و منطقه‌ای موجود در خاندان آل سعود است. سوال اصلی اینجاست که پیوستگی بازی منطقه‌ای عربستان و ایالات متحده آمریکا، خصوصاً در برهه حساس فعلی چگونه قابل تفسیر است؟ در این خصوص گفت‌وگویی با دکتر سیدرضا صدرالحسینی، تحلیلگر ارشد مسائل منطقه صورت داده‌ایم که از نظراتان می‌گذرد.

این قاعده در خصوص دیگر رفتارهای منطقه‌ای ریاض نیز صادق است. تقابل عربستان با ایران نیز در همین راستا قابل ارزیابی است.

آیا در شرایطی که عربستان سعودی عملاً به مهره بازی ایالات متحده آمریکا در منطقه تبدیل شده است، می‌توان نسبت به تغییر مثنی راهبردی و رفتاری سعودی‌ها امید داشت؟

اتفاقاً چنین مسائلی نشان می‌دهد که به هیچ عنوان نباید به سران مرتجع عرب امید داشت و تنها راه برون‌رفت از این فشارها، مقاومت است و به نظر می‌آید با موفقیت‌هایی که مقاومت در این سال‌ها کسب کرده می‌تواند به عنوان الگوی رفتاری برای مردم منطقه قرار بگیرد. در اینجا نکته دیگری وجود دارد که لازم است نسبت به آن توجه داشته باشیم. اینکه ولیعهد عربستان سعودی و مجموعه حکومت عربستان خودشان را برادر بزرگتر کشورهای عربی می‌دانند و این ادعا را دارند که هم اظهارنظرها و جهت‌گیری‌های آنها از سوی جهان عرب به صورت یکپارچه با حمایت و همراهی روبه‌رو خواهد شد اما تجربه نشان می‌دهد که ملت‌های عرب اساساً

اتخاذ چنین ژست‌هایی از سوی سعودی‌ها را نمی‌پذیرند. هرچند برخی از کشورها در قالب شورای همکاری خلیج فارس یا سایر نهادها در کنار این حکومت ایستاده‌اند اما این نهادها به حدی شکننده هستند که هیچ تضمینی به جهت حمایت از جانب این کشورها از سیاست‌های عربستان وجود ندارد.

منطقه به خصوص در عراق و سوریه و یمن متحمل شده، یک تعاملات چندجانبه‌ای بین رژیم سعودی با آمریکا و صهیونیست‌ها صورت گرفته و بر اساس این تعاملات قرار بر این شد که موقعیت و نقش منطقه‌ای عربستان افزایش یابد و در مقابل هم ایالات متحده بتواند مأموریت‌های فرامری خود در منطقه را هرچه سریع‌تر به اتمام برساند. در همین راستا دیدارهای مخفیانه مقامات عربستانی با رژیم صهیونیستی که تقریباً از ۱۵ سال پیش صورت گرفته بود، جنبه آشکارتر به خود گرفت و در ارتباط با این مساله وقتی ترامپ هدف انتقال سفارت را مطرح ساخت شاهد بودیم که عربستان سعودی هیچ واکنشی از خود نشان نداد، در صورتی که تمامی کشورهای مسلمان این اقدام ترامپ را محکوم کرده بودند.

آیا تلاش محمد بن سلمان و ولیعهد عربستان سعودی برای به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی نیز در همین راستا قابل تحلیل است؟

دقیقاً همین‌طور است. رژیم صهیونیستی با پشتیبانی منطقه‌ای عربستان و آمریکا توانست روز به روز فشارهای خود را بر مردم فلسطین شدت ببخشد و در حقیقت در این یازل ارتباط بیشتر اسرائیل با سران

محمد بن سلمان و ولیعهد عربستان و دیگر مقامات سعودی بارها از مثنی تقابلی ایالات متحده آمریکا و خصوصاً دولت ترامپ در مقابل ایران حمایت کرده و عملاً حکم یک «مهره» را در سیاست‌های منطقه‌ای واشنگتن ایفا می‌کنند. **نظر شما در این خصوص چیست؟**

واقعیت امر این است که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در صدد است از نیروهای همسوی خود در منطقه غرب آسیا، آن هم برای رسیدن به اهداف خود بهره‌برداری کند.

یکی از این نیروهای همسو، عربستان سعودی است. مواضع محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی همسو با سیاست‌های فرامری دونالد ترامپ است. از سوی دیگر، علی‌رغم آنکه ترامپ و اوپاما عملاً دو روی یک سکه هستند اما ترامپ با توجه به نگرشی که به موضوعات اقتصادی دارد خیلی سعی و تلاش می‌کند تا بتواند در یک زمان بسیار کوتاه معضلات آمریکا را در مأموریت‌های فرامری خود به‌ویژه در غرب آسیا به اتمام برساند تا بتواند به چالش‌های آمریکا با رقبای اصلی‌اش یعنی چین و روسیه بپردازد. در این معادله، ترامپ روی بازگیران همسوی خود در منطقه حساب باز کرده است.

تلاش رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا بر این معطوف است که بتواند از نیروهای منطقه‌ای همسو با خودش بهره‌برداری‌های اقتصادی و لجستیکی کند.

بن سلمان در سال ۲۰۱۷ توانست ترامپ را متقاعد سازد که عربستان اولین مقصد سفر رئیس‌جمهور آمریکا به منطقه باشد و لذا رئیس‌جمهور ایالات متحده توانست در گام اول در جهت تأمین نیازهای اقتصادی کشورش به بستن قراردادهای اقتصادی هنگفت مبادرت ورزد. فروش گسترده تسلیحات آمریکایی به عربستان سعودی نیز در همین راستا قابل تحلیل و ارزیابی است.

به نظر می‌رسد طی سال‌های اخیر، مقامات سعودی ابایی از موضوع هم‌پیمانی با رژیم صهیونیستی در منطقه

ندارند و حتی به سوی عادی‌سازی روابط رسمی خود با تل‌آویو پیش می‌روند. شکل‌گیری مثلث آمریکا، عربستان و رژیم صهیونیستی در منطقه را چگونه ارزیابی و تحلیل می‌کنید؟

در این خصوص باید به موضوع مهمی اشاره کنم. به دلیل شکست‌های راهبردی‌ای که عربستان در



سعودی و حمایت‌های آشکار دولت ترامپ کاملاً روشن شد و در اینجا باید مطرح کنم که مثلث آمریکا، اسرائیل و عربستان یک هم‌پیمانی آشکار را به نمایش گذاشت که در این راستا جنایات اخیر رژیم صهیونیستی علیه مردم فلسطین را شاهد هستیم و در مقابل این جنایات، بن سلمان موجودیت اسرائیل را به رسمیت شناخته است.





دیپلماسی پنهان در شرایط بحران

آیا امکان مذاکره میان ایران و آمریکا در دوره ترامپ وجود دارد؟

در چنین روندی، کشورهای اروپایی به مقام‌های ایالات متحده توصیه می‌کنند که اعمال محدودیت‌های جدید علیه ایران نمی‌تواند صرفاً از طریق «بازی همه یا هیچ» انجام گیرد. در نگرش کشورهای اروپایی، روند محدودسازی قدرت ایران می‌تواند اهداف مورد نظر آمریکا را تأمین نماید. هرگونه دیپلماسی پنهان می‌تواند زمینه اعاده شکل جدیدی از روابط در چارچوب دیپلماسی تعادلی را فراهم آورد. طرح اروپا برای باقی ماندن آمریکا در برنامه جامع اقدام مشترک به این دلیل ناکارآمد باقی مانده است که الگوی میانه اروپا که از آن به عنوان «دیپلماسی تعادلی» نام برده می‌شود، نمی‌تواند مورد پذیرش آمریکا و ایران قرار گیرد. طرح تحریم‌های جدید موشکی و منطقه‌ای علیه ایران توسط اتحادیه اروپا به مفهوم آن است که رویکرد اتحادیه اروپا با انگاره‌های سیاسی و سیاست خارجی آمریکا و ایران در وضعیت تفاوت رفتاری و کارکردی قرار دارد. مقام‌های آمریکایی به این موضوع اشاره دارند که اعمال فشارهای جدید علیه ایران در شرایطی که تمامی قابلیت‌های هسته‌ای ایران که می‌توانست نقش بازدارنده داشته باشد، کارکرد خود را از دست داده، می‌تواند زمینه شکل‌گیری انعطاف‌های جدید از سوی ایران را فراهم سازد. دونالد ترامپ و مایکل پمپئو به این موضوع باور دارند که هرگونه محدودسازی قدرت اقتصادی ایران، زمینه شکل‌گیری انعطاف‌های راهبردی جدید همانند دوران برنامه جامع اقدام مشترک را به وجود می‌آورد.

پیشینه نظامی و اطلاعاتی بوده است. نامبرده توانست ارتباط دیپلماتیک و اطلاعاتی با کره شمالی ایجاد نماید. چنین فرآیندی زمینه موفقیت و ارتقای جایگاه سازمانی پمپئو در کسوت وزیر امور خارجه آمریکا را به وجود آورد. انتصاب مایکل پمپئو، رئیس سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده به عنوان وزیر امور خارجه آینده آمریکا، زمینه طرح پرسش‌های مختلفی را درباره آینده سیاست امنیتی و راهبردی آمریکا درباره برنامه جامع اقدام مشترک به وجود آورده است. اصلی‌ترین پرسش مربوط به چگونگی تصمیم‌گیری دونالد ترامپ و پمپئو درباره چگونگی حضور یا خروج آمریکا از برجام است. اروپا را می‌توان به عنوان بخشی از کارگزار میانجی برای بازسازی روابط ایران و آمریکا در دوران پسارجام دانست. آمریکا و اروپا اهداف نسبتاً مشترکی را در ارتباط با ایران و قدرت راهبردی آن پیگیری می‌کنند. از آنجایی که رویکرد اروپایی‌ها، ماهیت نهادگرا و حقوقی دارد، بنابراین طبیعی به نظر می‌رسد که آنان نسبت به تداوم برجام، حساسیت بیشتری داشته باشند. در نگرش کشورهای اروپایی، محدودسازی ایران از طریق سازوکارهای مختلفی حاصل خواهد شد. در نگرش اروپایی، محدودسازی قدرت ایران را می‌توان در قالب کینس‌های جدید دیپلماتیک پیگیری نمود. در نگرش چنین گروهی از نظریه‌پردازان سیاسی و امنیتی، شکل خاصی از الگوهای کنش رفتاری وجود دارد که محدودسازی قدرت ایران را فراهم می‌سازد.

ابراهیم متقی

استاد دانشگاه تهران



دیپلماسی پنهان بخشی از ضرورت‌های سیاست خارجی تمامی کشورها محسوب می‌شود. هرگاه نشانه‌هایی از بحران و تهدید در روابط کشورها ایجاد شود، امکان‌پذیری دیپلماسی پنهان نیز افزایش بیشتری خواهد داشت. قالب‌های پلمیک در ادبیات انتقادی ایران و آمریکا به این موضوع اشاره دارد که دیگری تلاش دارد تا زمینه‌های ارتباط با طرف مقابل را به وجود آورد. واقعیت آن است که اگر دیپلماسی قدرت‌های بزرگ همانند ایالات متحده ماهیت عادلانه داشته باشد، سیاست خارجی کشورها تابعی از زمامداران و کارگزاران نخواهد بود.

۱- امکان‌پذیری آغاز مذاکرات ایران و آمریکا در دوران ترامپ

به همان گونه‌ای که مذاکرات دیپلماتیک ایران و آمریکا در دوران اوباما انجام گرفت، تداوم آن برای حل موضوعات اختلاف‌برانگیز نیز در دوران ترامپ ادامه خواهد یافت. به همان گونه‌ای که حسن روحانی مذاکرات دیپلماتیک با آمریکا را در ادامه دیپلماسی هسته‌ای محمود احمدی‌نژاد پیگیری نمود، دیپلماسی پنهانی در فضایی از اهمیت بیشتری برخوردار است که مایکل پمپئو دارای

الگوهای رفتاری وزارت خزانه‌داری دارد. برنامه FATF را می‌توان به عنوان بخشی از اقدامات اقتصادی و مالی وزارت خزانه‌داری آمریکا برای کنترل انتقال پولی و بانکی کشورهای مختلف به ویژه ایران دانست. شبکه‌ای شدن اقتصاد و سیاست جهانی، نقش وزارت خزانه‌داری را ارتقا داده است. محور اصلی شبکه‌ای شدن اقتصاد را باید کنترل نرم افزاری نهادهای مالی و بانکی از طریق شبکه‌هایی دانست که کنترل آن توسط وزارت خزانه‌داری آمریکا انجام می‌گیرد. بخش قابل توجهی از کارگزاران وزارت خزانه‌داری آمریکا را گروه‌های اسرائیل محور تشکیل می‌دهند. به طور مثال، «سیگال ماندلر» معاون وزارت خزانه‌داری آمریکا در امور تروریسم و اطلاعات مالی دارای تبار اسرائیلی است. نامبرده در صدد است تا ریسک اقتصادی و امنیتی هرگونه معامله با ایران را افزایش دهد. خانم ماندلر محور اصلی فعالیت‌های خود را بر اساس «شفافیت مالی و پولی» قرار داده است. این گروه از کارگزاران راهبردی آمریکا در صدد افزایش محدودیت‌های اقتصادی جدیدی علیه ایران هستند که امکان تحقق اهدافی همانند اثر گذاری قدرت آمریکا در ایران را امکان‌پذیر می‌سازد.

نتیجه

دیپلماسی پنهان را می‌توان یکی از ضرورت‌های سیاست خارجی، امنیتی و حوزه راهبردی ایران برای اعاده شرایط عادی در فضای اقتصادی و اجتماعی ایران دانست، در حالی که دونالد ترامپ تلاش دارد چنین اهدافی را از طریق تداوم سیاست اجبار و فشار تحقق بخشد. ادبیات دونالد ترامپ و سخنرانی مایکل پمپئو در ۲۲ جولای ۲۰۱۸ و در دیدار با آمریکایی‌های ایرانی تبار بیانگر آن است که زمینه برای شکل‌گیری و موفقیت دیپلماسی پنهان وجود دارد. چنین نشانه‌هایی را می‌توان در ادبیات ریاست جمهوری ایران در ۲۱ تیرماه ۱۳۹۷ مشاهده کرد. در شرایط موجود ساختار سیاسی ایران در وضعیت دوگانه قرار دارد. دو الگوی متفاوت درباره چگونگی رفتار در ارتباط با سیاست اروپا در پیش دارد. اروپایی‌ها ترجیح می‌دهند تا ایران را وارد گردونه تداوم سیاست مداخلات نمایند. در حالی که سیاست مداخلات صرفاً به عنوان مسکنی برای اقتصاد وابسته به نفت محسوب می‌شود. خروج از ساختار کنترل نظام جهانی بدون توجه به سازوکارهای جدایی ساخت اقتصادی و بوروکراتیک ایران از وابستگی به درآمدهای نفتی کار دشواری خواهد بود. در چنین شرایطی لازم است تا ایران بتواند موقعیت خود را در فضای اقتصاد ملی و منطقه‌ای ارتقا دهد. طبعاً اگر شکاف بین میزان مطالبات ایران و آمریکا وجود داشته باشد، تحقق دیپلماسی پنهان با چالش‌های فراگیرتری روبه‌رو خواهد شد. در شرایط موجود ایران و آمریکا به دلایل اقتصادی، امنیتی و راهبردی نیازمند تعریف جدیدی از موقعیت منطقه‌ای خود خواهند بود. در چنین فضایی ایران و آمریکا تمایلی به جنگ و ستیز نظامی ندارند. طبعاً هرگونه تهدید می‌تواند زمینه دیالوگ جدید را در روابط کشورها به وجود آورد. دیپلماسی توثیق‌تری را باید گامی جدید در ظهور نشانه‌هایی از دیپلماسی پنهان دانست. هر طرف از بازیگران تلاش می‌کند تا سیگنال‌های خاص خود را برای متقاعدسازی دیگری مطرح کند. چنین فرآیندی در میان مدت می‌تواند زمینه شکل‌گیری مذاکرات رسمی ولی غیرعلنی را فراهم سازد.

کاهش انگیزه آمریکا برای اعمال تحریم‌های ثانویه دانست. اگر همکاری‌های اقتصادی آمریکا و ایران در چارچوب تعهد دولت آمریکا به تعلیق مرحله‌ای تحریم‌های پایانی می‌یافت، اما دونالد ترامپ از سیاست «تحریم‌های ثانویه» علیه ایران استفاده نمی‌کرد، در این شرایط هیچ‌گونه نشانه‌ای از شوک سیاسی در برابر ایران، چین، روسیه و اتحادیه اروپا به وجود نمی‌آمد. الگوی رفتاری دونالد ترامپ را می‌توان اعمال تحریم‌های جدید و اعاده تحریم‌های گذشته دانست.

۳- چالش‌های دیپلماسی پنهان در روابط ایران و آمریکا هرگونه سازوکار دیپلماتیک یا راهبردی دارای چالش‌های مربوط به خود است. بازیگران مختلفی تلاش دارند تا زمینه دیپلماسی پنهان را فراهم سازند. به همان گونه‌ای که عده‌ای تلاش دارند تا شکل‌گیری دیپلماسی پنهان را با دشواری روبه‌رو سازند. برنامه جامع اقدام مشترک در افکار عمومی ملت ایران و ساختار سیاسی از این جهت اهمیت دارد که رابطه مستقیم با پایان دادن به تحریم‌ها داشت. حوزه دیپلماسی هسته‌ای ایران بر این اعتقاد بود که به‌برجام به‌منزله پایان تحریم‌های هسته‌ای در حوزه اقتصادی و راهبردی خواهد بود. گزارش نماینده آمریکا در سازمان ملل و در ۲۷ ژوئن ۲۰۱۸ معطوف به تلاش سازمان یافته برای اعاده تحریم‌های اقتصادی است که در چارچوب برنامه جامع اقدام مشترک و در ازای اجرای تعهدات ایران شکل گرفته است. چگونگی ادراک ایرانی با واقعیت‌های رئالیستی آمریکایی تفاوت‌های بنیادین با یکدیگر دارد. ادراک ایرانی عموماً مبتنی بر نشانه‌هایی از رومان‌تیسیم سیاسی بوده که با عمل‌گرایی راهبردی و الگوهای رئالیستی آمریکا تمایز قابل توجهی دارد. مقام‌های ارشد ایرانی همواره به این موضوع اشاره داشتند که دولت از قابلیت عرضه دلار در سطح گسترده برخوردار است. در حالی که امنیتی شدن مبادله اقتصادی و مبادله ارزی نشان می‌دهد که میزان اعتماد جامعه به دولت نسبتاً محدود است. بازار ناپایدار ایران که اعتماد چندانی نسبت به سیاست‌های اعلامی بانک مرکزی ندارد، در روزهای قبل از خروج آمریکا از برجام دچار شوک اقتصادی شده و نشانه‌ها را باید در افزایش مرحله‌ای دلار مشاهده کرد. وزارت خزانه‌داری آمریکا نقش محوری برای کنترل تحرک اقتصادی ایران دارد. هرگونه مشارکت اقتصادی با ایران در سیاست و اقتصاد جهانی براساس کنترل روندهای مالی از سوی وزارت خزانه‌داری آمریکا انجام می‌گیرد. موضوع اصلی فعالیت‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا را می‌توان کنترل تمامی بازیگرانی دانست که فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و راهبردی آنان در داخل یا خارج از کشور می‌تواند بر امنیت و قدرت ایالات متحده تأثیرگذار باشد. در دوران دونالد ترامپ نیز «استیو منوچین» به عنوان وزیر خزانه‌داری ایالات متحده و خانم سیگال ماندلر معاون ضد تروریسم وزارت خزانه‌داری ایالات متحده در صدد هستند تا گام‌های فراگیرتری برای مهار قدرت اقتصادی کشورهای مختلف به ویژه ایران اعمال نمایند. افراد یادشده در زمره گروه‌های محافظه‌کار می‌باشند که فشارهای فزاینده علیه ایران را اعمال می‌کنند. آنان به بسیاری از شرکت‌های اروپایی و آسیایی هشدار داده‌اند که سطح ارتباط خود با ایران را کاهش داده تا در معرض تحریم‌های آمریکا یا مجازات‌های اقتصادی سنگین قرار نگیرند. مساله اصلی سیاست امنیتی آمریکا از طریق سازوکارهای اقتصادی ارتباط مستقیم با



۲- زمینه‌های ساختاری شکل‌گیری دیپلماسی پنهان

هرگونه دیپلماسی پنهان براساس اهداف راهبردی خاصی انجام می‌گیرد. ایران تمایل دارد تا زمینه پایان دادن به تحریم‌ها را فراهم سازد. تحریم یکی از چالش‌های اصلی سیاست خارجی و امنیت ملی ایران خواهد بود. گذار از تحریم موقعیت منطقه‌ای و راهبردی ایران را افزایش خواهد داد. در ازای چنین انگاره‌ای، مقام‌های آمریکایی خواستار انعطاف‌پذیری و سازش بیشتری از سوی ایران هستند. چنین فرآیندی به مفهوم آن است که سیاست سازش در یک دوران تاریخی، آثار خود را برای دوران‌های دیگر فراهم می‌آورد. عبور از برجام، نتیجه طبیعی سیاست سازش در ارتباط با موضوعات راهبردی کشورهای منطقه‌ای با قدرت‌های بزرگ خواهد بود. محور اصلی استدلال دونالد ترامپ برای اعاده دیپلماسی با ایران را می‌توان براساس تجربه دولت آمریکا در زمان برنامه جامع اقدام مشترک دانست. براساس چنین انگاره‌ای است که ترامپ همکاری‌های خود با برنامه جامع اقدام مشترک را در ۸ می ۲۰۱۸ متوقف کرد. چنین تصمیم‌گیری دارای پیامدهای جدیدی در رابطه با مسائل اقتصادی و راهبردی ایران خواهد داشت. تلاش سازمان یافته دولت آمریکا به گونه‌ای است که موضوع تحریم و محدودیت اقتصادی ایران را به عنوان زیربنای دیپلماسی اجبار و فشارهای فزاینده قرار داده است. یکی دیگر از اهداف ایران در فرآیند دیپلماسی محرمانه را می‌توان



امکان مذاکره وجود ندارد

گفت و گوی مثلث
با صادق زیبا کلام



آقای دکتر! تحلیل شما از فضای فعلی میان ایران و آمریکا و آنچه از آن به عنوان تشدید لفاظی میان دو کشور نام برده می شود چیست؟

آنچه بر حسب ظاهر می توان مشاهده کرد نوعی «جنگ تبلیغاتی» است. در این میان طبعاً ایران می خواهد خود را در وضعیتی که نگران است، نشان ندهد و شاید دلیل صحبت های اخیر رئیس جمهور نیز همین باشد. اما باید توجه داشته باشیم که مساله اساسی و مهم در مقطع فعلی گفت و گوهایی مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا با ایرانیان مقیم آن کشور یا اینکه آیا مذاکرات پنهانی میان تهران و واشنگتن صورت گرفته است یا خیر، نیست، بلکه بحث مهم این است که آیا اساساً ایران می خواهد در سیاست آمریکاستیزی اش تجدیدنظر کند یا می خواهد کماکان همان سیاست را که از ابتدای انقلاب یا دست کم از آبان ۵۸ تا امروز وجود داشته را ادامه دهد؟ همه شواهد و قرائن حکایت از این دارند که در خصوص ایران، هیچ عاملی وجود ندارد که نظام خواهان آن باشد در سیاست آمریکاستیزی یک تغییر به وجود آورد. این موضوع خیلی ربطی به شخص دونالد ترامپ و ریاست جمهوری وی نیز ندارد. چرا که این سیاست در دوره باراک اوباما وجود داشت و در دوره ترامپ نیز ادامه دارد. پیش از اینها نیز در دوران روسای جمهوری پیشین آمریکا مانند بیل کلینتون و بوش پسر نیز همین سیاست آمریکاستیزی در دیپلماسی جمهوری اسلامی وجود داشته است. آمریکاستیزی و دشمنی با آمریکا بخشی از ایدئولوژی جمهوری اسلامی ایران است و همواره نیز دلایلی برای این دشمنی از سوی ایران ابراز می شود.

فضای مناسبات میان ایران و آمریکا در دوره اوباما به نظر شما چقدر توانست در تعدیل این فضا موثر باشد و روابط در آن مقطع به چه سمتی رفت؟

من معتقد هستم بهترین فرصتی که برای ایران به وجود آمده بود در دوران ریاست جمهوری باراک اوباما میسر نشد. بود که متوجر به توافق هسته ای شد. منتها در ایران جریان های رادیکال نمی خواستند که واقعا تنش زدایی با آمریکا صورت بگیرد و به همین دلیل جدای از مساله هسته ای، این عده در هیچ زمینه دیگری حاضر نشدند کوچک ترین گامی در جهت فاصله گرفتن از سیاست آمریکاستیزی بردارند.

در برهه فعلی نیز با یک رئیس جمهور رادیکال و تندرو به نام ترامپ در آمریکا مواجه شده ایم که او به صورت خیلی خلاصه به ایران و مسئولان جمهوری اسلامی می گوید که آنها دیگر نمی توانند سیاست های گذشته را در خصوص آمریکاستیزی، نابودی اسرائیل، خروج از برجام یا غنی سازی دنبال کنند و دولت واشنگتن این مسائل را تحمل نخواهد کرد. این صورت مساله است و در این شرایط این مساله که چه کسی چه حرفی زده و چه پیغامی داده خیلی اهمیتی ندارد.

چشم انداز تشدید لفاظی ها میان تهران و واشنگتن به کجا ختم خواهد شد؟

به نظر من در ماه های آتی ایران به این مساله

پی خواهد برد که آیا صحبت های ترامپ صرفاً یک تهدید است یا آنها را عملیاتی خواهد کرد. ما باید دست کم تا آبان ماه که رئیس جمهور آمریکا اعلام کرده تحریم ها را خیلی جدی علیه ایران اعمال خواهد کرد، منتظر بمانیم و ببینیم که این تحریم های جدید تا چه حد جدی است. در آن صورت است که ایران نیز احتمالاً برگه های خود را رو خواهد کرد، لذا فعلاً نمی توان پیش بینی کرد که روابط دو کشور به چه سمتی خواهد رفت.

آقای روحانی در صحبت های اخیرشان به این موضوع اشاره کردند که ایران به دنبال اصلاح روابط با عربستان، امارات و بحرین است. به نظر شما آیا در شرایطی که این کشورها در صف بندی ها در کنار آمریکا و مقابل ایران قرار گرفته اند امکان بهبود فضای روابط وجود دارد؟

آقای روحانی نمی تواند از یک سو شاخه زیتون به سمت عربستان، امارات، بحرین و دیگر متحدان آمریکا در منطقه بگیرد و از سوی دیگر از بستن تنگه هرمز در شرایطی خاص صحبت کند. لذا این مساله که رئیس جمهور ایران در یک دست شاخه زیتون بگیرد و در دست دیگرش کلاشینکف، امری است ناشدنی. برای اعراب مسلم است اگر چراغ سبزیایی از سوی ایران به سمت آنها نشان داده شود، این چراغ سبزه ها در حقیقت از روی اجبار است و واقعی نیست و لذا به مجرد اینکه ایران بتواند بحران با آمریکا را پشت سر بگذارد، باردیگر وارد فاز غیردوستانه با کشورهای عربی خواهد شد.

۲۲

شأنس جمهوری اسلامی ایران این است که اروپایی ها دل خوشی از ترامپ ندارند. البته این مساله فقط به دلیل خروج رئیس جمهوری آمریکا از توافق هسته ای نیست، بلکه بسیاری از مسائل دیگر مانند مساله محیط زیست، تغییر تعرفه ها، مساله ناتو، نگاه نژادپرستانه ترامپ، حمایت بی قید و بند از اسرائیل و بسیاری از مسائل دیگر نیز سبب شده که نگاه دو سوی آتلانتیک نسبت به هم خوشایند نباشد

۲۲

در مقطع کوتاه مدت روابط تهران و واشنگتن به چه سمتی خواهد رفت؟

فعلاً لفاظی ها میان ایران و آمریکا ادامه پیدا خواهد کرد اما باید توجه داشته باشیم که این جنگ سرد به ضرر منافع ملی ایران است. همچنان که ما شاهد هستیم که از زمان شروع لفاظی ها میان تهران و واشنگتن و در حالی که هنوز هیچ گلوله ای در خلیج فارس شلیک نشده، قیمت دلار در حال بالا رفتن است، قیمت سکه از مرز سه میلیون تومان عبور کرده و شمار ایرانیانی که به فکر خروج از کشور هستند افزایش پیدا کرده است، لذا اگر این بحث دشمنی میان ایران و آمریکا از توثیت کردن و تهدید لفظی نیز فراتر برود و ناوگان کشتی های جنگی آمریکایی به سمت خلیج فارس حرکت کنند و در مقابل ایران نیز اقداماتی انجام بدهد و به عنوان مثال برخی کشتی های آمریکایی را مورد حمله قرار دهد یا تاسیسات نفتی متحدان آمریکا در منطقه را مورد هدف قرار دهد، کشور در شرایط بسیار بد و خطرناکی قرار خواهد گرفت و ناامنی کل کشور را فرا می گیرد.

در چنین فضایی امکان مذاکره بین دو کشور وجود دارد؟

به نظر من امکان مذاکره میان ایران و آمریکا وجود ندارد چرا که دشمنی با آمریکا و آمریکاستیزی بخشی از ایدئولوژی و هویت جمهوری اسلامی است و در این شرایط، مذاکرات اصلاً معنا و مفهوم ندارد.

ممکن است به صورت پنهانی در راستای منافع کشور گفت و گوهایی میان مقامات ایران و آمریکا صورت بگیرد؟

من از این مساله مطلع نیستم و ممکن است چنین مذاکرات پنهانی ای نیز انجام بگیرد اما نکته مهم این است که از سوی آمریکایی ها هیچ چیز نمی تواند مخفی بماند؛ نظام آمریکا و غرب به گونه ای است که چیزی را خیلی مخفی نگه نمی دارند. همین داستانی که در زمان انتخابات آمریکا میان ترامپ و روسیه پیش آمد، کمی بعدتر کاملاً آشکار شد و امروز به یک مساله مهم تبدیل شده است.

بنابراین نظام آمریکایی یک نظام باز است و هرگونه تماس یا مذاکره ای پنهان نخواهد ماند. یعنی شاید در ایران چنین موضوعاتی مدت طولانی تری مخفیانه باقی بماند اما در آمریکا بعد از چند هفته یا چند ماه این مساله افشا و علنی خواهد شد.

حرکت زیگزاگی واشنگتن

مذاکره باید بدون پیش شرط و شفاف باشد

نصرت الله تاجیک

کارشناس مسائل بین الملل



در دوران پسداداعش که خطر تروریسم از سر غرب برطرف شده و بعد از خروج ایالات متحده آمریکا از برجام، تنش ها میان تهران و واشنگتن بالا گرفته است، لفاظی های جنگ طلبانه دونالد ترامپ علیه ایران افزایش پیدا کرده و در مقابل همتای وی در ایران حسن روحانی نیز این تهدیدات را بی پاسخ گذاشته است ولی در یک موضع متناقض گونه ترامپ و اطرافیان او انواع تهمت ها را متوجه جمهوری اسلامی ایران می کنند و از سوی دیگر ترامپ می گوید به دنبال ایجاد درپچه ای برای مذاکره با ایران است. در خصوص صحبت های اخیر رئیس جمهور و تفاسیری که از آن وجود دارد باید گفت که مقصود اصلی آقای روحانی در نشست سوئیس که بیان داشت اگر نفت ایران صادر نشود نفت دیگران نیز صادر نخواهد شد بستن تنگه نبود، زیرا روش های ایدئولوژیک و نفتی و اقدامات دیگر برای ممانعت از فروش نفت سایر کشورها وجود دارد که می تواند به جمله مدنظر ایشان جامعه عمل پوشاند و آخرین آنها می تواند بستن تنگه هرمز باشد. به عقیده من یک اراده قوی خصوصا در رسانه های غربی وجود داشت تا تنها بحث بستن تنگه را از صحبت های ایشان مستفاد کنند.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی همواره علاقه مند بوده که روابط بین العربی و روابطش با کشورهای همسایه بدون تنش باشد. اما متأسفانه اقدامات یکجانبه دونالد ترامپ، توازن و چهره ثنوبلیتیکی منطقه را به هم زد و باعث شد کشورهای عربی فقط به ظرفیت خود بسنده نکنند و بخواهند مسائل منطقه را با عوامل خارج از منطقه سامان دهند. اما این روش نتیجه خوبی نخواهد داشت و باعث پیچیده تر شدن مسائل منطقه خواهد شد، لذا رئیس جمهور در سخنرانی اش در جمع سفرای جمهوری اسلامی ضمن برشمردن اهداف ترامپ در قضیه تحریم های آینده ایران، تهدیدات ترامپ را هم بدون پاسخ گذاشت. زیرا ترامپ و کابینه وی عملا از مرحله تغییر رفتار ایران که مدعی هستند عبور نموده و نه تنها درصدد فروپاشی جمهوری اسلامی، بلکه با سلسله اقداماتی که می کنند به حوزه امنیت ملی ایران وارد شده و به دنبال تجزیه ایران هستند. اگرچه ممکن است این مسائل را به وضوح در سخنرانی ها و بیانیه های شان عنوان نکنند اما خروجی و پیامد حرف های شان سوق دادن مردم ایران به رودررویی و کشاندن کشور به سمت تجزیه است، بنابراین شرایط حساسی وجود دارد و طبیعی است که دولتمردان ایرانی دست روی دست نخواهند گذاشت و اجازه نمی دهند تا این شرایط و وضعیت ترامپ و تیمش متحقق شود. از سوی دیگر باید متذکر شد که معمولا در تنش هایی که بین کشورها به وجود می آید، ممکن است الفاظ سخت یا تهدیداتی به کار برده شود که لزوما این تهدیدات جنبه عملی به خود نمی گیرد. درست است که شرایط و موقعیت و ویژگی های ما و کره شمالی با یکدیگر متفاوت است ولی همان گونه که چند ماه پیش تهدیدات کره شمالی و آمریکا به بالاترین سطح رسید تا جایی که به سمت تهدید هسته ای هم پیش رفتند اما در نهایت دو کشور تصمیم گرفتند تا مسائل شان را با گفت و گو حل کنند. لذا اگرچه در شرایط کنونی جمهوری اسلامی درصدد کم کردن تنش های منطقه ای و بین المللی است و برجام

آنچه این روزها میان تهران و واشنگتن در جریان است را بسیاری جنگ تبلیغاتی یا جنگ روانی می خوانند. از یک سو ترامپ تهدید می کند و از سوی دیگر رئیس جمهور ایران پاسخ می دهد. از یک سو وزیر خارجه آمریکا در حال تقویت تشکلهای ضد ایرانی در خارج از کشور است و از سوی دیگر وزارت خارجه ایران این اقدام پمپنورا بیش از همه نشانگر درماندگی آمریکایی داند. در این میان رئیس جمهور آمریکا همچنان هر از گاهی از احتمال مذاکره با ایران سخن می گوید و حتی ادعا می کند که ایران بالاخره با آمریکا تماس خواهد گرفت؛ مساله ای که از سوی ایران کاملا تکذیب شده است. اکنون این مسائل مطرح است که در نهایت این تشدید لفاظی بین تهران و واشنگتن به کجا ختم می شود و آیا اصلا امکان مذاکره بین دو کشور در چنین فضای تنش آلودی وجود دارد یا خیر؟ دکتر صادق زیباکلام، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران و کارشناس مسائل سیاسی در گفت و گو با هفته نامه مثلث به این پرسش ها پاسخ داده است.

در آبان ماه تحولات مهمی اتفاق می افتد؛ احتمالا آمریکا تحریم هایی که تهدید کرده را اعمال خواهد کرد و برای اروپا نیز زمانی که برای ارائه بسته پیشنهادی به ایران داشت پایان می یابد. به نظر شما در آن مقطع مساله روابط ایران و اروپا یا مساله برجام چه سرنوشتی خواهد داشت؟

▲ یک نکته مهم در این رابطه که نباید از نظر دور داشت این است که شانس جمهوری اسلامی ایران این است که اروپایی ها دل خوشی از ترامپ ندارند. البته این مساله فقط به دلیل خروج رئیس جمهوری آمریکا از توافق هسته ای نیست، بلکه بسیاری از مسائل دیگر مانند مساله محیط زیست، تغییر تعرفه ها، مساله ناتو، نگاه نژادپرستانه ترامپ، حمایت بی قید و بند وی از اسرائیل و بسیاری از مسائل دیگر نیز سبب شده که نگاه دو سوی آتلانتیک نسبت به هم خوشایند نباشد.

لذا این یک شانس برای ایران قلمداد می شود که ترامپ علاوه بر تهران با متحدان غربی و اروپایی اش نیز اختلاف دارد. منتها ایران باید از این اختلاف استفاده کند نه اینکه فضا به سمتی برود که برخی که مخالف روابط با اروپا هستند این فضا را نیز از بین ببرند. اگر ایران از فرصت مذاکرات با اروپا بهره نبرد و حتی در شرایطی از برجام خارج شود، در این صورت ما خودمان، اروپا را به ترامپ نزدیک خواهیم کرد.

را به عنوان یک رویکرد جدید برای تعامل بین المللی تلقی می کند، اما متأسفانه دیدگاه ترامپ به خاورمیانه و تلاش وی در این جهت که به صورت یکجانبه اهداف و منافع جمهوری اسلامی را نادیده بگیرد، شرایطی را ایجاد نمی کند که ایران بتواند حتی با خلق ظرفیت های جدید و از طریق گفت و گو مسائلش را با آمریکا حل کند. بنابراین اگر دولت آمریکا و خصوصا ترامپ در نظر دارند مسائل منطقه ای را با گفت و گو حل کنند، باید شرایط مساعد چنین هدفی را فراهم کنند نه آنکه به دنبال شوراندن مردم علیه حکومت و تجزیه کشور باشند. قراردادان شروط دوازده گانه که توسط پمپنو مطرح شد به مفهوم گفت و گو و رسیدن به تفاهم نیست، معمولا گفت و گو باید بدون پیش شرط و شفاف صورت بگیرد اما متأسفانه سیاست های آمریکا در خاورمیانه واضح و شفاف نیست و بدیهی است که به صورت زیگزاگی عمل می کند. ایران در دوران اوج گیری داعش که توسط هم پیمانان آمریکا تقویت شد، خطر بسیار بزرگی را از جهان برطرف کرده ولی به دلیل عدم فهم تحولات منطقه ای و عناد با ایران، ترامپ و متحدانش به جای اینکه جمهوری اسلامی را مورد تشویق و تقدیر قرار دهند، طلبکار و متوقع گشته اند. طبیعتا جمهوری اسلامی هم به دلیل اهداف و منفعی که در منطقه دارد حاضر نیست از این منافع چشم پوشی کند، لذا سرمایه گذاری مادی و معنوی ایران، رویکردش برای حمایت از یک حکومت قانونی، مبارزه با جنگجویان وارداتی و پیروزی در جنگ های نیابتی، نشان از آن دارد که ایران این ظرفیت را دارد که در قبال تحولات جهانی و منطقه ای نقش مثبت و مسئولانه ای را ایفا کند. از سوی دیگر تحقق این مهم نیز نیاز به این دارد که ترامپ این ظرفیت جمهوری اسلامی را به رسمیت بشناسد و به عنوان یک طرف مسئولیت پذیر حاضر به گفت و گو باشد، در این صورت ممکن است ایران اگر شرایط را به گونه ای ببیند که بتواند منافع مردم ایران را تأمین کند، اقدامات سازنده ای را در مقابل ترامپ انجام دهد. متأسفانه اقدامات یکجانبه گرایانه ترامپ باعث شده که کشورهای عربی و در راس آنها عربستان و تا حدی امارات به اشتباه تصور کنند سیاست رودررویی با سیاست خارجی ایران برای حل مشکلات داخلی آنها و گذراندن بحران ها و گسل های سیاسی اجتماعی از سرشان مفید است. لازم به ذکر است که در دوران اوپاما و قبل از امضای برجام زمینه مناسبی برای همکاری های منطقه ای فراهم شده بود اما متأسفانه کشورهای عربی به دو دلیل این مهم را دچار اختلال کردند. اولین دلیل برداشت اشتباه از برجام بود که فکر می کردند نزدیکی ایران و آمریکا منافع اعراب را به خطر می اندازد و دومین مساله تحولات خاورمیانه بود که باعث شد یک روند جدایی بین ایران و اعراب شکل بگیرد زیرا آنها برای حل مشکلاتشان و افزایش انسجام ملی دست به دشمن تراشی زدند، لذا این تنش از ۵۶ سال گذشته بین ایران و اعراب افزایش پیدا کرده و ترمیم آن در شرایط کنونی خیلی راحت نیست ولی نباید مایوس و منفعل شد. از سوی دیگر ترامپ سیاستی را برای فروش تسلیحات اتخاذ کرده که به جای اینکه کشورهای منطقه را کنار هم قرار دهد آن گونه که تا حدی سیاست قبلی دولت اوپاما بود، درصدد فاصله انداختن بیشتر میان ایران و اعراب است اما به عقیده من نباید از شرایط کنونی مایوس بود و با اعراب قهر کرد، باید یک گفت و گو سازنده و انتقادی برای فراهم کردن یک گفت و گو مشترک بین ایران و اعراب خصوصا از طریق مراکز مطالعاتی به وجود آید.



پاسخ متقابل

ایران نباید در برابر آمریکا انعطاف از خود نشان دهد

دکتر محمد مرندی

استاد دانشگاه تهران



نگاهی کلی به سیاست‌های آمریکای تحت رهبری دونالد ترامپ نسبت به جمهوری اسلامی ایران، ما را به سمت این نتیجه‌گیری سوق می‌دهد که آنها می‌خواهند تا حد ممکن به ایران فشار وارد بیاورند و از کشور ما امتیاز بگیرند. بنابراین هر نوع انعطاف در شرایط فعلی توسط ایران، آسیب‌های جدی به کشور وارد خواهد آورد چرا که آمریکایی‌ها اصلاً نباید این گونه تصور کنند که این روش یعنی فشار بر ایران در نهایت آنها را به آنچه می‌خواهند می‌رساند. متأسفانه بعد از دوران تحریم‌های چند سال گذشته، برخی از دولتمردان در اظهار نظرهایشان اعلام کردند که وضعیت کشور وخیم و خزانه‌ها خالی است. آنها به گونه‌ای وضعیت کشور را توصیف کردند که طرف مقابل به خصوص طرف آمریکایی تصور کرد که ایران در نتیجه فشارهای آنها وارد مذاکرات هسته‌ای شده است. ترامپ همین صحبت‌ها را مبنای قرار داده و اکنون مدعی است که ما نباید آن زمان به تهران وارد مذاکره می‌شدیم. این در حالی است که باراک اوباما خواستار مذاکره با ایران شد و تهران در این رابطه پیشقدم نشد. ولیکن ترامپ و اطرافیانش بر این باور هستند که ایران در آستانه ورشکستگی اقتصادی قرار داشت، لذا دولت وقت آمریکا نباید وارد مذاکره می‌شد، بلکه باید فشارها را افزایش می‌داد تا بتواند امتیازهای بیشتری از ایران بگیرد.

اکنون اگر ایران از خود انعطافی نشان دهد، ترامپ دیگر ایران را نخواهد کرد و فشارها را تا حدی تشدید خواهد کرد که به خیال خود ایران را به زانو درآورد. بنابراین در شرایط فعلی نه دولتمردان ایرانی باید وارد مذاکره با آمریکایی‌ها شوند و نه اینکه در رسانه‌ها و محافل عمومی بحث مذاکره با آمریکا ترویج داده شود.

در حال حاضر بهترین راه با هدف اینکه بتوانیم آمریکا را به عقب‌نشینی وادار کنیم این است که برای واشنگتن مشخص شود که چنین روشی روی ایران پاسخگو نخواهد بود. همچنین در رابطه با صحبت‌های رئیس‌جمهوری ایران خطاب به دولتمردان آمریکایی در مورد بستن تنگه هرمز یا اینکه گفتند با دم شیر بازی نکنید، به نظر من این سخنان بسیار اثرگذار است. زیرا آمریکایی‌ها به هیچ وجه امروز در شرایطی نیستند که با ایران وارد یک درگیری نظامی شوند؛ مردم آمریکا از جنگ خسته هستند و اقتصاد و نیروهای مسلح آمریکا نیز کشتش جنگی دیگر را ندارند. در مقابل، ایران کشوری است که طی این سال‌ها بسیار قدرتمند شده و متحدان منطقه‌ای بسیار قدرتمندی دارد. آنها می‌دانند که در جنگ با ایران پیروز نخواهند شد، لذا نوعی توازن وحشت برقرار است.

آقای روحانی حرف بسیار درستی زدند که گفتند اگر آنها فکر می‌کنند می‌توانند ما را از فروش نفت محروم کنند، ایران نیز مقابل همین کار را انجام خواهد داد. ایران حتی می‌تواند این اقدام را به صورت مرحله‌ای انجام دهد؛ توجه داشته باشید که در پی تهدیدات محمد بن سلمان، شاهزاده سعودی مبنی بر کشاندن جنگ به داخل ایران و

اگر ایران از خود انعطافی نشان دهد، ترامپ دیگر ایران را نخواهد کرد و فشارها را تا حدی تشدید خواهد کرد که به خیال خود ایران را به زانو درآورد. بنابراین در شرایط فعلی نه دولتمردان ایرانی باید وارد مذاکره با آمریکایی‌ها شوند و نه اینکه در رسانه‌ها و محافل عمومی بحث مذاکره با آمریکا ترویج داده شود. بهترین راه با هدف اینکه بتوانیم آمریکا را به عقب‌نشینی وادار کنیم این است که برای واشنگتن مشخص شود که چنین روشی روی ایران پاسخگو نخواهد بود

تشدید حملات تروریستی هم در تهران و هم در مرزهای پاکستان و عراق، ایران می‌تواند اکنون ایست بازرسی برای کشتی‌هایی که از بنادر سعودی و امارات تردد دارند را در دستور کار قرار دهد. این مساله طبیعتاً سرعت حمل و نقل کالا و نفت را برای این کشورها کند خواهد کرد. روش‌های مختلفی وجود دارد که می‌توان گام به گام به سمت افزایش فشار حرکت کرد در مقابل نیز اگر آمریکایی‌ها عقب‌نشینی کردند می‌توانیم فشارها را کاهش دهیم. آمریکایی‌ها طبیعتاً یک ابرقدرت جهانی نیست اما جایگاه جغرافیایی ایران و دسترسی ایران به تنگه هرمز و سراسر خلیج فارس، کار را برای آمریکایی‌ها خیلی دشوار کرده است.

از دیگر سو درباره آینده روابط تهران و واشنگتن باید در نظر داشت که چشم‌انداز روابط بسیار تیره و تاریک است و مشخص است که تا آمریکایی‌ها تغییر رویه ندهند، هیچ راه حلی پیشروی آنها نخواهد بود. در این میان همچنان که پیشتر تأکید شد ایران اصلاً نباید پیشقدم برای بهبود روابط یا مذاکرات شود. زیرا همان‌طور که اشاره شد هرگونه نرمشی از سوی ایران باعث می‌شود که آمریکایی‌ها گمان کنند سیاست‌هایشان موفقیت‌آمیز بوده و بعد از این تهاجمی‌تر عمل کنند.

لذا در مقابل هر فشاری که آمریکا وارد می‌کند، ایران نیز باید به شکل منطقی فشاری وارد بیاورد. در عین حال باید از ظرفیت‌های داخلی، منطقه‌ای و متحدان و شرکای بین‌المللی به شکل حداکثری استفاده کند تا به اصطلاح ضربات ترامپ به ایران را کند و کم اثر کند. از طرف دیگر ایران می‌تواند به آمریکا و رژیم‌های وابسته به آن مانند عربستان و امارات، فشارهایی را وارد آورد زیرا این کشورها هم در یمن و هم در خلیج فارس به شدت آسیب‌پذیر هستند.

از دیگر سو با سیاست‌هایی که واشنگتن اتخاذ کرده، روابط میان ایران و آمریکا به سمت تخاصم بیشتر خواهد رفت. البته مقصر این مساله ایران نیست؛ ما انعطاف بسیاری از خود به ویژه در مساله برجام نشان دادیم. در نتیجه به جامعه جهانی ثابت کردیم که در پی حل مساله هستیم. اما اکنون که آمریکا چنین رفتاری از خود بروز داده از توافق هسته‌ای خارج شده است، ما دیگر نمی‌توانیم بیش از این انعطاف نشان دهیم و یا امتیازات جدید بدهیم. زیرا این پروسه ادامه خواهد داشت و در این صورت ما استقلال کشور خود را از دست خواهیم داد.

در این میان برخی افراد نادان یا خائن صحبت از جام زهر می‌کنند؛ این در حالی است که این مسائل هیچ ربطی به هم ندارند. جام زهر درواقع پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بود که در پی آن ایران از سرنگونی صدام جانی‌تکار صرف‌نظر کرد (نوشیدن جام زهر اصطلاحی است که حضرت امام (ره) در پیام خود به ملت ایران در ۲۹ تیر ۱۳۶۷ درباره پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت منتشر کردند و قبول کردن این قطعنامه را با این عبارت توصیف نمودند). اما آنچه امروز آمریکا از ایران می‌خواهد این است که ما استقلال و حاکمیت ملی‌مان را تسلیم کنیم و آنها درباره قدرت دفاعی و اختیارات حکومتی جمهوری اسلامی ایران تصمیم بگیرند. حضرت امام هیچ‌وقت در آن زمان از حقوق قانونی کشور صرف‌نظر نکردند اما کسانی که امروز مثال جام زهر را می‌آورند منظورشان این است که ما در منطقه عملاً اجازه بدهیم داعش و گروهک‌های تروریستی امثال آنها مجدداً ظهور پیدا کنند و قدرت دفاعی ما از بین برود. این در حالی است که پیروزی ایران بر افراتیون و قدرت دفاعی کشور، دست‌آورد عظیمی برای جمهوری اسلامی به شمار می‌رود که اگر آنها را نیز از دست بدهیم، دیگر نه امنیت خواهیم داشت و نه حاکمیت ملی. بنابراین تا آمریکا تغییر مسیر ندهد و برجام را به شکل کامل اجرا نکند فکر مذاکره با این کشور نیز اشتباه است.



Donald J. Trump @realDonaldTrump · 4h
To Iranian President Rouhani: NEVER, EVER THREATEN THE UNITED STATES AGAIN OR YOU WILL SUFFER CONSEQUENCES THE LIKES OF WHICH FEW THROUGHOUT HISTORY HAVE EVER SUFFERED BEFORE. WE ARE NO LONGER A COUNTRY THAT WILL STAND FOR YOUR DEMENTED WORDS OF VIOLENCE & DEATH. BE CAUTIOUS!

اپوزیسیون سازی - مذاکره

آمریکا دیپلماسی چندوجهی مقابل ایران اجرا می کند؟

امیرعلی ابوالفتح

کارشناس مسائل آمریکا



مناسبات ایران و آمریکا وارد فضای متفاوتی شده است؛ از یک سو دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا اخیرا ادعا کرده است که «ایرانی ها بالاخره برای مذاکره با من تماس خواهند گرفت» و از سوی دیگر سخنگوی وزارت خارجه ایران در واکنش به این حرف های رئیس جمهور آمریکا گفته است «شاید ترامپ به ایران زنگ بزند.» با توجه به این صحبت ها که از سوی طرفین مطرح شد این گمانه نزد برخی قوت گرفت که شاید در آینده ای نه چندان دور شاهد گفت و گو میان تهران و واشنگتن باشیم.

باید توجه داشت که در سیاست وقوع هر مساله ای محتمل است؛ ضمن آنکه افرادی مانند من به عنوان یک کارشناس این حوزه فقط دسترسی به اطلاعات آشکار داریم و از اطلاعات محرمانه و پشت پرده آگاه نیستیم. چه بسا مواردی از مذاکرات پنهان حال نه فقط میان ایران و آمریکا بلکه میان ایران و کشورهای دیگر نیز صورت گرفته که مدت ها بعد افشا و آشکار شده است. این احتمال را باید در نظر بگیریم که حتی ممکن است در مقطع فعلی نیز مذاکراتی میان ایران با کشورهای دیگر در جریان باشد که من چون اطلاعات خاصی ندارم، آن را نه ردمی کنم و نه تایید.

اما در این خصوص که آیا اکنون شرایط برای گفت و گو میان طرفین وجود دارد یا خیر باید گفت اگر احتمال مذاکرات محرمانه را کنار بگذاریم، فعلا شانس برای گفت و گو میان تهران و واشنگتن نمی توان متصور بود. البته آمریکایی ها تمام تلاش شان این است که با افزایش بحران و تصاعدی کردن تنش میان دو کشور، در نهایت ایران وارد گفت و گو شود. دونالد ترامپ نیز بارها صراحتا این مساله را بیان کرده اما نمی توان گفت ایران بپذیرد در شرایطی که تحت فشار است یعنی هم در آستانه تحریم ها است و هم زیر حملات سنگین لفظی با مسائل مربوط به فروش نفت قرار دارد موافقت علنی خود را برای مذاکره اعلام کند.

شاید یک گزینه خوشبینانه در این میان این باشد که بعد از مدتی که تحریم ها اعمال شد و ایران نشان داد در برابر تحریم ها آن گونه که آمریکایی ها تصور می کنند آسیب پذیر نیست، زمینه برای گفت و گو میان دو کشور فراهم شود.

در زمان باراک اوباما نیز به همین صورت بود و مذاکره میان ایران و آمریکا بعد از تحریم ها انجام شد. البته مذاکرات مسقط تا مدت ها محرمانه بود اما زمان آن در مقطعی بود که تحریم ها صورت گرفته بود.

مساله دیگری که وجود دارد این است که جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا علاقه مند هستند در این زور آزمایی توان خود را به رخ طرف مقابل بکشانند. هم آمریکایی ها بعد از شروع تحریم، شرایط را برای یک گفت و گوی واقعی مساعدتر می دانند و هم ایران ترجیح می دهد قبل از آغاز تحریم ها تصویر طرف تسلیم شده را از خود بروز ندهد و وارد گفت و گویی نشود؛ به بیان دیگر تا حدودی مقاومت و پافشاری بر اصول برای کسب امتیازات بزرگتر در پای میز مذاکره شاید الگویی باشد که طرف ایرانی بخواهد به آن عمل کند. بنابراین در شرایط کنونی در باره مذاکرات میان تهران و واشنگتن حداقل به لحاظ تبلیغاتی در سیاست های اعلامی این مساله که ایران آماده گفت و گو با ایالات متحده

آمریکا است را نمی توان متصور شد. در مراحل بعد اگر هم مذاکراتی میان طرفین صورت بگیرد، یک مذاکرات فراگیر خواهد بود که تمام ابعاد را در بر می گیرد. احتمالا ایران از ساده ترین بخش شروع می کند تا به سخت ترین مرحله برسد. مسلما مسائل نظامی و دفاعی یا منطقه ای خیلی راحت مورد بحث مذاکرات از سوی ایران قرار نخواهند گرفت اما بعضی از موضوعات مانند آتش بس در یمن یا کمک های انسان دوستانه در سوریه می تواند بحث هایی باشد که تفاهم بر سر آن آسان تر باشد. به مرور زمان اگر این مذاکرات نتیجه بخش باشد شاید بتوان به بخش های سخت تر این گفت و گو ها نیز رسید. البته ایران اعلام کرده که گفت و گویی با آمریکا انجام نمی دهد و اگر هم گفت و گویی صورت بگیرد؛ فقط در حوزه هسته ای است؛ این موضعی است که در این مقطع اعلام شده اینکه در آینده چه تصمیمی بگیرند، مساله ای است که هنوز مشخص نیست.

از دیگر سو شاهد هستیم که مناسبات ایران و آمریکا از یک بعد دیگر نیز برجسته شده و آن تشدید لفاظی میان مقامات دو کشور است. در حال حاضر دولت دونالد ترامپ کارزاری تبلیغاتی علیه حکومت ایران به راه انداخته که هدف آن ایجاد نا آرامی در این کشور و اعمال فشار بر تهران برای تن دادن به خواسته های واشنگتن است. بر اساس گزارش های انتشار یافته مایک پمپئو، وزیر خارجه و جان بولتون، مشاور امنیت ملی کاخ سفید هدایت این برنامه را بر عهده دارند و طی آن یک رشته سخنرانی های تخریبی و کارزارها در شبکه های اجتماعی ترتیب داده شده است که سخنرانی یکشنبه شب پمپئو در جمع ایرانیان نیز در همین راستا قابل ارزیابی است. با این وجود تا ۱۵ مرداد ماه اقدام عملی از جانب آمریکایی ها علیه ایران شاهد نخواهیم بود و تا آن زمان تهدیدات صرفا در حد حرف است و مقامات ایرانی نیز متقابلا در برابر تهدیدات آنها تهدیداتی را مطرح می کنند. به عبارت دیگر آمریکایی ها یک جنگ روانی یا تبلیغاتی راه انداخته اند. البته آمریکایی ها علاقه دارند به سمت تشدید بحران با ایران گام بردارند تا اینکه ایران در نهایت به وضعیتی که آنها خواستار آن هستند تن در بدهد اما بعد از شروع اعمال تحریم ها و حتی احتمال اضافه شدن تحریم های دیگر، اقدامات عملی واشنگتن نیز کلید خواهد خورد و به احتمال زیاد ایران برای پاسخگویی به اقدامات آمریکایی ها، اقدامات عملی را در نظر خواهد گرفت. آقای روحانی نیز اشاره کردند که دست ایران در این راستا کوتاه نیست؛ هم اقدامات پدافندی مانند تقویت اقتصاد داخلی، مبارزه با فساد یا انسجام

داخلی یا اقدامات آفندی مانند اینکه ایران قابلیت اقدام متقابل (نظامی یا غیر نظامی) را در خلیج فارس و کشورهای پیرامون دارد مدنظر جمهوری اسلامی است.

لذا در بعد تهاجمی نیز ایران ابتکار عمل هایی را از خود نشان خواهد داد یا طرح هایی را که فعلا در لافاه از آنها صحبت می کند عملیاتی خواهد کرد. به هر حال این گونه اقدامات احتمالی، عاملی باز دارند در برابر اقدامات احتمالی آمریکا علیه ایران خواهد بود. همچنین این احتمال می رود که ایران در ماه های آینده دست به برخی اقدامات عملی بزند، فقط با این تحفظ که فعلا نظام به این جمع بندی نرسیده است که ایران از برجام خارج شود و به احتمال خیلی زیاد اقدامات ایران در تعارض با توافق هسته ای نخواهد بود.

در نهایت باید توجه داشت که استراتژی ایالات متحده آمریکا در قبال ایران در چند دنبال می شود؛ فاز نخست این است که ایران بپذیرد وارد مذاکراتی فراتر از توافق هسته ای شود که مذاکره گسترده ای را شامل مسائل هسته ای، دفاعی و منطقه ای در بر بگیرد و طرفین در خصوص این مسائل به یک جمع بندی نهایی برسند. برای رسیدن به این هدف، ایالات متحده آمریکا استراتژی تشدید بحران را در دستور کار خود قرار داده است. اما اگر این فاز اجرایی نشود آمریکایی ها وارد فاز دوم خواهند شد که آن هم تلاش برای دامن زدن به نا آرامی ها و اعتراضات داخلی در ایران و همچنین تلاش برای به راه انداختن شورش های داخلی تهیدستان به دنبال فشار تحریم های سنگین اقتصادی است تا بر اساس برآوردهای اشتباه آنها، نظام بر سر دوراهی ماندن یا ناماندن یا تغییر رفتار یا تغییر رژیم قرار بگیرد و به خواسته اولیه آمریکا تن دهد. از دیگر سو این تصور را دارند که اگر چنین اتفاقی نیز پیش نیاید در نهایت فرایند تغییر رژیم کلید بخورد. مشکلی که در این مرحله به چشم می خورد و آمریکایی نیز به آن اذعان کرده است اینکه اپوزیسیون قوی برای جایگزینی نظام جمهوری اسلامی وجود ندارد. بنابراین آمریکا یک سیاست چندوجهی را در قبال ایران دنبال می کند؛ از یک طرف درخواست برای مذاکره و اعلام آمادگی مکرر دونالد ترامپ برای گفت و گو با ایران را شاهد هستیم و از طرف دیگر در محور مقابل بحث شکل دادن به اپوزیسیون برانداختن در حد تقویت جریان های جدایی طلب و تجزیه طلب در ایران دنبال می شود. این سیاستی که واشنگتن دنبال می کند یک حرکت پاندولی است و آمریکا تصورش این است که با این سیاست ها، ایران یا در نهایت به خواسته آنها برای مذاکرات تن خواهد داد یا تغییرات مدنظر در ایران رخ می دهد.



مایک پمپئو، وزیر خارجه و جان بولتون، مشاور امنیت ملی کاخ سفید هدایت کارزار ضد ایرانی را بر عهده دارند



وقتی وزیر دست به مهره شد افتخاری چرا و چگونه از استقلال رفت؟

سیدرضا افتخاری از فوتسال به فوتبال آمد. مدیری که اگر چه در فوتسال پست‌های مهمی چون رئیس کمیته فوتسال و سرپرست سازمان لیگ فوتسال را تجربه کرده بود اما در فوتبال کارنامه قابل توجهی نداشت. اما احتمالا پس از تنش‌ها و اختلافاتی که بهرام افشارزاده با وزارت ورزش داشت، افتخاری گزینه‌ای مناسب برای جانشینی افشارزاده به نظر می‌رسید. آنجا که او کاملا مطیع دستورات مقامات بالادستی‌اش بود. وقتی مسعود سلطانی‌فر به وزارت ورزش آمد خیلی‌ها تصور می‌کردند یکی از نخستین تصمیمات او کنار گذاشتن سیدرضا افتخاری از مدیریت باشگاه استقلال است اما وزیر ورزش به او فرصت داد. هم به افتخاری و هم به خودش. او نمی‌خواست تصمیمی بگیرد که وزارت ورزش را زیر فشار ببرد. بنابراین فصل گذشته را نیز به این مدیر ورزشی فرصت داد تا توانمندی‌اش را ثابت کند. اما استقلال علی‌رغم برخی حمایت‌ها هرگز نتوانست انتظار هواداران خود را برآورده کند. فشارها از اوایل امسال شدت گرفت. انتقادها از سوی مدیران قبلی باشگاه و البته جریان هواداری باشگاه استقلال به طور مستقیم افتخاری را نشانه گرفته بود. افتخاری در ابتدای امسال به خاطر عددی که در رسانه‌ها منتشر شد مورد سوال قرار گرفت؛ ۳۵ میلیاردی که در اختیار باشگاه استقلال قرار گرفته چطور خرج شده؟ این سوالی بود که مدیرعامل استقلال را وادار کرد در یک برنامه تلویزیونی درباره‌اش صحبت کند: «۳۵ میلیارد هزینه‌های استقلال شده است که ۱۵ میلیارد بدهی داریم و ۲۰ میلیارد کل هزینه‌های باشگاه شده است». افتخاری که در دو فصل گذشته شرایط خوبی در باشگاه استقلال از نظر وضعیت مالی ایجاد کرده بود درباره منابع درآمدی آبی‌ها نیز توضیحاتی را ارائه کرد: «ما امسال از محل قراردادن با اسپانسر ۳۰ میلیارد تومان دریافتی داشتیم که توانستیم پول بازیکنان خارجی و مربیان مان را پرداخت کنیم، حتی پول بازیکنان خودمان را هم پرداخت کردیم». اما برخی رسانه‌ها در خصوص شرایط تازه باشگاه استقلال خبری را منتشر کردند که باعث شد برخی بازیکنان این تیم با مبالغ بسیار بالایی به استقبال قرارداد خودشان با استقلال بروند. خبر این بود: استقلال‌لی‌ها برای فصل

شایعه در صفحه شخصی ناظمی است، درحالی که او مدیر ارتباطات وزارتخانه است و می‌توانست این کار را در وب‌سایت و پایگاه اطلاع‌رسانی انجام دهد. اما شرایط به گونه متفاوتی پیش می‌رفت. با ادامه اختلافات میان اعضای هیات مدیره با افتخاری خبرگزاری فارس از پایان کار آقای سرپرست در باشگاه استقلال نوشت. این در حالی بود که سیدرضا افتخاری در ابتدای حضورش در استقلال، عملکردش مورد پسند هواداران این تیم نبود اما با انتخاب وینفرد شفر به عنوان سرمربی استقلال موفق شد سر و سامانی به وضعیت تیم در نتیجه‌گیری بدهد. با همه اینها آنچه باعث شد افتخاری رفته‌رفته در فشار قرار بگیرد، تمهید نکردن قرارداد با برخی بازیکنان سرشناس و درگیر شدن در مورد بدهی سنگین با بازیکنان و مربیان سابق بود. بحث بدهی مالیاتی باشگاه استقلال به شکلی است که باشگاه را وارد بحران کرده تا جایی که حتی سیدرضا افتخاری و مدیران این باشگاه وادار به اعلام شماره حساب برای کمک به این باشگاه شدند. از طرف دیگر سرمربی آلمانی استقلال خواستار تمدید قرارداد با بازیکن اصلی این تیم شد. این در حالی بود که نه جباروف و نه تیم بازیکنانی نبودند که با چک و وعده راضی به عقد قرارداد شوند و برخی بازیکنان مثل ابراهیمی و حسینی هم با این شرایط اصلا پای میز مذاکره نیامدند. با این شرایط سیدرضا افتخاری که مرتب در این یکی دو سال بحث تسویه حساب با بازیکنان قبلی را به رخ هواداران استقلال می‌کشید در راهی قرار گرفت که فتح الله‌زاده پنج سال پیش و البته بدون حمایت وزارت ورزش و پول‌های دولتی و کمک‌های سامانه‌های تلفن همراه قرار گرفته بود. افتخاری در چندراهی تمهید قرارداد با بازیکنان، رایزنی برای پرداخت بدهی‌های قبلی از طریق دولت، تامین منابع مالی اردوی خارجی مدنظر شفر، تمهید قرارداد ستاره‌های فعلی استقلال و تامین هزینه‌های فصل جاری چاره‌ای جز انتخاب آخرین گزینه

آینده با اسپانسر حال حاضر خود نیز قرارداد دارند و شواهدو قرائن حاکی از این است که رقم قرارداد این باشگاه نسبت به فصل گذشته پیشرفت چشمگیری دارد و آبی‌ها می‌توانند فصل جاری با دست بازتری برنامه‌های خود را پیگیری کنند. جذب بازیکنان اما به طور مرتب به تاخیر می‌افتاد یا منتفی می‌شد. افتخاری دوره پیش رو داشت. بدهی‌های استقلال را سنگین‌تر کند و قرارداد بازیکنان را منعقد کند یا در قبال پیشنهادهای نجومی برخی بازیکنان بایستد. در چنین شرایطی شایعه برکناری‌اش خیلی زودتر از حد تصور در برخی رسانه‌ها منتشر شد تا جایی که مسئولان وزارت ورزش را وادار به واکنش کرد. نکته جالب اینکه خبر کنار گذاشتن افتخاری، مدیرعامل باشگاه استقلال در شرایطی منتشر شد که موجی از واکنش‌ها و نگرانی‌ها را در میان هواداران این تیم ایجاد کرد؛ هواداران استقلال اگر چه در مقاطع مختلف انتقادات زیادی نسبت به افتخاری داشتند، اما با توجه به نحوه بازیگری تیم مدیریتی او و همچنین آرامش و ثباتی که به استقلال تزریق شده، طرفدار تداوم حضورش بودند و واکنش‌های بسیار تندی نسبت به مدیران وزارت ورزش نشان دادند. آنها در صفحه مدیران وزارت ورزش این اعتراض‌ها را نشان دادند تا اینکه سرانجام یکی از سران وزارت کنار گذاشتن افتخاری را تکذیب کرد.

مازیار ناظمی در اینستاگرام خود، جدایی افتخاری را شایعه دانست و اعلام کرد که او در استقلال خواهد ماند. وی همچنین از مدیران استقلالی گله کرد که چرا زودتر این شایعات را تکذیب نکردند اما نکته جالب تکذیب این



افتخاری مدیر سالمی بود و برای استقلال زحمت کشید

زمان مشخص می کند که کنار گذاشتن افتخاری درست بوده یا غلط

امیررضا واعظی آشتیانی

مدیرعامل اسبق باشگاه استقلال



چگونه انتخاب کردن مدیران در ورزش کشور یا به طور کلی بخش های دیگر جامعه ما به موضوعی تبدیل شده که خیلی نمی توانیم درباره اش صحبتی داشته باشیم. چون سال ها است که نگرانی ها و دغدغه های خودمان را مطرح می کنیم و در نهایت این دور باطل ادامه دارد. اساسا در ورزش ما به خصوص فوتبال هیچ ملایک مشخصی برای انتخاب برخی پست های مهم وجود ندارد. البته از همین ابتدا موضع خودم را در مورد برخی آشنایان کارآمد مشخص کنم که دوستان گله مند نباشند. یک زمانی هست که شما فردی را می شناسید که هم مدیر خوبی است و هم با شما و تفکرات شما آشنایی دارد. چه اشکالی دارد که از توانمندی آن فرد استفاده کنید؟ اتفاقا در این صورت کارها بهتر و با سرعت بالاتری پیش می رود. اما یک زمانی شما فقط آن فرد را بر اساس اینکه آشنا یا دوست قدیمی شماست، انتخاب می کنید. در این صورت شما به آن سازمانی که مسئولش هستید جفا کرده اید و خودتان باید پاسخگو باشید اما متاسفانه خیلی مواقع این پاسخگویی وجود ندارد. یعنی شما باید در خصوص عملکرد قریب ها و آشتیانی ها و فتح الله زاده ها و خیلی از مدیران دیگر بروید از آن مقام بالادستی که این مدیران را انتخاب کرده است بپرسید که عملکرد این آقایان چه بوده و چه دستاوردی برای باشگاه استقلال داشته اند؟ در مورد آقای افتخاری هم همین طور.

اگر استقلال در برهه ای بدهی میلیاردی به جامی گذارد و دفتر مدیرعامل به فرد دیگری تحویل داده می شود باید ببینید چه کسی آن مدیر را در راس هرم مدیریتی باشگاه قرار داده و از او بخواهید درباره انتخابش توضیح دهد. با همه اینها اعتقاد دارم آقای افتخاری مدیر سالمی بود. در حد بضاعت خودش در باشگاه استقلال خوب کار کرد. هرچند مدیر ایده آل برای باشگاه استقلال یا بهتر بگویم مدیر واجد شرایط برای احراز پست مهم مدیرعاملی باشگاه استقلال باید

یعنی کناره گیری نداشت. او شاید هرگز فکر نمی کرد در استقلال چنین روزی را تجربه کند.

شاید به همین دلیل بود که مدیرعامل مستعفی باشگاه استقلال گفت: «آنچه من را وادار به استعفا کرد این بود که هرچه خوبی کردم بدی دیدم. من از نظر جسمانی مشکل ندارم، فوتبالبست بودم و حالا حالا بازی می کنم. آنچه من را وادار به استعفا کرد این بود که هرچه خوبی کردم بدی دیدم. چند بار در لافاهه گفتم نمی توانم همه چیز را به هوادار بگویم و اگر چیزی بعدا اتفاق افتاد به حساب کم کاری من نگذارند. امروز همه چیز را باز می کنم. تا حالا سابقه نداشته در استقلال مربی و بازیکن ۸۰ درصد از مبلغ قراردادشان را بگیرند که برای اولین بار چنین شد و با تمام مربیان و بازیکنان خارجی تسویه کردیم.» او تاکید کرد: «پرونده های باز زیادی در فیفا داشتیم و پرونده ها را بستیم و باشگاه را از این وضعیت نجات دادیم و برای باشگاهی که میلیاردها تومان بدهکار بود و از سوی AFC تهدید می شد، مجوز حرفه ای گرفتیم. در بخش مالی شفاف سازی مالی و قراردادها را اجرا کردیم. با وجود اینکه می گویند بازیکنان توافق نشده به جز دو بازیکن که تاییدیه پزشکی شان نیامده برگه را نگه داشتیم و قراردادی با بازیکن مصدوم امضا نکرده ایم. جام جهانی بزرگترین خسارت را به باشگاه ما زد. برخی هواداران حتی به پدرم توهین کردند. اگر به من توهین می کردند من جواب شان را نمی دادم ولی به کسی توهین نکردم که نمی شناختمش.» اما بخش مهم حرف های افتخاری به حضور اسپانسرهایی برمی گشت که پشت پرده برگزاری سوپر جام بودند. افتخاری گفت: «بگذارید برملا کنم که دو اسپانسر پشت سوپر جام بود که می خواستند بازی برگزار شود تا دومیلیارد گیر آنها بیایند اما به خاطر دو میلیارد تومان نمی خواهم تیم را نابود کنم. پیش وزیر هم رفتم و گفتم که نمی توانیم بازی کنیم و ایشان هم موافقت کردند اما بعد ما را ۳ بر صفر بازنده اعلام کردند.»

افتخاری برخلاف آنچه تصور می شد اما در آخرین واکنش های خود از وزیر ورزش نیز دفاع کرد. او گفت: «حرمت ها در حال شکسته شدن است. وزیر ورزش همیشه به ما کمک کرده است. وقتی به وزیر توهین می کنند دیگر سنگ روی سنگ بند نمی شود. او چه گناهی کرده که علیه وزیر شعار می دهید! این همه هم وزیر حمایت کرد. می گویند وزیر پرسپولیسی نمی خواهیم در حالی که من می دانم که وزیر چقدر به استقلال کمک کرد یا پرسپولیسی های می گویند که وزیر استقلالی نمی خواهیم. زمانی که من به وزیر ورزش زنگ زدم و مشکل داشتیم از وزیر ورزش خواستم به وزیر کشور زنگ بزنم و در ۵ دقیقه آنها سوار هواپیما شدند. بزرگترین لطفه را به باشگاه برخی از هواداران زدند. در رابطه با شفر و این دو خارجی ها، مگر من تیم را نیاوردم؟ نمی گذارند ما کار خودمان را بکنیم. در ترکیه بودم و بعد از فوت پدرم باید سریع می آمدم که ۹ ساعت ماندن با جباروف مذاکره کردم و بعد یک چرت در فرودگاه زدم. عکس گرفتند و گفتند خواب است. نه، شما خوابید؛ من ساعت ۳ صبح بازیکن گرفتم و بهترین بازیکنان را گرفتم. این همه خدمت کردم و تیم را قهرمان کردم، حالا ماندم به صلاح نیست. دوست ندارم خانواده ام که یک مویش را با همه اینها عوض نمی کنم ناراحت شوند.» آیا با رفتن سیدرضا افتخاری و آمدن امیرحسین فتحی، استقلال شرایط بهتری را تجربه خواهد کرد؟ خیلی ها با اشاره به رابطه دوستانه فتحی و سلطانی فر اعتقاد دارند که این جابه جایی در نهایت به نفع استقلالی ها تمام می شود و البته عده ای نیز تصمیمات وزارت ورزش در جهت ایجاد تغییرات مدیریتی در باشگاه استقلال را بی مورد و غیر ضروری می دانند. شروع فصل جدید فوتبال ابعاد تازه ای از این تصمیم آشکار خواهد شد.

از خیلی لحاظ و شرایط دیگر نمره قبولی کسب کند. نمی توانیم بگویم افتخاری مدیر ناسالمی بود. او زحمت کشید و به نظرم به تلخی صندلی مدیرعاملی باشگاه را به مدیر بعدی تحویل داد و می شد که بدون حاشیه و جنجال این جابجایی صورت بگیرد اما حرف من این است که مدیر بعدی آیا می تواند شرایط را بهتر کند یا قرار است استقلال در همین نقطه متوقف شود و درجا بنزد؟ اگر استقلال شرایط بهتری را تجربه کرد این بدان معناست که آقایان انتخاب درستی داشته اند و اگر استقلال در همین شرایط باقی بماند خودشان باید درباره انتخاب آقای فتحی پاسخگو باشند. من این نکته را سال ها است که عرض می کنم و دیگر از تکرار آن خسته شده ام؛ اگر نباست که باشگاه هایی نظیر استقلال و پرسپولیس به طور شفاف امور خودشان را بگذرانند باید قانون تجارت درباره شان اعمال شود. باید مجمع آنها تشکیل شود و هیات مدیره را انتخاب کند و آن هیات مدیره، مدیرعامل را منصوب کند. باید حسابرس قانونی وضعیت مالی و شرایط سود و زیان این باشگاه ها را بررسی کند و در این صورت است که شما می توانید درباره مدیران بعدی استقلال با قاطعیت اظهار نظر کنید. تازه در این صورت است که شما می توانید حساب برخی مدیران را از دیگران جدا کنید. متوجه شوید که چه کسانی برای باشگاه استقلال زحمت کشیده اند و چه کسانی با رفتارهای پوپولیستی صرفا به دنبال این بودند که خودشان را بین افکار عمومی مطرح کنند؛ افرادی که با به جا گذاشتن بدهی های کلان و مقروض کردن باشگاه استقلال سعی در خاصه خرجی هایی داشتند که هیچ گاه این تصمیم ها به سود باشگاه استقلال تمام نشد. این مدیران بیت المال را حیف و میل کردند صرفا به این دلیل که علاقه داشتند بین افکار عمومی درباره شان صحبت شود اما افتخاری چنین مدیری نبود و من به این خاطر برای ایشان احترام قائلم. من امیدوارم آقای فتحی در پستی که به او محول شده موفق باشد. نمی توان درباره ایشان قضاوتی داشت اما هرچه هست وزیر ورزش باید خود را در آینده پاسخگوی انتخابش بداند؛ اینکه کنار گذاشتن افتخاری کار درستی بوده یا کار غلطی بوده را زمان مشخص می کند.



آغاز عصر عملگرایی در باشگاه استقلال

امیرحسین فتحی، از شهرداری تا باشگاه‌داری

۲۴ خرداد شروع خوبی برای امیرحسین فتحی بود. مردی که جانشین قریب در هیات مدیره باشگاه استقلال شد تا ظرف اندک زمانی به پست جانشینی رضا افتخاری هم دست پیدا کند. فتحی از مدیران بازنشسته شهرداری بوده و رابطه نزدیکی با افتخاری، مدیرعامل مستعفی استقلال و سلطانی‌فر وزیر ورزش دارد و از همین رو با پیشنهاد افتخاری و موافقت وزیر به هیات مدیره آبی‌ها راه یافت. امیرحسین فتحی فوق‌لیسانس حقوق قضایی از دانشگاه تهران است و با تصمیم مجمع عمومی باشگاه استقلال جایگزین دکتر قریب عضو مستعفی هیات مدیره این باشگاه شد. در سابقه مدیریتی آقای فتحی ۵۴ ساله، معاونت حقوقی و بین‌الملل باشگاه استقلال، ریاست کمیته انضباطی، کمیته حل اختلاف و کمیته استیناف فدراسیون فوتبال، مدیرعاملی باشگاه‌های فرهنگی-ورزشی بهمن و عقاب و ریاست هیات مدیره باشگاه برق تهران، عضو هیات مدیره، قائم مقام و معاونت اداری و مالی شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی،

دبیر کمیته فنی فدراسیون فوتبال و معاونت حقوقی و بین‌الملل اتحادیه فوتبال باشگاه‌های ایران دیده می‌شود. امیرحسین فتحی، سرپرست جدید این باشگاه که چندی پیش به عضویت باشگاه استقلال درآمده بود، پیش از این سابقه معاونت در این باشگاه را نیز در کارنامه دارد و در رزومه او حضور در راس مدیریت چند باشگاه قدیمی نیز دیده می‌شود.

فتحی اخیراً با حکم حسن کریمی مدیرعامل جدید شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی به عنوان معاون این شرکت انتخاب شد و بعد از آن به عضویت هیات مدیره استقلال در آمد. وی در اولین اظهار نظر خود پس از انتخاب به عنوان عضو پنجم هیات مدیره علت اصلی انتخابش را حل و فصل مشکلات مالی این باشگاه دانست. بعد از اینکه وی جانشین افتخاری شد خیلی‌ها از چالش‌ها یا تغییرات درونی در باشگاه استقلال خبر دادند. گفته می‌شود با این انتخاب، استقلال به زودی با تغییراتی در جهت معاونان باشگاه و همچنین مذاکره با بازیکنان خود صورت خواهد گرفت.

با این حال خودش سعی کرده طوری اظهار نظر کند که فضای درونی

باشگاه دچار تنش نشود: «دوستان عزیز و مدیران قبلی زحمت کشیدند و از زحمت آنها تشکر می‌کنم. باشگاه‌های پرسپولیس و استقلال مشکلات بزرگی دارند و امیدواریم که ان شاء الله بتوانیم این مشکلات را حل کنیم.» فتحی درباره اسپانسر باشگاه هم گفته است: «قطعا برنامه خاصی برای اسپانسر که منحصر به ایرانسل است داریم و با دیگر اسپانسر ها صحبت کرده و مدیریت می‌کنیم تا مشکلات باشگاه کم شود.»

اما نکته اصلی اینجاست که سرپرست جدید قصد دارد از چه منابعی برای استقلال درآمدزایی کند؟ این سوال در حالی به محل انتقاد برخی مخالفان دولت تبدیل شده که برخی شنیده‌ها حکایت از آن دارد که فتحی قرار است از شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزش و از سویی دیگر صندوق بازنشستگان نیز کمک‌هایی را دریافت کند.

اما به نظر می‌رسد فتحی مدیری عملگرا است. او در تازه‌ترین واکنش خود نسبت به کنار رفتن افتخاری موضعی صریح اتخاذ کرده؛ موضعی که بیشتر باب میل وزیر ورزش است تا دوست قدیمی اش: «قطعا وزیر و مجمع با کسی تعارف یا رودریاستی نداشتند. آقای افتخاری به دلیل مشکلات و مسائل خاصی که داشتند، خدمت آقای وزیر بودند و استعفا دادند. استعفا ایشان مورد موافقت هیات مدیره قرار گرفت. شخص وزیر و وزارتخانه این را موکول کردند به تصمیم هیات مدیره و آنها هم ضمن تقدیر و تشکر از زحمات آقای افتخاری، با استعفا ایشان موافقت کردند و بنده را به عنوان مدیر و سرپرست مجموعه انتخاب کردند که بتوانیم راه باشگاه را ادامه دهیم و مشکلات را تک تک با کمک دوستان حل کنیم.»

اما فتحی از چه نوع چیدمانی در بخش معاونت‌های باشگاه استقلال استفاده خواهد کرد؟ این سوالی است که هنوز بی‌پاسخ مانده اما برخی رسانه‌ها از اضافه شدن نظری جویباری به باشگاه استقلال خبر می‌دهند. سرپرست جدید استقلال در سوالی مربوط به اضافه شدن نظری جویباری به کادر مدیریتی باشگاه این طور واکنش نشان داده: «هنوز درباره این موضوع تصمیم نگرفته‌ایم. با دوستان و عزیزان هیات مدیره مشورت می‌کنیم و نسبت به انتخاب همکاران یا ابقای همین دوستان فعلی تصمیم مناسب خواهیم گرفت.»

به نظر می‌رسد مدیر جدیدی که جایگزین سیدرضا افتخاری شده است بیش از نفر قبلی با سیاست‌های وزارت ورزش همسو و هماهنگ است. از این گذشته امیرحسین فتحی احتمالا جهت تامین برخی منابع مالی گزینه‌ای است که وزارت ورزش می‌تواند حساب ویژه‌ای روی او باز کند. او برای شروع باید برخی بازیکنان استقلال را راضی به ماندن کند و البته بتواند رابطه خود با شفر را تنظیم کند. احتمالا به همین دلیل است که او بعد از سرپرست شدن در باشگاه استقلال بلافاصله راهی ترکیه شد تا با سرمربی استقلال ملاقات کند. او بهتر از هر کسی می‌داند که در ادامه راهش در باشگاه استقلال تا چه حد این مربی آلمانی تأثیرگذار است و با نتایج قابل قبول خود می‌تواند از او چهره‌ای محبوب و موفق نزد هواداران استقلال بسازد.

با این حال به نظر می‌رسد که فتحی مدیری اهل مدارا و تساهل است. او با ادبیاتی محافظه کارانه به استقبال انتقادات و مشکلات استقلال آمده است. هرچند هیچ تضمینی وجود ندارد که او با این روش بتواند در باشگاهی مثل استقلال دوام بیاورد. او با شرایط خاصی روبه‌رو است. هفته گذشته به تمرین استقلال رفت تا به بازیکنان و کادرفنی ثابت کند مدیریت او طوری است که بدون دعوت هم برای حل مشکلات تیم به محل تمرین می‌رود اما با واکنش سرد بازیکنان روبه‌رو شد و شفر نیز در مصاحبه با خبرنگاران تأکید کرد اگر شرایط همین طور باقی بماند امیدی به موفقیت نخواهیم داشت. با این حال سرپرست باشگاه استقلال در واکنش به اینکه بازیکنان با ناراحتی جلسه با او را ترک کردند، گفت: «هیچ مشکل خاصی نبود.»

فتحی راجع به اینکه وینفرد شفر اعلام کرد که به دلیل ناراحتی بازیکنان از او خواسته به محل تمرین بیاید، گفت: اصلا کسی با من تماس نگرفت و خودم آمدم. استقلال مشکلات اقتصادی دارد، پرسپولیس و باشگاه‌های دیگر هم این مشکل را دارند. به کمک دوستان قصد داریم این مشکلات را حل کنیم. دوستان نگرانی نداشته باشند. مطالبات پرداخت می‌شود.»

سرپرست باشگاه استقلال در واکنش به رأی کمیته انضباطی مبنی بر بازنده شدن آبی‌پوشان در بازی سوپر جام گفت: «هنوز رأی را ندیده‌ایم اما دوباره اعتراض خواهیم کرد تا به استیناف برود. ما این حق را داریم که اعتراض کنیم.»

فتحی در رابطه با وضعیت روزه چشمی و سیدمجید حسینی نیز اظهار داشت: «چشمی بازیکن ما بوده و برمی‌گردد. حسینی هم همین طور باید برگردد. با حسینی صحبتی نکرده‌ام، اما او اشتباه کرده و خودش برمی‌گردد.»

آیا امیرحسین فتحی می‌تواند بحران استقلال را حل کند و شرایط تیمش را برای مدعی شدن آبی‌ها در فصل جدید فوتبال ایران فراهم کند یا شرایط طور دیگری برای او و حامیانش پیش خواهد رفت؟



افتخاری با اراده خودش نیامد که با اراده خودش برود چرا تخلف وزیر ورزش را به او گوشزد نمی کنیم؟

صحبت می کنید باید بدانید که ما وقتی به استقلال، باشگاه می گوییم که فعالیت های گسترده ای در رشته های مختلف ورزشی داشته باشد نه اینکه صرفاً یک تیم فوتبال داشته باشیم و اسمش را بگذاریم باشگاه. این غلط است. از این گذشته شیوه نظارت بر عملکرد حرفه ای مدیران هم دچار ایرادها و تبعیض های جدی است. شما ببینید به آقای زنوزی گفته می شود که ایشان حق ندارد همزمان دو باشگاه تراکتورسازی و گسترش فولاد را داشته باشد چون این دو باشگاه در رقابت های لیگ برتر رقیب هم هستند و داشتن یک مدیریت واحد تخلف محسوب می شود. خیلی هم عالی. دست آقایان درد نکند. حرف درستی هم زده اند اما سوال من این است که آقایان چرا تخلف وزیر ورزش را نمی بینند و به او گوشزد نمی کنند که او طبق قانون اجازه ندارد همزمان رئیس مجمع دو باشگاه استقلال و پرسپولیس باشد؟ چرا به آقای سلطانی فر نمی گویند که ایشان به عنوان یک عضو دولتی اجازه ندارد در عرصه باشگاهداری وارد شود؟ اگر قرار است تخلف همه را ببینیم باید از بالا شروع کنیم. با همه اینها من فقط امیدوارم آقای فتحی که اخیراً جایگزین آقای افتخاری شده است در کارش موفق باشد. سابقه رفاقت ۳۰ ساله من با ایشان البته باعث می شود که نسبت به برخی موارد تذکراتی را بعدها به خود ایشان بگویم اما با همه اینها فراموش نکنیم که ما هنوز در مورد باشگاهداری دچار یک غفلت بزرگ هستیم و سعی می کنیم از جیب مردم بگیریم و پول بیت المال را خرج اداره باشگاه های به اصطلاح حرفه ای کنیم، غافل از اینکه در همه جای دنیا این باشگاه ها هستند که به دولت ها مالیات های سنگین می دهند و به شدت درآمدزا هستند. نباید این طور باشد که مردم ما با این همه مشکلات اقتصادی که دارند پول فوتبال حرفه ای را هم بپردازند. جای تاسف دارد و البته بعید می دانم این چرخه معیوب اصلاح شود.

از افتخاری پیدا نکرد. آنها هیچ وقت دنبال مدیر مستقل نبوده اند. حالا هم با حضور آقای فتحی دنبال این موضوع نیستند که اختیار را به مدیر عامل یا هیات مدیره باشگاه برگردانند. در نتیجه معتمد وقت صورت مساله غلط است جواب درستی هم برایش وجود ندارد. چون اساساً صورت مساله باشگاهداری در فوتبال ما غلط نوشته شده است. شرح وظایف و تعریف باشگاه حرفه ای چیست؟ ملاک ارزیابی عملکرد مدیریت یک باشگاه حرفه ای چیست؟ ما اصلاً ملاک داریم که بخواهیم طبق آن ارزیابی کنیم که آقای افتخاری چه نمره ای می گیرد؟ چطور می توانیم درباره عملکرد ایشان صحبت کنیم وقتی هویت باشگاهی در حوزه ساختار ورزش را هرگز به رسمیت نشناخته ایم؟ شما اصل سوم قانون اساسی را بخوانید متوجه می شوید که هیچ وقت قانون مبنای تصمیم گیری نزد مدیران ورزش کشورمان نبوده است. بنابراین اگر صرفاً قرار است با توجه به برد و باخت های استقلال به آقای افتخاری و مدیریتش در باشگاه استقلال نمره بدهیم این کاری است شدنی اما اگر بخواهیم طبق ملاک های حرفه ای به ماجرا نگاه کنیم و بدانیم که او در بخش استعدادیابی باشگاه چه کرد یا در بخش ساخت و ساز عمرانی چه عملکردی داشت آن وقت است که کار سخت می شود چون اصلاً چیزی برای قضاوت وجود ندارد. شما وقتی از مدیریت حرفه ای

کاظم اولیایی

مدیرعامل اسبق باشگاه
استقلال

اجازه بدهید با یک مثال شروع کنم. شاید مثال خیلی خوبی نباشد اما در مثل مناقشه نیست. وقتی یک نفر دچار اعتیاد می شود هیچ وقت درباره اش نمی گوییم که فقط خودش مقصر بوده، بلکه عوامل دیگر را هم دخیل می دانیم. در مورد برخی مدیرانی که به باشگاه استقلال هم آمده اند و از جمله آقای افتخاری بنده اعتقاد دارم که تنها او را نمی توانیم مقصر بدانیم. استقلال یا باشگاه هایی مثل استقلال همیشه برای مدیران جذاب بوده و برخی حتی نسبت به این باشگاه ها دچار اعتیاد شده اند. در مورد آقای افتخاری هم باید بپذیریم که ایشان مقصر اصلی نیست. او از فوتبال به فوتبال آمد. کمترین حد پذیرش از سوی جامعه فوتبالی را به خود دید اما با توجه به تاکید وزارت ورزش تصمیم گرفت این سمت را قبول کند و آن را با تبعیت محض از دستورات وزیر ورزش حفظ کند. بنابراین بنده اعتقاد دارم آقای افتخاری اصلاً با اراده خودش نیامد که بخواهد با اراده خودش برود. وزارت ورزش دنبال مدیری بود که کاملاً مطیع سیاست هایش باشد و بهتر

ماجرای از مخالفت با حضور کارلوس پویول در برنامه بیست هجده شروع شد. جایی که عادل فردوسی پور از مدافع سابق بارسلونا و تیم ملی فوتبال اسپانیا دعوت کرده بود تا در برنامه اش حاضر شود و به کارشناسی بازی تیم کشورش برابر ایران بپردازد. اما پای این مدافع هرگز به برنامه عادل نرسید تا مجری بیست هجده به نشانه اعتراض استودیو را ترک کند و به خانه اش برود. فردوسی پور گمان می کرد نتیجه جنگ روانی که به راه انداخته باعث می شود تا مدیران خیلی زود با حضور پویول در برنامه اش موافقت کنند اما نه تنها این اتفاق رخ نداد، بلکه مدیران رسانه ملی از سیاست ها و همچنین واکنش های عادل انتقاد کردند.

در خواست مبالغ کلان از سوی ستاره ها

خیلی ها هنوز بازی خدا حافظی مهدی مهدوی کیا مقابل تیم میلان ایتالیا در سال ۹۲ را به خاطر دارند؛ در حاشیه آن دیدار تاریخی در خبرها آمده بود که پائولو مالدینی، کاپیتان میلان و تیم ملی ایتالیا قرار است به برنامه نود برود. اما این اتفاق نیفتاد تا رسانه ها در توضیح علت حضور نیافتن او بنویسند: «مالدینی برای مصاحبه با برنامه ۹۰ در خواست ۵۰ هزار دلار کرده بود که فردوسی پور حاضر به پرداخت آن نشده بود.» بنابراین در دعوت از چهره های بزرگ فوتبال بیش از هر چیز مسائل مالی تعیین کننده است تا جایی که حضور ستاره های فوتبال جهان در مصاحبه های مختلف و حتی مصاحبه های کوتاه با آنها تابع قواعد و پروتکل های سخت مالی و دلاری است. با همه اینها در روزگاری که کشور با تحریم دست و پنجه نرم می کرد از لویی فیگو، کاپیتان اسبق تیم ملی پرتغال و بازیکن تیم های باشگاهی بارسلونا و رئال مادرید برای حضور در ویژه برنامه قرعه کشی جام جهانی دعوت شد. پس از این دعوت، حاشیه های آن خبرساز شد که فیگو برای حضور در این برنامه رقمی حدود ۱۰۰ هزار یورو (معادل نیم میلیارد تومان) دریافت کرده تا برای دقایقی در تصویر تلویزیون نشان داده شود. حتی برخی گفتند که رقمی حدود ۳۰۰۰ یورو نیز برای هر ساعت نگهداری از سگ این بازیکن پرداخت شده که در نوع خود تعجب برانگیز بود. با فرض اینکه چنین هزینه ای برای یک برنامه تلویزیونی از محل اسپانسر تامین شده، باز هم این سوال مطرح می شد که چنین هزینه ای چه سودی برای اسپانسر می که معمولاً خط و ربط منابع مالی اش روشن نیست، دارد؟ اما این همه ماجرا نبود. آغاز جام جهانی ۲۰۱۸ به دلیل حضور تیم ملی ایران در آن، به طور طبیعی توجه مخاطب ایرانی را نسبت به این رویداد ورزشی جلب می کند. از این رو برنامه سازان هم تلاش می کردند که بتوانند برنامه های جذاب تری تولید کنند. ساموئل اتوئو، بازیکن سیاه چهره تیم ملی کامرون و باشگاه بارسلونا، شبی که ایران مقابل مراکش بازی می کرد به عنوان کارشناس خارجی در برنامه تلویزیونی «۲۰۱۸» شرکت کرد تا در کنار جواد نکونام به تحلیل بازی بپردازد اما حرف های این بازیکن در این برنامه چندان هم قابل توجه نبود. اتوئو در اظهار نظرهایی کاملاً معمولی به تیم ها بابت بازی هایشان تبریک می گفت و نظراتی کلی پیرامون بازی ارائه می کرد. حتی نام مهاجم تیم ملی ایران را نیز نمی دانست و تنها با عبارت «مهاجم تیم ایران» از او یادی کرد و موقعیتی که از دست داده بود را مورد اشاره قرار می داد: «بازیکنان باید از تک موقعیت ها در چنین بازی هایی استفاده کنند!» پس در شب اولی که برنامه با حضور یک بازیکن فوتبال خارجی بخش شد اتفاق چندان نیفتاد. برخی سایت ها حتی از محمدرضا احمدی هم انتقاد کردند و نوشتند: «مرعوب نام اتوئو بودن در لحن و گفتار مجری دوم برنامه مشهود بود. جایی که این مجری از عبارت «آقای اتوئو» برای خطاب کردن فوتبال بیست کامرونی استفاده می کرد؛ در حالی که مجریان برنامه های ورزشی اغلب از لحنی صمیمی و با استفاده از اسامی کوچک سعی می کنند فضای خشک و رسمی را از بین ببرند.» خبر

حمله کیهان به عادل

آیا آینده کاری فردوسی پور با خطر جدی روبه رو شده است؟

حضور ستاره‌های سابق فوتبال در این برنامه با توجه به حواشی ایجاد شده پس از حضور لوئیس فیگو در برنامه تلویزیونی زمزمه‌هایی مبنی بر محل تأمین هزینه حضور آنها را ایجاد کرد. با همه اینها وقتی عادل سعی کرد پوپول را به برنامه‌اش بیاورد با مخالفت سرسختانه مدیران تلویزیون روبه‌رو شد. در نهایت این مدافع نتوانست به برنامه عادل برود تا در اظهار نظری عجیب بگوید: «به من گفتند به دلیل مشکلات ظاهری (موهای بلند) امکان حضور در برنامه را ندارم.» همه چیز در آن روز جنجالی برای عادل به تلخی سپری می‌شد. او به هدفش نرسیده بود و حالا در آستانه شروع بازی ایران برابر اسپانیا باید تصمیم می‌گرفت که به تلویزیون برگردد یا راه دوم را انتخاب کند و روزهای تیره‌تری را به خود ببیند. او به برنامه‌اش برگشت و زمانی هم که در برنامه حاضر شد با گلایه از این برخورد عنوان کرد، تلاش می‌کند به خاطر مخاطب این اتفاق (حضور پوپول) رقب بخورد که البته چنین نشد. برخی رسانه‌ها در این باره نوشتند دعوت از پوپول بدون هماهنگی با مدیران رسانه ملی بود. ظاهراً پس از حضور جنجالی فیگو در تهران تصمیم بر این بوده که از کارشناس خارجی برای چنین برنامه‌هایی استفاده نشود اما عوامل برنامه بدون هماهنگی اقدام به دعوت از پوپول کرده بودند. روزنامه جام‌جم در این باره گزارشی منتشر کرد که کار پاسخگویی را برای تهیه کنندگان برنامه بیست هجده‌سخت و سخت‌تری می‌کرد؛ این روزنامه نوشت: «هزینه حضور پوپول در برنامه «۲۰۱۸» رقمی حدود ۶۰۰ میلیون تومان بوده است که حتی با وجود قبل این مبلغ از سوی اسپانسر باز هم به‌صالح نبوده و سازمان صدا و سیما مخالف این هزینه‌های هنگفت در شرایط فعلی اقتصادی کشور بوده است. این ماجرا را البته از زاویه دیگری نیز می‌توان بررسی کرد؛ حضور و نقش واسطه و دلال‌هایی که از حضور چهره‌ها و ستاره‌های فوتبال سود کلانی می‌برند. در این رابطه به نام فردی برمی‌خوریم که ارتباط او با چهره‌های فوتبالی کشور اسپانیا عجیب است. در جست‌وجوی نام او در فضای وب با موارد عجیبی روبه‌رو می‌شویم، از مصاحبه اختصاصی با «کریستیانو رونالدو» برای سایت برنامه «نود» تا ماجرای فروش فرش ایرانی با امضای «لیونل مسی». او در روایت خود از ماجرای فروش فرش عنوان می‌کند که با پدر مسی رابطه دارد؛ در حالی که با مرور صفحه شخصی او در اینستاگرام و عکس‌های یادگاری‌اش با فوتبالیست‌های فعال در اسپانیا این ادعا کمی دور از واقع به نظر می‌رسد. با مرور تصاویر صفحه شخصی این واسطه عکس او با ساموئل اتوئو، لوئیس فیگو و... به چشم می‌آید. این در حالی است که پس از انتشار خبر واسطه‌گری او در شبکه‌های اجتماعی، او صفحه‌اش را با بیش از ۱۲ هزار نفر دنبال کننده، از حالت عمومی به صورت خصوصی درمی‌آورد. در این بین حامی مالی دعوت از چهره‌های بین‌المللی فوتبال شرکتی دولتی است. حال این پرسش هم ایجاد می‌شود که در شرایط کنونی اقتصادی کشور با چه توجیهی از محل منابع عمومی چنین هزینه‌هایی می‌کنند؟ خروج ارز از کشور برای دعوت از چهره‌هایی که کمترین اطلاعاتی از فوتبال ایران دارند، آن هم از سوی برنامه‌سازان تلویزیونی و عنوان کردن اینکه این هزینه‌ها از سوی اسپانسر تأمین می‌شود چه توضیحی دارد؟ آن هم اسپانسر کسی که از محل هزینه‌های عمومی ارتزاق می‌کند.»

موج دوم حمله

هنوز ترکش‌های موج اول حمله به عادل تمام نشده بود که اظهار نظری جنجالی از سوی وی باعث شد تا موج دوم حمله شکل بگیرد. اما ماجرای جنجال دوم از کجا و چگونه آغاز شد؟ ابتدای دیدار فینال جام جهانی و لحظه‌ای که جام قهرمانی وارد زمین شد، تقریباً به‌طور کامل با میزبانی رسانه ملی حذف شدند. اتفاقی که باعث شد عادل فردوسی‌پور از مدیران تلویزیون که مهمان پشت‌صحنه آخرین قسمت

برنامه‌اش بودند درخواست کند که اجازه پخش این تصاویر را بدهند. اجازه‌ای که به نظر می‌رسد بالاخره در پایان دیدار و در مراسم اهدای جام قهرمانی به مسئولان پخش شبکه سه رسید؛ درست وقتی کیتاروویچ، رئیس جمهور کرواسی تقریباً تمام بازیکنان دو تیم و حتی رئیس جمهور فرانسه را در آغوش گرفت و به بازیکنان کرواسی دل‌داری داد و به بازیکنان فرانسه تبریک گفت. اتفاقی که باعث شد تا رسانه ملی بعد از یکی، دو بار که صحنه را ممیزی کرد، دیگر از خیر سانسور بگذرد و بقیه تصاویر را بدون ممیزی روی آنتن بفرستد. عادل فردوسی‌پور هم در پایان برنامه‌اش در تشکر جانانه‌ای گفت: «از دوستان پخش ممنونم. برای اینکه مراسم اهدای جام را کامل پخش کردند. رئیس جمهور کرواسی در مراسم اهدای جام نه تنها با همه دست داد، بلکه همه را بغل کرد. دوستان پخش یکی دو صحنه سعی کردند این تصاویر را حذف کنند ولی دیدند همه تصاویر از بین می‌رود و از خیرش گذشتند.»

اما با گذشت چند روز از این اظهار نظر جنجالی، کیهان نسبت به حرف‌های عادل فردوسی‌پور و بدعت تلویزیون در پخش تصاویر نامناسب اختتامیه و اکشن نشان داد. این روزنامه نوشت: «با گذشت چند روز از پایان برنامه ۲۰۱۸ شبکه سوم سیما، این پرسش وجود دارد که آیا در این فرصت، نهادهای ذی‌صلاح به موضوع ترویج ابتذال توسط این برنامه می‌پردازند یا نه؟ برای اولین بار در تاریخ صدا و سیما بود که در یک برنامه، مجری برنامه به خود جرأت داد و صراحتاً کلام یکی از بزرگان کشور را به‌سخره گرفت. همین مجری و در واقع گزارشگر، در برنامه خود و در قالب مستندی، به تبلیغ رسمی کشورهای غربی پرداخت و از کشورهای استعماری تصویری رویایی ارائه کرد اما دعوت از یک بازیکن اسپانیایی – پوپول – به ۲۰۱۸ خود تبدیل به ماجرای تلخ علیه آبروی رسانه ملی شد. مجری و تهیه‌کننده ۲۰۱۸ در دروغی آشکار رسانه ملی را متهم کرد که به دلیل بلندی مو، بازیکن اروپایی به صدا و سیما راه داده نشده است. این مجری که قبلاً عنادش را با ارزش‌های انقلابی و دینی به‌نحای گوناگون نشان داده است، باز هم در روزی دیگر، گستاخانه دروغ خود را تکرار کرد تا به همه بفهماند او نه تنها عرقی به رسانه ملی ندارد، بلکه حاضر است برای منافع خود آبروی رسانه ملی را به‌مسئله ببرد اما اوج قانون‌گریزی و ابتذال گرای مجری در برنامه آخر مجموعه ۲۰۱۸ عیان شد؛ آن هنگام که پس از پخش تصاویر مبتذل و غیراخلاقی از رئیس جمهور کرواسی در ورزشگاه – که با انتقاد رسانه‌های کرواسی و صربستان – روبه‌رو شد؛ مجری برنامه، با تشکر از مجوز پخش تصاویر مبتذل، شادی خود را با گفتن اینکه با پخش این تصاویر هیچ اتفاق بدی روی نداد، به اوج رساند. جام جهانی ۲۰۱۸ نشان داد که متأسفانه برخی افرادی با صلاحیت از نظر برخی مسئولان سیما و به‌خصوص معاون سیما به حدی بزرگ هستند که جرات مخالفت با نظر این مجریان را ندارند. مجریانی که ثابت کرده‌اند نه تنها عرق ملی و انقلابی ندارند، بلکه هر جا بتوانند نیش زهر آگین خود را به انقلاب و رسانه ملی می‌زنند. حالا باید دید با مجری یا همان گزارشگری که به‌رغم نداشتن بایستگی‌های اجرا، مجری خوانده می‌شود، چه برخورد قانونی صورت می‌گیرد. باید دید از نظر متولیان رسانه ملی، پیشگیری از تبلیغ کشورهای استعماری و دروغ‌زنی به رسانه ملی و... اهمیت دارد یا رضایت گزارشگر سطحی و مرعوبی که پخش تصاویر مبتذل را به عنوان دستاوردی بزرگ به نام خود زده است. کیهان البته اطمینان دارد که در این میان؛ مدیریت انقلابی شبکه سوم نقشی در فضا تحت برنامه ۲۰۱۸ نداشته است.»

استعفا یا که تکذیب شد!

فشارها علیه عادل شدت گرفته بود. در این میان خبر استعفا فردوسی‌پور از حضور در تلویزیون خیلی زود به تیتیر یک رسانه‌ها تبدیل شد تا شبکه‌های اجتماعی نسبت به این اتفاق به شدت واکنش نشان دهند. بلافاصله بعد از

گسترده‌تر شدن ابعاد خبر استعفا این عادل فردوسی‌پور بود که این موضوع راردار کرد. مخالفان سرسخت عادل می‌گویند: «در حالی که پس از اینکه فشارها و انتقادات علیه عادل و ویژه برنامه ۲۰۱۸ جام جهانی رو به افزایش بود او توانست با ترفند مظلوم‌نمایی و انتشار یک نامه خداحافظی جعلی و تکذیب سریع آن بار دیگر برای خود اعتبار جمع کند.» با این حال حملات به عادل فردوسی‌پور موج تازه‌تری را هم به خود دیده است؛ این بار فردی از پشت پرده عادل فردوسی‌پور صحبت کرده که اهالی فوتبال احترام خاصی برایش قائل هستند؛ محمد دادکان. چهره شناخته‌شده فوتبال ایران، ریشه بسیاری از جوسازی‌های اخیر را تریبون به‌دستی می‌داند که شب‌های جام جهانی به مردم غلطی می‌داد تا برخی اتفاقات تلخ اقتصادی فراموش شود؛ دادکان از نقش پررنگ این مجری معروف که آدرس‌های عادل فردوسی‌پور را داشت در دلالی پرده برداشت و مدعی شد اسناد این ادعا را نیز در اختیار دارد. البته تردد عادل فردوسی‌پور به طبقه ۲۵ برج ایران زمین در شهرک غرب و ملاقات‌های مشکوک با کارلوس کی‌روش بر همگان عیان است اما در روزگاری که او مدعی شفاف‌سازی است و به ظاهر طرف مردم ایستاده، مشخص نیست چرا از خود شروع نمی‌کند و در مورد میزان درآمد و نحوه درآمدی برنامه‌هایش صحبتی به میان نمی‌آورد؛ منتقدان فردوسی‌پور تأکید می‌کنند: «نکته جالب در مورد عادل این است که به‌رغم سابقه نزدیک به ۲۰ ساله او در تلویزیون اما زندگی خاص او هرگز رسانه‌ای نشده و ابعاد مختلف زندگی او همچنان مبهم است.» با همه اینها حامیان عادل فردوسی‌پور اعتقاد دارند او همان مجری توانمندی است که تلویزیون حتی بیش از گذشته به‌او نیاز دارد. مجری با کدستی که برچسب دلالی به او نمی‌چسبد و اگرچه برخی مواقع با تصمیمات یا اظهار نظرهایی جنجالی‌اش به‌سوز داغ رسانه‌ها تبدیل می‌شود اما چه کسی است که نداند او بیش از هر چیزی روی بهتر شدن کیفیت برنامه‌اش تمرکز دارد و آن‌طور که در موردش جوسازی شده به دنبال کسب منافع هنگفت مالی نیست. عادل فردوسی‌پور روزهای سختی را پشت سر می‌گذارد. در مورد آینده کاری این مجری با سابقه اما دو گمانه وجود دارد. عده‌ای می‌گویند تلویزیون هنوز پسای عادل ایستاده و از او دفاع خواهد کرد تا یکی از پربیننده‌ترین برنامه‌های صدا و سیما همچنان به راه خود ادامه دهد و برخی نیز اعتقاد دارند در برخی محافل خصوصی مدیران رسانه ملی موضوع برخورد تنبیهی با عادل فردوسی‌پور در دستور کار قرار گرفته است. با این حال حتی مخالفان سرسخت عادل هم درباره کنار گذاشتن این مجری صحبتی به میان نمی‌آورند اما تأکید می‌کنند که این مجری با سابقه خیلی زود باید در مقام رفع آشکالاتش برآید و اشتباهی که در روز بازی ایران – اسپانیا مرتکب شد را تکرار نکند.



پخش تصاویر اختتامیه جام جهانی جنجالی شده است



خبر خوب این است که مهدی مهدوی کیا که هشت سال موفق از فصل ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۷ در هامبورگ داشت و جزو محبوب‌ترین بازیکنان این تیم بود، سه سال قبل مربیگری تیم نوجوانان هامبورگ را برعهده گرفت ولی حالا مجدداً در رده‌ای بالاتر مشغول فعالیت خواهد شد. با اعلام این باشگاه آلمانی، مهدی مهدوی کیا به عنوان مربی تیم امید (زیر ۲۱ سال) هامبورگ معرفی شد و قرار است به عنوان دستیار اشتفان وایس در این تیم مشغول کار شود. مهدوی کیا آرام و بدون سرو صدا دارد در فوتبال آلمان به عنوان مربی پیش می‌رود. یک خبر بامزه این است که قسمت جست و جوی تصاویر گوگل، این روزها با چالش عجیبی مواجه شده است و به دنبال دستکاری عده‌ای از مخالفان ترامپ، به محض تایپ کردن واژه «احمق» (idiot) و کلیک روی آن، با تعداد زیادی از عکس‌های دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا مواجه می‌شود. این موضوع اصلاً عادی نیست. در واقع به دنبال سیاست‌هایی که ترامپ تاکنون در زمینه مهاجران، مسلمانان، دیوار مکزیک، جدا کردن کودکان مهاجر از والدینشان و... پیش گرفته، گروهی از مخالفان به مبارزه فناورانه با وی پرداخته‌اند. این گروه با دستکاری الگوریتم رنکینگ موتور جست‌وجوی گوگل و برقرار کردن ارتباط لینک عکس‌ها با واژه «احمق»، باعث شده‌اند که با جست‌وجوی این واژه، عکس‌های ترامپ ظاهر شود. عکس روز به یک مساله تلخ اشاره دارد، بحران کم‌آبی در استان گلستان به عنوان یکی از قطب‌های کشاورزی ایران چند سالی است گریبانگیر کشاورزان این استان شده است. با توجه به بارش کم باران و کمبود منابع آبی، احتمال زیان کشاورزان و آسیب جدی محصولات آن پیش‌بینی می‌شد و علی‌رغم توصیه‌ها و ممنوعیت کاشت بازم کشاورزان گلستانی به علت نداشتن کشت جایگزین و مدیریت آبیاری؛ قمار بزرگی بر سر محصول خود کرده‌اند؛ و حال چشم به آسمان دوخته‌اند که همچون سال‌های گذشته باران به دادشان برسد.



بعد از مدت‌ها که خبر افت فروش و رکورد گیشه در سینماهای کشور به گوش می‌رسید، یک خبر امیدوارکننده داده شد. علی سرتیپی، رئیس کانون پخش کنندگان سینما در باره وضعیت اکران تیرماه سال جاری گفت: «فروش تیرماه امسال سینمای ایران نسبت به تیرماه سال ۹۶ با وجود نمایش بازی‌های جام جهانی در سالن‌های سینما و گرمای هوا افزایش داشته است.» وی ادامه داد: «سینماهای کشور تیرماه امسال ۲۴ میلیارد تومان فروش و ۲ میلیون و ۸۵۰ هزار مخاطب داشته‌اند که این رقم در تیرماه سال پیش، ۱۳ میلیارد فروش و یک میلیون و ۹۴۵ هزار مخاطب بوده است.» سیدضیاءالدین دری، کارگردان تلویزیون و سینما، در بخش‌ای سی‌ویوی بیمارستان بوعلی سینا در انتظار پیوند کیداست. نوید دری، فرزند این کارگردان سینما، درباره وضعیت جسمانی پدرش به خبرنگار مهر گفت: «پدرم هم اکنون در بیمارستان بوعلی سینا شیراز بستری و منتظر است تا هر لحظه برای پیوند کبد وارد اتاق عمل شود.» رئیس مرکز مبارزه با جرایم ملی و سازمان یافته پلیس فتا هم نسبت به کلاهبرداری از کاربران توسط برخی اپلیکیشن‌های اندرویدی جعلی که تحت عنوان میغه‌یاب، دوست‌یاب، ماهواره جیبی و... فعالیت می‌کنند، هشدار داد. سرهنگ مصطفی نوروزی در تشریح این خبر گفت: «اخیراً انتشار اپلیکیشن‌های اندرویدی جعلی تحت عناوین مختلف نظیر صیغه‌یاب، دوست‌یاب، ماهواره جیبی، آپ‌شو و... و هدایت به درگاه‌های جعلی به بهانه فعال سازی توسط مجرمان حوزه فیشینگ به شدت افزایش یافته و با وجود دستگیری اعضای باند‌های مجرمانه در این حوزه، متأسفانه تعداد قربانیان این شگرد رو به افزایش است.» عکس روز هم به مراسم بهترین‌های فوتبال ایران در فصلی که گذشت اختصاص دارد، جایی که از بهترین‌های فصل گذشته تقدیر شد، این مراسم با انتقادات بسیاری هم در زمینه برگزاری و هم در زمینه انتخاب‌ها همراه بود، در تصویری که مشاهده می‌کنید، برانکو ایوانکوویچ عنوان مربی سال ایران را به دلیل قهرمانی پرسپولیس دریافت می‌کند.



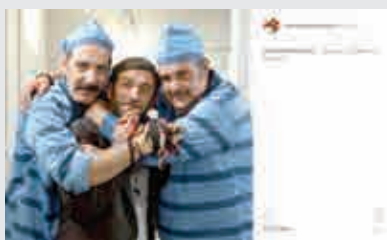
آنها یازده نفر بودند، یازده نفر قدر یک تیم فوتبال اما هیچ تیم فوتبالی نیست که برای آنها افتخار کسب کند. آنها برای دفاع از مرزهای کشور، برای امنیت و آرامش در ایران از هیچ چیز مضایقه نکردند، حتی از جان‌شان، آنها بزرگترین قهرمانان هستند، قهرمانانی از جنس ماندگاری، شهادت این یازده عزیز همیشه ایران بازتاب گسترده‌ای در شبکه‌های مجازی داشت و مردم قدرشناس با اشک‌های خود فداکاری آنها را ستودند. این مساله حتی یک بازتاب هنری هم داشت. در پی شهادت ۱۱ مرزبان کشورمان به دست عوامل تروریستی در مریان کردستان، حسن روح‌الامین از نقاشان صاحب‌سبک کشورمان دست به قلم برده و تابلوی جدیدی خلق کرده است. این نقاش عاشورایی اثر خود را به «مدافعان وطن» تقدیم کرده است. این نقاشی با آبرنگ کشیده شده است. علی ربیعی، وزیر کار و رفاه اجتماعی در رابطه با وضعیت به وجود آمده ناشی از تحریم‌ها گفت: «تحریم‌ها و فشارهای موجود باعث شده که ما ۸۹۰ هزار خانوار را که ۲ میلیون و ۹۰۰ هزار نفر می‌شوند به مجموعه پوششی و حمایتی خود اضافه کنیم. ما به دنبال رفع فقر مطلق و کاهش فقر شدید بوده‌ایم. این موضوع با برنامه از بین می‌رود و باید هدفمند رفتار کنیم. به همین دلیل برای یک یا دو دهک برنامه‌ریزی کرده‌ایم و باید تا دهک‌های بعدی به دقت برنامه داشته باشیم چرا که اگر هدفمند حرکت نکنیم فقر عمیق‌تر می‌شود. فقر غذایی ممکن است بر اثر تحریم‌های موجود دو واحد افزایش یابد که برنامه جامعی در نظر گرفته‌ایم و برآورد کرده‌ایم ۲۵۰۰ میلیارد تومان در سال هزینه دارد. برای افرادی که در اثر این تحریم‌ها و فشارها دچار فقر غذایی می‌شوند سبد غذا تأمین می‌کنیم و برنامه‌ای داریم که این دهک‌ها غذای خود را به قیمت روز هزینه کنند و خوراک آنها به این صورت دستخوش تحریم نشود.»



تشکر بیرانوند از مقام معظم رهبری



خوشحالی وزیر جوان از بازنشسته شدن پیرمرد



نمایی از فیلم جدید نمکی



به یاد ۱۱ مدافع وطن



خدا حافظی امیری از پرسپولیس



سه شنبه

از ابتدای ذی القعدة خصوصاً دهه مبارک کرامت، حرم مطهر رضوی حال و هوای خاصی به خود گرفته و در آستانه میلاد باسعادت هشتمین اختر تابناک آسمان امامت و ولایت، حضرت علی ابن موسی الرضا (ع) زائران و علاقه‌مندان از شهرهای مختلف خود را به مشهد مقدس رسانده تا میلاد آن حضرت را باشکوه و پرشورتر از سال‌های قبل جشن بگیرند. این عکس زیبا را خبرگزاری فارس به همین مناسبت منتشر کرده است و ما آن را به عنوان عکس روز انتخاب کردیم. مستند «شرقی» زندگینامه‌ای از پروفیسور ایزوتسو اندیشمند، فیلسوف، اسلام‌شناس و قرآن‌پژوه ژاپنی، در سالن هیراتسو توکیو با حضور علاقه‌مندان برگزار شد. در این مراسم حجت‌الاسلام والمسلمین محمد رضا حشمتی، مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و فرستاده ویژه وزیر ارشاد با ابلاغ پیام صمیمانه ارادت و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دکتر سید عباس صالحی عنوان کرد که دولت و ملت ایران برای ایزوتسو احترام فراوانی قائل است و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سعی کرد در حد وسیع خود از این فیلم حمایت کند. میانگین مصرف بنزین کل کشور در تیرماه امسال ۹۱ میلیون و ۷۰۰ هزار لیتر اعلام شده است که این رقم در مقایسه با مدت مشابه پارسال ۵/۸ درصد رشد نشان می‌دهد. مقدار مصرف بنزین کل کشور در تیرماه ۹۷ مربوط به یکم تیرماه با رقم روزانه ۷۶ میلیون لیتر اعلام شد. میانگین مصرف روزانه بنزین کشور از ابتدای امسال ۸۶ میلیون و ۸۰۰ هزار لیتر بوده که نسبت به مدت مشابه پارسال با رقم روزانه ۷۹ میلیون و ۲۰۰ هزار لیتر ۹/۶ درصد رشد داشته است. این گزارش نشان می‌دهد مجموع مصرف بنزین کل کشور در تیرماه امسال دو میلیارد و ۸۴۰ میلیون لیتر بنزین بوده است. پیش از این گفته می‌شد که دلیل این افزایش، سفرهای برون‌شهری تابستانی، استفاده از کول‌خودروها به دلیل گرمای هوا و سفر به نقاط سردسیر است.

چهارشنبه

علیرضا جهانبخش که بعد از درخشش خیره‌کننده در آلکمار به عنوان آقای گلی و سومین پاسور برتر لیگ اردیوبسه رسید، با پیشنهادات خوبی مواجه شد و در نهایت تصمیم گرفته راهی برایتون انگلیس شود تا در شرایط جدید و لیگ معتبرتری کارش را پیش ببرد. این ستاره ملی پوش ایرانی که دو سال دیگر با باشگاه آلکمار قرارداد داشت، از پاریس به انگلیس سفر کرد تا شایعات حضورش در برایتون را جدی‌تر از قبل کند و بعد از آن تست‌های پزشکی این باشگاه را با موفقیت پشت سر گذاشت تا مراحل مقدماتی انتقال خود را نهایی کرده باشد. بعد از تست‌های پزشکی، باشگاه برایتون انگلیس با انتشاری عکس و کلیپی از ستاره ایرانی در پیراهن این تیم تأیید کرد که با علیرضا جهانبخش قراردادی پنج‌ساله امضاء کرده‌اند که گفته می‌شود رقم این انتقال ۱۷ میلیون پوند است. هاتن سرمربی برایتون پس از نهایی شدن این انتقال به سایت رسمی باشگاه برایتون گفت: «خوشحالم که می‌تونیم ورود به باشگاه را به علیرضا خوشامد بگوییم و به ویژه خوشحالم که این انتقال را به سرانجام رساندیم. علی بازیکنی است که چند سالی بود اوازیر نظر داشتیم و از او شناخت داریم و توانایی‌های متعدد او گزینه‌های هجومی درون تیم مان را افزایش خواهد داد. اومی توانست در جناحین یا به عنوان هافبک هجومی بازی کند و من بسیار زیاد مشتاق کار کردن با او هستم.»

پیش از این فوتبال ایران چند لژیونر دیگر هم در لیگ برتر فوتبال انگلستان داشت، کریم باقری مدتی را در تیم چارلتون یونایتد بازی کرد، آندرانیک تیموریان فصل موفق‌تری را در تیم بولتون داشت و توانست نگاه‌ها را به خود جلب کند، اشکان دژآگه هم فصل بسیار خوبی را زیر نظر فلیکس ماگت در فولام داشت، حالاً نوبت علی رضا جهانبخش است که در یکی از جذاب‌ترین لیگ‌های دنیا همه ما را هوادار برایتون کند.



درغم حاج آقا مرتضی

درگذشت استاد اخلاق و عالم برجسته



حاج آقا مرتضی تهرانی فرزند ارشد آیت الله میرزا عبدالعلی تهرانی از علمای تراز اول تهران و برادر بزرگ تر آیت الله مجتبی تهرانی بود. ایشان درس را پای بحث پدر شروع کرد و در ادامه در مشهد و بعد از آن در قم سر کلاس دروس فقهی آیت الله العظمی بروجرودی (ره) و امام خمینی (ره) حاضر می شد. هنگام عزیمت ایشان به قم، با وجود آنکه پدر بزرگوارشان با عموم مراجع وقت مراوده داشت اما به او، پیوند خاص با حاج آقا روح الله را توصیه کرده بود. ایشان یک دوره اسفار اربعه را محضر علامه طباطبائی خواند و همراه با امام مبارزات انقلابی را شروع کرد. حاج آقا مرتضی در طول سالیان اقامت در قم همپای دوست صمیمی اش مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی از خوان حکمت، معرفت و اخلاق امام خمینی بهره می برد. در این میان انس و محبت متقابل بین حاج آقا مرتضی و

حضرت امام خمینی فراتر از استاد و شاگردی بود تا آنجا که حتی در برخی تابستان ها که امام در روستای امامزاده قاسم تهران مستقر می شدند، حاج آقا مرتضی از بیشترین انس و مجالست با مراد محبوب خود برخوردار بود و گاهی با اشاره امام به طور شبانه روز در محضر معظم له ماندگار می شد. عشق و علاقه به امام، حاج آقا مرتضی را در نیمه دوم دهه ۴۰ نیز به نجف اشرف کشاند و ایشان از جمله شاگردان دروس «ولایت فقیه» امام خمینی در حوزه نجف بود. آیت الله میرزا عبدالعلی تهرانی، امام جماعت مسجد بزرگ «میرزاموسی بازار» بودند که پس از کسالت وصیت کرد آیت الله مرتضی تهرانی، فرزند بزرگ ایشان مسئولیت مسجد را بر عهده بگیرد. مسجد میرزاموسی اما صرفاً محلی برای اقامه نماز جماعت نبود، بلکه کلاس های فقهی و اصولی آیت الله

«با تأثر و تأسف اطلاع یافتیم که عالم ربانی و معلم اخلاق آیت الله آقای حاج آقا مرتضی تهرانی رحمه الله علیه دار فانی را وداع گفته و ان شاء الله به مأمن رضای الهی در جوار مرقد حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام بار یافته اند. عمر بابرکت این فقیه عالیقدر و سالک الی الله سرشار از نورانیت و صفا و خدمت به دین و اخلاق بود و جمع زیادی از جوانان پاک نهاد و فاضل از سرچشمه فضایل علمی و اخلاقی ایشان بهره مند گشته و در صراط مستقیم ثبات یافته اند.

این مصیبت را به خاندان گرامی و فرزندان محترم و دیگر وابستگان و به شاگردان و ارادتمندان ایشان صمیمانه تسلیت عرض می کنم و علو درجات ایشان را از خداوند متعال مسئلت می نمایم. سیدعلی خامنه ای»

مرتضی تهرانی برای شاگردانش، جلسات اخلاق برای عموم مردم و مراجعات مردمی و پاسخگویی ایشان در مسجد انجام می شد. آیت الله مرتضی تهرانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سیاست کناره گرفت و از پذیرش پست حکومتی امتناع کرد، اما با این حال ایشان همواره به عنوان عالمی سیاسی شناخته می شد. حضور آیت الله ری شهری و حجت الاسلام والمسلمین محمدحسن رحیمیان در جلسات ایشان نشان دهنده این موضوع است. کلاس های اخلاق ایشان تا همین اواخر در حسینیه زیرزمین منزل شان برقرار بود و تهرانی ها از بحث های اخلاقی ایشان بهره می بردند، اما از او اسط هفته، بیماری ایشان شدت گرفت و دار فانی را وداع گفت. پیکر آیت الله حاج آقا مرتضی تهرانی در میان جمعیت باشکوهی تشییع شد. در ابتدای این مراسم حجت الاسلام عبدالعلی تهرانی - پسر بزرگ وی - بنا به وصیت پدر به اقامه نماز میت پرداخت و بعد از آن میثم مطیعی به قرائت زیارت عاشورا و مداحی پرداخت. آیت الله تهرانی مزاری در کر بلا خرداری و وصیت کرده بود پیکرش در کر بلائی معلی دفن شود، به همین دلیل پیکر ابن عالم ربانی برای خاکسپاری به عتبات منتقل شد.

مرگ فیلسوف

محمدعلی مرادی درگذشت

خبر درگذشت دکتر محمدعلی مرادی، دانش آموخته دکترای فلسفه از دانشگاه برلین جامعه علمی و فلسفی، کشور را در بهت و اندوه فرو برد. مرادی در طول زندگی ۵۹ ساله خود فراز و فرودهای بسیاری را پشت سر گذاشت. در جوانی به تعبیر خودش مارکس جوان بود و در انقلاب فعال بود و به زندان رفت و سپس به آلمان سفر کرد تا جامعه شناسی و فلسفه بخواند و در آنجا با تفکر فلسفی غرب و به ویژه ایده آلیسم آلمانی مواجهه جدی پیدا کرد. پس از بازگشت به ایران به مطالعه و تحقیق و تدریس فلسفه پرداخت. او که زن و فرزندی نداشت، خودش را وقف آموزش و پژوهش فلسفه به ویژه برای جوانان دوستدار دانش کرده بود. محمدعلی مرادی دانش آموخته فلسفه، جامعه شناسی و اسلام شناسی از دانشگاه برلین بود. پایان نامه او در مقطع کارشناسی ارشد فلسفه «مفهوم در

آلمانی به ویژه از کانت تا هگل بود. هرچند از وی تاکنون کتابی منتشر نشده است، اما هم از طریق فضای مجازی و هم از طریق مصاحبه و یادداشت در مجلات و نشریات مختلف در حوزه های مختلف از فلسفه ایده آلیسم آلمانی گرفته تا نقد روشنفکری ایرانی و کلاس های خوانش متون کلاسیک حضور داشت. یا گرچه در سال های اخیر در دانشگاه تدریس رسمی نداشت، اما کارگاه های آزاد و مشاوره های علمی وی به پایان نامه های دانشجویی برای دانشجویان علوم انسانی و اجتماعی تأثیرگذار بود. مرادی منتظر نماند تا اولین کتاب او منتشر شود. کتاب «اتمسفر زاینده رود» از سری پژوهش های انجام شده با حمایت پژوهشگاه مردم شناسی است که توسط مرحوم محمدعلی مرادی انجام یافته در قالب سری کتاب های میراث «آب، میراث فرهنگی و اخلاق زیست محیطی» توسط پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری منتشر خواهد شد. پژوهش یادشده که به نوعی بازخوانی تاریخ فرهنگ از خلال آب و میراث آن در بستر زاینده رود است، به تعریف جایگاه تمدنی، زیست محیطی و فرهنگی آب در ایران می پردازد.

سنجش خرد ناب» و در مقطع دکترا «آگاهی و خود آگاهی نزد فیثیشته اغارین (۱۷۷۴)» بود. او چندی پیش درباره نگاه خود به فلسفه گفته بود: «فلسفه با اندیشه تفاوت دارد. اندیشه طرح پرسش مداوم است. فلسفه مادر حال حاضر توان این را ندارد که مشکلات و تجارب اجتماعی ما را در ساخت مفهوم بیاورد. عمق بحران ها را فهمیدن مهم است. بحران های سیاسی ریشه در مشکل آگاهی در ما دارد. مفهومی بحث کردن و صحبت کردن بسیار مهم است. برای این منظور باید پایه های تمدن فعلی را بشناسیم. پایه های تمدن فعلی یعنی کانت، هگل و هایدگر. ارتباط بین خرد و طبیعت بسیار مهم است. زمانی می توانیم گفت و گو کنیم تا به ارتباط بین این دو توجه کنیم.» او پژوهشگر و مدرس در حوزه فلسفه ایده آلیسم



پشت دیوار سامری

رونمایی از یک اثر درباره مقاومت در فلسطین

داده‌اند و استقامت و ایستادگی را تنها راه موفقیت و به ثمر رساندن این مسیر تا آن‌شاءالله بایز گیری سرزمین قدس می‌دانند. این کودک نیز به همین منظور در تابلو نقاشی «پشت دیوار سامری» نقش بسته و نمادی از ادامه مقاومت و ایستادگی مردم مسلمان فلسطین است. رنگ انتخابی نقاشی این کودک کاملاً متفاوت از دیگر شخصیت‌های حاضر در اثر است.»

سیدمسعود شجاعی طباطبایی، مدیر مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری درباره این اثر گفته است: «آقای محسن چخماقی از جمله هنرمندانی است که عنوان رویش‌های انقلاب را می‌توان یکی از بهترین تعبیرها برای ایشان دانست. ایشان در اثر جدید خود که در ارتباط با دیوار ندبه است، از این زاویه به موضوع نگاه کرده که این دیوار که دیواری مقدس برای یهودیان است، در جایی قرار گرفته که متعلق به مردم ستمدیده و رانده شده فلسطین است که سرزمین‌شان اشغال شده است. آقای چخماقی در این اثر سراغ نمایش درونیات صهیونیست‌ها رفته و به نوعی ماهیت کودک‌کش آنها را نشان داده است؛ کسانی که ما هر روز شاهد رفتار وحشیانه آنها در مواجهه با مردم و کودکان مظلوم فلسطینی هستیم، بنابراین تابلوی «پشت دیوار سامری» در واقع در پی ارائه یک پیام مهم درباره این موضوع به شکلی خلاصانه و از طریق نمادهاست.»

حواس‌ها از موضوع فلسطین پرت شود؛ موضوعی که هم از نگاه امام‌خمینی (ره) و هم به گفته رهبر انقلاب مهم‌ترین مسأله جهان اسلام است، این مسأله‌ای است که باید هم در جهان سیاست پیگیری شود، هم از جنبه نظامی و از طرف هنرمندان به آن پرداخته شود که از یادها نرود.» او درباره این مسأله که تابلوی او چه چیزی را نشان می‌دهد هم گفت: «این نقاشی یک دیوار براق یا به قول یهودی‌ها یک دیوار ندبه را نشان می‌دهد که تعدادی یهودی صهیونیست آنجا در ظاهر مشغول دعا خواندن و عبادت هستند، ولی در باطن به قصد اینکه این سرزمین یعنی سرزمین قدس را تصرف کنند آنجا حاضرند. در این تابلو نو جوانی وجود دارد که چفیه بسته و مصمم و محکم سنگ به دست دارد و روبه‌روی صهیونیست‌ها ایستاده است؛ این نو جوان نماد همه جوانان و نو جوانانی است که با وجود اینکه ۷۰ سال از غصب سرزمین‌شان گذشته همان انرژی و توان نیاکان و حتی بیشتر از آن را از خود نشان

نقاشی «پشت دیوار سامری» اثری از محسن چخماقی در حمایت از مقاومت مردم مظلوم سرزمین‌های اشغالی فلسطین، در نگاه‌خانه مرکز تجسمی حوزه هنری در معرض دید عموم قرار گرفت. این نقاشی با حضور آقای محسن چخماقی، خالق این اثر، آقای سیدمسعود شجاعی طباطبایی، مدیر مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری و جمعی از هنرمندان و هنردوستان رونمایی شد. چخماقی در آیین رونمایی از تازه‌ترین اثر خود با موضوع فلسطین گفت: «مسأله فلسطین از کودکی دغدغه من بود و تا امروز این دغدغه با من همراه است. در تمام فصول زندگی شخصی همواره به فلسطین به خصوص کودکان آن فکر می‌کردم. همچنین سوال‌هایی در مورد فلسطین در ذهن داشتم و دارم. یکی از این سوال‌ها چرایی تأکید امام‌خمینی (ره) بر مسأله فلسطین و دغدغه‌مندی رهبری بر این موضوع است. درست است که خیلی از مشکلات و دغدغه‌ها هم در داخل کشور و هم در جهان اسلام وجود دارد، ولی نباید

طراحی با عشق

سوخته نگاری با القاب امام‌رضا (ع)

تسهیل در کار می‌شود. زمانی که ما دوستدار اهل بیت باشیم سبک زندگی‌مان اصلاح و مشکلات‌مان رفع می‌شود، همان‌طور که من تاکنون کرامات بسیاری از آل‌الله دیده‌ام و بارها مشکلات زندگی‌ام را با حب این خاندان پشت سر گذاشته‌ام. نداف درباره اثری با عنوان «معین الضعفا» گفت: «من در خلق این اثر کلمه «ضعیف» را طوری نوشتم که در «معین» پیچیده شده باشد. عین معین را به صورت دودستی کشیدم که ضعفا را در بر بگیرد. تذهیب‌های این تابلو را همسرم انجام داده است. وی درباره اثری با عنوان «السلطان» عنوان کرد: «این نقش را به شکل یک پرنده کشیده‌ام که عبارت «لااله الا الله» در آن نهفته شده است. داخل کلمه «سلطان» نور است و بیرون آن تاریکی، یعنی نور فقط در اهل بیت است و هرچه عاری از آنها باشد در ظلمات است. این هنرمند آیینی درباره خلق اثر دیگری به نام «معین الضعفا» گفت: «دور این عبارت پنجره فولاد را کشیده‌ام که دخیل امید و آرزوهای ما به آن است. وی درباره تابلوی «رضا المرتضی» گفت: «این عبارت را با سادگی تمام نقش بستم. شکل آن شبیه قلب و نشان‌دهنده محبت قلبی ما به اهل بیت است.»

حجت‌الاسلام سیدعبدالله حسینی، مشاور دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در مراسم رونمایی از این تابلوها گفت: «این تابلوها با عشق امام‌رضا (ع) آمیخته شده است و در مقایسه با سایر آثار آقای نداف پختگی بیشتری دارد. هنرمندان به نسبت سایر افراد الهامات بیشتری از جانب پروردگار دارند و به خاطر دل پاک و روح شفاف از این موهبت برخوردارند. محرم سال گذشته در منزل برادر استاد فرشچیان هیأت برگزار شد. زمانی که من می‌خواستم به این هیأت بروم آقای نداف نیز به همراه من آمد و یک‌نی را که خودش ساخته بود به استاد فرشچیان هدیه داد. زمانی که استاد فرشچیان با آن نگاه تیزبین و هنرمندانه‌اش آثار آقای نداف را دید از آنها تمجید کرد.» مرتضی نداف، هنرمند آیینی ضمن دکلمه شعری درباره امام‌رضا (ع) گفت: «عشق به اهل بیت موجب

هشت تابلوی خط‌نگاری از آثار مرتضی نداف هنرمند آیینی طی مراسمی در خبرگزاری تسنیم رونمایی شد. این تابلوهای سوخته‌نگاری با القاب امام‌رضا (ع) طراحی شده است. در این مراسم شخصیت‌هایی همچون حجت‌الاسلام سیدعبدالله حسینی مشاور دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، بهروز بنیادی عضو کمیسیون سلامت مجلس شورای اسلامی، سیدمحمد دستغیب رئیس انجمن‌های دوستی ایران با سایر ملل و عرفان شرقی خواننده آیینی حضور داشتند. سوخته‌نگاری از هنرهای سنتی ایران زمین که با همت هنرمندان معاصر احیا شده است، در سوخته‌نگاری از سه رنگ اصلی سوخته و قهوه‌ای و طلایی استفاده می‌شود و طیف‌های مختلفی که از این سه رنگ به وجود می‌آید، تعیین‌کننده زیبایی اثر خواهد بود.

تکثیر جدیدی

در نقد رفتار سلبریتی‌ها در زمان عبادت از استاد مشایخی

عباس جدیدی را یادتان هست؟ برای عبادت مرحوم منصور پورحیدری به بیمارستان رفته بود که یک لحظه، دوربین تلفن همراهش یک فلاش اضافی زد تا دچار یک هجمه همه‌جانبه نشود. برای او طنزهای بسیاری ساخته شد، همه این کار را تکیه می‌کردند که چرا وقتی قرار است برای عبادت بیمار به بیمارستان بروید، از این عمل که باید نبینی خیر در درون خود داشته باشی، این گونه استفاده‌ای منفی می‌شود برای جلب محبوبیت یا آن گونه که این روزها مرسوم است، برای گرفتن لایک و کامنت در فضای مجازی... همه به عباس جدیدی اعتراض کردند که وقتی یک بیمار در بستر بیماری است، بهتر است به شرایطی که می‌تواند به بهبودی او کمک کند، احترام گذاشت و از آن بالاتر این که مدیریت تصویر ذهنی را به خود افراد واگذار کند، یعنی بیمار به طور طبیعی از نظر ظاهری در شرایط مطلوبی نیست که در یک کلمه اوضاعش ایده‌آل نیست، شاید او نخواهد مردم او را در این شرایط ببینند...

عباس جدیدی بابت آن عکس‌ها بسیار بیشتر از آنچه مستحق آن بود، شماتت شنید اما خب این روزها عباس جدیدی تکثیر شده است. حضور استاد جمشید مشایخی در بیمارستان، باعث عیان شدن دوباره پدیده‌ای مرسوم در میان آدم‌های مشهور یا آن طور که مرسوم است، سلبریتی‌ها در ایران شد. آنها بسیار عکس دوست دارند و حتی در بالین یک بیمار که به طور طبیعی باید بیشتر از هر جای دیگری مواظب چینی نازک خلوت و آرامش او که در جهت درمان و بهبودی چیده شده، باشند اما چیزی که در عمل رخ داده، غیر از این است. اگر به صفحات اجتماعی

غیرمستقیم از این عکس گرفتن‌ها انتقاد می‌کند: «پدر من همیشه برای میهمان احترام قائل است و مقید به ظاهری آراسته در برخورد با دیگران است. او همیشه معروف بوده به خوش لباسی و آراستگی. اطمینان دارم خود او هم دوست ندارد که دیگران او را در این شرایط ببینند. برای من جمشید مشایخی پیش از اینکه بازیگر باشد پدر است و قلباً از دیدن این تصاویر ناراحت هستم. نکته تلخ این عکس نگاه پدرم به چشم‌های ملاقات کنندگانش است، در حالی که چشم آنها به دوربین دوخته شده است. اگر دوستش دارید عکس را بگیرید و به یادگار برای خودتان نگه دارید. چه لزومی دارد آن را بازنشر کنید.» سام مشایخی البته در یک مصاحبه تکمیلی از هنرمندان خواسته است که عبادت از استاد را قطع نکنند که این عبادت‌ها باعث بالارفتن روحیه او می‌شود. خلاصه اینکه وقتی به دیدار بیمار می‌روید، عکاس با خودتان نبرید که با هیچ معیاری پذیرفتنی نیست.

بازیگران سینما و تلویزیون سری بزنید، عکس‌های زیادی از چهره‌ها را می‌بینید؛ همه در وضعیت نه‌چندان مناسب استاد. سلبریتی‌ها از همین احوال ناخوش ایشان هم نگذشته‌اند و برای این که خودی نشان دهند و از موج عقب نیفتند، در عکس گرفتن با استاد بیمار، کم نگذاشته‌اند. آن قدر این مساله تکرار شد که بازنشر این عکس یادگاری و تصویر تکیه بازیگر پیشکسوت سینما روی تخت بیمارستان و نگاه پرمهر و شاید متعجب او به صورت ملاقات کنندگان بلافاصله با انتقاد در فضای مجازی همراه شد. حتی فرزند استاد مشایخی هم در مصاحبه‌ای به طور



پرداختی بیمه، نزد خود نگه دارد. «روبرت ویس» دلال آثار تاریخی به همراه شریکش «سم فاگ» این نقش برجسته را از شرکت بیمه خریداری کردند.

روبرت ویس، فروشنده شناخته شده آثار باستانی در لندن و شریک او سم فاگ، ابتدا ادعا کردند که در یک اقدام قانونی سرباز هخامنشی ایران را از شرکت بیمه موزه هنرهای زیبای مونترال به دست آورده‌اند اما پس از ارائه یک جدول زمانی دقیق توسط محققان، مشخص شد که این قطعه از ایران به سرعت رفته و دلالان آثار باستانی نیز قبول کردند که اثر را برای استرداد به ایران تحویل مقامات قضایی آمریکا بدهند. نیویورک تایمز اعلام کرده است مبلغی که برای ارزش دلاری سرباز هخامنشی جدا شده از دیواره تخت جمشید با ۲۰ سانتی متر طول و ۲۰ سانتی متر عرض برآورد شده است، یک میلیون و ۲۰۰ هزار دلار است که حراجی منتهی با اقدام به موقع ایران در جلوگیری از فروش این اثر، نتوانست آن را به حراج بگذارد.

طبق تصمیمی که دادگاه نیویورک گرفته است، این کتیبه باید به ایران عودت داده شود و هنوز زمان بازگشت اثر به ایران اعلام نشده است. ابراهیم شقاقی، مدیرکل امور حقوقی و املاک سازمان میراث فرهنگی ضمن اعلام اینکه این حکم غیرقابل اعتراض است، در پاسخ به این پرسش که در وضعیت کنونی سیاسی دو کشور ایران و آمریکا، چطور امکان بازگشت این اثر تاریخی به ایران وجود دارد، به خبرگزاری ایسنا گفت: «تحریم‌ها به مباحث فرهنگی-تاریخی بین کشورها ربطی ندارد، از سوی دیگر حکم دادگاه پشت آن است. همچنین رای دادگاه عالی برای اجرای حکم قطعی است و قابلیت تجدیدنظر در دیوان عالی کشور آمریکا را ندارد.»

یک اثر تاریخی به ایران بازمی‌گردد



تخت جمشید سرقت و در سال ۱۹۳۶ از تهران خارج شده بود. این اثر در دهه ۱۹۵۰ میلادی به موزه هنرهای زیبای مونترال اهدا شده و از آن زمان تا سال ۲۰۱۱ در این موزه به نمایش گذاشته می‌شد؛ تا اینکه همراه با یک مجسمه مرمرین رومی (که هنوز پیدا نشده) از این موزه به سرعت رفت. مقامات کانادایی موفق شدند این نقش برجسته را در میان آثار یک مجموعه‌دار در ادمونتون کشف کنند اما از آنجا که مسئولان موزه هنرهای زیبای مونترال هزینه این اثر را از شرکت بیمه دریافت کرده بودند، به این بیمه‌گذار اجازه دادند این اثر تاریخی را به جای بازگرداندن هزینه

سرباز میلیون دلاری

سرباز هخامنشی به کشور بازمی‌گردد. دادگاه عالی نیویورک در حکمی اعلام کرد نقش برجسته پارسی که قدمت آن به حدود ۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح بازمی‌گردد باید به ایران عودت داده شود. این نقش برجسته بیش از ۸۰ سال پیش به شکل غیرقانونی از ایران خارج شده است. این خبر که توسط نیویورک تایمز منتشر شده با اشاره به قدمت اثر نوشت: «این اثر ۲۵۰۰ ساله در ماه اکتبر و در حالی که در یک نمایشگاه هنری در نیویورک به فروش گذاشته شده بود، از سوی دفتر دادستان منطقه منتهن نیویورک مصادره شد.»

نقش برجسته‌ای که امروز مسئولان میراث فرهنگی، دادگاه آمریکا و رسانه‌های ایرانی آن را به نام «سرباز هخامنشی» می‌نامند، اثری ارزشمند و نفیس در ابعاد ۲۰ در ۲۰ سانتی متری است که بخشی از صف طولانی سربازان حکاکی شده در ساختمان اصلی محوطه تخت جمشید را نشان می‌دهد. محوطه‌ای باستانی که قدمت آن به دوره هخامنشی و اولین امپراتوری ایران برمی‌گردد و متخصصان معتقدند بین سال‌های ۵۵۰ تا ۳۳۰ قبل از میلاد و زمانی که پرسپولیس مورد هجوم اسکندر قرار گرفته، ایجاد شده است. ماجرا به پیش از انقلاب بازمی‌گردد. سر یکی از محافظان تخت جمشید در دهه ۳۰ میلادی از پلکان‌های

خداحافظی با نژادپرست‌ها

مسوت اوزیل از تیم ملی آلمان کناره‌گیری کرد



«زمان پیروزی یک آلمانی ام اما زمان باخت یک مهاجر. حس می‌کنم کسی من را نمی‌خواهد و تمام افتخاراتی که از ۲۰۰۹ با این تیم به دست آورده‌ام، فراموش شده است.» این شاید مهمترین بخش از بیانی‌ه مسوت اوزیل باشد؛ بازیکتی که روزهای پر از جنجالش قبل از جام جهانی و از همان روزی که با رئیس‌جمهور ترکیه عکس یادگاری انداخت تا پس از شکست در جام جهانی و حذف زودهنگام تیم ملی آلمان، فشار روی این هافبک با اصلیت ترکیه‌ای بسیار زیاد بود، آن قدر زیاد که آخر کار تصمیم به خداحافظی گرفت. او سه نامه سرگشاده در اختیار رسانه‌ها گذاشت که آخرین آنها درباره کناره‌گیری‌اش از تیم ملی آلمان بود و دلیل آن را نژادپرستی و بی‌احترامی نسبت به خودش عنوان کرد. او گفت خود و خانواده‌اش ایمیل‌های نفرت‌انگیز و تماس‌های تلفنی تهدیدآمیز دریافت کردند و رسانه‌های اجتماعی مورد توهین و تحقیر قرار گرفتند.

آیا این بیانی‌ه‌ها یک جدایی ابدی است؟ آیا او باز خواهد گشت؟ اوزیل از سال ۲۰۰۹ یعنی در ۲۱ سالگی به تیم ملی آلمان پیوست. در جام جهانی ۲۰۱۰ به همراه این تیم سوم جهان شد و توانست جایگزینی خوب و غیرمنتظره برای بالاک باشد. از بازیکنان موثر در قهرمانی آلمان در جام جهانی ۲۰۱۴ به شمار می‌رفت و در مجموع ۹۲ بازی ملی، ۲۳ گل و ۴۰ پاس گل در کارنامه دارد. مسوت اوزیل برای طرفداران آلمان بازیکن دوست‌داشتنی از نسلی بود که مانسافت را دوباره به اوج بازگرداندند و البته تفاوت زیادی با گذشته‌های پیشین این تیم داشتند. اوزیل مثل همه کسانی که زمانی افت می‌کنند اما بعد از مدتی قوی‌تر برمی‌گردند، می‌توانست چنین شانس‌ی داشته باشد اما برای تماس‌های این ستاره حالا باید تنها به لیگ جزیره نگاه کرد.

نژادپرست‌ها

شروع ماجرا از دیدار با اردوغان شروع شد. اوزیل و ایلکای گوندوغان چند روز پیش از آغاز جام جهانی با اردوغان دیدار کرده بودند و عکس‌هایی که از این دیدار منتشر شده بود، واکنش‌های تند را در آلمان به همراه داشت. حتی افرادی مانند البور بیرهوف و اوتمار هیتسفیلد اعلام کردند که این دو بازیکن نباید در رقابت‌های جام

همیشه همه چیز را برای هم تیمی‌ها، مربیان و مردم خوب آلمان می‌گذاشتم اما وقتی مقامات فدراسیون فوتبال آلمان چنین رفتاری می‌کنند و به ریشه من بی‌احترامی و خودخواهانه من را درگیر پروپاگاندا سیاسی می‌کنند، نمی‌توانم تحمل کنم. نژادپرستی هرگز و هرگز نباید پذیرفته شود.»

این بیانی‌ه در حالی نوشته شده است که در آلمان حدود ۳ میلیون نفر با ریشه ترک زندگی می‌کنند. آلمان و ترکیه به دنبال کسب میزبانی یورو ۲۰۲۴ هستند و یوفا در نشست اوایل مهرماه خود یکی را انتخاب می‌کند.

واکنش‌ها

فدراسیون آلمان که در این بیانی‌ه‌ها به عنوان متهم ردیف اول آمده است در واکنش نوشت به احترام این بازیکن پاسخ تناقضات در صحبت‌هایش را نخواهد داد. در بیانی‌ه این فدراسیون آمده است: «تصاویری از ملاقات مسوت اوزیل با اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه منتشر شده که در جامعه آلمان باعث مطرح شدن سوالاتی شده است اما ما از اینکه که مسوت اوزیل احساس کرده که به اندازه کافی در برابر شعارهای نژادپرستانه محافظت نشده متأسفیم اما این اتفاق یک بار هم برای ژرمن پواتنگ رخ داده بود. اما صرف نظر از نتایج تیم ملی در جام جهانی کاش همانند ایلکای گوندوغان، مسوت اوزیل نیز یک بار به ابهامات پاسخ می‌داد. اگر مسوت اوزیل در تیم ملی باقی می‌ماند فدراسیون فوتبال آلمان خوشحال می‌شد اما او تصمیم دیگری گرفته است و همچنین ما از پاسخ دادن به بیانی‌ه‌هایی که از نظر محتوا پر از تناقض بود به نشانه احترام به مسوت اوزیل صرف نظر می‌کنیم. فدراسیون فوتبال آلمان به شدت با نژادپرستی مخالف بوده و ما سال‌هاست در حال تلاش برای جلوگیری از این موضوع و پیاده کردن یکپارچه‌سازی در تیم ملی بوده‌ایم.»

تندترین واکنش به خداحافظی را اما اولی هونیس مدیر بایرن مونیخ داشت که گفت: «خوشحالم که دوران حضور او در تیم ملی تمام شد. او سال‌ها بود که مزخرف بازی می‌کرد. آخرین دولتی که او در آن برنده شده بود به قبل از جام جهانی ۲۰۱۴ برمی‌گردد. حالا هم خودش و عملکرد بسیار ضعیفش را پشت آن عکس مخفی می‌کند. هیچ کس نمی‌گوید که او در جام جهانی چقدر مزخرف بازی کرد. ۳۵ میلیون دنبال کننده کم سن و سال او در شبکه‌های اجتماعی که البته خیلی‌هایشان واقعی نیستند اگر او در یک بازی تنها یک ساتر سالم کرده باشد می‌گویند اوزیل معرکه بازی کرده است.»

اوزیل اسامه مدافعانی هم دارد، کاترینا بارلی وزیر دادگستری سوسیال دموکرات آلمان در توییتر نوشت: «هشداردهنده است که یک فوتبالیست بزرگ مثل مسعود اوزیل احساس می‌کند کشورش دیگر نیازی به او ندارد و به دلیل نژادپرستی موجود در فدراسیون فوتبال آلمان کناره‌گیری می‌کند.»

جم اوزدمیر، سیاستمدار آلمانی که اصالتاً ترک است، عکس اوزیل با اردوغان را کاری غلط و توضیحاتش را ناکافی دانست اما اضافه کرد: «روش مدیریت فدراسیون فوتبال فاجعه‌بار بوده. گریندل تمام تاریخ همبستگی ما را از بین برده است. آیا آنها می‌خواهند جوان‌های آلمانی-ترک طرفدار اردوغان شوند؟ فدراسیون به یک شروع تازه نیاز دارد.»

آنگالامرکل، صدراعظم آلمان از همه خواست تا به تصمیم اوزیل احترام بگذارند. او در همین رابطه گفت: «مسوت اوزیل فوتبالیست فوق‌العاده‌ای است و خدمات زیادی برای تیم ملی آلمان انجام داد. معتقدم اکنون که تصمیم به خداحافظی گرفته، همه باید به تصمیم او احترام بگذاریم.»

جهانی برای آلمان به میدان بروند. اوزیل این حمله را آن قدر آزاردهنده دانست که بیانی‌ه طولانی خود را این گونه شروع کرد: «آنچه بیش از همه مرا آزار داد، رفتار فدراسیون فوتبال آلمان و در رأس آن، راینهارد گریندل (رئیس فدراسیون) بود. بعد از عکس با اردوغان، یواخیم لوو از من خواست تعطیلات را کوتاه کنم و به برلین بیایم تا بیانی‌ه‌ای مشترک بدهیم و سوء تفاهم‌ها را برطرف کنیم. می‌خواستم به گریندل توضیح دهم پیشینه و نیاکان من، دلیل دیدار با اردوغان بود، نه چیزی بیشتر اما او بیشتر علاقه داشت ماجرا را سیاسی و عقیده من را نادرست جلوه دهد. می‌دانستم خبرنگاران در مورد سیاست صحبت خواهند کرد، نه فوتبال. شاید دیدار من با اردوغان حس نژادپرستی برخی‌ها را بیدار کرد.»

مسوت اوزیل در این بیانی‌ه مصداق‌هایی از این نژادپرستی هم نشان می‌دهد: «آیا آلمانی نیستیم؟ آیا شرایط خاصی برای آلمانی بودن وجود دارد که من ندارم؟ دوستان من لوکاس پودولسکی و میرو کلوze هرگز آلمانی-لهستانی خطاب نمی‌شوند پس چرا من را آلمانی-ترک خطاب می‌کنند؟ ماجرا به خاطر ترکیه است؟ یا دین من، برای‌شان مشکل ساز است و با اسلام مشکل دارند؟ من متولد آلمان هستم و در آلمان تحصیل کرده‌ام پس چرا مردم نمی‌پذیرند یک آلمانی هستم؟ این افراد از عکس من با اردوغان استفاده کردند تا فرصتی برای بروز نژادپرستی خود که قبلاً مخفیانه بود، پیدا کنند و این برای جامعه خطرناک است. آنها هیچ فرقی با آن هوادار آلمانی ندارند که بعد از بازی با سوند به من گفت: اوزیل برو گم شو!»

انتهای بیانی‌ه اوزیل که در واقع نامه خداحافظی است با حمله دوباره به فدراسیون فوتبال آلمان تمام می‌شود و اتهام نژادپرستی به این فدراسیون: «حس می‌کنم کسی من را نمی‌خواهد و تمام افتخاراتی که از سال ۲۰۰۹ با این تیم به دست آورده‌ام، فراموش شده است. افراد با سابقه نژادپرستی، نباید اجازه پیدا کنند در فدراسیون فوتبال کشوری کار کنند که بیشترین دولیتی در جهان را دارد. با ناراحتی زیاد و به نظر داشتن اتفاقات اخیر، من دیگر برای تیم ملی آلمان بازی نخواهم کرد. عادت داشتم پیراهن تیم ملی آلمان را با افتخار و هیجان بپوشم اما حالا چنین حسی ندارم. این تصمیم به شدت برای من سخت بود زیرا

خدای متعال

مطالعاتی درباره ساختار و نشانه‌شناسی فلسفه اسلامی

اندیشه



از نظری، «الگوی خالق قرآنی» متضمن خدایی است که از هیچ می‌آفریند؛ در زمان تاریخی عمل می‌کند؛ در همین زمان مخلوقاتش را هدایت می‌کند؛ و به نحوی غیرمستقیم می‌توان به آن شناخت پیدا کرد. وی می‌کوشد نشان دهد که چگونه خدایی که از جمله کندی، فارابی، ابن‌سینا، اسماعیلیان، سهروردی و ابن‌عربی معرفی می‌کنند، با گذشت زمان، به طوری فزاینده از الگوی خالق قرآن «بیگانه» می‌شود. البته وی فیلسوفان اسلامی متأخری را که آرای‌شان با الگوی خالق قرآنی متفاوت یا بیگانه است «نامعتبر» یا «غیراسلامی» نمی‌داند، بلکه صرفاً به «متفاوت بودن» آنها حکم می‌کند.

بر این، اطلاعات مفصل و دقیق نویسنده از سنت‌های عقلانی موجود در دوران آغازین و نضج فلسفه اسلامی در حوزه‌های فرهنگی پیرامونی به کمک محققان فلسفه خواهد آمد.

انتخاب متفکرانی که در این کتاب از آنها بحث شده به اعتراف نویسنده تعمداً گزینشی بوده، زیرا وی در پی آن نبوده که این کتاب پژوهشی ترا-زمانی شامل کل زمینه‌های تاریخ فلسفه اسلامی باشد، با این حال نوعی بیگانگی فزاینده و «زمانی» را از پارادایم قرآنی آشکار ساخته است. وام‌گرفتن اصطلاحات نشانه‌شناسی با هدف شکل دادن به یک «نشانه» بوده است. این اثر همچنین فراخوانی است بر احیای کلی پژوهش درباره فلسفه اسلامی. این کار می‌توانست و در واقع باید در پرتو علوم انسانی مانند مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و زیررشته‌هایی مانند پژوهش درباره تاریخ تکون‌ات گفتاری انجام شود. اما مولف بنای آن را بر پایه و اساسی که در «مکتب آمریکای شمالی فلسفه اسلامی» استوار شده، نهاده‌پنه کرده است، همان کسانی که در بسیاری از پانوشته‌های این کتاب به تحقیقات درخشان فراوان‌شان استناد گردیده است.

کتاب «خدای متعال» مطالعاتی درباره ساختار و نشانه‌شناسی فلسفه، کلام و جهان‌شناسی اسلامی»، کوششی است برای بررسی و تحلیل مفهوم خدا نزد فیلسوفان و متکلمان اسلامی با استفاده از دیدگاه‌های مربوط به ساختارگرایی و نشانه‌شناسی ریچارد نتون، که از میان چهار تلقی عمده قرآنی، تمثیلی، عرفانی و نوافلاطونی درباره ذات خدا، به جنبه ناشناخته و مطلقاً متعال و نوافلاطونی خدا در مقام خالق توجه می‌کند.

این کتاب اثری قابل توجه است که در هفت فصل به بررسی تاریخ اندیشه در سنت عقلانی اسلام پیرامون مفهوم خدا، مساله فلسفی-عرفانی صدور و تبیین خلقت از دیدگاه قرآن می‌پردازد. اما باید در نظر داشت که این اندیشه خود ساحتی از تحقیق است که زمینه بررسی‌های بیشتر و دقیق‌تر را برای اهل فلسفه در عالم اسلامی می‌گشاید. اساساً هر تأمل فلسفی در جای خود قابل اعتناست و اعتنای به آن موجب حرکت و تداوم اندیشه می‌شود. این اثر خوانشی است از سنت عقلانی اسلامی در بافت مطالعات شرق‌شناسانه که میان نشانه‌شناسی و ساختارگرایی جدید با متون کلاسیک اسلامی به ایجاد تعامل می‌پردازد. افزون

زندگینامه

به بلندای آن ردا

رمانی درباره امام‌رضا(ع)



کتاب «به بلندای آن ردا» اثر سیدعلی شجاعی از سوی انتشارات نیستان منتشر شده است. «به بلندای آن ردا» در قالب یک اثر داستانی از چند منظر درخور اعتناست و در زمینه ادبی مرتبط با خود می‌تواند معرف اتفاقی تازه به‌شمار آمده و منشأ اتفاقاتی تازه در خلق داستان‌های تاریخی و دینی باشد. کتاب از یک اتفاق داستانی شروع می‌شود که پیش از این کمتر در منابع داستانی و تاریخی درباره آن سخنی به میان آمده است. نویسنده زاویه دیدی را برای کتاب برگزیده است که قبل از این یا سابقه نداشته یا کمتر سابقه داشته است. بر همین اساس، این اثر داستانی از نخستین سطرهای خود با روایت صحبت و مؤانست مأمون، خلیفه عباسی و معشوقه‌اش آغاز می‌شود. معشوقه در بستر بیماری است و مأمون را وادار می‌کند درباره اشتباهاتش از زمان آغاز ولایت عهدی تا شهادت امام‌رضا(ع) به او توضیح دهد. توجیهات مأمون در کنار سوال و جواب‌های معشوقه در ادامه داستان برای مخاطب اثر، محکمه‌ای را می‌گشاید که در آن مأمون در مقابل وجدان‌های بیدار به محاکمه کشیده می‌شود. از سوی دیگر، این کتاب برای نخستین بار از زاویه دید شقی‌ترین مرد در دوران زندگی امام‌رضا(ع) به شرح احوال و کرامات ایشان می‌پردازد و همین مساله روایت داستانی این کتاب را بسیار خواندنی‌تر از آثار مشابهی کرده که درصدد شرح زندگی امام‌رضا(ع) برآمده‌اند. می‌توان «به بلندای آن ردا» را یک تجربه استثنایی در خلق رمان دینی به‌شمار آورد که خوانش آن جدای از لذت بخش بودن، به صورتی فشرده سیری تاریخی از زندگی و سیره سیاسی و اجتماعی امام هشتم را با زاویه دیدی بدیع روایت می‌کند.

زندگینامه

سر دلبران

کتاب قاری مشهور مصری درباره فضایل امام علی(ع)



کتاب «سر دلبران» گزیده و ترجمه کتاب «۱۰۰ قصه از زندگی امام علی(ع)» نوشته محمد صدیق منشاوی-قاری مشهور و بزرگ مصری-است. نویسنده با اینکه از اهل سنت است، فضایل امیرالمؤمنین(ع) را در قالب این کتاب گردآوری کرده است. در مقدمه این کتاب، محمد صدیق منشاوی، می‌نویسد: «علی در منزل پیامبر رشد کرد و ایشان خود به تربیتش همت گمارد، لذا متخلق به اخلاق پیامبر و متصف به صفاتش گشت، دین را از سرچشمه گرفت و سیراب گشت، با فطرتی پاک و بی‌آلایش و نفسی راضی و مرضی هیچ‌گاه به پرستش بت و سنگ و چوب آلوده نشد و راه شیطان را نپیمود. علی صورتی زیبا و سیرتی ملیح داشت، نه قدبلند و نه کوتاه‌قامت بود، قلبی محکم و بدنی استوار و قوی، محاسنی پرپشت و قیافه‌ای بشاش و خوش‌رو از ویژگی‌های او بود، چشمانی نافذ و بلند پیشانی می‌نمود. علی متواضعانه لباس می‌پوشید و مانند فقرا ردایی کوتاه به تن می‌کرد. علی علیه‌السلام مناقبش بیشمار و خصلت‌هایش باشکوه، شمایلش نیکو، فضایلش پسندیده، صفاتش زیبا و صاحب کرامات بود. او امام عارفان و قدوه عاملان و پیشوای فصیحان و تاج بلغان و شیر بیشه خطیبان در شهر علم و کوه حلم است. نور از او می‌بارد و حکمت از او به سخن می‌آید. امامی است عادل که حکم نمی‌کند به باطل و رد نمی‌کند سائل را. بلندنظر است و بسیار پرتوان، شجاع شجاعان و پهلوان پهلوانان و شکننده کمر استمگران است. کسی با او در دنیا در نیاویخت، الا اینکه شکست خورد و با او مبارزه نکرد، الا اینکه کشته شد.»



فرانسه فوتبال

این روزها کیلیان امباپه درخشان‌ترین ستاره تیم قهرمان جام جهانی محسوب می‌شود، بازیکنی که در جام جهانی با سبک بازی و اخلاق خاص خود بسیار مورد توجه قرار گرفت، امباپه مصاحبه‌ای را با هفته‌نامه فرانس فوتبال داشته و در آن لیست خود را برای توپ طلا اعلام کرد که در آن نام مسی دیده نمی‌شود.



ایران تجارت فردا

هفته‌نامه تجارت فردا به بررسی موضوع چاپ پول در اقتصاد ایران پرداخته و آن را چیدن میوه ممنوعه نامیده است. در مقدمه این پرونده آمده است: «در دوا برچالش کسری بودجه و مشکلات پیچیده نظام بانکی، دست‌درازی به منابع بانک مرکزی در شرایطی که حجم نقدینگی از حجم تولید ناخالص داخلی عبور کرده، هولناک‌ترین اتفاقی است که به‌ظهور ابرچالش تورم منجر خواهد شد.»



ویک آمریکا

ماجرای دیدار پوتین و ترامپ به شکل دیگری روی جلد هفته‌نامه ویک رفته است. این هفته‌نامه از یکی از المان‌های فرهنگی روس یعنی عروسک‌های تو در تو (ماتروشکا) استفاده کرده است. این هفته‌نامه به نوعی می‌خواهد به مخاطب خود القا کند که در درون ترامپ یک پوتین قرار دارد. تیترویک آشکارسازی بزرگ است.



آمریکا تایم

پس از بحرانی که در دیدار دونالد ترامپ و پوتین در هلسینکی به‌خاطر مواضع رئیس‌جمهور آمریکا ایجاد شد، هفته‌نامه تایم در یک کار گرافیکی با تلفیق چهره ترامپ و پوتین این دوراد را واقع در یک چهره تصویر کرده است؛ چیزی که مابه‌آن می‌گوییم یک روح در دو بدن.



انگلستان اکونومیست

هفته‌نامه اکونومیست این هفته به وضعیت بد سازمان تجارت جهانی در بحران‌های اقتصادی و سیاسی میان چین، آمریکا و اروپا اشاره دارد. این هفته‌نامه این سازمان را به یک کشتی در حال غرق تشبیه کرده و روی تیترویک اصلی خود این سوال را طرح کرده که چگونه می‌توان این سازمان را نجات داد؟



در ستایش مادران خانه‌دار

نویسنده: لورا شلسینگر / مترجم: عاطفه برقعی

ناشر: نقش و نگار

تعداد صفحات: ۱۷۶

این کتاب را یک بانوی روان‌شناس نوشته است که تا سن ۲۵ سالگی اصلاً دوست نداشته مادر شود و با دیدن یک فیلم که با استفاده از فیبر نوری، مراحل شکل‌گیری کودک در رحم مادر تا تولد او را نشان می‌داد، اشک به چشمانش می‌آید و ناگهان حس می‌کند که تنها کمبود زندگی‌اش، داشتن یک فرزند است. او نمونه‌ای است از زنی که در دوران جنبش‌های زنان در عصر اوج‌گیری تفکرات فمینیستی در دهه ۱۹۶۰، مثل همه زنان متجدد آن دوره فکر می‌شود و سپس طی یک تحول درونی، به طبیعت زنانه خود بازگشته و راه جدیدی را در پیش گرفته می‌شود. دکتر لورا شلسینگر، به عنوان یک مشاور مسائل خانواده، به این مسئله که هویت زنان فقط با شغلشان تعریف می‌شود، هیچ اعتقادی ندارد و در این کتاب، قصد دارد از زنان خانه‌دار تمجید کند.

این کتاب، قبل از هر چیز، با فکر کردن در دوره تصمیم‌گیری یک زن برای مادر شدن شروع می‌شود. تصمیم‌گیری، مقدم بر همه چیز است. بعد، کشمکش‌های درونی یک مادر خانه‌دار را مرور می‌کند. بعد از آن، دیدگاه‌های مخالفان خانه‌داری را در نظر می‌گیرد و البته راه خود را از میان آن‌ها پیدا می‌کند. سپس تأثیر در خانه ماندن زنان را بر زندگی زناشویی بررسی می‌کند و مزایای این تصمیم مادر را برای فرزندان، مورد توجه قرار می‌دهد. پس از این‌ها، به تغییر وضعیت مادر خانه‌دار فکر می‌کند و برای شرایط آن دوره راهکارهای خوبی ارائه می‌کند. تجربه‌های خوب و بد، و تجربه‌های فراموش‌نشده خانه‌داری زن، در این کتاب مرور می‌شود و در پایان، توصیه‌هایی از نویسنده دریافت می‌کنیم که در زندگی روزمره یک زن خانه‌دار بسیار راهگشاست.



هنر مدرن: بررسی و تحلیل هنر معاصر جهان

نویسنده: مرتضی گودرزی (دیباچ)

ناشر: سوره مهر

تعداد صفحات: ۸۶۸



«هنر مدرن»، یک کتاب تاریخی و تحلیلی، در زمینه شناخت مکاتب هنری معاصر است. نویسنده با تألیف این کتاب قصد داشته جریان‌ها و مکاتب هنری معاصر، اعم از مدرن و پست‌مدرن را، در ظرف زمانی خود، بررسی کند و نشان دهد که این مکاتب، هر کدام در چه اوضاع و با چه زمینه‌های فکری و اجتماعی ویژه‌ای شکل گرفته و رشد کرده‌اند. در این کتاب، اگرچه درون‌مایه تاریخی برجسته‌ای به چشم می‌خورد، اما تحلیل و تفسیر هنری نیز جایگاه مهمی دارد و بدون درک حداقلی از مبانی هنر، فهم و دریافت مفاهیم کتاب برای خواننده مشکل خواهد شد.

نویسنده در این کتاب از یک زاویه دید مشخص و با یک نگاه ثابت به تحلیل همه پدیده‌های هنری معاصر پرداخته و همه را زیر یک ذره‌بین نبوده است و در طول کار خود از قضاوت‌های یک‌جانبه پرهیز و کوشش کرده نگاهی واقع‌بینانه بر تحلیل‌های او حاکم باشد.

ترتیب پیشرفت کار کتاب، بر اساس ادوار تاریخی هنر است و در فصل‌های کتاب به این موضوعات می‌پردازد و به لحاظ جامعیت و شمول، چه از جهت نظری و چه از نظر تاریخی، کامل است و کوشش کرده هیچ اتفاق مهمی را از قلم نیاندازد.

مطالعه این کتاب، دید موسعی را برای پژوهشگران هنر به وجود می‌آورد تا بتوانند با مرور تاریخ و نظریه‌ها، شناخت مناسبی را از هنر معاصر جهان به دست بیاورند. مطالعه این کتاب، برای افرادی که به رشته پژوهش هنر علاقه دارند یا این حوزه مطالعاتی را دنبال می‌کنند، توصیه می‌شود.





آرشیو کامل

هفته نامه مکتلت

از سال ۸۸ تا ۹۲

نمایش نسخه دیجیتالی | نسخه pdf | جستجوی پیشرفته
سال به روایت تصویر | شبکه های اجتماعی

مجری طرح:



مؤسسه فرهنگی هنری
نسیم شب کویر

www.nshk.ir

معاونت ملی اجتماعی

مکتلت

درک تازه ای از واقعیت

www.mosallas.ir